

سپاوون

شماره اول حمل ۱۳۶۸ مطابق اپریل ۱۹۸۹ مطابق
رمضان المبارک ۱۴۰۹ - سال دوم شمار مسلسل ۱۱



مورکیشیہ

صدای

جاودانہ

سدها

۲۰ لیلا، لیلا نوروز است

۲۱ خدا یاد دنیا دوروز است

۲۲ ۱۳۶۸ سال ولی دژر مار کال بولی؟

لکی فایف ۵۵۵



دعوت کما حقہ
و شخصہ مخصوصہ و شیر خورہ شہرانیہ لاجنس صورتہ بگزار می نماید سالانہ
لکے فایف ہمیشہ بر شمس اپر خاطرہ خواہد بود

آدرس: شهر ن—مقابل مسجد جامع شیرپور • تلفون: ۲۰۴۱۰



یمار امین ویدیو کست

بعترین فلمعای ویدیو گلچین (پینتو، دری،
هندي وایرانی) آماده فروش دارد • فلمبرد آری از
محافل خوش شما بد یرفته میشود •
ادرس: منزل اول فروشگاه بزرگ افغان
۲۱۷۷۶-۲۰۷۰۴

عکاسخانه هروی

عکاسخانه هروی عکاسی محافل خوشو سرور شمارا
به بدترین وجه برگه از مینماید
(همچنان شب وید یو یسی)

اکدیس: چهار راه سردار
تق برفخانه
جمهوریت

خوراکه فروشی انوش

خوراکه فروشی انوش تازه به فعالیت آغاز نموده انواع خوراکه باب
را به قیمت های مناسب عرضه میدارد •
مشتری د ایسی خوراکه فروشی انوش باشید • همچنان مجلات
و جراید مورد علاقه تانرا ازین خوراکه فروشی
د ستیاب کرده میتوانید •

اکدیس: چوک قلع فتح شه

سبا و وک

اعلان تاش شمارا با شرایط بهتر بنیسه
میرسانه

خوراکه فروشی سب و وک

خوراکه مورد
نیاز شمارا به
فروش میرساند •
همچنان بلوزهای
بهاره هندي ولباس -
جین از قبیل براهن، دامن
جمبر های زنانه، طفلانه و دخترانه
ساخت وطن را با قیمت های نازل بد سترن سرا -
جمعین محنت ترارمید هد •
شما میتوانید مجلات و نشریه های مورد علاقه تانرا نیز بد ست آرید •

اکدیس: سرک ۶ قلع فتح شه تق برفخانه برادران هروی

قرطاسیه فروشی سید احمد شاه

جدید
ترین لوازم
تحریر کلمپ
معارف •
اقسام کتاب
و کتابچه، انواع قلم های
خود کار خود رنگ وده ها قلم
اجناس د یگر مورد ضرورت تانرا به قیمت های مناسب
ورضایت بخش د ستیاب نمایید • ادرس منزل اول فروشگاه بزرگ -
افغان • نمبر تلفون ۲۱۷۷۶

قرطاسیه فروشی اخبارک

کتاب، قرطاسیه، مجلات و کارتهای
تشریحی ارزان و خوش
اکدیس: منزل اول فروشگاه بزرگ فغان

قرطاسیه فروشی دوست

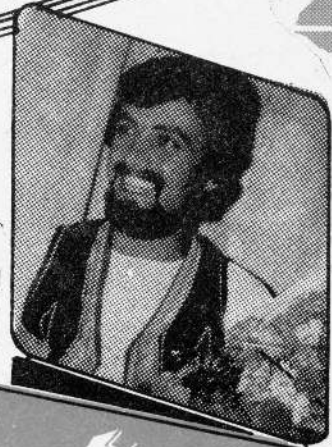
انواع قرطاسیه، جراید و مجلات د لخواهتان را عرضه
میدارد • به ادرس توجه نمایید •

ماکتب مکر و باغ کهنه

ضروری: د ر شماره یازدهم سال ۶۷ مجله سبا و وک در شرح عکسهای مرسوط
به استعدادها ثروت ملی ما، نام محنت قاری فاخره قاری و قار تصیح شود.

شماره اول حمل ۱۳۶۸ سال دوم
شماره مسلسل نهم

سپاه ووت



نعیم پوپل

یلا

نوروز

است صفحه (۲۵)

صفحه (۳۵)

فاجعه



صدای گمشده
جاودانه‌سده‌ها

صفحه (۲۰)

درسهای موسیقی

صفحه (۸۴)

آیاتاسی دخیل
کورزیر
سیرین
پاستی
مخ (۸۷)

از مود تا سینما
صفحه (۵۴)

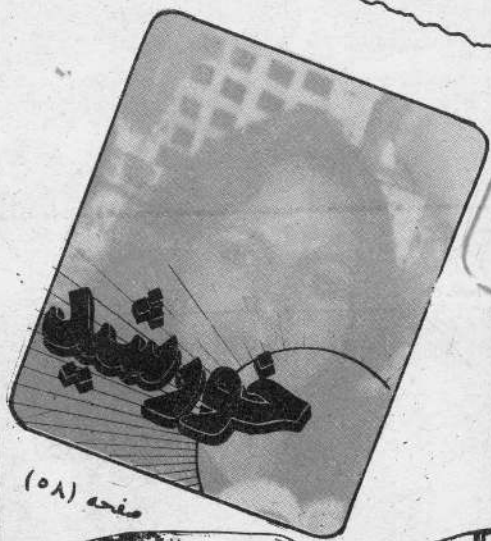
صفحه (۲۲)

چگونگی نوشتن

علی افشاری
پروما جراحی را در این کتاب
دنیای عشق خود را
سرگشته نشاند



چهار صد سالگی
صفحه (۳۲)



صفحه (۵۸)

از گپها که ما خبر شدیم
صفحه (۴۴)

۱۳۷۱ سال نوی در زمان بوم

بخ (۲۷)

زن ۱۳ سالگی که مرد

صفحه (۴۰)

مدیرمسئول: دکتور ظا هرطنین
تلفون: ۶۱۹۵۲
معاون: محمد اصف معروف
تلفون: ۶۲۷۵۲
سوجبور: ۶۱۸۷۸
ارتباطی: ۳۹ - ۴۸ - ۵۴



نشریه اتحادیه ژورنالیستان
جمهوری افغانستان

زیر نظر هیأت تحریر:
بارق شفیعی
محمد حبیبی
عبدالله شادان
لطیف ناظمی
رهنورد زریاب
شفیق وحدان

ارتزگرافیک: محمد طیب و
وحمید سمور
مطابقی: کبیر امیر
عمی نامی

اداره مجله در تصحیح و تدقیق مطالب دست ازاد دارد. مضا مین
وارد در صورت نشر یا عدم نشر مسترد نمیگردد. نظریات ارایه شده صرف
نظر نویسندگان میباشد.

مصیبت‌اشک

مباحثه: حسینا حافظ

امروز در نیای ماینس و تکالوژی، متأسفانه مواردی وجود دارد که نمی‌شود آن را با این همه مسایل و تکالوژی بیشتر-فته تدایي کرد. هیچ اندازه هم برای وابستگی انسانهای عصر ما به مواد مخدر معین شده نمی‌تواند. شبکه‌های وسیع برای کشتن انسانها توسط مواد مخدره فعالیت میکند. مافیا امروز در هر کجایی شاخ و پنجه زده است. تاجران مرگ با وسایل گوناگون داروی مرگ را عرضه میدارند. این تاجران هیت‌های مختلف دارند، در هر کشوری سزولکته‌شان پیدا است، به قیمت جان هزاران جوان آنان زنده کسی آبرومندان و شاهانه می‌نمایند چرا اعتماد از بین نمیرود؟ چرا نیروی جوان و فعال کشورهای جهان سوم عمدتاً و انسانهای کشورهای پیشرفته به حلقه‌های معتادین کشانیده میشود؟ برای اینکار بازی‌های تجارتي و سیاسی ادامه دارد، و اما اعتماد و وضع اعتماد در کشورها چگونه است؟ مجله ما از کار این برابرم نمیتواند به ساده‌گی بگذرد. چنانچه در شماره‌های قبلی خویش نیز در مورد نوشته‌هایی داشتم و اینک در این شماره با هم با دکتر عبدالسلام آثم رئیس بخش صحت روانه‌ها حبه‌ی ترتیب داده و توجه خواننده‌گان را به آن جلب میدارم و تقاضا دارم آنرا تا اخیر بخوانید.

س: اعتماد دواي چي مفهـوم دارد؟



ج : وابستگی دوايي که به عوض کلمه اعتياد دوايي يا معتاد شدن از طرف سازمان صحت جهان پذيرفته شده است عبارت از مجموعه عوارض جسمي و زکامی و سلوکي ميباشد اين عارضه در اثر وابستگی به مواد الکولي يا مخدر وجود مي آيد که حالات مختلف مي داشته باشد البته وابستگی دوايي با سوء استعمال دوايي فرق دارد .

س : اعتياد يا وابستگی به مواد مخدره در کشور ما چيزي تازه نيست ولي در اين اواخر تعداد زيادي از جوانان به مواد مخدر معتاد گردیده اند به علت چیست ؟

ج : علل و اسباب مختلف ميتواند وجود داشته باشد . ناپاسامانی شخصيت مي ثباتی عواطف و احساسات شخصي موجود است خانواده هاي پراکنده هاي نم انگيزه فشار اجتماعي هم نشيني با دوستان معتاد وغيره . همچنان کنجکاري براي دريافتن اسرار رمز مواد نشه آورنده ها هم بخاطر فراموشي نم و نگرانی به صورت موقت و بايد علل عده را در تبليغات فرهنگي قاچاقچيان مواد مخدره دريافت که جوانان و نوجوانان کم تجربه به دامان مي افتند . علل هاي ديگر روانسي نيز وجود دارد مثلاً افاده خود کامگی و نوع بندي و باري نسبت به خانواده و محيط .

س : در شرايط کشور ما اعتياد نوع از خود بيگانگی است يا لذت بردن ؟

ج : به موضوع دلچسپي تما مي گرفتيد در کشورهای مختلف حالت اعتياد نه تنها در شرايط جنگ بلکه در همه حالات وجود مي داشته باشد چنانکه امروزه در کشورهاي مختلف جهان اين امر به مشاهده ميرسد که بنا بر تجربی جوانان بتزليل افکار

بي اراده مي ويوارد ديگر که قبلاً ذکر نموديم حالات اعتياد بروز ميکند . برخی از معتادان فکر کرده اند که گويابنا بردن بيه مواد مخدره و مشروبات الکولي آن ها را به عالم ديگر برده و در چنان حالت ميتوانند نفس راحت بکشند حالانکه در نتيجه اين حالت زنده مي آنها به تباهي مواجه شده و واقعيت هاي زنده مي همانطور بچامی ماند .

در مورد لذت بردن که شما از آن ياد کرديد در اوایل خوشی هاي گذرا و کاذب به وجود مي آيد بعداً حالت نشه غمناک وغير قابل تحمل مي باشد و از سوي ديگر انسان معتاد در يك ناگيري قرار مي داشته باشد به مصداق همان شعر :
نشه صهبانمی آرزو به تشويش خمار
در گذر امروز عذاب که فردا آتش است

س : ارتباط معتاد بين بخصوص جوانان با امراض رواني چگونه است ؟

ج : نزد معتادان تشويشات رواني بملاحظه ميرسد گاهي ديوار است که فهميده شود که ايا اعتياد باعث تشويش رواني شده است يا تشويش رواني باعث اعتياد .

به هر صورت تاثيرات اين دوايي لاي هم متقابل است در نتيجه پناه بردن به مواد مخدره انسان بي اراده شده مسووليت هاي اجتماعي و اخلاقي را کمتر درک مي کند . استدلال و منطق نزد معتاد از بين رفته احساسات عجز و کوتاه نظري شود کم حوصلگی و شک بردن بيچنان نسبت به همسر و دوستان در او تقويت يافته چنين تلقينات قضاوتش را متاثير مي سازد به تدریج نفرت و دوستان و خانواده اش را نسبت

به خود بيشتري سازد و گاهي هم از شخص معتاد فقط بايد انتظار انسان زنده را داشت که مشابه به يك مجسمه است .

س : بيشتري معتاد بين درجا معه ما کيها اند و از کدام مواد استفاده بعمل مي آورند ؟

ج : در حالاتيک فعاليت قاچاقچيان و تجاران مواد مخدر مساعد تر باشد خطر اعتياد وسيعتر مي شود مخصوصاً در کشورهایمانند کشور ما دشواري هاي زنده گي مصيبت هاي جنگ و بيسوادي و عوامل ازينگونه اين مصيبت را افزايش ميدهد در کشور ما در برخی مناطق از ترياکی بحیث داروي آرام کننده سرفه و تسکين درد اعضا و دوايي خواب آور استفاده مي شود از ترياکی کوچر و گاهي براي درمان و معالجه قلع ها کار مي گيرند در برخی از ولايات ما در طبابت هاي محلي و غنچهوي حتی براي اطفال نيز اين مواد را توصيه ميکنند . حالانکه توصيه اين مواد صد فيصد از کودکی اعتياد را به بار مي آورد . در بخش هاي ديگر کشور ما که کشت و توليد ترياکی چرسو تنباکو رايج است از لحاظ اشتغال افراد با اين مواد وابستگی هاي دوايي را بوجود مي آورد . بد بختانه در سال هاي اخير هيروئين در بين جوانان جامعه بازاریافته است . متأسفانه زماني دختران و پسران جوان مصاب به آن به مشاهده ميرسد که البته کار وسيعی و مبارزه عليه آن ادامه دارد .

نمونه هاي از مواد ديگر مثل ماندرس ، مخم و بننگ آب و بعضی ادويه ديگر هم وجود دارد چنانچه مي گويند : در يکی از مناطق ولايت بدخشان پيغمردی بود که مدت درازی ترياکی دود می کرد

و به آن وابستگی داشت زمانیکه او چشم از جهان می پوشد در فضاي کلبه موصوف ديگر دود ترياکی نمی پيچيد و چندي بعد يکتعداد موش هاي مرده در بين اتاق محقر پير مرد متوفی ديده می شود . دليل آن اين است که حتی موش هاي موجود در سوراخ هاي خانه نيز به ترياکی وابستگی پيدا کرده بودند که با قطع دود ترياکی و تبا ني آوردن بيترک آن مرده و زمين اتاق آن پير مرد افتاده اند .

تاجاييکه از خود ما بين وابسته به هيروئين معلومات حاصل شده هيروئين نيز در کشور ما برخلاف کشورهای ديگر از طريق دود کردن به مصرف ميرسد .

س : تعداد معتاد بين به مواد مخدره در شهر کابل آيا معلوم است ؟

ج : آماري وجود ندارد يگان احصائيه تشييت يکصد هزار مصاب وابسته به ترياکی در بدخشان است که مربوط بيک دهه قبل است . رياست صحت رواني وزارت صحت عامه در نظر دارد تا به همکاري مالي اداره سازمان صحت جهان و مساعدت هاي ارگان هاي ذيربطه احصائيه مصابين به مواد مخدره و مشروبات الکولي در شهر کابل وسپس در ولايات را بدست آورد . باتاسف بايد گفت که تعداد اين اشخاص افزايش يافته است و ايجاب توجه جدي را مي نمايد .

س : برنامه تدبيريه چگونه است ؟

بقيه در صفحه (۷۴)

دواي مرگ و تاجران مرگ



بِه ميگويند



چاندِه

دوره



چاندِه

مهر و خورشيد

شماره

سال

تاس

دوسه د واده

هيڼه منده م هغه كسان چې په تخينو عقل ناروغپوخته دي ژر تر ژره شفا ومومي او د عقلي او هوښيارۍ سترگي يې روحي شي خبره داسې ده چې تخني يې احساسه او يې مسووليت ته نارينه د خپل ژوند بدي او د نيسي روحي چې لومړنۍ ښځې ورسره په ورين تندي كاللي چوره ياده باسي حتي د خپل ښه نس او شهرت څخه تير يزي او د دوهم واره بند وپست كوي كه څه هم چې د موضوع نوي نه ده ولي په ٦٢ كال كې يې د سارن ناروغي ښه ځانته نيولي او په يركسانو ته يې سر ايت وكړ. اميد واره يې مسر كال داد كو رښورنگيد و ناروغي له منځه ولاړه شي.

لطيفه پيراد پياتون پوهنځي فارغ التحصيله



پاكي و صفائي

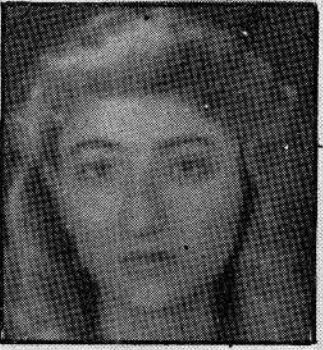
عزيز آقا سراز د لېسنگي خاصي په پاكي و صفائي دام، آرزومندم صاحب خانه مكروريان شم، آنجا به ترمي شوم. پاكي و صفائي راتا مين كرد. - اگريا دخترې هم سفر زنده كي شويد كه او چندان توجه به پاكي نده استه باشد در آن صورت چه خواهيد كرد؟ - خداي ناخواسته باشد كه اينچنين شوي، ورته كار زارمي شوي با آنهم اگراچنين دخترې سرد چارن سدم انوت اورا به روحيه خود تربيه ميكسم.



نظام ود سپلين در سرويس ها

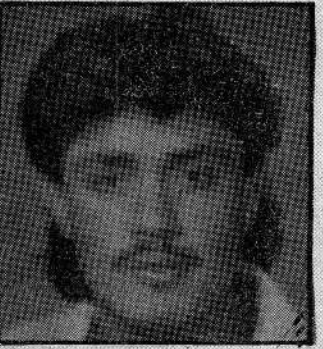
عضوكلان خانواده ام مياشم .. آرزو دان خواهران و برادرانم به آرزو هاي دلشان نایل آيند . همچنان آرزومندم كه بعضي از همشهریان مانظم ود سپلين اجتماعي را در سرويس هاي ملي بس جديا رعایت نمايند ، و نگرانان محترم هم درين زمينه از خود سي تفاوتی نشان ندهند ، بعضي از مردان به بالا شدن از د روزه او سرويس هلا تمندي بسيار نشان ميدهند وقتي برايشان گفته شود كه يك كم دور شويد و يا بد اخل سرويس پيش برويد ميگويند : ((برو بي جان توجهه خود همي سازي ، ما از خود خوار و مادر داريم ...))

مصرياتيكا نديريستاني فارغ التحصيله



ميخواهد هنرمند سينما شود

محمد نريد محصل سال د م پوهنځي هنر هاي زيبا : در رشته تياتر و سينما مصروف تحصيل استم ، باسلكم عشق ميورزم و دوستم ميدان ، و معين ام هر نقشه كه برام سپرد مشود ميتوانم آنرا به خوبي اجرا نمايم ، ولي با تا سف چند بار يكه به اداره فلم هاي هنري و مستقيم مراجعه كردم خود را پشت در بسته يافتم و جواب رد شنيدم ، آرزومندم كه امسال آرزو هام برآورده شود و بتوانم در فلم ها كار نمايم .



پایند حاضری خانه

پایند حاضری خانه



روهینا محسن پوهنتنی ژورنالینم :
تعمیم د اتم اسنال باشخسر مورد نظم ازدواج تمام آرزو د اتم
که د زمینه فامیل مخالفت ننماید .
آرزو مند بعد از عروسی شوهرم مراخیلی دوست بد اوردوسه
وقت معین خانه بیاید ، یعنی آن تسمیکه باید حاضر د دفتر
میباشد ، باید ، باید حاضر نزد من نیز باشد .

وفادار و پولدار



رزیا وفا کارمند وزارت امور عودت کننده کان :
آرزو د اتم باخوانی دارای تحصیلات عالی ، وفادار و پولدار
ازدواج تمام ، پولدار به خاطر اینکه میخوایم ماه غسل رادرخان
از کشور سوری تمام .
- اگر باخوانی دارای چنین صفات آشنا نشدید در آن صورت ؟
- در آن صورت باهیی کسر از دواج نخواهم کرد .

در آرزوی ثروت و شهرت



محبوبه کارمند نشرات سنا :
د رزنده گیام سه آرزوی بزرگ د اتم که به حقیقت بیوستن آن
خیلی مشکل و باهم دوزار امکان است ، نخست آرزو د اتم خیلی ها
تروتمند باشم ، آندر که حسابش را کم ، دوم اینکه یک ورزشکار
ورزیده به سویه جهانی باشم و در مسابقات ورزشی جهانی همیس
موفقیت ازان من باشد و سن اینکه میخوایم به ایالات متحده
ایرکیکاسفر تمام .

بنیاست او اخلاق



خیال محمد سرراز :
زما بیواچینی هیله داده چی سرکال د ترخیر د اخیستلو
وروسته د ژورنالینم به پوهنتنی کی شامل شم . اوم د ژوند ملگری
چی بنیاست او اخلاق ولری پیدا کن .
- د د بی خصویاتو لروونکو انجلی سره که بیسواده ورا شناسی
عنه انتخابوی ؟
- لومری کوشس کم چی د ژوند ملگری می باید باسواده وی
اوه که نه وه نویایی د مبارزه با بیسواده . کورس کی شاملم او خبله هم
شبه اوون ور سره سبی وایم ترخو با سواده شی .



چهارمین جشنواره شعر جوان

مباحثه از کلامه حبیب

وقتی شعری را زمزمه میکند چنانست که گویی دریایی از نسور در رگهای جانانت جاری میشود . صدایش آنچنان برجذب و نوازشگر و لطیف است که وقتی میشنوی تنهایی در وجودت میشکند، زیرا که در صدایش وسعت رویش و پایش است .

سیما شادان از زمره دیکلماتورانی است که میتوان گفت در بخش زنها چون او زیاد نداریم و اگر هم است انگشت شمار . وقتی عقب میکروفون قرار میگیرد ، وقتی شعری را از بیدل زمزمه میکند آنچنان با احساس میخواند ، آنچنان شعر را جان میبخشد که گویی این خود شاعر است که در نزد یکی ات نفس میکشد . بادنمایی از برشها بدیدنش میرم تا توشه بی برای مجله تهیه دایم ، مانند همیشه آنچنان که است با لطف همیشه کسی اش که خمیر وجود اوست با خوبی و مهربانی یک زن رو بروم می نشیند . هر چند که در برخورد هایش صمیمی است اما در گفتار خود نهایت جدی و دقیق است .

من بعد از سکوت کوتاهی از وی میروم :

- وقتی اولین بار عقب میکروفون قرار گرفتید و اوهام نداشتید ؟
- البته که و اوهام داشتیم ، حتی صدای قلم را میشنیدیم بخصوص که آنروز عبدالله ((شادان)) همراه با من اخبار را میخواند .
- و آیا غلطی نکردید ؟

- نه همه اخبار را بدون غلط خواندم .

- شما علاوه بر آنکه نطان خوب و ورزیده استید اشعار را نیز دیکلمه می کنید، آیا اتفاقی افتاده که اشعار را غلط بخوانید ؟
- چرانه حتماً غلط خوانده ام زیرا گاهی همان لحظه یعنی در آخرین لحظات شروع پروگرام شعر را بمن سپرده انده بخصوص وقتی شعر از مولانا و بیدل بوده طبعاً که بدون غلطی نبوده است .
- شما وقتی اولین باری که شعر را دیکلمه میکردید خواستید مانند چه کسی دیکلمه کنید چون فریده انوری یا کسی دیگر و یا خودتان ؟

- چون زنده گی من با عبدالله شادان است من از او آموختم ولی تا اکنون از کسی تقلید نکرده ام . بودن عبدالله شادان نطق ورزیده که دوبار جایزه اول دیکلمه شعر را گرفته است ، فکر میکنم برای کافی است .

- شما اکثراً هنگام کارگردانی می کنید همینطور است ؟



پونتم در نیمه های شب به چه فکرمی کند

ترجمه علی اشرف

س- اگر بیگانه پس با شما تماس میگیرد و یا کسی دست شمارا میگیرد و یا دستانتان را در ورگوشهای بیچند پس احساس به شما دست میدهد ؟

ج- در چنین حالات خود را نا راحت احساس میکنم و از این آشنایی ها خوشم نمی آید. اگر یک دوستم ، مادر و یا کسی را که دوست دارم مرا به اغوش میکشند البته که قشیه کاملاً جداست از چنین چیزها. و در راحتی خیلی به دورتم میدارم و اگر ضرورت بیفتد بگویم. پشت مورد آزار (پس میزنم) در چنین حالت خیلی با قاطعیت و در جلو چشم همه عکس العمل نشان میدهم. خیلی میزنم و یا خنجر را میدرم. با آنهم در زنده گی حقی لسته پس هم خودم را تنها و بدون دوست احساس نکرده ام.

س- لطفاً در مورد بوسه نشستن تان وارک و راست بگوید ؟

ج- من هرگز مردی را در ملاقات نخست نمی بوسم. اگر راست بگویم به چنین ملاقاتهایی دم نرفته ام. فراموش نباید کرد که مادر خند بوسه بهم نه در آمریکا ، در ایران ، دختران را به بیرون رفتن دعوت میکنند. زود ارموز تان دعوت صورت نخواهد گرفت. زود ارموز همیشه سهواً استم و دعوت دختر همیشه جرات بیشتر به دارند. زنانه کسی مراد دعوت کند. تمام باید دختر دیده در این باشد. بنابراین مردانه زن میزنم اما را به بوسه نمیزنم

س- در نیمه های شب وقتی همه خوابند شما درباره چه فکر میکنید ؟

ج- فکر ، فکر ، درباره چه فکر میکنم ؟ این مربوط میشود به اینکه چگونه روزی را گذرانم.

س- در روز بدی را گذرانده باشم ، از زرد میباشم و در بستم ((لوتن)) میزنم و اما امروز خوبی برایم بوده باشد و حال میباشم به بالشت میزنم و باید لبخند خواب میروم ، این مهم نیست که من چه ساعتی بخانه بر میگردم چهار صبح یا شش صبح ، من خواب سنگین ندارم هرگاه تلفون در یکی از اتاق های دور هم زنگ بزند آنرا می شنوم و فوراً بر میخیزم. اما شب زنده دارم حاضری دم داشته ام و آن وقت بوده که یا ناراحتی روسی یا اختناق نشوری با مادر و خواهر داشته ام و عاشقی میخواسته خراب شود. س- وقتی به اغوش کشیده شدید اید عکس العمر تان چه بوده است ؟

وای ! وار خندان ! این دیگره است؟ بعضی حال این مربوط می شود به کسی که مراد اغوش میگیرد.



میخواهم زنی باشم عاشق با خدا دوستی یک با یک مرد میتوانم بعد گسترده تری از سکس داشته باشم



چونان نسل نوبی حد پیرو و از ادا است و درین مسورد چسارت کرده با والدین شان حرف میزنند ، اما در مورد من صدق نمیکند چه من تراورده دهه (۸۰) نیستم ، از تنو تا اندازه یی مسافه کار استم و عذرت میخواهم البته در آینده پیراز کسی اوقات نرم در زمینه صحبت خواهم کرد ، به عقیده من جوانی جو دارد درین مورد ابراز ندرند که از لسا نورو به پختگی بنیه در صفحه (۶۰)

بوسیدن یک امر طبیعی است و وسیله انتقال احساس دوستی و محبت تلق میشود. س- خوب اجازه میدید کسی جلو بروم و ؟

ترجمه: انجنیر حلیم

تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی و سردی و متلاطم درجه حرارت خواهد بود

تأثیر عمده جنگ

ذروی سقوط ناگهانی و سردی

و متلاطم درجه حرارت خواهد بود



شوری در مطالعات و تحقیقاتشان پیرامون تغییرات ممکنه در اتموسفر بعد از جنگ ذروی به چیزهای تازه و مشخصی دست یافته اند، آنان توانهای خاکی را که بر سطح کره میخوردند و پیوند می یابند مثال می آورند.

طبق نظریه گولیتسین، خاکبده هایی که از کره میخوردند در آسمان تابستان بلند می شود، تمام کره میخوردند و در طرف چپ هفته در هر یک میگرد و درجه حرارت کره میخوردند و در صورت کلی تغییر میدهد، سطح کره سرد میشود در حالیکه اتموسفر بسوی بالا گرم است و به شکل متناقض جهان پیدا میکند، همچو چیز مشابهی بر روی سطح کره زمین نیز اتفاق خواهد افتاد، بر طبق تخمین های نهایت مستطانه، بی که بعمل آمده آلوده کی اتموسفر ناشی از جنگ ذروی در تمام کره زمین از شدت شمع خورشید که به سطح زمین می رسد ظرف چند هفته در حدود (۱۰۰) - مرتبه خواهد گاست.

مدل های اقلیمی ایالات متحده و اتحاد شوروی نشان میدهد که بعد از انفجار ((صرف)) ۱۰۰ میگاتن ((معادل ۸۰۰۰ هیروشیما)) کره زمین برای زندگی انسان یا هر ارگانیسم زنده دیگر جایی مناسبی نخواهد بود.

یک شب طولانی و خاموش

بر طبق نظریه آلبرایچ، دانشمند یولوژی در پوهنتون ستانفورد کالیفرنیا، هر بخش از جهان زنده که از فاجعه ذروی در امان مانده باشد در هر صورت محکوم به فنا خواهد بود، علت ساده آن اینست که فوتوسنتز، این پایه و اساس زنده گی نجات در تاریکی غیر ممکن خواهد بود و بدون زندگی نجات تمام حیوانات بازمانده از فاجعه از بین خواهد رفت.

حق اگر تصور کنیم که شرایط نیست شکل ارتجاسی بخود بگیرد، در آن صورت جهان با خطر دیگری یعنی شمع قوی ماورای بنفش مواجه خواهد شد.

تشکیل مقادیر نهایت زیاد نایتروجن اکساید در ساحه اطراف قشر اوزون اتموسفر طبق نظریه اسرائیل عضو آکادمی علوم اتحاد شوروی بقیه در صفحه (۲۷)

از این خواهد رفت زیرا این جنگلات حتی در برابر تغییرات جزئی درجه حرارت پتانوریتوانند مقاومت کنند.

صریخندگان دیگر؟

الکساندراف معتقد است که تغییرات یکسال را در بر خواهد گرفت تا جهان باردگر تلاشگر روز روشن باشد، این چه چیزی را آشکار میسازد یا توضیح میدهد؟ جنگلات وسیع به صحرانیمه صحرای مبدل خواهد شد البدی (یا قدرت انعکاس نور) سطح زمین دوچند یاسه چند خواهد گردید که در نتیجه آن نور خیلی کمتری از خورشید جذب خواهد شد و بدین ترتیب تمام سیستم اقلیمی جهان دستخوش تغییر خواهد گردید. این نشاندهنده امکان پیدایش یک صریخندگان دیگر است. ملاتوا الکساندراف و ستیجکوف محاسبه کرده اند که در حدود (۸) ماه بعد از درگیری ذروی، هوای گرم بر روی ساحات تپت و بعضی نقاط دیگر موجب خواهد شد تا برفها و یخبندانهای ساحات مذکور آب گردیده و در نتیجه آبهای خیلی زیادی بر روی تاره ها سرانبر خواهد شد، بار دگر سیل عظیمی توأم با درجه حرارت قطبی همه جا را فرا خواهد گرفت.

تمام این ((سناریو)) ها تصور میکنند که فاجعه ذروی در صورت وقوع در نیم کره شمالی رخ خواهد داد، چون کله های هوای سرد و نیم کره در اثر مانع اقلیمی غیر مرئی خط استوا از هم جدا شده اند، انسان میتواند تصور کند که بازماندگان این فاجعه بایست در نیم کره جنوبی پناه گزین شوند.

زمستان ذروی بر تمام مناطق تا نور خواهد انگند؟

بدبختانه به چنین امدها و آرزوها بخود دل بسته اند، طبق نظر الکساندراف این مانع تفاوت های درجه حرارت بین دو نیم کره از بین خواهد برد.

این فرضیه که هیچ منطقه بی بر روی کره زمین از این فاجعه در امان نخواهد ماند بهر جهت تحقیق مستقل دیگری تأیید شده است. کارل ساگان دانشمند آمریکایی و گولیتسین و گینزوری دانشمندان

خواهد شد و حداقل برای یکسال ادامه خواهد یافت.

آفت ایکولوژیکی سرتاسری؟

هفته ای بعد از انفجار ((زمستان)) همراه با تاریکی تقریباً مطلق فرا میخورد، صدها هزار تن خاکستر و دود آتش های شعله ور در در سرتاسر قاره ها پرده غیر قابل نفوذی را بر روی آسمان خواهد کشید. شکل نورمال اتموسفر با هوای گرم در بالا و هوای سرد در پایین حالت معکوس را بخود خواهد گرفت.

طبق نظریه اولدیمر الکساندراف، درجه حرارت اتموسفر در ارتفاعات بین (۱۰۰۰۰) و (۱۰۰۰) متر تا چند درجه سانتیگراد خواهد رسید در حالیکه در سطح زمین درجه حرارت در حدود پنج درجه پایین تر از نورمال کاهش خواهد یافت، با این کار واکنش زنجیری از حرکت بازمی آید و منتهی به آفت ویدیخی ایکولوژیکی سرتاسری میگردد.

ناپودی حیات بصورت کل؟

مدل سید بعدی های درود آنها یکی اتحاد شوروی از اقلیم جهان تأثیرات جانبی وحشت انگیز زمستان ذروی را ارائه میکند، طوری که تفاوت نهایت زیاد درجه حرارت بین تاره ها و اوجبار (هوای خیلی آهسته تر بر روی اوجبار سرد) منتهی به تند بادها و توفانهای شدید در زمین های ساحلی خواهد گردید که این به توبه خود چنان بر فباری های شدیدی را بدین حال خواهد داشت که حیات را بصورت کل نابود خواهد ساخت، علاوه بر آن تغییرات اتموسفری سایر اقلیم های در لوئیکی را کاملاً از بین خواهد برد و خشکسالی، ذو اندازی را بر قاره های وسیع بندگان و بدون خورشید چگونه خواهد ساخت.

بعبارت دیگر، هراتیبه که از صمیم آتش جان سلامت برده، سردی یا خشکسالی اثر از این خواهد برد، یخبندان ناگهانی و وسیع که الکساندراف و ستیجکوف آنرا پیش بینی کرده، برای جنگلات در ارتفاعات متوسط تپاه کن و کشته خواهد بود، جنگلات مناطق حاره و نیمه حاره بی که تقریباً نیمی از کله خشک زمین را در بر میگیرد، یعنی طوری

بگذارد فرض کنیم حادثه غیر قابل تصور وقوع مییست... سیمای جهان بعد از فاجعه ذروی چگونه خواهد بود؟

از پاسخ این سوال میتوان نهایت مشابهت را قاطع در برابر وجودیت (۵۰۰۰۰) سرگوله ذروی فعلی جهان کار گرفت. در کفرانس های دانشمندان ذروی در سیکو، واشنگتن و شهرهای دیگر نماینده گان جامعه علمی جهان به آخرین مسائلات و تحقیقاتشان پیرامون اینکه جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد بود توجه جدی مبدول داشته اند، تنهاسه سال قبل، دانشمندان ذروی این مفکوره که اگرچه وضع جهان بعد از جنگ ذروی خیلی فاجعه انگیز و ناگوار خواهد بود، ولی موجودات زنده به ناچار مانند یکس هستا گشته نخواهند شد، کار کردند، این دانشمندان اکنون بعد از دست یافتن به حقایق تازه و اینکه برای همچو ((خوشبینی)) استدلال ضعیفی وجود دارد، تغییر عقیده داده اند.

پس اینجاست سیمای بعد از فاجعه ذروی از نگاه دانشمندان زمانیکه سناریوهای گوناگون جنگ ذروی در معرض آزمایشات دقیق و تجارب مدل های کمپیوتری قرار گرفت، چه قدرت محض انفجار (۱۰۰) میگاتن یا (۵۰۰۰) میگاتن (کمتر از نصف زیاد خانه میخورد ذروی جهان) باشد، همه به این نتیجه رسیدند که: عواقب انفجارات ذروی نسبت به تاثيرات مستقیم آن (امواج تکان دهنده، جریان حرارت یا تند باد حرارتی و شمع) به مراتب وحشتناکتر و کشنده تر است.

مدل های اقلیمی که لیزترف دانشمندان شوروی و امریکایی یعنی تیم ساگان در پوهنتون کورنل، متخصصین و دانشمندان مرکزی ایالات متحده برای تحقیقات اتموسفری در ستانفورد در رأس آن قرار دارد و اولدیمر الکساندراف و گینزوری ستیجکوف از مرکز ریاضی آکادمی علوم شوروی، گینزوری گولیتسین و الکساندر گینزوری از انستیتوت نیک اتموسفر مستقلانه طرح شده است تصویر مشابهی را از سیمای جهان بعد از جنگ ذروی ارائه میکند، تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی و سردی و متلاطم درجه حرارت خواهد بود، ظرف چند روز محدود جهان از سردی یقیناً به انداز سردی قطب شمال دچار سرما خوردگی می

اگر نوعیت و احوال کونی زنده می یابد و در آنجا عمل بینین اوست بر اراده ۳۱ آنه و غیر کونی او بیسور بیعی می تواند آید او را شکل ن مد و حتی جریان حسان جاری او را نیز تغییر دهد (۱۰)

از حکایات باستانی هند
مترجم: ع. فرحسوز
پارسی و متن داری

شب شور و سرور بود چون شام
بایسری که بر این آرزای شده
بود شادمان گردیده بود بنا
و ملکه بخاطر دست یافتن به این
الذات و بخشش شامی از شعایر
و مراسم را بر پا آورد و ریاست های
بسیاری کشیده بودند از سر
آنها از زمان ازدواج شان در
دوازده سال قبل تا این زمان
کودکی بدنی نیاورده بودند
ملکه از سوی همه نزد یکان و
عزیزان تهنیت گفته شده بود
کودک خوشدل و زیاده رکاب او
لمیده بود و هنگام نیمه شب از
همه تقاضا شد تا بخیرد اخلسی
کاخ را ترک گویند تا ملکه
که خدمه ها در بیرون از اتاق
نگهبانی اثر میکردند خواب
را حسی داشته باشد و جراحها
خاموش شدند
ملکه ساعتی خوابید اما ناگهان
بیدار شد و بدظن رسید که نوری
در نزدیکی سرش ظاهر شده است
چشمهاش را گشود تا به منبع نور
نگاه کند آنچه را دید او را به
شگفتی واداشت آنجا یک موجود

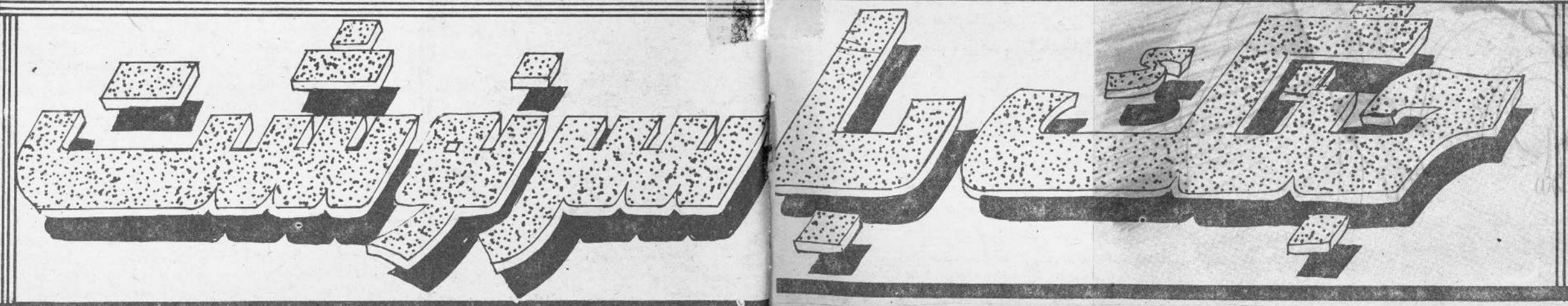
نورانی ایستاده بود و دست
را ستر به سوی سرکودک نوزاد
کشیده شده بود چون ملکه به
آن نگریست موجود نورانی
دستش را عقب کشید و لبخند زد
ملکه بر حایر نشست و گفت
من نمیدانم تو کیستی اما یقیناً
تو پدیده بود آسمانی استی مورد
جود نورانی خاموشی گردید این
کار ملکه را شگفت زد ساخت
ملکه گفت
- برا شما گفتمی زنده
و مود با نه افزود
- آیا شما یک موجود آسمانی
نیستید
رب النوع سرنوشت گفت
- بلی استم اما من رب النوع
سرنوشت ایتم و یگانه و شیعه من
اینست تا آنکه را در زنده کسی
برای یک نوزاد فراهم شده
است در پیشانی او بنگسیار
من نمیتوانم چیزی را بیشتر از آنچه
(کارما) برای یک کودک مقرر
داشته است از زود من درختان
تولد هر کودکی را تعیینم اما
مردم مرا نمیتوانند ببینند اینکه

توانستی مرا ببینی بیانگر عفت
خاص و بدانی بی است که تو
یداری با وجود آنکه خود از آن
آگاهی نداری
ملکه در برابر رب النوع خم شد
و پرسید
- آیا آنده را در پیشانی کودک
من نباشته این برای من آشکار
نخواهید کرد
رب النوع سرنوشت گفت
- من نمیتوانم آشکارا تمسحتن
اگر اینکار را بکنم برای توست
ندارد از سوی دیگر اینکار
بدون هیچگونه تزیین با عفت
شگرافی تو خواهد شد
- شما همین الان نیم از آن به
را آرزو داشتید بدانم برایم
گفتید چنین به نظر میرسد که
هیچ چیز خوبی در سرنوشت
بسم وجود ندارد شما باید تمام
حقیقت را برایم بگویید در غیر این
شمارا نخواهم گذاشت که بروید
اگر با جبر بروید من خود را
خواهم کشم
ملکه این جمله ها را با صدای
نرم ولی مضم اغشار کرد
مباحثه بین ملکه و رب النوع
ساعتی ادامه یافت بالاخره
رب النوع مجبور شد تا برای ملکه
اشکار سازد که بر او در زنده می
خواهد کرد و دراز کاخ در
جنگلی خواهد زیست
ملکه دریا را میرومید و گریست
اما بخود جرات داد تا از
رب النوع خوشبختی تقاضا کند
که اندکی بارید بختی بپوش
را کاهش دهد
رب النوع گفت
- خوب من تضمین میکنم که او
هر روز توانایی شکار یک آهو را

داشته باشد و این امر بزرگی از
سرنوشت او خواهد بود بیشتر
ازین تازی کرد نمیتوانم
و سرانگین سخن ها رب النوع
ملکه را ترسید
روزها سپری شدند ملکه در
و وسواس خود را در دل نگهداشت
یک سال بعد شاه بیمار شد و
در گذشت وزیر سیمه کار او
تا شاهی را به بهانه اینکه
شهرزاده خرد سال است تمسب
کرد و در پیشان سعی کرد تا ملکه
و شهرزاده را بکشند اما ملکه با
شهرزاده کویت به موقع فرار
کرد و در جنگلی پناه گزید
پیش گویی رب النوع مرگ بسمه
و ا قعیست پیوست هر نام ملکه
جال های را در گوشه و کنار جنگل
می گسترانید و صبح بعد آهویی
را در یکی از جال های یافت
ملکه آهو را به یکی از جنگل نشینان
میداد و او آنرا در شهر می فروخت
و بهایش را به ملکه می سپرد
به این ترتیب سالها سپری
شد بزودی شهرزاده نوجوان
به یاری مادر شتابید در عین
حال شهرزاده به شاکردی یک
تارک دنیا رفت و نوشتن خواندن
و فلسفه را آموخت
روزی شهرزاده در اندیشه بی
با خود میگفت
- بسیار شگفتی آور است که
هیچگاهی بیشتر از یک آهو در روز
شکار نمیکم در حالیکه هر روز در
پنج محل جال میگذارم و بسیار
عجیب تر اینکه هیچ روزی را بدون
یک آهو شکار شده سپری نمیکم
مادرش که این سخنها را
شنیده بود گفت
- این بخاطر است که شکار یک

آهو در یک روز جزئی از سرنوشت
توست
به این ترتیب ملکه بخشی از
راز را آشکار ساخت شهرزاده
اصرار ورزید تا بداند که مقصود
مادرش چیست و ملکه مجبور شد
تا همه چیز را به یک به او بگوید
شهرزاده نشست و در سکوت
تزیینی فرورفت پس از سکوت
طولانی گفت
- مادر! من سرنوشت خود را
تعمیر خواهم داد
- بسم چگونه اینکار را میتوانی
بکنی کی میتوانی سرنوشت خود
را تغییر دهی
شهرزاده نوجوان گفت
- اگر من مسؤول سرنوشت کونی
خویشم به خاطر اعمال خود در
زنده می قبلی است بسم من
میتوانم اینکار را بکنم
شهرزاده ساعات طولانی بسمه
اندیشه فرورفت و بعد با چهره
مغمم برخاست
روزی یک آهو عور پنج جال
فقط یک جال را در گوشه بی از
جنگل گسترانید و در نور یک
پیشینی کرده بود یک آهو را
در جال یافت
روز بعد به عور اینکه جال را
روی زمین بگستراند آنرا در
شاخه بی از درختی آویخت
با وجود آن صبح روز بعد آهویی
در جال گیر مانده بود
و بعد جال را در بلند ترین
درخت آویخت و همین سان گرد
گرد درخت آتشی بزرگی افروخت
نیمه شب از خواب بیدار شد
و موجود نورانی بی را در کنارش
یافت
شهرزاده پرسید

- آیا عارب النور سرنوشت
استیسه
رب النوع خشمگین گفت
- بلی من استم منظور تو از
آویختن نبال در درخت بلند و
افروختن آتس پیرامون آن چیست
ایا تو میدانی با وجود یک من یک
رب النوع است در نیای عینی
من خلاف قوانین طبیعی نمیتوانم
کار بکنم نمیدانی که بسردن
آهوه بالای درخت تازی است
دنیار
شهرزاده گفت
اما شکار یک آهو در هر روز جزئی
از سرنوشت من است اینکه
چگونه آنرا در جال من گیر
میاندازی کارتوست
رب النوع گفت
- آیا باید بخاطر خوشبختی
که برای تو تضمین کرده ام مزا
حم من شوی
شهرزاده آهسته گفت
- اگر کار تاز شوارنی ساختم
تو در برابر من ظاهر میشدی
- اما تو چرا میخواهی که من در
برابر تو ظاهر شوم
- تا آنکه آنچه را در پیشانی من
نوشته بی و مرا محکم به زنده می
در تبعید میکند از جبین من
بزای رب النوع سرنوشت
سکوت کرد شهرزاده چشمانش
را بست و با حرارت و اشتیاق ملهم
از یک سرنوشت تو گردید لحظات
طولانی سپری شد شهرزاده
احساس کرد که دست رب النوع
از پیشانی او میگذرد بعد
چشمانش را باز کرد
رب النوع سرنوشت گفت
- با اراده و آرزوی خود تو قادر
بوده ای تا سرنوشت را عوض کنی
و افزود
- احسان و بخشش من با تو
خواهد بود
و آنگاه ناپدید شد
روز بعد خوب شکی خوبی
قیام در کاخ سلطنتی را به شهرزاده
و مادرش آورد قاصد تخت و
تاج که مستبد و مستگر شده بود
از سلطنت خلع گردیده بود ملکه
و شهرزاده بزودی به سوی کاخ
رفتند همه کس ملکه را شناخت
چشم و سرور بزرگی بخاطر اعاده
تاج به وارث حقیقی آن برپا شد
و شهرزاده به حیث شاه تاج پسر
سرنهاد



مراسم یک تدفین

امپراتور

از آنجاییکه پیرامین ۶۲ سال مراسم تدفین امپراتور توری صورت می پذیرد، حکومت جاپان با مصلحت دبلوماسی رویرو بود؛ چگونه مثال، چطور میتوانست یقین حاصل نماید که جورج بوش مجبور نشود که تارسیدن نوبت الفبایی کشورش، جهت ادای احترام در برابر تابوت امپراتور، قریب سه ساعت انتظار نکند. اعضای کمیته موظف در وزارت امور خارجه جاپان تا ساعت ۲ یا ۳ شب روی حل همجو مسائل مصروف کاری بودند. قرار معلوم وزارت خارجه کشوری از وزارت خارجه جاپان تقاضا به عمل آورد، بود تا وقت مواصلت رئیس دولت متبوعش، به منظور رفع احتمال آماج گیری از طرف قاتلان سری نهداشته شود. حکومت دیگری خواسته بود که در مورد شاه کشورش ((که نهایت مغرور است)) توجیه بخصوصی میندول گردد. جورج بوش در نخستین مسافرت خارجی خود بحیث رئیس قوه اجراییه کشور، با سران دولتی زیادی از جمله روسای جمهور فرانسوا میتران، از فرانسه، کورازون اکیانو از فیلیپین، حسنی مبارک از مصر، خواهد پیوست. ریهرفته از جمله پیناز ۱۴۰ هیات ملی شرکت کننده در مراسم در ۵۲ سران دول قرار داشتند.

درین مراسم جاپان بایست پلوما

سی امنیت سنن هبی بهم می میخت

قرار اظهار یک ما مور سابقه در جاپان مراسم تدفین امپراتور، از نگاه دبلوماسی، به مقایسه با بازهای اولمپیا ۱۹۶۴ و کنفرانس عالی اقتصادی ۱۹۸۶ در توکیو، شخصیت های برجسته (VIP) زیادی را در برهم آورد. بود. هزاران ژورنالیست مطبوعاتی و تلویزیونی در شهر سرازیر گردیدند. اگرچه مواظبت و تغذی این همه مهمانان کار ساد موهلی نبود، در هلهوی آن حکومت مدراعظم جاپان بایست آنانرا از حملات تروریستی معشون نگه میداشت و مراتب معمول تشریفات بین المللی را با مراسم سنن شنتو منسوخ ساخت. در حالیکه همه اینها خود را به بهترین وجهی در ذهنیت عام داخلی تبارز میدادند.

در واقعیت امر، توجه از متونی به مهماندار، یعنی خود جاپان، معطوف گردیده بود. هیرو-هیتوئه تاریخ ۷ جنوری درگذشت، مگر جسد وی معرولاکند در بین چند تابوت چوبی سلسلس، با یک شمشر تشریفات برسران - به منظور اجرای یک سلسله مراسم پیش از مراسم اصلی در کاخ امپراتوری نگهداشته شد. با وصف پیشینی ها، که مرگ امپراتور احساسات ملی و انتحارهای سنتسی هب گریبان دست راستی را برخواهد انگیزخت.

مردم جاپان سرزایماننداری رسمی در روزه به زندگی عادی شان برداختند، حتی چین غزا در آری بعضیها احساس مینمودند که با درگذشت امپراتور، آخرین نشانه بیوندشان با جگه جهانی دم، با رسمولیت ازد و شرفشان برداشته شده است. مراسم تدفین میرفت که مصیبت های هنریت و انشال پیراز جنگ را به دست تاریخ بیسار. ازان نگاه، بعضی ها آنرا بحیث تجلیل تبارز جاپان بمثابه نخستین بر قدرت غیر نظامی جهان تلقی میکردند. به همین علت حتی کشورهایی که در جنگ جهانی دم از تحسار و ز جاپان آسیب دیده بودند، مانند چین و کوریا، ی جنوبی، به اعزاز ما، موران عالیرتبه شان برداخته بودند. در تانیا، که در آنجا هنوز احساسات غم

جاپانی ناشی از بد رفتاری با اسرای جنگی باج خود باقی است، به اعزاز شهزاده فلیپ بسنده کرد. اتحاد شوروی، با وصف وجود اختلاف نظر هساروی تلتک جزایر شمال جاپان، انا تولی کولیا توف، معاون رئیس جمهور را گسیل داشت.

مینی برگشته های خانی، که در جوار پارک تعیین شده برای برگزاری مراسم تدفین به سسر میبرد، مقامات امنیتی جاپان، به منظور جلوگیری از ورود تروریست های افراطی، اعضای ارتش سرخ مخالف سیستم امپراتوری، و مواد انفجاری سه توکیو، ۲۲۰۰۰ پولیس شد تروریستی را بسج نمود. بود تا به تلاسی مسوئرها و اموال تجارتی زمینی و هوایی در نقاط مختلف مرکز و همیه شهر ببرد از بند. موضوع پارسی که در تنظیم مراسم در نظر گرفته شده بود آشتی دادن در نقش متضاد امپراتور بود؛ نقش سنتی پیشوایی مذ هب شنتو و نقش ریبر دولت فیریند هبی، باین معنی که تاجه حدی در مراسم مذ هب و تاجه حدی تشریفات دولتی مراعات میگردد چه ماده ۲۰ قانون اساسی جاپان مشعر است که هیچ سازمان مذ هبی نه از امتیازات دولتی ونه از صلاحیت سیاسی بهره مند شده میتواند. دست راستی های شنتو قاندا داشتند که مراسم باید کاملاً مذ هبی باشند و استدلال شان روی این واقعیت استوار بود که مراسم تدفین سران تمام کشور و جارا چوب سنن مذ هب شخصی ویا فامیلی شان صورت میگردد. برای رسیدن به یک تفاهم از عناصر مذ هبی مراسم تاحد زیادی کاهش بعمل آمد و لوکه بحدی نبود که موجبات تقاعد حزب کمونسنت جاپان را، که قصد تحریم شرکت در مراسم را داشت، فراهم سازد.



بعضی از مهمانان خارجی، مخصوصاً وقتی که هوا سرد باشد، حسرت تحریم کننده گان مراسم را میخوردند. بارک شنجو کوکون، که باشکوه های گیلان خود شمرت دارد، به نسبت آماده سازی برای مراسم تدفین، بروی مردم مسدود بود و رانجا یک مالون مراسم، که دارای یک دروازه چوبی سه ارتفاع ده فت بود، ساخته شده بود. در مراسم مذ هبی سه ساله امپراتور نقش مهماندارو - رهبران مذ هبی شنتو نقش بر گزار کننده رسمی مراسم را ایفا نمودند. در پایان مراسم مذ هبی بیانییه های از طرف مدراعظم و دیگر ما، موران جاپانی - ایزاد گردید و بند عوین در برابر تابوت ادای احترام نمودند و سپس تابوت به گورستان واقع در تیه های نرین توکیو نقل داده شد.

از آنجاییکه هوای فیروری توکیو سرد بود حکومت جاپان تاحد ممکن در وقت مراسم کاهش بعمل آورد. تا مهمانان خارجی را هوای سرد آن پت ننماید. البته صرف سمعی و معارف زیاد وقتی رضایت بخش تلقی میشود که خوشی خاطر مهمان را فراهم ساخته بتواند. د پلوما سنن زیگانه غالب اوقات سننسی حکومت و ریبر مشکلات جاپان را در خارج کشور بهتر جلوه داده است و حکومت موجوده جاپان نیز به چنین امری احساس نیازمندی من نمود. به این نسبت مدراعظم جاپان تاحاییکه ممکن بود شخصاً از مهمانان رسیده گئی نمود، اما نظریه کی وقت و تعداد زیاد مهمانان عالی مقام او، ده دقیقه وقت را برای هر عیانت تخصیص داده بود. امپراتور جدید و خانش از روسای جمهور و شاهان شخصاً رسید گئی نمودند و یاز پیران ملاقات گروین بعمل آوردند.

زخم معده یک مریضی

نوشته دکتر کورون الله روحیان
مکروبیست
کشف میکروب کامیابلو بکتیر پیلوسور (Compylobacter pylori)
در سال ۱۹۸۲ تغییر فاحش را در طرز شکم و اسباب گستریت های مزمن و فرخات خماساز همگی بوجود آورد. تقریباً ۱۰ فیصد مرخصان قرحه اثنا عشری ۷۰ فیصد فرخات معده، میکروب پیلوری را در معده شان حمل نموده و محو همین ارگانیم از وجود بافت صحت و ترمم گستریت ها و فرخات میگردد.

سابق تفکر در مورد اسباب فرخات یاز خم معده اکثراً به اساس تغییر توازن بین ترشح اسید معده و مقاومت میکروبی جدار معده فکسر میشد که تداوی هم به همین اساس بیان میشد ولی در این اواخر فلان بالایی فکتور های که باعث تنزیل مقاومت جدار معده میگردد، تدفین نموده یک علت معده همین میکروب پیلوری را در یافتند که میکروب یک قدرت خاصی در تغییر محیط معده و محافظه موضعی معده و میکروبی آن را داشته و میکروب در جدار معده توصل نموده و باعث نابودی قشر محافظی میکروبی معده میگردد. اکثراً ۲۰ فیصد انسانها در یک وقت، صاحب این میکروب میباشند. و افرادی که این میکروب را دارند ۲۰ مرآتیه اماتیه تراز مریمان نورمال خطر تشکیل فرخات را دارند، هر انسان ممکن در طول زندگی ۱-۲ بار به این میکروب صاحب گردند و نسبت به رشد بودن مقاومت فردی یا استعمال آنتی بیوتیک که ممکن به هدف دیگری خورده شود، این میکروب از صابین آن نابود میگردد.

در سابق گستریت ها و فرخات را مرتبط به قلوی اثنا عشر - تشوش روحی، سکر و مسواد مخرش مثل الکل، مرچ، غذای تند، اسپرین ویا خانوادہ آن میساختند. ولی این مسواد فقط میتواند یک سرخی و تخریش و معما تخریب جدار معده را تولید کند ولی نمیتواند باعث التهاب مزمن گردند ولی در صورتیکه قرحه موجود باشد باعث تشدد آن میگردد.

میکروب پیلوری یک میکروب گرم منفی شکل S مانند که یکانه مکروبی است که میتواند در جدار معده، کولونی های تشکیل داده و خود را از اسید معده توسط یک قشر پیلو از با کار بزیست و میوکشن محافظه کند. و اکثر این میکروب در رواجی که باعث ترشح میکوشن میگردد، تراکم نموده و در ضمن برای محافظه اسید میکروب، یک قدرت خاص فعالیت میتا بولیکی و تولید یوزیا هارکتالیزها را داشته که باعث تولید آمونیم باي کار بزیست از یوزیا میشود که مشابهت با میکروب های نوع سیا سیرولا یاوار هاداشته و از همین سبب ممکن این میکروب در ابتدا از حیوانات به انسان انتقال کرده باشد.

برای اولین بار در ۱۹۳۸ Doenges
بقیه در صفحه (۹۰)

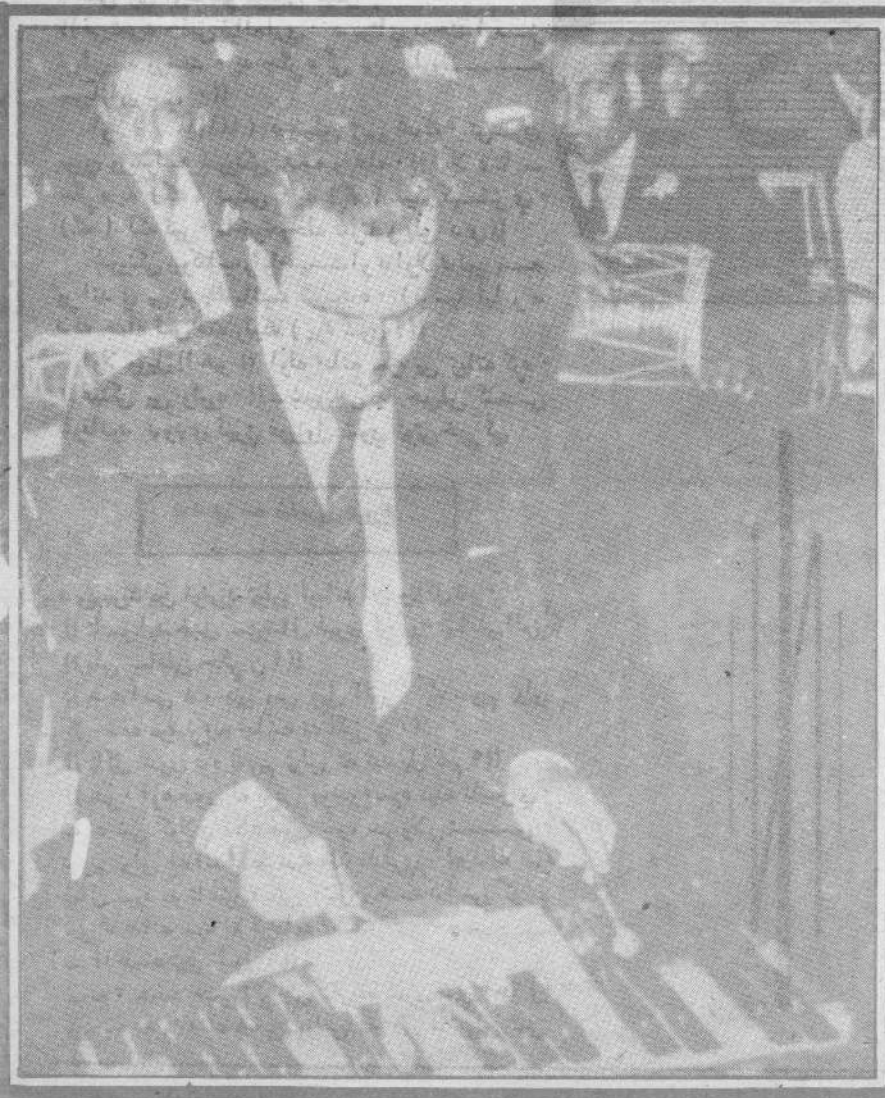


صدای

جاودانه سده ها



ترجمه: علی ائیسر



به‌مینگونه موکیش درین قام کردن ریکارد از لحاظ کمی آهنگهایش نبود. برای او یک آهنگ ارزشناکی این را وقتی داشت که احساساتش را در آن انعکاس دهد. به‌عین دلیل هم است که وقتی هزار آهنگ به‌جامانده او را در آن‌ها مردم بد آوری می‌گیرند پاسخ مساعد گرفته می‌شود. بسیاری آهنگهایش ملو از روح هنرموسیقی است. گدایان و شراب - نمند آن آهنگهایش بطور همگون حفظ می‌شوند.

موکیش چاند متور، همانند دیگر موسیقی (وسانت دیسای) باورهای بازگشتن و آرد نیای سینما شد ولی نتوانست در بیشتر از چهار نغم ظاهر شود. شکست او در بازگشتن به هنر او از خوانی این نیز تا "تیر منق" بجا گذاشت. حتی نخستین آهنگ غیر فلیش این را که به اساس یکی از آهنگهای ((بنکچ ملک)) سرود چنگی به دلها نزد همانطور که نخستین سه آهنگ فلیش این سرود توجه قرار نگرفت. او تا گریه در یک مکان بدون برداشتن یک کلمه مدتها باقی ماند تا اینکه در ۱۹۴۵ ((کشف)) شد.

عقیده عمومی بر این است که ((انیل بیسواس)) یکی از موسیقی‌دانان مشهور فلیش، برای اینکه از او یک آواز خوان بسازد موکیش را با سیلی زد. اما خود بیسواس این انسانه را زد کرده میگوید: ((شاید برای هر خواننده تازه کار در عصر موکیش عشق بوزیدن به آواز سیگل مود بود. من خوبی خرابی داشتم وقتی موکیش از ناتوانی این در سرودن آهنگ حزن بیاورده تهدیدش کردم که در جلو ارگستر -

لک و کوش خواهم کرد.))
بقیه در صفحه (۷۸)

موکیش

گفته میشود وقتی شاهان می‌میرند خسوف رخ می‌دهد و طبیعت به عمیان بر میخیزد. ولی وقتی شاهان دنیای موسیقی - سیگل، موکیش ورنی - مع مردمند چنین چیزهایی واقع نشدند و در عوض نوت‌های ناموزون از سفوتی زندگی بگوش رسید. وقتی موکیش ((الوداع)) گفت اکثریت مردم ضایعه عظیمی را احساس کرده‌اند زیرا موکیش صمیمیت خود را به مردم عادی با آمیختن آرزوها و رویاهای آنها در لایه‌های آهنگهایش تبارز داده بود.

به اساس کار ((هنر رهنوش)) که به‌عهد گرفته است تا تمام آهنگهای موکیش را در یک کتاب جمع و انتشار دهد، موکیش در طول ۳۰ سال کار هنری اش مجموعاً هزار آهنگ دارد. یعنی بطور اوسط در هر سال ۲۸ آهنگ سروده است. از نگاه کمیت البته که تعداد قابل ملاحظه نیست، اما کمیت صرف تعداد و ارقام را بیان میکند نه قلم تسخیر شده هنری را.

بطور مثال سیگل در تمام حیات هنری اش صرف در صد و پنجاه آهنگ سروده ولی اینکه او چه سرود با ارزشتر است تا اینکه به چه تعداد در سرود! سیگل این امتیاز را داشت که آهنگها کمپوزیتورهای را خواند که انعام درین سودجوی نبودند ولی موکیش در آثارهای عنکبوتی سینمای تجارتن گیسر - مانده بود که بعضاً با وجود عدم تطابق برخی از کمپوزها با صدایش بطور لایه‌ای می‌بایست آنها را می‌سرود، با وجود آنهم غالباً انسان - آوازین آهنگهای بدیعترین عارایی ساخت. طلعت محمود یادداشتن ششم آهنگ شاید در انتخاب کمپوزها سختگیرانه برخورد کرده است.



یک هزار آهنگ در ۳۰ سال کار هنری

ته بی ارتقا کړي تر یوې اندازې ضعیف شوي دي

نه پوهیږم هغه تل انضباط درلود
- الرزکونښ وکړي له ټولې سره جوړ شي هسه
سربازان به روزلي دي او سورشال موهم لیري
کړي (پوه شوي؟)
- هو، ښاغلی جگړن
- او بام کوي چی سربازان د سگرت خکولوبه وخت
کې احتیاط وکړي کله چی غشی ویشتونکی دغه
د شپې خلیلونکی چینجی وینی چی له یوې خوانه
بلی خوانه یې گوتی یې خاریت کوي
په تیره اونۍ کی پنځه کسه سربازان په سروندو
باندي په گولی ولگیدل ، ښه پاملرنه وکړي
پوه شوي؟
- هو ، ښاغلی جگړن
دوم برید من الرزکله چی د ټولې په لوړ روان

لیکونکی : ولکانگ پورشرت
ژباړونکی : ماسون

هره اونۍ یوه سه شنبه
یو کال پنځوس سه شنبی
او جگړه ، پیری سه شنبی لري

ددې سه شنبی په ورځ

په ښوونځی کی بی الفواد لویو تورو مشق کاوه
د ښوونکی په سترگو ، پبلی ښیښی لرونکی عینکی
وي . عینکوی جوگا ټنه درلود اولنژونه یې هغو
مړه پبل ووچی سترگی یې په سختی لیدل کیدی
دوه څلویښت نجونی د توري تختی و وړاندي
ناستی وي اونه غټو تورو لیکل :
(فریتس د خلیب بیاله لري ، د برتای د خندا غمز
تیرا سه ورسید ، په جگړه کی ټول پلرونه
سربازان دي .)
اولا (۱۱۱۵) د خپلی ژبی خوکه ، تر سړي
پوري ورسوله ، ښوونکی هغه ووهله . (اولا تا -
جگړه په (گ) لیکلی ، په (گه) لیکل کیږي .
(گه) لکه گور ، ماخوځوله درته و پلې دي))
ښوونکی یو کتاب راواخیست او د اولا د نوم په
وړاندي یې د چلیبانته کیښوده . (د سبا لیا ر
دغه جمله لس ځله ولیکه (پوه شوي؟)
اولا وویل ((هو)) اوله ځانه سره یې زیاته کړه :
(عینکی یې وگوره .)) د ښوونځی په حویلی کی
کارخانود پوډي لیري غوړول شوي ټوټی خورلی .

ددې سه شنبی په ورځ

دوم برید من اولرز د ټولې قوماندان وټاکل شو .
(تاسو باید خپل سورشال لیري کړي ، ښاغلی الرزکله
(پلی ښاغلی جگړن؟)
(هداس ده چی ویس ویل الرزکله په دوم ټولې
کی دغه موضوع په چاښه نه لگزی .))
(ټاکل شوي ده دوم ټولې ته تبدیل شم .))
(هو ، او هغوی له دغی موضوع سره ښه نلسري .
ته نه شی کولای له هغوي سره سم ولاړ شوی .
دوم ټولې له انضباط سره عادت کړي ، له دغه سره
شال سره په تاسووته منی ، تونن هسه داسی کوم
شی له ځانه سره نه گرځاوه .
(هسه یې شوي؟)
- نه ، هغه خبر را کړ چی ناروغه شوي دي ، حال
یې ښه نه ، له هغی ورځی نه چی د تونن رښی

بیښلی سوزین وویل : ((هو ، هغه کولای شی .))

ددې سه شنبی په ورځ

تونن هسه یې په تسکړه کی له حشراتو سره د
مجادلی کوټی ته وپوړی . د ننوتو د روزي پر سر په
یوه ټابلو داسی لیکل شوي و : ((که جنرال یسی
که سربازین ، دلته باید خپل وینسته وڅیړی))
د هسه وینسته یې وڅیړیل ، د نرس اوز د پاونر ی
گوتی د غشی لاسواښوونه ورته وې .
د بند وپوشاوغواپی لږ سره ښکاریدله .
هسه ته یې په کم شی باندي چی د درملتون
پوي یې درلود مالش ورکړ . نرس په خپل غشی پوله
لاسونو د هسه ښوونپوه او وروسته یې په پوي پبلی
کتابچی کی داسی ولیکل : ((تودوخه ارا ، نبش



د سورشال یې له ځانه لیري کړ ، سگرت یسی
ولگاوه اوبه لور غزی وویل : ((د ټولې قوماندان
دوم برید من الرزکله))
په همدغه وخت کی د بزغز پورته شو .

ددې سه شنبی په ورځ

ښاغلی هانزن بیښلی سوزین ته وویل : ((کو -
چی سوزین د دوم محل لپاره باید ښاغلی هسه
ته کم شی ولیزو ، لږ سگرت ، یوڅه خوراک ، د -
لوستلو لپاره خوکتا پونه ، یوه جوړه د ستنکی اودا -
سی نورشیان ، هلکان زکام نیولی ، زه هم دغه زکام
ښه پیژم ، پیره مننه .))
(ښاغلی هانزن د هولد رلین کتاب څنگه دي؟)
- ((حماقت دي کړچی سوزین ، حماقت ، نه ، ښه
په وي لږ څه ساده وي ، لکه ولهلم پوښاویسا
همدارنگه نور .))
اته خو پوهیږی چی هسه له ساده شیانوسره پیر ه
مینه درلوده ، په مینه یې خندلی ، تاسو خو په دي
پوهیږی زما خدا په دغه هسه خومره کولای شوی
رخاندي .))

۱۱۱۶ یې هونه ، په قوی گمان تیغوس .)) او
کتابچه یې وتر له ، د کتابچی پر وین لیکل شوي و :
(د سمولنسک د ساري ناروغیو روغتون)) اسه دي
کرنی لاندي : ((یوزرا وڅلورسوه بستري))
موظفینود هسه تسکړه پورته کړه . په زینه کسی
سر له پر ستنی څخه د باندي وتلی و ، اوله یوې خوا
نه پلي خوانه په حرکت کی و ، وینسته یې ورته
خریښی و .
د تسکړي یوه وړونکی ریزش کړیو .

ددې سه شنبی په ورځ

میرمن هسه د گاوندې د کورنیکه وواژه ، کله چی
د روازه خلاصه شوه ، هسه لیک یې چی په لاسکی و
ونوراوه ، میر ه یې تونن شوي و .
په هغه بجای کی د سر ودرجه صفرلاندي څلور -
پښتوه اودغه لیک نه ورځی په لاره کی و .
د پاکت بروم لیکل شوي و : ((میرمن تونن هسه ته
دي ورسیږی .))
میرمن هسه لیک جگ نیولی و ، خو گاوندې یې هغه
نه لیده .

څلویښتو درجی ساره ، او تر شونډولاندي یې رزمه
کړه : ((بیچاره سربازان .))

ددې سه شنبی په ورځ

د سمولنسک د ساري ناروغیو د سارای روغتون
رښی د روغتون له سرطیب څخه بوښته وکړه .
(هره ورځ خوکه))
- ((پنځه شپږ کسه .))
اوربیس وویل : ((نفرت پارونکی ده .))
سرطیب یې په خواب کی وویل : ((هو ، نفرت
پارونکی ده .))
او هڅ یوه دبل سترگوته ونه کتل .

ددې سه شنبی په ورځ

د ((جاد ویر فلوټ)) قطعه یې غزولسه ، میرمن
هسه خپلی شونډي سړي کړي وي .

ددې سه شنبی په ورځ

نرس الیزابت خپل مور او پلار ته داسی ولیکل :
(د خندا ایله مرستی پرته استقامت نه شی کیدی .))
خوکه چی اسپستان ورنژدی شو ، له خایه پورته
شوه ، اسپستان لکه چی د نر ی دیوې وچی نیسه
برخه یې پرشا پاروي د سالون له منځه په کړ وپسه
ملاتیر شو .

الیزابت له هغه بوښته وکړه : ((هغه ته باید
کم شی ورکړم .))
د اکتر خواب ورکړ ((نه)) دغه کلمه یې هومره
ورو ویله چی تابه ویل له خپله ځانه شرمیږی .
اوروسته یې تونن هسه د باندي ولیز داوه ، د پا -
ندي زیات غالمغال اوږدل کیده ، چا وویل : ولسی
مړي په ارامی سره پر ځمکه نه زدی ، هر محل هغوي
له پاسه خوشی کوي او غالمغال جوړ یږی .))
اسپستان له یو بسترنه بل ته یې هره ورځ اوهره
شپه .

اوپر دي ورځی اود شپې په اوز د وکی ، لکه د هغه
چا غوندي چی د روند باری بر اوږد وي ، کس و پ
د سالون له منځه تیرید .
د باندي ، دوه کسه چی تشه تسکړه یې وړلسه
سره خپي را ولویدل ، یوه یې وویل : ((څلورم
نمبر ریزش کړیو .))

ددې سه شنبی په ورځ

د شپې ، اولا په خپله کتابچه کی په غټو تورو -
داسی لیکل :
(په جگړه کی پلرونه سربازان دي .
په جگړه کی ټول پلرونه سربازان دي .))
اولا دغه جمله په غټو تورو لس ځله ولیکله ، او جگړه
یې په (گه) لکه گور .

صاحبا ز پوپل

لیلا، لیلا تو روز دوست است خدا یاد دنیا کو روز دوست است



نعیم پوپل چگونه مجبور شد وطن را ترک گوید



زنده گان را در یوتلوزین از طرف شما ازین غذا محروم ازید علت چیست؟

— شما واقعتاً را گفتید من صرف در عروسی ها و محافل خوشی دوستان میروم و من.

— در را در یوتلوزین چرا؟

— این چرا را باید از خود ازینها بپرسید، ازید بریت موسیقی را در یوتلوزین که زنده باشند در روز های مایوسی را بروی من کشود ازید. همین حالام در حد و د (۵) پارچه برای بهار تعبیه د پدید آمد. انرا در طلوع سوزنیک ثبت میکنم بعد از ازینایی اگر خدا بخواهد که پذیرفته شود انرا لبسنگ خواهم کرد.

— خوب نفهمید من کلام را از موسیقی آغازیدم ولی شما ما بوسی گله و شکوه به خورد من داد پس یعنی چه؟ بیایید از سالهای دور صحبت کنیم از سال ۹۶ که همکاری تانرا باراد یواغاز کردید از همسان اهنگ نخست او ازتان برای اکثریت پذیرفته بود و است. پس بیایید در قدم اول از سرینش های هنری تان بشنویم، بعد من ایمن به طرف تلخی هایش.

— شما حتماً استعدادی برای آواز خواندن داشتید ولی ایانزد کسی زانوی شاکردی هم زدید یا مشکل تعدادی از آواز خوانان ما، گل خود رو بودید.

— من اساساً آواز خوانی را نزد برادرم نعیم پوپل امختم.

— میشود چند اهنگ او را نام ببرید.

— اهنگ: لیلا لیلا نوروز است خدا یاد دنیا روز است.

همچنان اهنگ: قدح را سرگرم شب را سرگرم. از اهنگهاییست که در انوقت ها زیاد سزبانها افتاده بود.

— ای این اهنگ ها از مرحوم احمد ظاهر نیست؟

— اول نعیم پوپل انرا خواند. بعد مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه او را در کست خوانده است.

— اولین اهنگ من: نگاهت راز من برگیر و بگذر.

— در انوقت چند سال داشتید؟

— در حدود ۱۹ سال داشتم.

— برای چه کسی انرا خوانده بودید؟

— از شعران خوشم آمده بود.

— گویند که تان که واقعتاً فقط همین بود.

— انرا برای کسی که فعلاً شریک زنده گی من است خوانده بودم.

— ایاد راول هاهم از طرف راد پور مشکلات داشتید؟

— بلی. اولین اهنگ راد راد پور با بسیار مشکلات ثبت کردم.

— در مجموع چند پارچه اهنگ در تان بشنویم، بعد من ایمن به طرف تلخی هایش.

— شما حتماً استعدادی برای آواز خواندن داشتید ولی ایانزد کسی زانوی شاکردی هم زدید یا مشکل تعدادی از آواز خوانان ما، گل خود رو بودید.

— من اساساً آواز خوانی را نزد برادرم نعیم پوپل امختم.

— میشود چند اهنگ او را نام ببرید.

— اهنگ: لیلا لیلا نوروز است خدا یاد دنیا روز است.

همچنان اهنگ: قدح را سرگرم شب را سرگرم. از اهنگهاییست که در انوقت ها زیاد سزبانها افتاده بود.

— ای این اهنگ ها از مرحوم احمد ظاهر نیست؟

— اول نعیم پوپل انرا خواند. بعد مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه او را در کست خوانده است.

— اولین اهنگ من: نگاهت راز من برگیر و بگذر.

— در انوقت چند سال داشتید؟

— در حدود ۱۹ سال داشتم.

— برای چه کسی انرا خوانده بودید؟

— از شعران خوشم آمده بود.

— گویند که تان که واقعتاً فقط همین بود.

— انرا برای کسی که فعلاً شریک زنده گی من است خوانده بودم.

— ایاد راول هاهم از طرف راد پور مشکلات داشتید؟

— بلی. اولین اهنگ راد راد پور با بسیار مشکلات ثبت کردم.

— در مجموع چند پارچه اهنگ در تان بشنویم، بعد من ایمن به طرف تلخی هایش.

— شما حتماً استعدادی برای آواز خواندن داشتید ولی ایانزد کسی زانوی شاکردی هم زدید یا مشکل تعدادی از آواز خوانان ما، گل خود رو بودید.

— من اساساً آواز خوانی را نزد برادرم نعیم پوپل امختم.

— میشود چند اهنگ او را نام ببرید.

— اهنگ: لیلا لیلا نوروز است خدا یاد دنیا روز است.

گروه خودش قرار دارد. ازین هنر مند موفق در حدود (۱۵) - پارچه اهنگ در ارشیف راد موجود است.

از اهنگهای خیلی به نام او که در انوقت ها زیاد سزبانها بود اهنگ لیلا، لیلا نوروز است و اهنگ (قدح را سرگرم شب را سرگرم) میباشد که بعداً مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه انرا در کست خوانده است.

... و این همه راولی پوپل برام قصه میکند.

ولی پوپل آواز خوان خوش صدا را که سالهاست بروی پرده تلوزین بین زنده ام در یکی از عروسی ها بالای ستر من بینم. او میخورد ازید ((نگاهت راز من برگیر و بگذر که دیگر تاب دیدارت زدم ام)) این اهنگ را چنان با احساس میخواند که با کف زدهای مستند استقبال میکردم. مگره او را درین جا غیر مترقبه بیدار کرده ام از او دعوت میکنم تا به دفتر مجله بیاید که به قولش من ایستد و می آید.

شماره مشکل بیدار کردیم چرا از راد یوتلوزین میگزینیم؟ علاقه مندان او ازتان چی دارند؟ میگویند موسیقی غذای روح و زبان و احساسات است ولی تا جایی که دیده میشود بیننده گان و شنو-

بمیانند کشور ترک کد او نخست به ایران رفت. در آنجا با گوشتوش خواننده پرواز به ایران اهنگهای د و گانه اجرا کرد. حتی زمزمه بین وجود داشت که با گوشتوش رابطه عشق قائم نموده و با هم از نواج میکنند. بعداً از آنجای فرانسه رفت و فعلاً در کالیفرنیا زنده گی میکند.

نعیم پوپل هنگامیکه کشور ترک مینمود متاهل بود او خانم افغانسی داشت که فعلاً هم با هم از زن و فرزندانش زنده گی مینماید.

ولی در آنجا فعالیت گسترده هنری دارد گروه او بنام ((گروه کامپین)) نامیده میشود که در راه بین وقت میخواند ام احساس من کرد صدایش چون رودی در رگ های جان جاری میشود.

وقت او میخواند فضا بسوی گلبرگهای شسته شده میداد.

وقت میخواند تو میگفتی گلها میشکند و شاخه های خشک درختان شکونه میزند.

در بریت که آواز خوش نعیم پوپل آواز خوان جوان و خوشوش صداشنیده نمیشود زیرا که او در کشور پیرو برای مردم د پگسر میخواند.

نعیم (پوپل) در سال ۸۴ جبراً روی یک سلسله مسایل و قضا یا مجبوری ترک کشور کردید و قضیه ازین قرار است:

د دختری که به یکی از خانواده های بانام انوقت منصوب بود به نعیم پوپل چنان دل باخت که وقت متوجه عشق یک طرفه خویش گردید دست به خود کشی زد ولی نجاتش دادند. خانوادها دختر تصمیم گرفت تا بخاطر نجات دختر شان از انشی که تنها خودش در ان میسوزد نعیم پوپل را مجبور

ولی پوپل درباره برادرش سخن میگوید

زاکا کال وولک د ژرما راکا کال بوی

کی نقل زره نازره وی یو آزی
 د خیل احساس سره سم پرمخ
 یی د خیل مراد د لاسسته
 راور لود باره توله مخه رانکری
 زوی د مار به کال زیزید لسی
 هلك قهار شهوت پرست او
 خورا حساس وی اوزیزید لی نجلی
 بنایسته وی به عابانیا نوکی
 د بنایسته ستاین د باره مار
 فوندي بنایسته اصطلاح وسیل
 کییزی .

نیکمرغه به وی که د مار به
 کال زیزید لی د گامینی اوچرگی
 به کال زیزید لوسره واده وکړي
 خود بیژود کال سره به طالعمنند
 نه وی د پراگ او وحشی خوگ
 د کلو سره به بد مرغه وی .

به یو یزیم کی مارک نیسه
 موجود به توگه گیل کیزی د مار
 رانو پاچا (موجالیندا) بوداد
 سیل به وخت کی وژغوري مار
 خو می ی ترهغه وخته پوری ساتل
 کیدی ترخود فیلسوف نگارچون
 د نظر له مخی انسانان د مار
 د پوهی سطحی ته ورسیدل .
 همدارنگه به بوداییم کی مار
 تهر چرگ د شهوت او خوگ د
 جهل سمبول دی .

د منحنی آسیا منحنی خلک په
 دی عقیده دی چی د مار به
 کال زیزید لی نارینه که د سړی
 اومیزی به کال زیزید لی نجلسی
 سره واده وکړي د هغه
 اولاد ونه به نامتوانان داره خلک
 وی د مار به کال زیزید لی نجلی
 که د چرگی اوتوپه کال زیزید لی
 هلك سره واده وکړي دوی به
 نجونی زیزوی .

د منگولیا او منچوریا خلک عقیده
 لری : (د مار به کال زیزید لسی
 یو معتدل اوزره سواند مانسان
 دی همدارنگه دی به منطقی
 تیز فهم او برخله خبره ولاړ سړی
 وی خو عیب به یی دشرویاتو
 خنبل وی د زره مغلواو نوری
 اوز دی ناروی به ولری د د
 د باره لازم نه دی چی د خیل
 رییس (وظیفوی) سره جنجال
 وکړي به لومړی سرکی به رنغ
 یو سی اووروسته به له منحنی
 ولاړ شی .)

د تبت د شپيته کلتی کییزی
 بیل د جینی کییزی له بیل سره
 سمون نه لری به تبتکی دا
 دوره د سوي د کال خخه بیل
 کیزی به پداسی حال کی چی به
 جین کی د موزک د کال خخه
 بیل کیزی به د دوی ترمنخ توپیر
 به د روکلوکی دی به دی خاطر
 اوسنی شپيته کلتی دوره به جین
 کی به ۱۹۸۴ کال او به تبت کی به
 ۱۹۸۷ کال کی بیل شوه .
 د ۱۹۸۹ کال د فبروري د
 شپزیم نیتی به شیه نوي کال
 یعنی د زره مار کال بیل شو .
 (چی ۱۲۶۸ هـ ش کال هم به
 همدی نامه یاد یزی) د طبیعی
 عناصرو د دی رنگ سره
 مخه سمون لری کال مونث
 (نرم) بلل کیزی د خختیو
 خلکو په روایت به دی کال کی
 زوری او بد مرضی بیسی سختی
 نیستی تزلزل اوماته نه بیسیزی
 د منحنی اوختیعی آسیا په خلکو
 کی د مار خخه مختلف تعبیرونه
 شته جابانیا ن عقیده لری :
 ((مار د حکمت فراست اوارا دی
 خاوند دی خورا طالع مند دی
 هر خه ته بخان رسولی شی مار
 متکبر او مغروردی خوشتر یافغو
 سته شوی دی مار خورا خسرود
 خواه او موزی دی خود علاقسی
 په صورت کی مرستی ته هم دانگی
 کله هم داسی ساتته کوی چی به
 مشکله خوگ بخان حنی خلاصولی
 شی مار د نوروه نظریو و فیصلو

د هر عنصر د باره یوزرگی یعنی
 سورد اور ژر د مخکی سپین د
 اوسینی تور د اوبواوشین د در
 ختی د باره مشخص شوی دی
 کلونه به مذکر (کلک) او مونث
 (نرم) ټول هم ویش شوی دی
 د موزک پراگ نهنگه آس
 بیژواو سینی کلونه مذکر (کلک)
 اورد گامینی سوي مار میزی
 چرگه اوخوک کلونه مونث (نرم)
 بلل شوی دی
 لویه یا شپيته کلتی دوره به
 خختیوه او منحنی آسیا کی لخورا
 پخواخه د تاریخ په مختلف زمانو
 کی منل شوی ده د انگیزه به
 جین کی ترمیلاد مخکی به د وده
 پیزی به جابان کی به مغولستان کی
 به خلورمه پیزی به مغولستان کی
 د میلاد په خوارلمه پیزی ۱۰ و
 به تبت کی به ۲۷ ام کال کی منل
 شوی ده .

همدارنگه کال میاشت ور
 یی او ساعتونه هم د خوارویوه
 نامه یاد یولی لکه د (بصفرتر
 ۲ بجو) د موزک ساعتونه
 (۲-۴ بجو) د گامینی
 (۴-۶ بجو) د پراگ له
 (۶-۸ بجو) د سوي او هندا
 راز تراخه پوری یاد یولی
 لویه کیزیه
 پنخه کوچنی د وولس کلنی
 د وری یوه لویه شپيته کلتی دوره
 جوړ وی به دی دوره کی یو
 خاوری پنخه واره به تکرار یاد
 یزی خوه هر وار کی یوزرگی د
 هر خاوری د باره مشخص شوی
 دی د ارنکونه د پنخه طبیعی
 عنصر یعنی درخته اوره مخکسه
 اوسپنه او اوبوخه اخیسته
 شوی دی د اوشیه لاند نیس
 جدول کی به واضح ټول خبر
 گند یزی :

مور	نر	۱ شین	۱۳ سور	۲۵ ژر	۲۷ سپین	۲۹ تور
کامینه	بنخه	۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر	۲۸ سپین	۳۰ تور
پراگ	نر	۳ سور	۱۵ ژر	۱۷ سپین	۱۹ تور	۲۱ شین
سور	بنخه	۴ سور	۱۶ ژر	۱۸ سپین	۲۰ تور	۲۲ شین
نهنگه	نر	۵ ژر	۱۷ سپین	۱۹ تور	۲۱ شین	۲۳ سور
مار	بنخه	۶ ژر	۱۸ سپین	۲۰ تور	۲۲ شین	۲۴ سور
آس	نر	۷ سپین	۱۹ تور	۲۱ شین	۲۳ سور	۲۵ ژر
میزه	بنخه	۸ سپین	۲۰ تور	۲۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر
لیژو	نر	۹ تور	۲۱ شین	۲۳ سور	۲۵ ژر	۲۷ سپین
چرگه	بنخه	۱۰ تور	۲۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر	۲۸ سپین
لیپی	نر	۱۱ شین	۱۳ سور	۲۵ ژر	۲۷ سپین	۲۹ تور
خوگ	بنخه	۱۲ شین	۱۴ سور	۲۶ ژر	۲۸ سپین	۳۰ تور

نامه یاد یزی به دی ټول :
 ۱- موزک ۲- گامینه ۳- پرا-
 نگ ۴- سوي ۵- نهنگه ۶- مار
 ۷- آس ۸- میزه ۹- بیژو
 ۱۰- چرگه ۱۱- سپی ۱۲- خوگه
 نوي کال به د جنوري د د یار
 لسی خخه د فبروري ترخلو رو
 یشتی پوری (د جدی رویشتم
 خخه د حوت ترخلو پوری)
 بیل کیدی تل د سپزیم به
 لومړی وری نمانع کیدی د
 منگولیا یی ژری وینکی خلک نوي
 کال (سگان سر) یعنی سپینه
 میاشت بولی نوي کال به نیمه
 شپیه نه نمانعی بلکه د نوي کال
 به لومړی وری د سهار سپید وته یی
 نمانعی اوره دی سهار دی یی
 سینی خلک د یویل کورته سس د
 نوي کال مبارکی وایی اوسفاتو
 ویش د اعادت تراوسه پوری
 به منحنی آسیا کی پاته دی به
 به میلمستیایکی د فونواوشید و
 خخه نیار سوي خوار به دستر
 خوان اینول کیزی سپین
 خوار به سپینه میاشت لور
 حکمت د رلود او خلک په دی
 ارمان وه چی د خوار به
 نوي کال د رومو به زیانید وکی
 اغیزه لری او د پوی خور لسو
 به وخت کی یویل ته د خاوریو د
 بجایانو د زیزیدولو هیلیس
 خرگند ولی اوره مغولستان
 کی اوس هم د نوي کال لومړی
 وری خرنگه چی مخکی مورویل دوی
 کیزی دی کوچنی کلزیه د وولس
 کاله ده هر کال د یو خاوری به
 یاد ییزی

نه نیگاری د دی برخای چی
 د اقمری شمسی وولو به به
 وی چی قمری شمسی
 مشتري زحل کلزیه یی وولو
 برخه د کلزیه د لمر سپزیم
 مشتري زحل او مخکی د حرکتو
 خخه ترتیب شوی ده د ادرکه
 هم د وولس کلتی بلل شوی چی
 د لمر به تاوخوا پاندي د مخکی
 د حرکت خخه تصحیح شوی او
 توگه ۱۱۶۸۶ کلنه دوره بولی
 د اوره د لمر به تاوخوا پاندي د
 مشتري حرکت دی
 تراوسه پوری د دی کیزی د
 پیدا کید و پاندي چاته بحرگند نه
 دی البته به آسیا کی دی خو
 به خختیوه یا منحنی برخه کی د
 خرگند نه ده د پوی خوانجو
 یی شمیزه د منحنی آسیا کوچنی
 کلتور خخه لیری بریسی اوره قوی
 احتمال د جین د خورون نجوسی
 تاریخ لاسرته راور نه بلل کیزی
 د بلی خوار کلزیه ټول خاوری به
 لږ استقا (بیژواوچرگه) به
 منحنی آسیا کی ژوند کوی اونهنگ
 خوه هر خای کی ژوند کولای شی
 برخه نوحل به سل کی دیوه روایت
 تا پید گران گاردی خو بیاه به
 اعتماد سره ویلی شوی د دی کلزیه
 جوړونکی و حرایس کوچیان دی چی
 د منتر کوچی مد نیت خاوندان
 ورو خرنگه چی مخکی مورویل دوی
 کیزی دی کوچنی کلزیه د وولس
 کاله ده هر کال د یو خاوری به

د هر نوي کال به راتلو سره
 ټول خلک د نوپیدیدو البته
 نیکمرغه پیدیدو به پیر به تمه وی
 او هر یو د خیل قیاس سره سم
 راتلونکی اټکلونه وړاندی کوی
 د ابخوانی آسیا یی عادت به
 اروپا کی اوس د کلتور او کچر جیز
 گریخید لی دی خو پوهیزی
 چی راتلونکی کال د کم خاوری به
 نامه یاد یزی اوهغه ټول کالی
 اوما سکونه و فوندي اورد کال
 به لومړی وری یا شپیه یو بنایسته
 نوبت بنکاره کوی به عانگری
 توگه پنخه د دی پوینتی سره
 پیره علاقه خرگند وی اورد سر
 زره غوازی چی د نوي کال هم
 د هغه خصوصیات او تقریبی
 اټکل شوی راتلونکی خان تصلم
 کسری
 د کلونو او ویش یوه خختیوه
 عنعنه ده چی د یو خخه د
 کلزیه به ټول د کال د عدد د سر
 خنکه د خاوری هم لیکل کیدی
 د اوش دوی د وری لری لومړی
 یی د وولس کلتی اوره وده یی
 شپيته کلتی دوره ده کله یی
 پوهان د کوچینی اولوی دوری به
 نامه هم بولی د وولس کلتی
 د نورولس هاوکلزیه برتلسه
 د ویره معموله کلزیه نه ده به
 یقینی ټول د کلزیه د ویر
 حقیقی نه ده لکه یوه نجوس
 او کلتوری کلزیه چی ده به
 علمی ادبیاتوکی یی کله قسری
 کلزیه هم بولی خود ایقینی

د ننی آسیا و فرهاد محلی خخه
 د شیر شاه رشاد ژباړه



مرزهای دانش

آزون دفاع میخواید

ترجمه از فریدون

آزون مدتها در ساحه پاييس سراسر (توسفيو جزيرين) در ارتفاع ۲۰-۳۰ كيلومتر سطح زمين منتشر است، هرگاه آن از ديگر تركيبات اتمسفيو جدا ساخته شود قشری با ضخامت ۳ ميلي متر را تشكيل خواهد داد، در حالیکه ضخامت مجموعی هوای ترمال به ۸ ميلي متر برسد، آزون - راديو اکيف ماورای بنفش خورشيد را جذب نموده، مانع ضرر به پوستی بالایی سطح زمين و مانع تغييرات حرارت در اتمسفيو میگردد.

آزون پس از جذب شعشعات ماورای بنفش خورشيد کسب حرارت نموده و سپس آنرا در هوای محیط پخش و انتقال خواهد داد. آزون با جذب شعشعات گرم سطح زمين بر اقليم اثر افکند، درجه حرارت آنرا کمتر میکند. از جمله دشمنان عمده آزون نور و روي و محیط بمرکبات مشترک کاربن و فلور و کلور میباشد. از ۶۰ سال است که در ميخان ها و کولرهايشکل مانع مورد استفاده قرار میگيرد. اين ماده زهرآگين نبوده، توه فراران کم میباشد. در ارتفاع که انتقال میکند کاربن را آزاد نميکند، یک اتم آزون را تخريب کند.

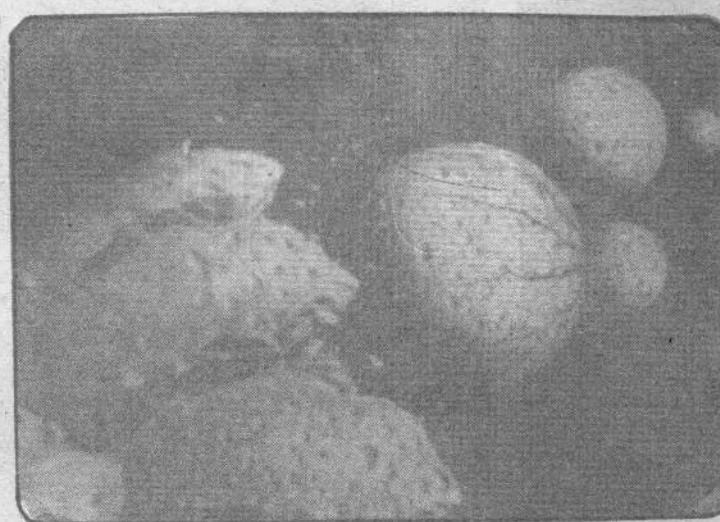
برعکس نور و گازهای ميثان که کساید آزون و ديگرموادیک تعداد آنها به ۳۰۰ برسد، قشر آزون را تخريب ميتوانند.

برای ازدياد معلومات خوانندگان محترم نظر گنگوی خبر - بيه در صفحه (۷۵)

آياتصادم زمين با کدام ستاره ممکن است؟

فنا این دنيای انتهائی اطراف ما، که با نجوم و کواکب مرصع گردیده، نمايشگاهی رامانده در آن هزاران هزار کواکب و ستاره پرتوانشانی میکنند. و زمین که مراتب این اجسام جویانگرمات در نظام شمسی است چندین بار از تصادم حتی سیارات ديگر که در مدار خود و اطراف آنها دور میمانند، نجات یافته است.

چه مشاهده خواهیم کرد - اگر یکی از ستاره های جدار زمين تصادم نماید، علماء اظهار میدارند این کار در فاصله زمانی پنجماه و هفت سال بعد امکان دارد. بنا بر این در خلدت این امکان به میسر میسازد.



تحقیقات علمی - رتورن وسطی این رابیتشکس میکند که آیا امکان دارد تا دم يك ستاره با ستاره ديگر سبب انفجار گردد؟ ۱۰۰۰ علی الرغم اینکه نظریه بالا تکمله جوانب وسیع موضوع در میان علمای قرون وسطی نمود ولی عده بسیار - علمای آن صریحا آنهم ضمنی تسمیر این احتمال میکنند:

علمای نجوم اشاره میکنند اگر ستاره - دیرمز با زمین تصادم کرد درین صورت حرارت به طاقست ۱۰۰۰۰۰۰ میگفتن مواد منفجره بوجود می آید، سیرو عالم که ما آنرا می شناسیم تغییر مییافت. و زمین با بحرانات شدید از وی، امواج غبار و خرابی، مواجه میگردد. این گونه تصادم ولو اگر در آب یا خشکی به وقوع می پیوست تا اثیرات آن سالها سال در هوا باقی میماند. - طبیعت زمین را تغییر میدهد که منجر به وفيات موجودات و خرابی کاینات میشود. کواکب چگونه فعالیت می نمایند؟

بقیه در صفحه (۷۴)

در جستجوی نقطه مرگ و طول عمر

طبایط سوزن، یکی از شاخه های سنتی ولی مهم طبایط خاور دور، در کشورهای کم رشد و فقیر از نگاه کاهش مبارک ارزنده تلقی شده می تواند اینگونه طبایط باید در کنار طبایط عمومی مورد بهره گیری قرار گیرد. برای نشان دادن ارزش آن مقاله زیرین ترجمه و تقدیم میگردد:

از چه شکایت دارید؟ بدین ترتیب پرسش را اکثر آغاز می یابد. - ارچه؟ از همه چیز، سر درد میکند، خواب ندان، اشتها ندان، یابسی از حد معیسن غذا میخورم، تکالیف عصبی دام، بابت عالم اندیشه ها و تعاسم به خواب میزنم ولی فردا باکس خالی از خواب بیدار میشوم. قهوه میبینم تا خود را تسکین دهم، از دواهای مسکن استفاده می کنم، معده ام کس میشود، استفراغ دام و...

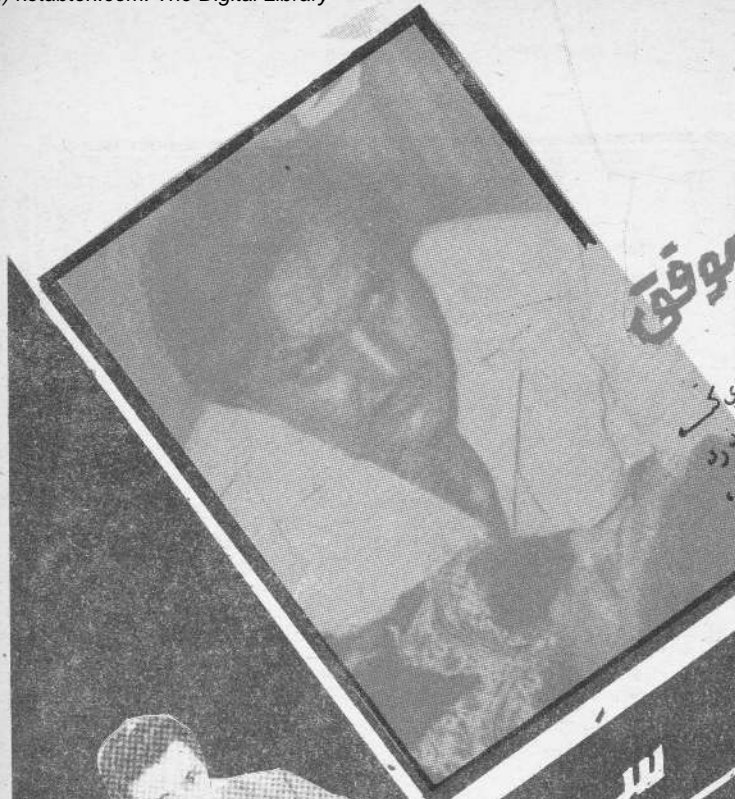
با وجود ائینان به محبت مندی - ام همه این تکالیف را دان. در اخیر بیماری به داکتر میگردید که بازنگی سازش نمی تواند. داکتر هونگ میدانم که امروز تقریبا همه کس به همچو تکالیف سرد چاراست. - پس شما را از نقطه زندگی تان، که در نایف نیست دارد، تداوی میکنم. داکتر بابت بیچکاری نظریه دارای سوزن موماندنی به نایف مریه نزدیک تر میگردد، جاییکه تقریبا همه از دست زدن به آن به تقشایمی آید، درین اثنا داکتر در حائیکه سوزن بیچکاری را داخل ناف میسازد، بسوای انگیزن احساس لذت بخشی در بیمار دستش را بالای نهادن

طب سنتی، بجای سوزن زدن سوختاندن و مساز دادن نقاط فعال بیولوژیکی بدن در آن - نقاط عصاره برته های بیسی را بیچکاری میکند. با سایر تیوری عمای طب سوزن، هرگاه عمل سوزن زنی در نقطه معده دیده بدن، که در روی جلد نقطه فعال بیولوژیکی دارد، صورت گیرد می تواند آن صدها مرتبه بالا می رود. این شیوه به صرف کمترین مواد کیمیاوی، احساس کمترین درد و حصول نتایج اعظمی منجر می گردد. به عقیده داکتر هونگ بیوا - مون موسی بیوشدن تیوریه ها و نظریات زیاد و گوناگون و همچنان برای جوان شدن نسخه های

بقیه در صفحه (۷۵)

پیرین چوپیره جیره موفق

یکی از غریبه‌گان بر فدرت سینمایی هند که به تازگی آفرینش نقش‌های در فم ها کاپوس ترس و د هشت را در فم نمانشگر زنده میسازد، بلکه از دگرناهن می‌گوید، بریم جو پرواست. از جمله دست اندرکاران سه دهه صنعت فلمسازی کشور هند است. با وجودیکه به بیرون می‌گراید در جهان بر زن و سون روایت‌هایی غرضمند آن بیخوشی هنرزم هم توانسته نیروی برتران شمار برود.



سیدین خاموش شد

وچنان رفته بود که سینما گری برای همیشه چشم از جهان سینما و سینماگری برینده و آفرینشگری جاودانه دست از قلم‌زنی برگیرد. آن که میخواست از سناریوهای نوشته اش فلم و سریالی و نمایشنامه‌ها از ستر سپید کاغذ به پرده سپید سینما صفحه تلویزیون - صحن ستیز راه یابد و جلو آئین کرد. ولی دریح که دست بمسرد مرگ آرزوهایش را به انجام و کرختی کشانید بقیه در صفحه (۹۰)

مرد خشن با سحرین تیکو



در کارهای صحنه سازی فلم‌ها آموزش دید و به امورتیه فلم اشتغال پیدا کرد. نخستین چانس خود را در فلم (خط بزرگ) ((بیک تویل)) به دست آورد، پس از آن نزد بیک ده سال در فلم‌های ارزان قیمت وسترن (کاوایی) نقش‌های را ایفا کرده و بزرگترین چانس طلایی آب در سال ۱۹۳۹ به فلم جالب کاوایی بنام ستیگ کوچ (وضع گادی چهار اسب) می‌باشد. در سال ۱۹۶۹ به گرفتن نقش کاوایی در فلم ((مارشال)) جایزه اسکار را بدست آورد. درخشندگی او در چنین نقش‌هایی برای سالیان متعادی در زمره ستاره‌های ممتاز سینمای آمریکا، او را از دیگر هنرپیشه‌گان متمایز می‌گرداند، به تایید این گفته هفده فلم اوسالهای زیبا دی بهترین ارقام احصایوی تمام شاکران سینما را بخود منحصر ساخت. پس از آنکه جلو ترشد به رشته کارگردانی و تولید فلم پرداخت ولی درین زمینه موفقیت چشمگیری بوجود نیارود. بقیه در صفحه (۹۱)

اوزنده گی را دوست دارد - شت و برای حقیقت وانعکاس از واقعیت‌ها در کرکترهای خشن نومیرت و عاطفه و انسان دوستی را با تمام جسارت در قید تمثيل آزاییه میداد. این ستاره سینمای امریکا یک نام شناخته (جان واین) که نام اصلی آن ماریون میخاییل مورسیون کبتاریخ ۲۶ می ۱۹۰۲ از پدر مهاجر اسکاتلندی و مادر ایرلندی اش در ونیترسا (ایوا) امریکا متولد شد، می‌باشد. (جان واین) در ابتدا اعلا - نمند بود تا آنسر نوای هوایی و - چندی در مکتب دریا نوردی - تدریس دید و پس از آن به کارهای متنوع بار زندگی را بدوش کشید. در سال ۱۹۲۸ جان واین به استدیوی نوکس در شهر لانس. انجلس مراجعه کرده و در آن جا

نقش جدید من

امین رحیمی صحبت می کند



نقش جدید من در فلم هنری رنگه ۳۵ میلی متری بنام سفر می‌باشد که سناریست و کارگردان آن محترم سعید ورکری می‌باشد. بقیه در صفحه ۹۳

آره ها



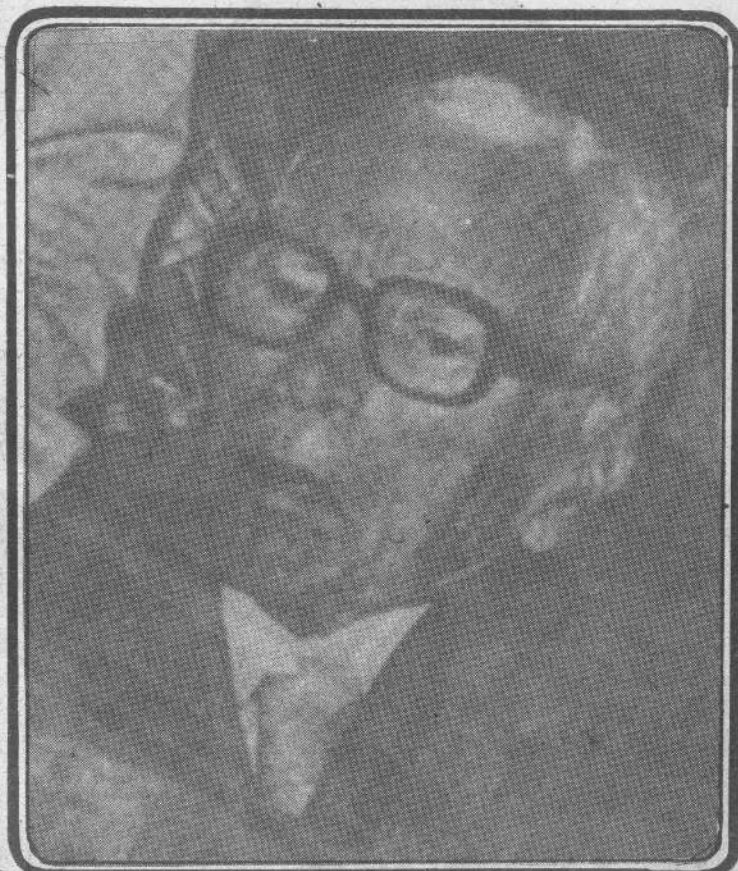
تفصیلا

قافیه و قیافه

کوچک

درسیمای یک مرد

بزرگ.



در صد سالگی

چارلی

استعداد و شهرت افسانه‌ای
چارلی در سراسر جهان
معرفی است

شخصیت خالص که در زمان
حیات خود به شهرت و محبوبیت -
افسانه بین میرسند بسیاری انگشت
شمارانند ، بخوبی کسانی چون
چارلی چاپلین که برای مدت زمان
شواری محبوبیتی پایان ناپذیر در
میان مردم جهان داشته باشد .
چارلی چاپلین بزرگ که در این
روزها در سراسر جهان با حرمت و -
ارادت نهاد به مقام والا او ، صد
سالگی تولدش را جشن گرفتند -
استعداد این شهرت آسانوی در
ضمیمه همین گردیده بود .
دو سال پیش از ظاهر شدن چارلی
برای نخستین بار روی پرده ، هر
خانواده از ناض آگاه بودند -
موسکها ، اسپا بازی ، کودکان و حتی
مسابقاتی به نام چارلی چاپلین -
مسی گردید ، مردم رقص شبیه راه
رفتن چاپلین ابداع کردند ، ناض
ورد زبان اطفال بود ، حتی در فلما
مقاله چاپلین پدیدار گردیدند .
چاپلین سیمای جاودانه شخص
را در دل پرده سینما خلق کرد که
همه مردم جهان ، خورد و بزرگ از
دیدن آن شادمان میگردد و کیف
میبرند ، کیدیهای او حکایتگر
نابسامانی های تجسم کننده تب
های معین روزگاران فلماهای
صامت و فلماهای ناطق ، روزتا روز
کسب اهمیت و اوج مینماید ، بهترین



است که این بزرگ مردسینما
 همیشه ، کارگردان ، کمپوزتور و
 پرودیسور را از زبان خودش شناخت .
 - چه کارهایی که نکردم ؟ روز-
 نامه فروش ، شاگردی حروف -
 چینی ، شیشه سازی ، ساختن
 بازیچه ، اطفال ، نوکر داکتر و غیره .
 مگر در تمام این مدت مصروفیت به کار
 های جانبی هرگز هدف غایی اکتور
 شدن را از یاد نبردم .
 تازه مانیک تغییر حرفه میدادم هر-
 نوز از جلادان بوتها ، شانه کردن
 موها ، پوشیدن پیراهن پانک و از
 رفتن گاه و بیگاه به تئاتر (بلیسک
 هاور) ابانه ورزیدم .
 - درست دیوی کمینی که مستون مک-
 سنت ، سه بیوت صورت کار بودند ،
 من هم طبعی بلهاس فادی در جای-
 ایستادم تا مک سنت مرا خوبتر ببیند
 اودر حالیکه آخر میگاش را میجهند
 و گرم تاشا ی دیکور سالن هتل بود ،
 ناگهان رهش را جانب من نموده گشت ،
 اینجایک چیز جالب ضرور است خود
 را بگونه کمید بینی میکاژکن ، هرچه
 میل داری بیوت ، هرچه نکر کردم
 عقلم قدنداد که چکونه خود را میکاژ
 کنم ، از میکاژ و لباس را بیوتی خوشم
 نی آمد ، در حالیکه جانب العاری
 روان شدم بفکر آمد که پتلون گشادی
 رابه تن و بوتهای کلانی رابه پا کنم
 کلاه شیوی خوروی بسرو کنم و صای -
 چوبین در دست بگیرم ، میخواستم
 که همه چیز باهم در تضاد باشند ،
 پتلون گشاد ، کرتی تنگ ، کلاه خود
 و بوتهای کلان ، تعبدانستم که جوان
 مینمایم یا من بخاطر نبودن مک سنت
 مرا بزرگتر تصور میکرد ، اندیشه کردم که با
 ایزاد بیوت بزرگتر معلوم میشوم ، تبسم
 هنوز بر این روشن نبود ، مگر وقتی که
 لباس ها را پوشیدم و میکاژ کردم ، نا-
 گهان معلوم گردید که چه نوع تپین
 دارم ، ناظا هر شدن بیورود سیتیز
 تپ من در ز هنم جان گرفت و مکمل شد ؛
 همینکه در برابر سنت قرار گرفتم با
 تپیم کاملاً سازش کرده بودم ، در -
 برابرش به جست و خیز و قدم زدن -
 پرداخته و صایم را حرکت میدادم ،
 در ز هنم حرکات کهدی و شوخی
 های نهادی شکل میگرفت .
 بقیه در صفحه (۱۴)

تعیین کننده صادق

۳۵

حکایت

قالت



مادر سراسیمه میدود تا فرزندانش را نجات دهد

چگونه در برابر چشمان مادری پسرش را به قتل رسانیدند

این حادثه چگونه اتفاق افتاد؟

مادر هر لحظه به پسر جوانش می‌اندیشید که نخل جوان قامت او چه بیهر همانه بین چشمانش از بیخ قطع شده و بزمین غلتید. مادر در خوابهایش، در بیداری اش، در اندیشه اش و در خیالش فقط او را میدید که بین چشمانش بخود می‌پیچید و هوا را چنگ میزد، دست و پیا میزد و بعد رفته رفته سست میشد و دراز به دراز بجای می‌انسد. آنوقت مادر سراسیمه و نسا آرام فریاد میزد و اندوهی بزرگ بر قلبش می‌نشست.

تقسیم دیواری ۱۱ حصوت سال ۶۶ رانشان میداد، عقربه های ساعت از عدد ۷ گذشت بود. نضا هنوز رنگ شیرین داشت که مردم کارته نوسراسیمه رو - حشترده با نیرهای پیهم گلوله های که از دهانه تفنگچه بی که پانگشتان یک جوان عاصی و قهر آلود فشرده شد از خانه هایشان به بیرون ریختند.

یکسال ازین حادثه المناک گذشته بود که زن منی انگشت به دروازه دفتر کوید و اجازة ورود خواست و آنوقت بدون مقدمه گفت: ((قاتل پسر مرا محکم به اعدام کردند، آمده ام تا از شما بخواهم که این قضیه را در مجله تان بنویسید، و آنوقت به تلخی گریست، و بعد از سکوت کوتاهی به صحبت خود ادامه

داد: در سال ۶۶ راضیه دخترم را که کارمند وزارت مالیه است بسا نعمت الهه نامزد کردم هفتوز سه ماه از نامزدی آنها نگذشته بود که بین آنها مخالفت آغاز گردید، یکبار بتاریخ ۵ نور دخترم را در محل و خیفه اش لت و کوب کرد. بود بعد او را از موهایش گرفته به دفتر کارمن آورد و گفت: ((بگیر دخترت را، چله سرا پس بده)) در جوابش گفت: معامله مادر خانه بوده من و تو در خانه گپ میزنیم.

بعد بتاریخ ۱۸ نور سلامت ۲۱ بعد از ظهر خانه ما آمد میخواست دختر را سینما ببرد ولی راضیه که همان لحظه از رختشویی خلاص شده بود نمیخواست سینما برود. وقتی شوهرم داخله کرد، نعمت الله بالای شوهرم تفنگچه کشید مرمی که از تفنگچه او خارج شد به ستون سقف - انه فرو رفت که مو ظفین حوزة ۸ امنیتی هم از

موسم آگاهی دارند، در آنروز هم بدختم گفت: ((چله مرا پس بده)) دخترم در جواب گفت: من دختر افغان استم اگر چله را دادم پس نمیگیم. دخترم به اندازه آخر توهین و تحقیر شده بود بخصوص وقتی پدر من او پیش چشمانش تعدید شد نتوانست تحمل کند لذا نامزدی خود را با اوفسخ کرد.

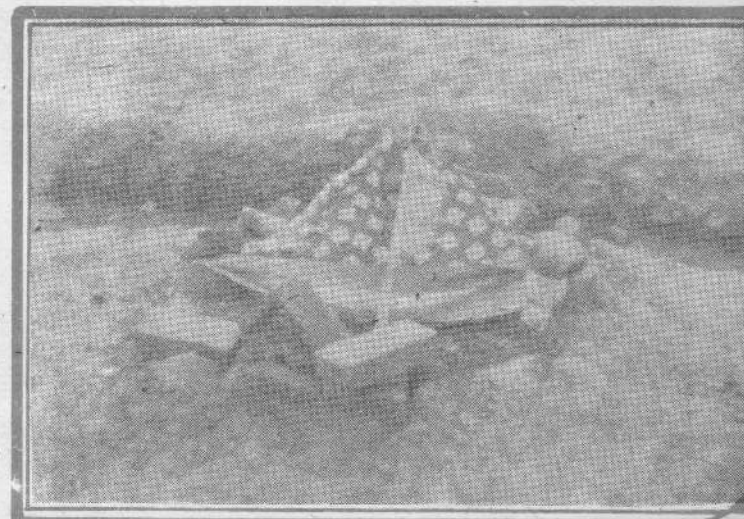
با وجود آنکه دخترم نامزدی خود را با اوفسخ کرده بود بتاریخ ۲۵ اسد وقتی از وظیفه بخانه می آمد باردیگر در نزد یکی خانه او را تعدید کرد و پالایش چاقو کشید که با مداخله مردم و کوچگی ها دختر بخانه آمد.

- آیا آندو قبل از نامزدی همدیگر را میشناختند؟
- نه شناخت قبلی بیین آنها وجود نداشت شوهر دخترم کلانم با شوهر خواهر نعمت الله دوست بود و این وصلت به مشوره آنها صورت گرفت، نعمت الله

دختر دیگری را در نظر داشت که باید با او نامزد میشد و لسی نامیلش رعایت نداشتند. وقتی باد ختم نامزد شده دخترم و همه ما زیاد خاطر او را میخواستیم اما او از همان نخستین روزهای نامزدی باد ختم سر ناسازگاری را گذاشت، و هرگز نظر دخترم و خاطر دخترم را نمیخواست.

بقیه در صفحه (۸۷)

مرگ منتظر قاتل است



یاد بود مرگ جاوید در کوچه منزل شان



خواهر جاوید نیز درین حادثه زخمی بود



دیوارهای ۵۰ ساله کرملین

تیمارستان

کرملین اهمیت و مفهوم این کار در چیست ؟
 دیکی از انسانه های باستانی در باره آفرینش که تا به نهم آن معلوم نیست با رجوع به امپروسه پیشگویی نموده بود که درین مثل شهر بزرگی ایجاد میگردد یک قلعه مثلی اعمار خواهد شد (سلطنت سه بعدی).
 و درین شهر اهالی بیشتر از قبایلی مختلف گرد هم جمع میشوند و واقعا دیوارهای کرملین عینا به شکل مثلث متساوی الاضلاع ساخته شده است.
 الساق خط دومی استحکاماتی کرملین با دیوارهای کرملین یک مثلث بزرگ دیگری را تشکیل داد که شامل میدان اساسی پلخت - میدان سبز - میباشد.
 کلیسای ترویتس که رود و مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) در میدان سبز گردید (که امروزه نام کلیسای یگورسکی ها کلیسای واسیلیان است) معروف است که در اواسط قرن شانزدهم توسط ایوان کروتن - بنایساز تاجیک از پروس - برخانی قزاق ها ساخته شد (قرن شانزدهم و شانزدهم).
 صبر و وسعت سهیل استحکاماتی سرحدات دولت جوان مسکو و روابط وسیع تجارتی بیرون آمدن اودر صحنه سیاست جهانی مانند دول بزرگ اروپایی میباشد.
 در زمان ایوان سوم جهت دفاع از حملات اجانب قلعه های یکی بی دیگری مانند قلعه نوگ گردید ایوان - گردید و کولونو ضربه احوادث گردید.
 در آن زمان مکتب شرفانی روس ها به اوج بیشتر خود رسیده اما با آنهم جهت اعمار دیوارهای پایتخت روسیه معماران ایتالیایی دعوت گردیدند.
 بقیه در صفحه (۸۶)

جهان را آغاز نمودند.
 بیانه عظیم کارها اعمار برج های اساسی دیوارها و کلیسای کرملین که در مدت زمان ده سال توسط ایوان سوم انجام یافت حتی امروز موجب شگفتی جهانیان میباشد چنین ساختمان بزرگ را در آن زمان حتی اروپای غربی هم نمیدانست در نظر اروپاییان کرملین سمبول نیرومند دولت مسکو محسوب میگردد.
 اعمار استحکامات کرملین به ترتیب معین صورت گرفت در محلات نامحفوظ دفاعی در قدم اول برج ها و بعدا دیوارهای بین برج ها را اعمار نمودند.
 اولتر از همه برج (تائیسیتکا یا) اعمار گردید.
 تحت برج مذکور چاهی را حفر نمودند بودند که در نیمه یک راه مخفی به رودخانه مسکو متصل میگشت تا در مواقع محاصره کرملین را از راه آب اکمال کرد بنا برین برج بدین نام (تائیسیتکا) نامی گردید.
 در اوایل قرن شانزدهم در اطراف کرملین شروع به اعمار دیوارهای جدید نمودند (در سال ۱۵۳۸ م) تحت رهبری معتمد سراتالوی (پتروک) دیوار دومی مسکو اعمار گردید قسمت اعظم این دیوارها در دهه ۳۰ قرن حاضر تخریب گردید.
 در سال (۱۵۸۵ م) دیوارهای شهر سفید (که در آخر سده هژدهم جای آنرا حلقه خیابان سرسیز عوض کرد) اعمار گردید این یک امیل مقبول مسکو بود که توسط معمار روسی (نیویرکون) ساخته شد و در سال ۱۵۹۲ در مدت زمان ششماه بزرگترین دیوارهای شهر در جهان دیوارهای پانزده کیلومتری جویی که در محل آن بین قرون (هژدهم - نوزدهم) باغ حلقوی مسکو ایجاد گردید.
 دیوارهای جدید یکجا با قلعه در قرن پانزدهم تا سیمیل واحدی را تشکیل داد بدین صورت در زمان چیزی بیشتر از ده سال استحکامات نهایی مرکز روسیه اعمار شده اساسا - دیوارهای -

دیوارهای کرملین در واقعیت امر به یک مخطط سه ضلعی گشوده معنوی آثار هنری استادان بزرگ مبدل گردیده است از همین نگاه است که سالانه مشهوران رشته های گوناگون هنر شعرا و مسلمانان پیشانی پروانه وار بدوران گردی آیند و از تماشاای آن حظ وافری برند.
دیوارهای کرملین مسکو ۵۰۰ سال عمر دارد
 دیوارهای کاخ کرملین که ۵۰۰ سال عمر دارد سمبول دولت روسیه گردیده است در مثل کرملین روزگاری جنگل انبوه قرار داشت که نام مثل - تپه پرویتسکی از آنجا گرفته شده است (در سال ۱۱۴۷ م) امپروسه (پوری دولگه روکی) درین تپه در کنار رودخانه مسکو اساس شهر را گذاشت اعمار شهر در آن زمان معنای ساختن قلعه را داشت معلومات کسی در باره دیوارهای باستانی مسکو حفظ گردیده است نخستین استحکامات چوبی که در سال (۱۱۵۶ میلادی) ساخته شده بود طبق معلومات در اسرار حملات تاتارها طعمه حریق گردیده و این دیوارها با زحمات بیشتر تجدید ساختمان گردیدند و در زمان امپروسه (ایوان کالیست) در آغاز قرن (XIV) چهاردهم در مدت پنج ماه به استحکامات دیگر قدری قوی تر از آن تعویض گردیدند اما معمارانم بیشتر از ۵۰ سال طول نکشید در نیمه دوم قرن چهاردهم (روس دیمتری دویتسکی) تصمیم گرفت تا استحکامات جدید سنگی اعمار نماید.
 در قرن XV یانزدهم تحت رهبری شخص امپروس بزرگ روسیه ایوان سوم و معماران ایتالیایی (انتسون فنانین، مارکوریو، پیوتره انتونیوسولون، الیگز نپانین، میلانتس) به همکاری استادان مسکو سنگ کاری روس ساختمان یکی از بزرگترین بناهای

امعار گردید این دیوارهای دو کیلومتری، با در نظر داشت شکل اراضی منطقه، شکل خط منکسور داشت تا از هر برج تمام نقاط مشاهده شده بتواند - دیوارهای اولی کرملین، بصورت کل، شکل مثلث متساوی الساقین را داشت در سال ۱۵۳۸ دیوارهای دومی آن، بدور دیوارهای اولی پاثلت اولی، که میدان سبز را احتوا نمود، ساخته شد قسمت اعظم آن در دهه ۳۰ سده روان تخریب گردید در سال ۱۸۸۵ دیوارهای شهر سفید اعمار گردیدند که در اواخر قرن ۱۸ با حلقه خیابان سیزتموش شد در سال ۱۵۹۲ بزرگترین دیوارهای شهر جهان، که ۱۵ کیلومتر طول داشته و از چوب ساخته شده بدست ساختمان سپرده شده در سده های ۱۹ و ۲۰ بجای آن باغ حلقوی مسکو عرض وجود نمود کلیسای ترویتسکی نه رود، مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) که امروز بنام کلیسای یگورسکی ها کلیسای واسیلیان مشهور است، در میدان سبز جلب توجه میکند.
 بدین صورت، اعمار استحکامات قدر دولتی روسیه طی یک مدت طولانی به مرحله اکمال رسید. برجها و دیوارهای کرملین از سخت های خوب تشکیل شده سبز ساخته شده که هر کدام در حدود هشت کیلوگرم وزن دارد معموره چلیپا مانند ازبک و آهک ساخته شده که معلا دیوارها را محفوظ نگه داشته است.
 اگرچه استحکامات کرملین گاه گاه از حملات آتش سوزی ها، نبرهای تپ، انفجارات و تپ ها صدمه برداشته مگر هیچگاه به حملات مستقیم مواجه نگردیده و بنا بر آن بناهای بزرگی ندیده است در صورت وقوع رخدادهای جنسی تنها پوشش خشتی بارها مورد تجدید ساختمان قرار گرفته است.

کاخ کرملین، که یکی از بزرگترین بناهای دولتی تا بهی بشمار هرود و وسایات شگفتی تماشاگران را فراهم می آرد، در سده پانزدهم و در دوره زمامداری امپروسه روسیه، ایوان سوم، بدست معماران روس و بدستباری استادان سنگ کار روس اعمار گردید به این کاخ عظیم بنظر اروپاییان به نظر سمبول عظمت و نیرومندی دولت روس نگاه میکنند.
 انگیزه اعمار کرملین را احوادث شهر مسکو تشکیل میدهد که در سال ۱۱۴۷ میلادی توسط امپروسه پوری دولگه روکی، پالان تپه کنار رود مسکو صورت میپذیرد چه در آن روزگاران اعمار شهر معنی ساختن قلعه را داشت و کرملین قلعه بی بود که جهت همه شهر مسکو بنا کناری شد از آن زمان به بعد شاهان روس، یکی بی دیگری، به منظور دفاع شهر از بیوش های بیگانگان، به ساختن و تکمیل و تجدید استحکامات شهر پرداختند.
 کاخ کرملین مثلث انبرجها، دیوارها و کلیسای های است که در دوره های شاهان مختلف، مخصوصا دوره ایوان سوم، ساخته شده است.
 در گام نخست بدور قلعه ابتدایی، مخصوصا در قسمت های غیر مسقف، به اعمار برجها توجه مبدول گردید این برجها، که تعدادشان به بیست رسید، هر کدام سیمای معتمدی و نام مخفی بخیرود دارد، نخستین برج طوری ساخته شده که تحت آن چاه عمیقی حفر گردیده بود این چاه انیسک راه مخفی یا رودخانه ارتباط داشت تا کرملین در صورت محاصره از همین سبب به ماینیتکه به معنی گردید.
 بعد ها، در اوایل سده شانزدهم، در فاصله های بین برجها، دیوارهای محافظتی بدور کرملین

امعار گردید این دیوارهای دو کیلومتری، با در نظر داشت شکل اراضی منطقه، شکل خط منکسور داشت تا از هر برج تمام نقاط مشاهده شده بتواند - دیوارهای اولی کرملین، بصورت کل، شکل مثلث متساوی الساقین را داشت در سال ۱۵۳۸ دیوارهای دومی آن، بدور دیوارهای اولی پاثلت اولی، که میدان سبز را احتوا نمود، ساخته شد قسمت اعظم آن در دهه ۳۰ سده روان تخریب گردید در سال ۱۸۸۵ دیوارهای شهر سفید اعمار گردیدند که در اواخر قرن ۱۸ با حلقه خیابان سیزتموش شد در سال ۱۵۹۲ بزرگترین دیوارهای شهر جهان، که ۱۵ کیلومتر طول داشته و از چوب ساخته شده بدست ساختمان سپرده شده در سده های ۱۹ و ۲۰ بجای آن باغ حلقوی مسکو عرض وجود نمود کلیسای ترویتسکی نه رود، مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) که امروز بنام کلیسای یگورسکی ها کلیسای واسیلیان مشهور است، در میدان سبز جلب توجه میکند.
 بدین صورت، اعمار استحکامات قدر دولتی روسیه طی یک مدت طولانی به مرحله اکمال رسید. برجها و دیوارهای کرملین از سخت های خوب تشکیل شده سبز ساخته شده که هر کدام در حدود هشت کیلوگرم وزن دارد معموره چلیپا مانند ازبک و آهک ساخته شده که معلا دیوارها را محفوظ نگه داشته است.
 اگرچه استحکامات کرملین گاه گاه از حملات آتش سوزی ها، نبرهای تپ، انفجارات و تپ ها صدمه برداشته مگر هیچگاه به حملات مستقیم مواجه نگردیده و بنا بر آن بناهای بزرگی ندیده است در صورت وقوع رخدادهای جنسی تنها پوشش خشتی بارها مورد تجدید ساختمان قرار گرفته است.

بنای بزرگترین دیوارهای کرملین در سده ۱۵ اعمار گردید و در سده ۱۹ و ۲۰ تجدید و تکمیل گردید

فروشنده‌های سبزه‌ها و امیران در آمیزش با امیران

فروشگاه آثار هنرهای زیاده‌دلانه
بزرگترین فروشگاه جهان

سخت اعتماد دارند * متخصصان کارآموده هر هفت
دیارتمنت فروشگاه به منظور جستجوی اشیای گران
بها و نادر به هر گوشه و کجای دنیا سفر میکنند * با
علاقه‌مندان و گردانندگان آثار به داد و ستد می‌پردازند
و در حراج‌ها اشتراک می‌ورزند *

انتونی سبینک ۶۹ ساله * امریکایی است
نقاشی * همین تماشای سالون فروشات اکسفورد به
اثری بنام منظره انبار صحرایی عهد ویکتوریا * که
به صورت رنگه آبی کار شده است * برخورد به آن -
چنان علاقه‌مند شد که به همکاری و وظیفه داد تا در
حراج آن شرکت جوید * این اثر هنرمندی گمنام از طریق
مزایده به قیمت (۶۰۰۰) پوند به سبینک تعلق
گرفت * چه سبینک حد سرزده بود که این اثر از -
نایفه رویایی قرن نوزدهم سامویل بالمر است * بعد
ها آنرا به ۴۰۰۰۰ پوند به فروش رسانید *

انتونی گاردنر * مسوول آثار هنری جنوب شرق
آسیا * ضمن دیدار از توکیو یک اثر برونزی با ارزش
تاریخی را با آنکه خیلی خورده هم شده بود خرید
و ترسیم نمود *

بعد ها معلوم شد که برونز منجوسری * یکی از مر -
یدان بود * از موزیم میانامی بنگله دیش آمد *
است * او میگوید * (احتمالا این برونز در زمان
حکومت هند و پاکستان به سرقت برده شده باشد * ما
کاملا آماده‌ام آنرا بازگردانیم مشروط بر اینکه مقدمات
بنگله دیش تعهد بمانند که آنرا در موزیم ایالتس
بدون امنیت نگذارند ((

با امانه * مجدد برونز * سبینک مبلغ (۵۰۰۰۰)
پوند قیمت بازار را از دست داد و این گذشته است که
گاردنر آنرا چنین توضیح می‌دهد * (آنچه را که ما
انجام می‌دهیم عبارتست از حفظ آثار برای نسلهای
آینده است ((

در حمله آثار افغانی مجسمه‌هایی از گند ها را
که از نظر مضمون بودایی و از لحاظ شکل یونانی بود *
و میراث فتوحات قرن سوم قبل المیلاد سکندر کبیر
بشمار می‌رود * نیز در این فروشگاه وجود دارد *
گاردنر می‌گوید که تا این اواخر آثار هنری و مناظر

سلطان در تدارک هدیه بی به ملکه
انگلستان از جواهر فروشی سبینک و سران واقع در
لندن * که (۳۰۰) سال قدمت دارد * استمداد
جست * شرکت در ظرف یکماه ستاره طلایی و گل‌بند
جواهرنشانی ساخته و را اختیارش گذاشت *

این شرکت برای بیش از (۷۰) کشور جهان و
همچنان برای ملکه * شعزاده فلیپ و شعزاده ویلز
مدال ها و زیورات طرح و ساخته است که همین امر
موجب شهرت جهانی آن گردیده است *

این فروشگاه به عنوان مخزن آثار هنرهای زیبا
سالانه بیش از (۳۰) میلیون پوند ستاره داد و ستد
دارد * هرگاه بهترین را می‌خواهید * همینجا است
گرانبهارترین آثار را می‌توانید بخرید *

تلفورد شوت * امیر اداری فروشگاه اظهار
داشت * (این فروشگاه در سطح جهانی جالب
ترین نوع خود است ((

نمایشگاه‌های سه منزله و گالری‌های آن از -
مجسمه‌های شرقی * منسوجات * نقره * باب نقاشی -
ها * جنی باب * مسکوکات * کتب * مدال و تعداد
زیادی از ایشیا * و اختیاری برانگیزند و جالب آنگند *
است * جالبترین بخش آن قسمت آثار چینی و جا -
بانی است که یکجا با دیگر بخش‌های شرقی منبع
ثروت درآمد شرکت را می‌سازد * اجناس ترتیبی
از قبیل عاج * برونز و جنی باب چنان با نظم و شکوه
خاصی در آنجا چیده شده است که کویلا خان
می‌توانست آنرا به شرکت خود در خاناد و انتقال
دهد *

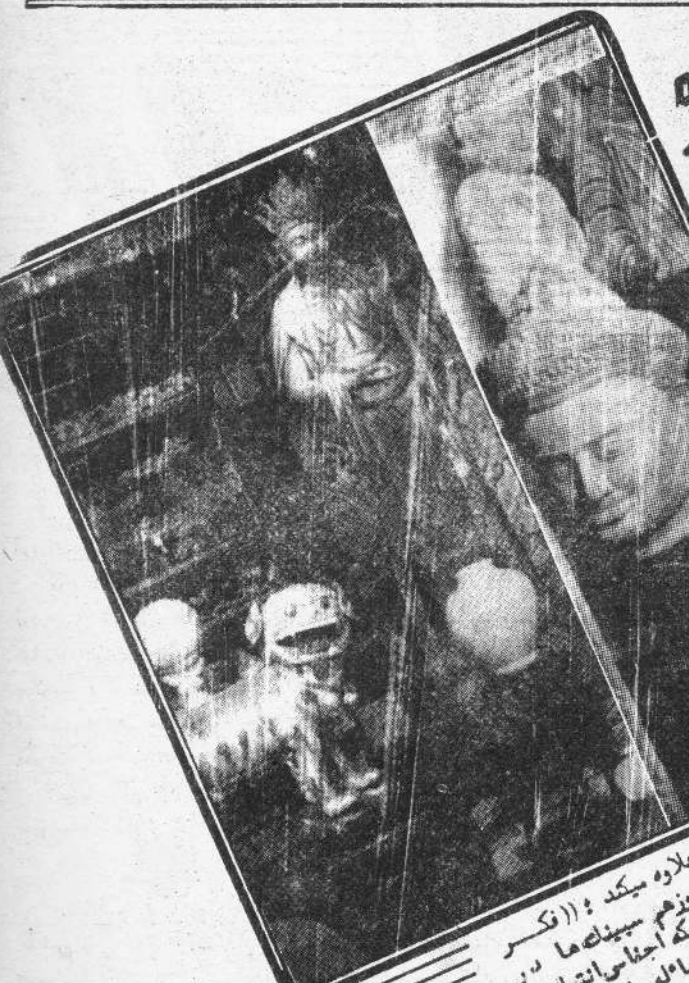
فروشگاه در این اواخر قار شده است که ۴۰۰۰
لباس کلاسیک شبانه را که مربوط به سال ۱۹۵۰ -
است و روی آن شلنگ نقره‌ای که منقوش با جعره ملکه
سکات می‌باشد * در برابر ۵۰۰۰ پوند به دست آمد *

داشتن همجو اجناس در اکثر توجه علاقه‌مندان
ماورای ابحار را بخود جلب نموده است * یک امریکایی
سخت علاقه‌مند است تا در برابر دست‌آوری مجسمه
های سنگی هندی هر چه بیشتر پول مصرف کند *
مشتریان خصوصی و موزیم‌ها به فروشگاه سبینک

مغازه های لندن



میکایل سپینک، ۳۱ ساله، کارشناس ماهر هنر های اسلامی گفت: ((حتی در دوره مقدساتی مکتب می دانستم که به شرکت می پیوندم)) هنگامیکه نامبرده از رشته تاریخ و تاریخ هنر در کالج فارغ التحصیل گردید از طرف صوفا پیش در امر تجارت



رئی شرکت پذیرفته شد. او علاوه میکند: ((فکر میکنم خوش استند از اینکه تا هنوز هم سپینک ها در شرکت وجود دارند. برای آنانیکه اجناس انتیکه را جمع آوری میکنند، شاید این مسأله پیکار رشته ارتباطی دیگری باشد که باید داشته باشند.))

جنوب شرق آسیا کمتر بوده و ناچیز شمرده شده است. ولی از آنجاییکه این آخرین تمدن بزرگ بشری است چیزهای زیادی را میتوان از آن گردآوری کرد. قیمت تثبیت شده هر پارچه آن تاکنون در حدود چارمیلیون دالر بوده که با این پول به مشکل میتوان نرسید. از رینویرا خرید، هنوز هم بزرگترین آثار این مناطق را میتوان در بدل (۵۰۰۰۰) بوند بدست آورد.

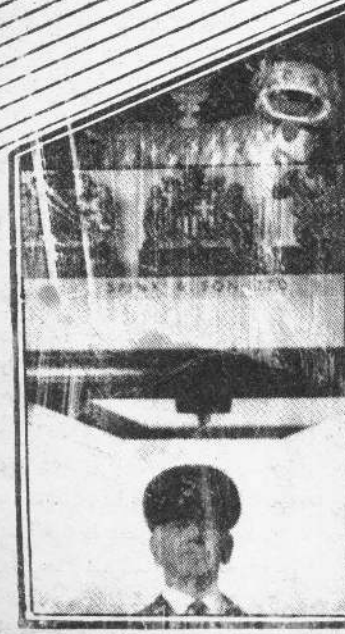
دیپارتمنت نقره ای، کاد موند لیرد کلاویز مسولیت انرا به عهده دارد، برای من نیست به تازه می رونق پیدا کرده است، خریداران در جستجوی متاع خوب اند و داد و ستد نقره باب ناد بازار خوبی کسب نموده است. بیاله می مربوط به الهیزابت که ده سال قبل مبلغ ۱۰۰۰۰ بوند ارزش داشت، اکنون بهای آن به بیش از ۱۰۰۰۰۰ بوند رسیده است.

در حال حاضر، کلاویز لندن را به مثابه مهمترین بازار نقره میشناسند، در این تازه گی ها، مالک یگانه یادگار بیروزی مسابقه اسپ دو انی چیز دو م یعنی قاب باستینگ ستون در سال ۱۶۸۸ از طرفی کلان نقره پی که به سیک جینایی ترین یافته، میخواست انرا به فروش برساند، این شخص به فروشگاه سپینک مراجعه کرد و آنها مشتری اروپایی را پیدا کردند که حاضر شد مبلغ (۲۵۰۰۰۰) بوند در برابر آن بپردازد.

باتا، سیرد دیپارتمنت مسکوکات در سال ۱۸۲۰ - سپینک نخستین قدمی را برداشت تا حیثیت یکی از بزرگترین معامله گران هنرهای زیبا را در جهان کامی کند. در حال حاضر باتریک فینن مسولیت این

دیپارتمنت را بعهده دارد، نامبرده یاد آور میشود که مسکوکات کلاسیک روسی و یونانی از جمله مسکوکاتی است که در سطح جهانی طرفداران و علاقمندان زیادی دارند ولی معامله گران بر تانوی مسکوکاتی را که در انگلستان ضرب زده شده اند ترجیح میدهند. زمانی انگلستان بیش از (۷۰) صرا - بخانه انگلوساکسون ونورمان را دارا بود و بعضی از علاقمندان تا که میتوانستند سکه جمع آوری کرده اند، برخی دیگر صرف سکه های طلا یا سکه های بزرگ پنج شلنگی را جمع آوری کرده اند، در این تازه گی ها، سپینک، سکه پنج شلنگی گوتیک عهد ویکتوریا را به مبلغ ۱۲۴۰۰۰ بوند بمزاید گذاشت و ریکارد جهانی را قایل کرد.

معامله داران شرکت شامل کسانی همی شوند که مایلند اشیای خود را به فروش برسانند چنانچه زنی در باغچه شهری تازه بیل زده شده سکه کوچکی را دریافت، فینن با تشخیص اینکه این سکه یکی از سکه های اولی انگلوساکسون دوران شاه (اوفسا) در قرن هشتم است آنرا به مبلغ ۳۰۰۰ بوند خرید و وانزن خوش شد. بقیه در صفحه (۸۹)



زندگی استعساله کی

از سلسله کشت زار سوخته

تعبه کننده صباح الدین رهش

اوراد یکی از شعبات جنایی خازندوی میباید . شوهرش به جرعت اعتیاد و فروش هیرویین در اینجا توقیف است . نگاه های وحشی و روسپیانه دارد . به خنده های بی معنی و لحن بی ادبانه عادت کرده . بیان عربان دارد و شیطان از گشته هایش نمیشود . به مشکل موفق میشم که قصه اش را از خود نریشم ، میگوید : ((ما قصه میکم به شرطیکه تو او رو چاپ کنی که کل دنیا نم مره بفامن و بفامن که چی دل کلانی دارم و دگه مره ملامت نکن و نگوین که ما به دل خودم زن هر جایی شدیم و ...)) قبول میکم و او بازسان خود قصه میکنه و من با زبان خود می نویسم :

شاید در آن زمان نمیدانستم که چه سرنوشت شومی - آنگاه باشم و بی عفتی انتظام را خواهد داشت ، هنوز سالهای ده هم عمه بود که درد مرگ مادر مانند هر طفل بی مادری رخنه سوزنده می درمن بدید آورد ، فضایی هرات زمین (زادگاهم) برایم تنگ شده بود . همیشه بیاد مادرم میگیرم ، بیاد مادرم که مرا (گل بی بی) خطاب میکرد ، گلی که برپرشد - گلپیکه یارای ایستاده می در برابر نسیم صبح نداشت . در تلاطم یک توفان از سرزمین برکه ها و لجن - زارها در میافتد . مدت کوتاهی از مرگ مادرم میگذرد که پدرم به فکر همسر دیگری میافتد و اما هیچکس حاضر نیست تا با مرد کلان سن که پدر یک دختر هم است ازدواج کند و سرانجام خانواده بی ازقائتر مردمان عیش و هوس حاضر میشود تا دخترشان را به عقد نکاح پدرم در بیارند ، به آن شرط که من باید الی رسیدن به سن بلوغ و قانونی پانزده سالگی آن فامیل گردم و ایام نامزدی را به خدمت در آن خانسه گذاشته شوم ، آنها در شعر کابل زنده می میکنند و بعد از آنکه پدرم شرط را میدهد ، من به کابل انتقال داده میشوم - حالا دیگر برایم جز یاد های از مادرم به ارمان نرسیده ام ، چیزی وجود نداشت . او مرد و مرا با کوله باری از اندوه و آشک - تنهایی و بی خانه گی در این دنیای بزرگ برای گریستن و کوچک برای شاد خندیدن ، تنها گذاشت . من طفل بودم - شاید هنوز از راست و چپ چیزی نمیدانستم - هم خانه هام همه مردمانی بودند که تازه با آنها آشنا شده بودم ، تازه د شناسمایشان گاهگاهی گوشم را نواز میداد - من تا حال از سکوی بلندی دست و پا زانان برتاب شده بودم - هنوز به زمین نخورده بودم - شاید در نهایت نفسهای تنگ ، در یک شب سیاهتر از هر سیاهی به زمین خوردم و دره - دره چون فریاد هایم با شنیدم . آنشب در دست شپش بود که نکته های از آغاز مرگم بر صفحه زنده گی ام نقشه شد . من آنشب مردم و تا حال بر طومار آن مرگ رنج زنده گی دور از عفت رامیسم - آنشب نامزدی جوانی بر اوام مانند چند یسن

شب دیگر به بستر آمد - به بستر دختر دوازده ساله ای که از کسالت کار بام تا شام میخواست آرام گیرد - من از بوسه هاود ست بازی - هایش جز آزار چیزی دیگری را نمییافتم - شب مرگم به نیمه اشرنرسیده بود که با چینی خود را غرق دیدم ، و من آنشب چرکین مردن را فرا گرفتم - دیگر دختر باکره بی نبودم - من دیگر (گل بی بی) مادر نه - زن دوازده ساله بی بودم .

و شبهای سیاه یکی بی دیگری مانند لحظات آنگاه از توهین و ظلم بر من گذشتند - در سیزدهمین سال عمرم آنقدر خود را ناتوان و ذنبون یافتم که ناگزیر از خانه وهم خانه ها فرار کردم .

فرار - این بزرگترین دروغ - این بی بنای ترین واژه در انبوهی از آدمها و آدم نماها چه کنی میتوانست به من انجام دهد ؟ به خاطر دارم که راهروهای کارسرت کارت - سه کابل را با گریه و فریاد به استقبال یک شام بی مکان میشتافتم - چشمهام به من میدیدند و شاید تنها برای همان لحظه تا صبح به حال میگردند .

در حالیکه سخت میگریستم بیزنی با مهرانی دست به سرم کشیدو چنانکه باید به گریه طفل سیزده ساله بی ارزش داده شود ، دلیل ناراحتی ام را بر رسیدن آنها همینقدر گفتم که در خانه فامیلم برایم حای زنده گی نیست و پدر و مادر ندانم - خانم بیو مرا به خانه خود دعوت کرد و گفت میتوانم دخترش باشم . زن سیزده ساله بیبیکه سرگردان یک سرنوشت شوم در کوچه های شهر نادیده می بود زیاد ، از این تعارف چه میتوانست بخواهد ؟ چه میتوانست از روزگند ؟ و من بدون هیچ پرسشی بد یرفته در حالیکه دست بیروزن رادربین موهسای چرک لمس میکردم و لطف غرض آلودی را احساس میکردم ، راهی منزلش شدم ، در خانه محقر بیروزن یک پسر جوانش نیز با او زنده گی میکرد که از همسرش جدا شده بود و در یکی از اولین شبهای زنده گی در این خانه محکم به پذیرایی وهم آشپزی او گردیدم - ناگزیر به اطاعت بودم بخصوص حالا که از کیف بردن نیز کم بهره داشتم زنده گی در این خانه نیز عمر کوتاهی داشت هنوز کسالت از زنده گی ام در این خانه نگذشته بود که یکروز همیستم گفت : ((کالایته جمع کوکه ترو به جایی میسم)) و من نمیدانستم که کجا و به چه مقصدی میرم ، صبح وقت سوار سرویس سفیری شده بازمانند قند ها گردیدم . رفتن از شهری به شهری حالا دیگر برایم مفهومی نداشت چه من از خود نبودم - شاید اگر صاحبان نمیخواستند به زنده گی کردن نیز اجازه نمیدانستم .

در قند ها مرید در یوریکه در انتقال مال تا جران از یک شهر به شهر دیگر کار میکرد ، مراد ریدل بول - بولیکه قیمت من بود و تا حال اندازم - انرا نمیدانم از نزد صاحب قبل ام خریدم . (بخاطر آمدن بود که زمانی پدرم مرفی را خریدم بود و از وی آریزان تا خانه آورده بود و من فکر میکردم که با پاسر قیمتش را خواهند دانست هرگز) . من حالا دیگر یک زن نوجوانی بودم که کمتر میتوانستم از سرنوشت

آگاه باشم - در زمانیکه شاید سرنوشت راه نامش نمیدانستم ، زمانیکه خود را غمگین به نجای میدیدم ، نمیدانستم که چسرا باید محکم به زنده گی شو و اینبار تقدیر مرا دوباره به کابل آورد - نمیدانستم که اینبار چگونه مصدر خدمت به ماحم خواهم شد ، وقتی به کابل در خانه بی انتقال داد ، فکر میکردم شاید در اینجا تنها یک مایه داشته باشم ، اما - در رخ که اینبار هر شب و یا چند شب بعد مالکهای موتقی را باید پذیرایی میکردم -

باعتیاد این آدم نماها خود را برایشان سرویس کتم ، در دستهای قهار و وحشی شان بلوتم و دره دره - وجود را ، وجود کوچک را برایشان تعارف نمایم صبح ها از کسالت شیشه - بخوابم

تعبه کننده صباح الدین رهش (۸۶)

سر گذشت یک زنده گی پر باد رفته

ازهریسی



پسر بچه ارمنی عملیات بسیار نادر را گذراند

وقتی زلزله فاجعه آورده شهر سیتاک ارمنستان را تکان داد، قارن- قاجاریان مانند هزاران طفل ارمنی دیگر در مکتب بود، مادر وی برای نجات پسر نه ساله خود به مکتب شتافت اما ساختمان زلزله خاکی شده یافتند. خوشبختانه قارن با عده معدودی زنده ماندند اما چشم چپ و دست راست خود را از دست داده بود. فقط عمل جراحی بسیار مغلو او را نجات داده می توانست. دکتران شوروی که برای زنده نگهداشتن مریضی های بسیار و خیم زحمت می کردند به پدر و مادر او توجه کردند طالب کمک از دکتران امریکایی شوند.

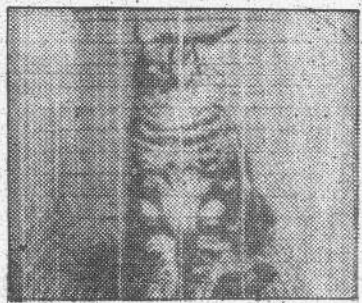
قارن و پدرش در اوایل فبروری به امریکا رفتند و از کمک های معسره مند شدند که به منظور مساعدت طبی به آنها رسیدگان زلزله ارمنستان تدارک دیده شده بود، قارن به شفاخانه اطفال در فلادمینا در ایالت پنسوانیا برده شد.

دکتر ل. وستمان درین شفاخانه پس از معاینه پسر بچه گسست دوانگشت پای چپ قارن را به دست راست او پیوند می زند. این عملیات که دوانگشت را از پای او بدر آورده و دست راستی بجه زدن چهارده ساعت را در بر گرفت، دکتر وستمان یک ویرید دست قارن را نیز با ویرید ساژ او تمهیز کرد.

وقتی عملیات بسر رسید، دکتر متوجه شده خون در بخش تازه پیوند حورده جریان ندارد و چندین ساعت دیگر برای جریان دادن خون صرف شد، این عملیات بسیار مغلو نیز مایکروسکوپ انجام شد و نتیجه آن قناعت بخش است.

قارن یکی از ۳۸ طفل ارمنی است که برای تداوی به ایالت متحده فرستاده شدند و با این احساس معجزه سیامگدان از دکتران امریکایی به وطن بر میگردند که خوش هایش را به او باز گشاده اند.

ازهرده پیشک اروپایی، یکی مصاب مرض ایدس است



دانشمندان آلمان غرب تخمین می کنند یکی ازهرده پیشک اروپایی یکی مصاب مرض است که شبیه ایدس میباشد. پیشک یا معمولاً این مرض را از حمله به یکدیگر میگیرند. ماهیان هارزینک بروفیسور هالندی میگوید تا چهل درصد پیشک ها در اروپا این مرض را با خود انتقال میدهند اما این مرض به انسان سرایت نمیکند. آزمایش روی انسانها به یک با چنین پیشک ها در تماس بوده اند ثابت میسازد که آنها دچار این مرض نشده اند.

پولیس دریایی سگرت کشان

مقامات مانه لاد در مساحت عامه سگرت دود کردن را ممنوع کرده اند و ۲۰۰۰ پولیس فلپین در تعقیب آنان گماشته شده اند که مقررات را نادره بگیرند، واکسیر چنین شخصی بدست پولیس یافت از ۲۰۰ پوسوتا ۹ دالر جریمه داده روز زندان، چرا خواهد شد دید. طبق این مقررات هیچ شخص اجازه ندارد در سینماها، همها های شهری، رستوران ها، هتل ها، مکتب و دفاتر رسمی سگرت بکند و اما مخالفین این اقدامات داهیل میاورند به غیر بود مقامات مانه لاد اولتر گرتش موتوهای دپولسی میخی پس را ممنوع میگردند که ستونهای از دود غلیظ را به هوا بلند می کنند و آلودگی محیط را بازمی آورد.

لیزتا یلورا با قانون گلا ویز شده

مایکل ویلینگ جونیر، پسر لیزتا یلورا با اصرار به عدم بازگشت به سرش به انگلستان حکومت ایالات متحده را به حشم آورده است. از دست داد. سناتور جان ورنر، شوهر پیشین لیزتا، میخواست از مقررات مشخص مخدر گردید. بود خود که از قوانین سختگیرانه این حکومت، طبق قانون امریکا بیامون مهاجرت طاهره رفته ایالات متحده، سبب می شود که است زاین امر منجر به ایحسان وی حق سکونت دائمی خود را در سرودهای در آن کشور گردید. آن کشور از دست دهد.

بخطرات جلوگیری از قمعین کاری پدرش را کشت

در ایالت میسیسیپی آمریکا، متعلقی پدرش را به قتل رسانید که میخواست او را نسبت اخسند نمرات خرابش تنبیه کند.

مسئول بخش رکی بانکر میگوید: والدین این پسر بخاطر تنبلی و اخسند نمرات پایین او را ملامت کردند و پدرش خواست او را با کمر بند ی لت و کوب کند، اما حاجی دانیل ۱۷ ساله پدر ۴ ساله اش را - پیش از توسل به قمعین کاری با ضرب گلوله از یاد آورد.

قاتل به انتظار محاکمه در زندان به سر می برد.



عادی نموی نماید و در تداوی و تربیه این نوزادان مالک آن توجه جدی میدون داشته و تحت نظر داکتر جوانان تحت معالجه قرار دارند. سیتلوریتا بعد از دو سال نوزادان را بدنیآورد.

یکسک ایرلندی به اسم سیتلوریتا در اوایل بهار ۲ نوزاد را بدنیآورد که رحمت عمه نوزادان خوب میباشند. خوردترین نوزاد که وزن آن از عمه نوزادان کم است بدنیآورد که بحالست

خانه جی هـ

تهیه کننده حسن نیر

آتش سوزی در ستدیوی تلویزیون میسور ۲۰ نفر را هلاک ساخت

حین فلمبرداری یک سریال تلویزیونی در شهر میسور هندسه آتش سوزی ۲۰ نفر را کشت و ۲۵ نفر را زخمی ساخت.

آتش سوزی در ستدیوی رخ داد که سنجی خان، هنریشهر دایرکتر سریال ۵۲ قسمتی ((شمسیر تپوسلطان)) را تهیه میکرد، علت حریق هنوز معلوم نشده و سنجی خان به نسبت حراحتیکه برداشته در بیمارستان بستری گردید. همکوران گفتند که خطری جدی زنده می آورا تعدید نمیکند.

قرار بود این سریال از ایرسل آیند و در تلویزیون هند به نمایش گذاشته شود. در این سریال سنجی نقش تپوسلطان، پادشاه انسانوی قرن ۱۸ را به عهد داشت.

از هر یکجا

اکیهیت و سالیانه دو میلیون دالر

میگیرد



اکیهیتو، امیراتورجدید جاپان سالانه ۲۵۷ میلیون (معادل ۲ میلیون دالر آمریکایی) به عنوان معاش دریافت خواهد نمود. این درست همان مقدار پولی است که پدرش هیرومیتو بدست می آورد.

انژون بران، ۲۵ میلیارد (۲۰ میلیون دالر) دیگر هر سال به صیغه مصارف دربار به وی پرداخته میشود.

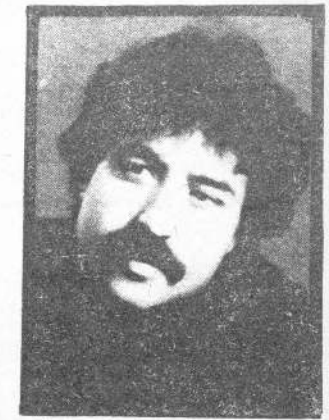
سه حیوانات از خود حقوق دارند

اختلاف نظر درباره حقوق حیوانات نهاد است و سهامی افراد و اشخاص اصلا دهن زمینیه چیزی نهادند.

تعداد نهادی به این عهد اند که تجارب فراوان به شمول غیر انسانی روی حیوانات صورت میگردد که همواره در هر کجای پاسبی های علمی بنیضور بهبود زندگی بشر نیست. آنها به ضرورت رفع شرایط خرابی که این حیوانات نهادار میشوند و نیز قطع تجار و روی حیوانات مذکور تاکید دارند و میگویند همه حیوانات بنهاد این اصل ساده که زندگی بدون توجه به اینکه چگونه میگردد، زیبا و دلپسند است حقوقی دارند. بحث انسان این وظیفه است که زبان این بی زبانان و نگهبان این بیگانهان باشم.

از گپ های که ما خبر شدیم

آیا معشر لاف زده نبود؟



دهد، که این حرف به اصطلاح به رنگ نیرت یک عده دیگران نوازنده گان خورد و بیرون بردند بالایی معشر در تلویزیون که چنانچه گفتن ای معشر و سایر در مصاحبه خود با دانش جوانان گفت: حاج معشر سابقه بد هم و شرطی هم نام منو براینکه اگر در مسابقه بره از من بود پنجم هم ارادتانی می خواهم، اگر با حق می بردن، کسرت سابقه حاشیه شد سر را بید بود.

معشر هم حاضر شد و گفت منتظر معشر و احسان سابقه ندهند من با برنده مسابقه دست و پنجه نرم می کنم.

وقتی از معشر پرسیدیم، حالا سخن از چه فرار است؟ گفت: گمشکو بیاد رشت ای گپ نگردد که بوی خون از روی آب و من ندانستم آیا معشر به اصطلاح لاف زده بود؟ طرفش جلدی بود؟ و بالاخره بخبر من کیست که به گپ خوب مردم ما قاپو داده نشست تا بگوید که عیچکدام آن ستار نواز نیست جزمی! به عزمورت قبول معرب: باد شوه باران نسوه خدا مراد خوشه چین بته، و ما و ما هم که اگر ستاره علامه دارم یک سابقه جالب دیدن تو راتنا خواهم کرد.

صد قسم برای یک بوجی آرد

در سیاه سنگ منایل نقلیه ار دو نزد یک دکان لالا غفور بیرونی در عجیبی بود، مرد بچم پشت سر هم نس می خورد که خدا به قرآن به آسمان، به زمین یک بوجی آرد از ماه آبرو شخصی عم میگفت از برای خدا چورا ناس نس می خورد، هر نس بوجی از آرد ماهی که همین چند لحظه قبل از موتربا بیس کردم و از هزار نس با خسته آرد، ام میوام تارته نسوه منزلت بیس، زیرا موتریکه بوجی آرد بوجی آرد را در موتریک

انداخته سوپ کارت نورفت مردم از آن نفر دیگر پرسیدند ترا به خدا راست میگفتی که این بوجی از نس است؟ گفت: بیاید در خودم فریب بود از گدنگی بوسم و او بوجی آرد خانه می برد نس خوردم که از ماه آبرو نس و تیکه خرد بودم در مسجد درس می خواندم شنیده بودم که برای نه امانت دادن جان نس خوردن راست و بوجی آرد آن نس را به دست انداخته سوپ منزل خود رسد.

شما هم خبر شوید

تعبیه کننده: احمد غوث زلی



حالا که پرسیدید پس بخوانید!

انیمه محسن بوهنخی و تزئین بوهنخون کابل:

شاد به کارمند محمی یکی از شماخانه ها: س: آیا ساریان سخت خود را باز یافته، یا در ستر مریضی فرزند دارند؟ ج: ساریان به گفته شما کارمندان جی، شریان مغزی کفانده و با تا س از طرف راست بدن فلج بوده در ایام تماشای در ستر مریضی فرزند دارند محمد شریف از لیلان چغسار نود هائیلی خیرخانه مینه: س: چرا بعضی از معترمنان هنگام بستن در تلویزیون مسی لرزند؟ ج: آنان نمی لرزند، حتماً جی سر خود را نبینند.

شیشه تلویزیون شمالی است یا چشمانتان نقص پیدا کرده حتماً به داکتر دندان مراجعه کنید. گلای محسن روزنالیمن: س: برنامه عسارویک گپ تلویزیون که متواتر هر شب نشر میشد چه شد که یکی و یکبار نشراتش قطع شد؟ ج: این خود یک گپ از هزار گپ است! سیمین از مکروریان س: س: خبر شدیم که سیمیا ترانه پنج انگشتش سوخته چرا؟ ج: کسی گفته بود، سیمیا

جان ترانه علاوه از اینکه هنرمند خوب آواز است پنج انگشتش شش چراغ است، علت سوختن درین است. فریده کارمند فروشگاه بزرگ افغان: س: خبر شدیم که حاجی کامران بازم صاحب فرزند شد مبارک است، می خواهم بدانیم چند بچه و چند دختر دارد و چند ساله هستند و آیا بازم هم می خواهد فرزند داشته باشد؟ ج: حاجی کامران صاحب یازدهمین فرزند شد که دختر بقیه در صفحه (۸۸)

اسد بدیع از طبابت دست می کشد



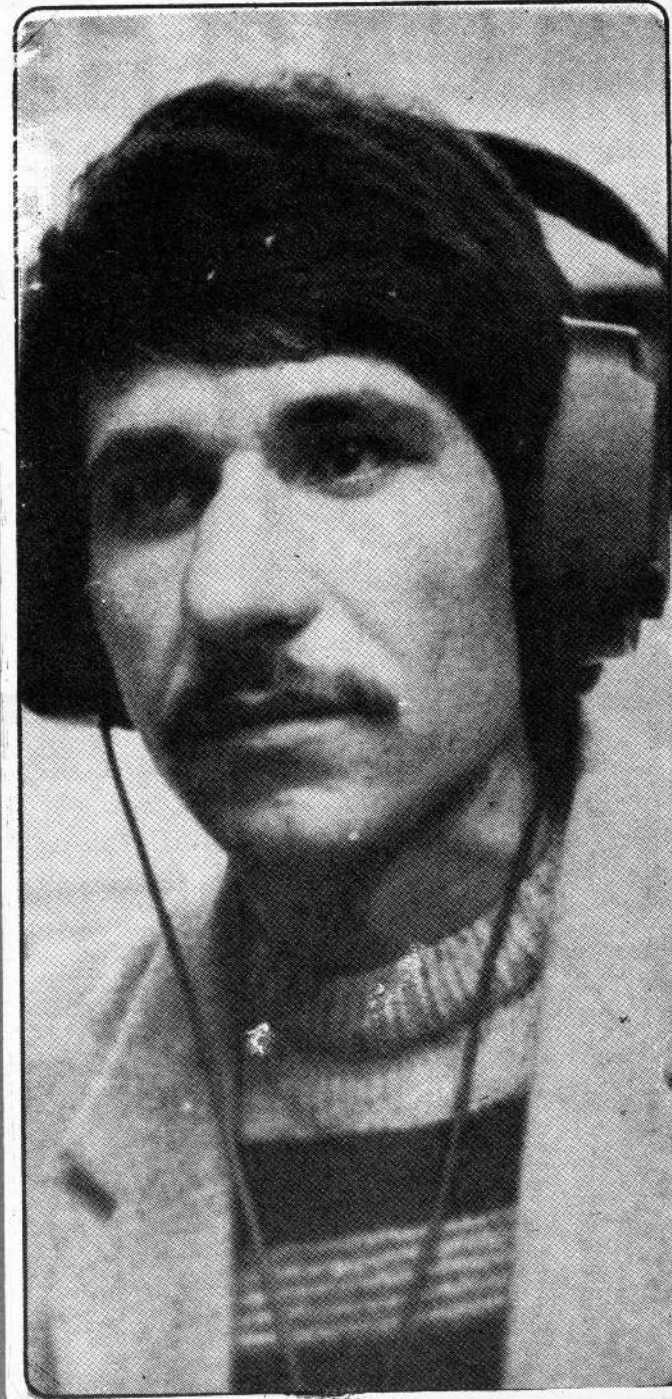
نور اسد از لپ و بابت کساره گیر کند. وقتی این شایعه را جایی شنیدم، گفتم بی اسد بدیع چه کار خواهد کرد، کدام کسار بگیرم نمانده که سرفاس برود گفتند شاید به نوع خلق - الله تمام مرکز ترانسپورتی شهری را با اختراعات چندین تن از تجار ملی - ایر نمایند و با باید عم مواد اولیه ترس بر روی معضه هریان را تهیه نمایند. باران ترانس روز هنر رساند و با نام کدام کسار نیت بگیر را دنبال نماید. از تعداد چند روز پیش ایران در همایز دای را بدیع

تلویزیون دیدیم که جهت گرد اندگی برنامه سفینه رادیویی آمده بود، غمگانه موسسات شایعاتی راه در مورد او شنیده بودم برای رفع کرد که بعد از شنیدن و تین بسیار آرام و شمرده گفت: زلی جان همیشه این حرفها دروغ است تو باور نکن گفتم من که باور نمی کنم خدا کند خوانندگان عزیز هم باور نکنند خدا بدید و گد دست اختیار - اری و من برای رفع این کردم ازین فرار میگویند شخصی بود که فکر میکرد نامه گندم است، اورا دست تد اوی به اساینگاه می بردند و گفتند

ان مجرب روانی اورا تحت معاینه قرار دادند و زیاد زحمت کشیدند، رزب نکتورمو شرف اورا نزد خود خواست و گد: بران رتواگر نامه گندم نیستی، تویت سرود دستی یک مرد کاملاً عسار بی وضحتند از ناه لپابت، تو میتوانی عروس کنی و با صاحب اولاد و نواسه شوی، تو میتوانی صاحب یک خوی باشی و به مردم خدمت کنی. بازیس جمله حرفها مرید یاد داشت سخنمان نه کتور استید بد را خبر به وی گفت: تشکر دارم صاحب من هم قبوس می کنم که من دیگر نامه گندم نیست اما خدا کند که مریدنا برین کند.

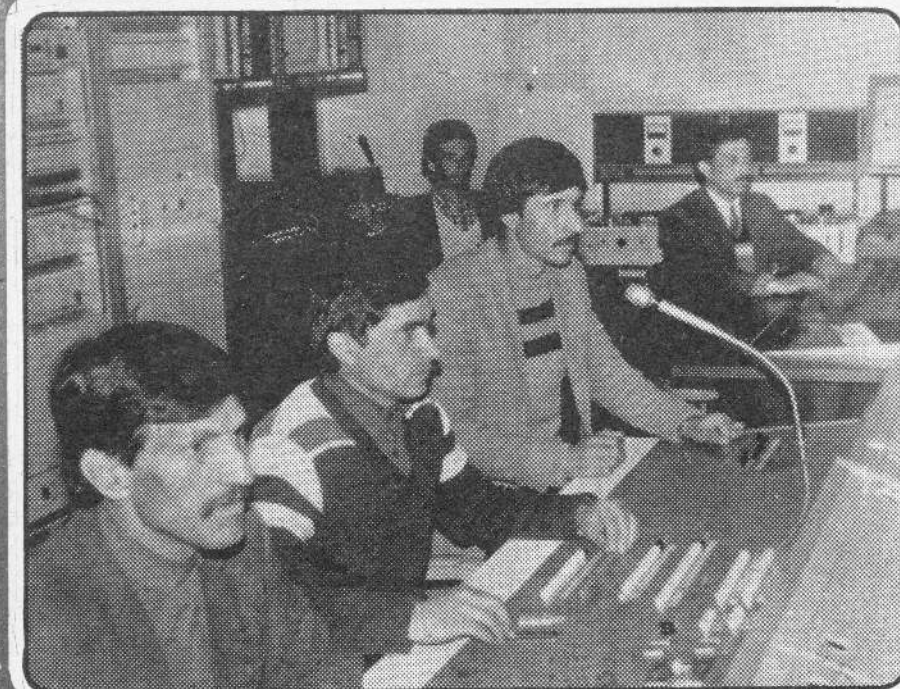
مجله ناولوژی

مصاحبه از اسد بدیع



سی از یک دهه

گفتگوی بانجیب ساکب ژورنالیست نویسنده و دایرکتور مستعد که از هفت سال به این سو برنامه ناولوژی مجله را تهیه مینماید



که راه بروم مستعد در دین برنتو شده * کارگردانی در همه آنها هست، بازاری ندارد * از اصطلاحات هژ * این سلسله گرفته تا بسیاری دیگر از لایه های فنی کار، کلا خلاصه - میشود به چند تکلیف و اصطلاحی (شاید درست شاید هم نادرست) که از سوی برخی از کارگزاران - غیر مسلکی، تدوین شده است * اما، کارمن و حتی کارگروه کمی از دایرکتوران تلونین، مبتنی است بر تجاری که حین کار و عمل بدست می آورند، اینجا اصول میزان - مؤقت یک کارگردان بستگی دارد به ابتکار، دید هنری و استعداد شخصی او، که در هر صورت و در همه جا، لازمه * اساس کارگردانی برنامه های تلونینی است.

س - تحصیل اصلی شما در کدام رشته است و چند سال است که پارادیو تلونین همکاری دارید، کدام برنامه ها راتمه کرده اید (البته جدا از مجله * تلونینی) و آیا با کدام ارگان دیگر نیز همکاری دارید؟

ج - من تراکیری رشت ژورنالیزم را در سال ۱۳۵۸ در دانشگاه ادبیات و علوم بشری به پایان برنم و از سال

در تلونین، در لایه داشته های هم جان و پخته (روشن سازی هنری) و برنامه * (مجله تلونینی) یگانه برنامه نفس کی و زنده * هنری ادبی است که صیقل معقول سلامت آرایه مؤثر را دارد بیشتر برای رافهان و رهبران هنر و ادبیات درخور قبول پذیرش است.

بانجیب ساکب، دایرکتور جوان و آگاه برنامه (مجله تلونینی) که خود، ادیب، نویسنده و شاعر است، نوشته ها و کارهای دهنق هنری - ادبی اش و صدا ق بیحد صیقل روشنگرانه اش میباشد، گفت شنودی تهیه دیده ایم که پیشگی شما شود:

س - اما در رشته * دایرکتوری تلونین بهره در زمینه برنامه سازی - تحصیل شخصی کرده اید؟

ج - کار در تلونین طریقت که معایب و روابط خصوصی در رابطه با دایرکت برنامه ها، از قبل تدوین شده است. من به اقتضای تخصص مسلکی ام، کم پیش چیزهایی در دانشگاه و هم از لایه کتابها آموخته ام. اما در تلونین ما، همانطور که اشاره کردم، بسیاری از مواردی

۱۳۶۰ تاکنون یعنی مدت هفت سال است که پاتمه، نوشته و دایرکت برنامه * مجله تلونینی پارادیو تلونین همکاری دارم کارمن در - تلونین، اساساً در دو جمعیت هژ، شکل یافته است: کارگردانی برنامه ها و نویسنده کسی متین هنری - ادبی.

در بخش دایرکت، علاوه بر مجله تلونینی، برنامه * کتاب ران برنامه ((برگها)) اساس نهادم که نویسنده کی و کارگردانی اثرات تهیه مده داشته * جدا از آن، دهها برنامه * فوق العاده هنری - ادبی و نمایشهای تلونینی راتمه و - دایرکت نموده ام * البته در حاشیه، از نوشته * ستاره های فم داستانسی ((سهند)) تئاتر تلونینی ((طلوع سانه ها)) بخشهایی از نخستین سهال تلونینی انقائی، چند داستان و شعر نیز میتوان یاد کرد.

س - کی هادرتمه برنامه * مجله تلونینی شما راهگاری میکنند؟

ج - گرداننده گان برنامه * مجله تلونینی همانطور که اصول تهیه آن ایجاد میکند، بایست مشکل مهود * آنک یونیت وسیع مشخص در تمام بخشهای فن و

هنری اما با در نظر داشت محدودیتهای فراوانی که در برابر خود داریم، در زمینه * پرو دیوس، صرفاً * محترم حکم فرموده با من همکاری همراه است که لازم مبدان از سمت بدین جهت و حاصل ما دقت اش سپاسگزارم کم.

و اما در زمینه نوشتاری از سال سوم برنامه بدینگونه مسئولیت برنامه * کلا بدوش من گذاشته شده علاوه بر نوشتن بخش های درسی و بنابر عدم موجودیت نویسنده * پشتو در اداره * ما نویسندگی بخشهای پشتووی برنامه رانیز به شکل ناگهانی انجام مدهم.

در گذشته نویسنده گان - دیگری چون شهره داء، زین انیسو، و اکبر کرگر (در بخش سخن هفته) منزه آسوده و اصف معروف نیز با من همکاری بودند که اکنون صرف محترم سرپرانی همواره برای هر برنامه ام یک مقاله خوب می نهد.

س - حقیقتی وجود دارد که یک مجله به نوشته های شخصی - سهک هژ تشراتی خود، تشراتی میکند، آیا مجله شما در کدام خط تشراتی رهسپار است؟

ج - بنده * تان بیشتر بی - کسانی هستند و اگر شما بنده * مجله

تان باشید، کدام بخشها را - بیشتر می پسنید؟

ج - برنامه * مجله تلونینی یکی از برنامه های اختصاصی تلونین است که در سطح بلند هنری ادبی انتشار می یابد * طبیعتاً این برنامه بنابه ضرورتی ایجاد شده است و اهداف مشخصی را دنبال میکند، در گام نخست این برنامه با اشاعه بخش ایجاد مختلف هنرهای مختلف و جهان جنبه های فرهنگ کشورهای مختلف پر دازد، مطالب مجله * تلونینی انکسوسه معرفی و شطاسی هنری خرم کلی و هم آن به مثابه یک نیاز حتی عاطفی و روانی انسان - اتکا میکند و از جانی دیگر، به تحلیل و وارنهای خواص و جوانب قابل تأمل آن، دست می یازد، تا بدینوسیله ضرورت وارنشدنی هر هنر را برای خود، با زتاب داده باشد، یکی از مده تین اهداف برنامه، پیش کشیدن موضوع - ((پرویش هنری)) است آنگاه یک در برنامه برگزیده میشود به همین هدف است، یعنی خویشتن آنگاه ها، در جایگاه یک اثر هنری - مستقل - مثل یک پارچه شمر

مطبوعات - با انفسه در برنامه گنجایده میشود تا از این رهگذر نیز در تطفیق ذوق بیننده های خود سعی داشته باشیم، چنین برنامه بی طرف توجه و علاقمندی تشریحات از بینندگان تلونین هست، چون مجله تلونینی در جایگاه یک برنامه * اختصاصی هنری - ادبی در سطح نسبتاً بلندی ارائه میگردد، بنا * بنده های برنامه نیز در برگیرنده تحصیل کرده گوار صرف یازدهم مکتب الی بالاترین - سطح دانشی است که البته هر بیننده بی با در نظر داشت اندازه - آگاهی و علاقمندی خویش میتواند به نسبی با پرداخته های برنامه * موا شود.

س - در سال جدید چگونه مجله بی راهبری تلونین پیشین هستید و آیا حالا کدام کنی و کاستی در آن اساس میکند؟

ج - تصمیم دارم این ساله راهبا بنده های مهربان برنامه ام در همان بگذارم، یعنی با راه اندازی یک همه پرسنی از طریق خود برنامه هفت اتوا در سال بقیه در صفحه (۱۱۰)

دوست میدارم و را

قند جویی ، بند جویی ، ای جناب
هرچه میجویی بجو
بیکران بحرست ، گزهر بیحساب
هرچه میجویی بجو
فارس گویی ، دري گویی و را
هرچه میگویی ، بگو
لفظ شعرو دلبری گویی و را
هرچه میگویی ، بگو
بهرمن تنها زبان مادر است
همچو شیر مادر است
بهران تشبیه دیگر نیست ، نیست
چونکه مهر مادر است
زین سبب چون شوخیهای دلبرم
دوست میدارم و را
چون نوازشهای گرم مادرم
دوست میدارم و را

مومن قناعت

کاسیر

بلبل به فغان چه کار دارد
نه که خبر از بهار دارد
قمری به طلوع صبحگاه می
جشنی به چمن هزار دارد
چشمش ز شراب ناب امشب
پنجره چنان خمار دارد
مردم زنگاه آشنیش
گلگونه قبا ، نگار دارد
اندام ظریف و نقره فامش
بر دل هو می شکار دارد
آید بیم ز راه شوخی
حیف است به غیر نظر دارد
سید کشته بود و بناز و رامش
خون شهدا ، وقار دارد

مشوش

من مرغ اشم
شبارا بزیر سرخ بر خویش میکشم
در من هراس نیست ز سردی و تیوه گی
من از سپیده های دروغین مشوشم
سپاوش کسرای

این شیشه ، دل ز سنگ روزگار
نشکست ولی نگار دارد
پژمان شده اسپیر زلفش
صد همچو منی بتار دارد

بچه دیور

داکوش ستا بر سپین مخ خوری وری شوی
که ز ما بر سباورن تیاری خوری شوی
ستا دسترگود خیال سیوری چی بری ولوید
پرورشوی دارمان توری تیاری شوی
ستاد بزند و گنو تکه نه وه ، خه وه
ورسره می چی اسری خاوری ایری شوی
درسی شوی دادی خیلی بنییرا گانی
نه چی زما دعاوی تالره بنییرا شوی
چی ترکی تلی ستا دادا گان
هغه لاری زما ستا ترمنحه پیری شوی
دما بنام له تیکی تیخ دهلال ووت
دهسک مورگی د شفق به وینوسری شوی
چی ورتل به سرولمبو لکه اور بنستی
به هغو بلهارو لکی هد پیری شوی
چی د مینی د محفل بلی لوی وی
خاورو لاندی خه بنایسته نیگی خیری شوی
بیا به و سپری رسی د سرو رید یو
که به سرو وینو خرویی می میری شوی

پوهاند زیار
۶۷۲۲۲

بچه تو در کجاست

فسرده روح مرا با گل و بهار چکار
زنوبهار چه گویم به لاله زار چکار
بین زکان طبیعت به کهسار سبزه
مرا به دشت و دمن بی تو گلزار چکار
ببر کنسید ، چمن جامه ، نگارین خوش
مرا به گلشن د بیای مرغزار چکار
صبا نسیم تو آورد طرف لافه ، من
جد از وادی عشق به جو بیار چکار
د مید صبح بهاران رسید وقت طرب
مرا به بیک فریبند ، خماری چکار
فغان و ناله ، مرغان خوش ترانه شنو
مرا بی باغ و به گلگشت نوبهار چکار
بیا که شوق رخت در دل جوانه زند
قسم به تار دوزلفت به شام تار چکار
د رخت و باغ و چمن بین چه جامه زین
مرا به سپروسفر سوی گل بهار چکار
خروش موج بد ریاحه مستی هادارد
شکسته شیشه ، قلبم مرا قرار چکار

مته، نیت

گرتویند اري دل م را حز تو یاری هست . نیست
 یاغم را غیر مهتر نمگساری هست . نیست
 گر بگویم سینه از دست تو بر خون نیست . هست
 و برپرسی گرتو در خاطر نمباري هست . نیست
 گر کسی گوید که درد نیا به دوش زنده کسی
 سخت و سنگینتر زه جریار یاری هست . نیست
 بیش تیرت گر بگویی دیده برهم زد . نـزد
 چشم مست را از این دل به شکاري هست . نیست

غزل

ماد خیل سرویش خکلی دی به دی کوخه کی
 به مائل کانی وریدی دی به دی کوخه کسی
 به ما دینس او وفا زیادنی ولسی کوی
 تامل خندلی مائزلی دی به دی کوخه کی
 ستا به غضب غضب کاته نوي خبره نه ده
 داسی می لیرد پر خه کتلی دی بعدی کوخه کی
 سترگی خمار شوندی مسکی انگلی ولونه ولسونه
 خه خطرناک قاتلان بنگلی دی به دی کوخه کی
 ستاد بهار بهار بخوانی شراب به جا وریزی
 مائل د هجر زهر خنلی دی به دی کوخه کی
 توتی توتی کچکول بی مه زاری دژوند ملگرو
 سائل د زره توتی شیند لسی دی به دی کوخه کی

ابوالقاسم لاهوتی

دخوانی گلونه

زیاد مینی بنگلی بنگلی پسانسی
 چی د سپرلی بنگلا پری بیه بنگاریده
 به مرمونولپوچو خوب ته بی سرنه تیتاوه
 د بپشتی عظمت نینه بی
 پرته خته کی وه
 دغه غرور بی د پیری بیرونو
 مات نه شوکر ای
 کره صدقه بی له زلفانو
 دخوانی گلونه
 خودغه تورماران بی
 کله د غاری امیلونه نه شول
 چایی دیانور زیدل
 به شپه کی ونه لیدل
 به جوانی برگی مینی
 د جاخماري نازینیی سترگی
 باندی نمجنی نه شوی
 خودخوانی گلونو
 د جانا زکوبینوته
 باسته فرشونه جور کرل

رحمت شاه سائل

پروانه ها

پروانه های پروانه ها
 پروانه های خوشنما
 پروازتان بس دلنشین
 بر آسمان و بر زمین
 کالای خوشترنگ شما
 رقم شما، جنگ شما
 روی گل و روی چمن
 روی علف های دمن
 مستانه بال و پرزید
 بر روی من بر پرزید
 گفتم بگیرم بالکت
 آن بالک خال خالکت
 از دست من گشتی رها
 رفتی سوي تخت هوا

رازن روپین

قتیل خور یانی
کابل ۲۰ مه ۱۳۶۲

شبه

شب التیام زخم تن تاب دار خویش
 در شام تار طرز صدایش نخواند است
 اما
 زلفان تار دختر شب
 روی ماه را
 در چنبر طلسم سیاه کشید است
 اری!
 شاید که زنده کسی
 يك انتظار دخت شب خوابدید ما ست

حمید مهرورز

برادر خدا

دست بر از نیاز من و بارگاه تو
 آه ای خدای من!
 چون شاخه های خشک درختان
 در آستان درگه * تو با کمال عجز
 از فرط یک نیاز
 سر بر کشیده از تو طلبگار حاجت است
 دستم تعی مدار
 آه ای خدای من!
 و این قلب من که جایگه ذات پاک توست
 و اینسان غمین مدار
 هرگز رواندار خدایا که قلب من
 در این زمان که اوج جوانی زنده گی است
 از غم بمیرد و شود خالی و تنه
 هرگز رواندار خدایا که چشم من
 در شمری فروغ جدایی شورسپاه
 مرضیه عدیل

شبه خیز

هر شب که آسمان خیالم درین دینار
 با چلچراغ روی تو چون روز می شود
 هر شب که دست باد از آن سوی کوهها
 بوی تراب کلبه ای من می براكند
 من، لوح خاطرم:
 با قاف قامت تو،
 دل انگیزی کنم
 با یاد پادشاه تو،
 شبخیزی کنم
 محسنتی "سوزن"

لیون

د عشق زخوره شول لبه لیون سی
 تو رو تباروی شول د یوه لیونی
 میگی ی خود د نه هدا و یکی ناخسی
 یکی د یوه نه دی هغه لیونی
 د اچی بی د ریغه بری قدم زدی آشنا
 کلی گی نه شته دی بیوجه لیونی
 د عشق په توری به د ا روه بحر وی
 کله کوی جاته سجده لیونی
 زهیز به کوریه لبی پلی وی لا
 ترخوچی پاتی وی د ا (دوه) لیونی

السمعیل

شبنم پاک سحر

واضح باز میانند
 نشان شیخ اندامت
 به دیوار دل پادم
 که می آبی به سوری من
 به دیت ابروی صفا
 و یاد ستان البرزانی
 خدایا، نه، چرا سر زان
 که شیخ است این که میگرد
 نه دستان سید مریم تو
 تو در شمر سکوت و خلوت خواب سحر گاهم
 مثال شبنم پاک سحر گاهم
 در آغوش نرمانوسم
 که جوان د ستیهای کودک شیخ چمنزاران
 به رویت باز میگرد
 ارسالی: محمد اسماعیل برهان اندالی

بهار و یار

یک عصر تو بهار
 من باشم و نگار
 درختان شکوفه یار
 بازان ریزه ریزه وهم مست و بیقرار
 من با ادب بوسه بچشم زلف او
 او از رواج ناز شود سرخ و شرمسار
 وانگه بجام چشم اوستای من بنیاد
 یک عصر تو بهار
 من باشم و نگار
 (لومان) تویی خنار
 ارسالی: محمد طیب (لومان)



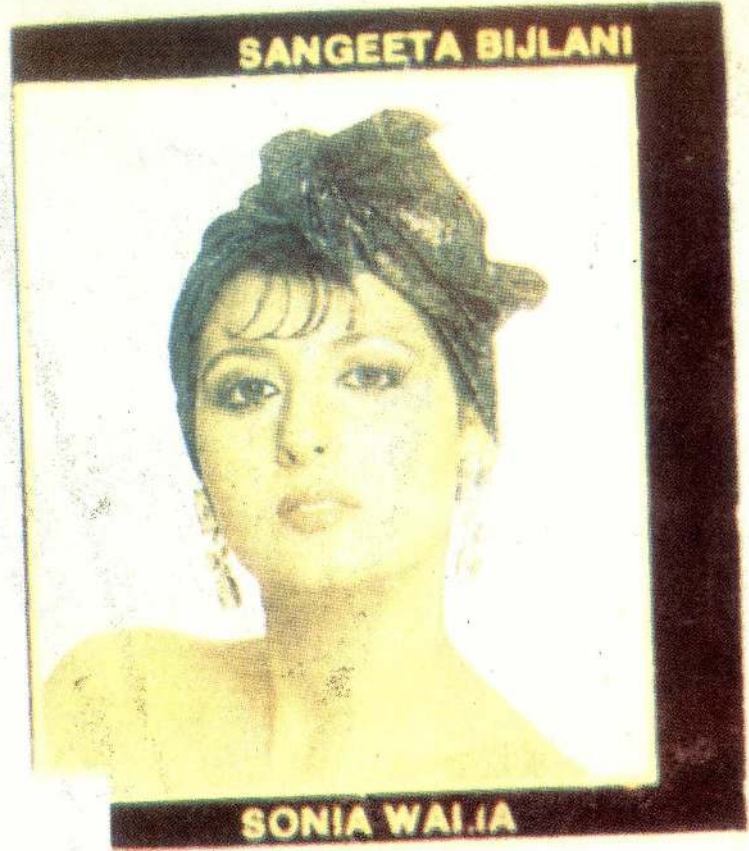
سربه آسمان میزنند

ساختمان ها و مزارع سه سه
فلك كشيده در جهان آنقدر نهاد
نمست • مزارع آسمان خراش از -
همان آغاز مورد تعجب و حیرت مدتی
زیادی مردم میشد ، این نوع معماری
نشاندهنده اوج ترقی تختک
دین هیا آن مرحله تاریخ است •
در آغاز چنین مزارع یک چیز
کاملاً لوکس حساب میرفت و ملتی که
آنها بنا نهاد ، بود به آن افتخار میکرد
ولی امروز مزارع آسمان خراش نظر
به ضرورت اعمار میشود ، کمبود مسکن
، کوشش برای داشتن مراکز بزرگ -
خدماتی و ادارات دولتی از عوامل
اعمار چنین مزارع سه فلك كشيده
میشود •

تا امروز با برج ایفل پیاده استحتس
انسان امروزی از دیدن این هرم -
دست تحریر به دندان میبرد •
انکشاف واقعی ساختمانهای
بلند از زمان گوتهك آغاز میشود •
دین زمان در تمام جهان کلیساها
و اماکن مقدس که باید بگفته نشود
در عرض و طول ، بلکه در ارتفاع نیز
رقابت مینمودند ، اعمار شدند •
کفایت میکند که کلیسای پتر مقدس
را در شهر رم که ارتفاع مناره آن به
۱۳۳ متر میرسد مثال آورد ، هم
چنان باید از قصر گوتهك در شهر
کولن آلمان یاد دهانی کرد که
۵۷ متر ارتفاع دارد •
بها دگاره های تاریخی همگون در
زمانهای بعدی رومانتیسم و کلاسیسم
نیز در پیوستیم ، ولی همان آمدن برج
ها ، آنتن ها و آسمان خراش های -
صوری با استفاده از تکنالژی جدید
بستگی مستقیم دارد •
اولین برج فولادی با ارتفاع
۳۰۰ متر که مدت نهادی در جهان
بگانه برج از نوع خود بود ، برج مشهور
در شهر پاریس است که همه ما آنرا

نبر نام برج ایفل پاریس می شناسیم •
این برج طی مغل مجالی بمناسبت
تعیینشگاه بین المللی در سال
۱۸۸۹ افتتاح شد بنام مهندس و
طراح آن گوستاف ایفل منفی شد •
این برج به جز جدا ناپذیر پاریس -
تبدیل شد و در اکثر نقاط جهان -
مادل های این برج گایی و اعمار
شده است •
بکار در برج ایفل مدت نهادی -
شکستنده شده ، بالآخره در سال
۱۹۳۰ زمانیکه در شهر نیویارک آسما
خراش کولمبیا بلدیگ (CHURCH
BUILDING) که ۳۰۶
متر ارتفاع دارد ساخته شد ، بکار در
برج ایفل نیز شکست • بعد از مدت
نهادی مقام اول را در داشتن ساختن
های بلند منزل نیویارک کایی کرد •
مزارع امپایر سٹیته بلدیگ
(EMPIRE STATE
BUILDING) این مقام را برای -
نیویارک گزینی کرد ، این ساختمان
بدون آنتن که بالای آن نصب است

۳۸۱ متر ارتفاع دارد •
آنقدر زمان دیری نمی گذرد که -
ارتفاع فوق راساختن دوج مرکز
جهانی تجاری (WORLD TRADE
CENTER) که ۴۱۲ متر -
ارتفاع دارد ، نیز گرفت • ارتفاع -
۴۱۲ هنوز هم نتوانست به بلند -
تهن ساختمان جهان که در شهر
شیکاگو واقع است برسد • ساختمانی
که در شیکاگو واقع است دارای -
۱۱۰ طبقه (منزل) بوده و ۴۴۲
متر ارتفاع دارد • این ساختمان بنام
SEGRS TOWER یاد میشود •
در طولی ساختمانهای بلند
منزل ، آنتن های پخش امواج رادیو
و تلویزیون به ارتفاعات بلند تر اعمار
شدند •
در سال ۱۹۶۴ ارتفاع ریکوردی
را برج تلویزیون شهر توکیو که ۳۳۲
متر داشت به دست آورد • این برج
بقیه در صفحه (۷۴)



SONIA WALIA



از دنیای مود

توسعه و عالی



حرف‌هایی از دومودل معروف

تازمانی که فلم

((خون بھری مانگ)) به معرض

نمایش قرار گرفته بود اندیشه ((سونوالیا)) به شابه طلوع و غروب آفتاب آکنده از سایه ها و روشنی هابود ، گا هن تھین امیدوزمانی توام بادلھرہ جاس ۔ برای آتھ قہل ازاین فلم ، درنلم های ((تیرئ - شھرین)) و ((آگوشن)) نیزظاھر شدولی شمئ ازککار خود نگرفته بود ۔

وقتی اورادرد ((پانسیون)) که زنده گی میکنسد ملاقات کردم در برابرپوشی گت :

((بدون تردید فلم ((خون بھری مانگ)) برای - ثبوت اھلیت هنری من ، وجہ تعیین کننده یسی داشت)) ۔

ایمعدانک وقتھ کوتاه ، به دنبالہ حرف هایش افزود :

((خوشحال استم ازاینکه ((راکش روشن)) درنلم خود برایم فرصت کار داد ویا این زمینہ سازی، شناختی بین ماپدید آمدوموقع یافتم تا مردم برای هنرواستعدادم تھمتی قایل شوند وازنمایش فلم به اینسوہ روزی رابہ یاد ندارم کہ زنگ تیلفون به صدا نھاید وازکارکرد - موقعیت آمیز من حرفهای نرتند و برایم تھریک نگیند ۔

عدہ بی راعتھدہ براین است کہ ((راکش روشن))

کارگردان فلم ((خون بھری مانگ)) ازمن به شیوہ نا- جایزی استفادہ کردہ وکارحوش شنا با لباس های ((سکس)) مرابہ انظارجلوہ دادہ استولی اقتصاد من این است کہ اگر درکارحوض شناہ لباس شنا رابہ تن داشته ام کہ به مقتضای صحنہ فلم است این چه گناہ کبیرہ است کہ ازان حرف نامی بافتند ؟

آیا توجھ یک بہتندہ این است کہ درکارحوض شنا، دخترئ با لباس سوراپا مستور جا-ر شود ؟ ایادرمحل- شنا، پوشیدن لباس شنا، امرکاملآ طبیعی نھست ؟ اگر کارگردان مراد درکارحوض شنا، با لباس های

کہ ((سونم)) درنلم ((وچی)) ظاھر شدہ است و ارد ہکرت بدون تردید این حرکت کارگردان از لحاظ هنری جغای بزرگی بود کہ برمن تحمیل میشد.

درنلم ((آگوشن)) نقش نیک خنومند به نام رسیدہ بی رامتھدہ بودم ، نقش نہایت پرازنوامش وایدامات بود ولی کارگردان ، مرایشوہ کار را آموخت و مرا خوب یاری رسانید ۔

درنلم ((تیرئ شھرین)) نقش کوچک داشتہ یک فلم هنری بود ودر تلویزیون ہم به نمایش گذاشتہ شد ۔

((سونوالیا)) درنلم های نهادی ، درنقش های مختلف ظاھر میشود ، درنلم های ((جین داتا)) و ((مھاسنگرام)) یا ((ادیته پنجولی)) و درنلم ((نمئری آدمی)) با ((متھن چکروتی)) درنلم ((مستروسنر ۴۲۰)) با ((راج بھر)) همبازی مھاشد ۔

منافع براین ، یک عدہ از فلسازان جنوب ہندوستان نیز رغایت او رابرای بازی درنلم های جنوب حاصل کردہ اند کہ وی صممانہ ومعدہ همکاری به آنها دادہ است ۔

دراین بارہ اوصوف هایی دارد یہ این تحصیل : ((من عجلہ بی ندارم کہ دھل ان بہ اوج شھر برسیم ، برای تسخیر و تصاحب این مقام تامل وشکوبایی فراوان دارم ، برای تعدد قرارداد بازی درنلم های ہم دلچسپی فراوان ندارم ، ازاینکہ همبازی من

کھست ، بسیار نمی اندیشم ۔ برایم بسیار بی تفاوت است کہ درنقش مقابل من کی قرارداد ، مثلیکہ قہلا گھتم درنلم ((تیرئ شھر - مین)) در برابر ((مارک نیئر)) و درنلم ((آگوشن)) مقابل ((اکھرخان)) و درنلم ((مھادیو)) یا ((وتودکننہ)) حاضر بہ بازی شدم ۔

من بہ دراست وجرا ت این موضوع راتھید - مھکم کہ بہ خنومندان نام نهاد ولی نامدار درگز تکیہ تن نمایم ۔

حالی کہ ((سونوالیا)) دروازہ کاروبار مود را بستہ و درنمایش لباس های - نمیکورد ، خودش می- نھد : ((موقعیت کتونی حکم میکند کہ بعدازین ، سینما وخنومنا می مرکز تمام توجھاتم باشد ، نہرا نقش راکہ درنلم ((آگوشن)) ایذا نمودہ بودم رھ معرفتہ قناعت بخش نبود وچا کہ فلسازان معروف بہ من چشم امید دوخته اند لازم است من ہم تلاش های فراوانی از خود نشان دھم)) ۔

درخروج دنیای مود و فیشن ((سونوالیا)) عکس- العمل خودداینگونه تھازم مھدہد :

((اگر پھشنمادی در مورد نمایش لباس برایم برسد رذنی کم مشروط براینکہ طبع ونحوہ نمایش قابیل

تاجهان سینما

سونووالیا و سنگیتا بجلائی چه میگویند؟

توجه باشد تصمیم گرفتیم بهر نوع پیشنهاد سونووالیا
هم نیک و لو که از احساس بولی، قابل توجه می باشد))
«سونووالیا» از آثاری که در عین اوج حرف های

نیایا می گویند، در یوگون داشته میگوید:
(«نمی دانم چه آمده بی به عزتنامه و دیگران من
اعتزاز می نمایند، تردید ندارم که در لسان انگلیسی
مهارت کم تغییر دارم ولی نباید انکار کرد که از انسان
صحنه اردو دهندگی هم بهره و فنیتر گان دارم، روی
این اصل توانم نیکم به انتقاد آثاری که عقیده -
ندارند، اردو را به شیوه آمیخته با انگلیسی اداسی
کم صادر می کنند تا آنکه دارم.

اعتزاز سیم که حضرتان جهان مود به دنبال
سینما خالی از اشکال نیست ولی این ادما درست
نیست که میگویند مود را لباس هاتراندندری هنر
ندارند))

(«سونووالیا» که از کار روزنامه نگاری حاصل
قام ((دختره)) پیوسته به ترقیات قابل آمده
میگوید: ((والدینم در هر قدم مشور کارهایم بودند
به استثنای شمول در کارهای هنر سینمایی، تا آنکه
سوانحار آنها را تمنع دارم و رعایت شان را در این
مورد حاصل کردم))

برای اینکه، درین فرصتیکه من راه خود را در
سینما شخیر می کنم، آرزو ندارم در محدودده، نقش های
منفی گیر شوم زیرا به صراحت میگویم که نقش های

منفی مورد علاقه من نیست

در این اواخر رزمه بی از عشق و داستان عشق او
با ((وتودکنه)) بجز هاسرید، در حالیکه از این
رزمه ها کاسته شده است و او به راحتی نفس تازه
میگیرد، در این باره تصریحی دارد به این شرح:

((من با ((وتودجی)) در ظلم ((معاذی)) در -
مسئله ((اوق)) صرف بازی بودم، چون ((وتودجی))
مرد مسیح الصدر بوده و در بسیاری از موارد اندیشه بی
یک سان داشته ام، اینه خا... اینکه با دیگر تازه گزار
بودم، به حاشیک هنرمند تجربه کار و مسوخته،
شماره خود را در اختیار من میگذاشت و برای بازی میروانید
که از این سلوک انسانی او خبر نگاران بدون در نظر داشت
حقانیت موضوع، دست به شایعه پراکنی زده سانه
را به شوه داستانهای تحلیلی انعکاس دادند.

این رهداد در حالیکه روی احساس ما، تأثیر
ناگوار بی جا گذاشت، هر دو تصمیم گرفتیم به اشکال
همکاری دوستانه بی شایه خود خاتمه بدهیم.
نوا مقاومت در برابر شایعات غلط و اتهامات بی اساس
که با شایخ بیگ های فراوان سمت دهن میشود حوصله
و شکیبایی خازر الماده می خواهد))

سونو والیا میگوید: (من به خود باور دارم که در سال
های آینده، به عنوان یک ستاره شناخته شده و
موفق عرض وجود کنم با این تلقی ضمن بران دارم نقش
های را بازی نمایم که دارای نرم احساس باشد تا
هفت احساس نقش را به صورت متوازن انعکاس داد
بخوانم.

من عقیده دارم که با تمویل هر نقش بیت هنرینه
میتواند بول قابل توجه ذخیره کند ولی برای هنر
خدمتی را انجام داده نمیتواند. از اینروست که با هر
نوع نقش دلچسپی ندارم و اگر چنین میگویم امروز
در مقام یک مجری می بودم و در یک ((پانسیون)) زندگی
نمی کردم))

و اما در مورد ((سنگیتا بجلائی))

شهر هر مود را لباس در جهان سینما، موفقیت

قیه در صفحه (۷۸)



برفراز تياتر وياسينما

— سینما يك شاخه با اهمیت فر...
 هنگ بشمار میرود ، دست یازیدن
 بدان جرات میخواهد و ایشان
 جلایش چنین بیکره زیبا و انسانی
 منحصر به ذکورت نیست بکون طبق
 حکم زمان ، اناث جامعه ما
 میتواند در رشد و پیشرفت این
 بدیده والا از اهمیت با ارزشی
 برخوردار باشند .
 — اگر همانند همه زنان که
 به سلام این بیکره رجوع کردند
 و بعد بلاد رنگ و اداع کردند چی ؟
 — شما میدانید که جامعه ما یک
 جامعه عقب مانده و روزه انکشاف
 است و از جانی بدیده سینمای
 ما تا هنوز نتوانسته هویت ملی
 خود را کسب نماید و استند مدای
 که بنابر تخیلات واهی گرایانه و یا
 ممکن اشکالات ناشی از تعصب و
 ریاکاری خود را از عرصه فعالیت
 باز میدارند . ولی من بعد آن
 می اندیشم که نباید عقب گرا بود
 و سویی سایه رفت ، سایه بیکره
 سپوش به تاریکی و لغزندگی
 می انجامد . چرا ، خرد مندانه
 به سویی خورشید گام ، بگام پیش
 نرفت و از خورشید بیکه اشعه
 پر فروزش همگانی است ، سود

به جست
 — خورشید جان عقیده شما در
 رابطه به داشتن یک سینمای
 خوب چیست ؟
 — بعد از لحظه بی درنگ افزود
 باید برای یافتن سینمای خوب
 اولتر از همه در جستجوی فرهنگ
 ملیتها بود . در یک فلم نیز باید
 اندیشه بران داشت —
 محتوی از یک تفکر اصیل و فر
 هنگ جامعه گذران زندگی می
 نمایم ، ماه داشته باشد .
 — ستم شما در رهتر شدن سینمای
 افغانی از چه قرار است ؟
 — من بعنوان یک فرد درین عرصه
 نمیخواهم بصورت دیگری فکر کنم
 فقط تلاش ورزیده ام بانها بیست
 صمیمیت و بی الایشی به اجرا گری
 فتن کرکس سپرده شده ، رعایت
 نظم و دیسپلین — داشتن اخلاق
 خجسته و احترام متقابل ستم خود
 را تا همین اکنون با صداقت تمام ادا
 نمایم .
 — میخواهم بدانم کارکرد هایتی
 سینمای شما از کدام فلم و
 چگونه آغاز شد ؟
 — من با پیشینه کار رادیو
 ام با علاقه مندگی که در
 بقیه در صفحه (۱۱)

خورشید



این بارد در رابطه به ویژگی
 های هنر و شناخت بهتر هنر
 مندان سینمای افغانی ، با ی
 صحبت هنرمند مجرب و مستعدی
 که پیشینه کارکرد هایش از امواج
 راد یو آغاز و در زمره نخستین
 اکتریس های (هنرپیشه گان) تياتر
 سینما — تلویزیون باد رخش
 چشمگیر جا گرفت و در آثار راد یو
 تياتر ، سینمای و تلویزیونی موفق
 از آزمون بد را آمد و تلاش بیکره
 و علاقه وافر از زمره موفق ترین
 چهره های سینمای افغانی در
 سطح کشور شناخته شد .
 نشینم .
 این چهره پرد رخش محترمه
 خورشید است که دعوت ما را با
 علاقه و محبت پذیرفت . اینک
 توجه عزیز خواننده گان گرانقدر
 را به گفت و شنود این هنرمند
 معطوف میداریم .
 — میخواهم نخستین سوالها
 چنین طرح کنم :
 — در نظر شما موجود
 دیت اناث در بیکره
 سینمای نو پیا خواسته
 ما ، از چه اهمیتی
 برخوردار خواهد بود ؟

همینکه اثری از خود به جا میگذارم برایم افتخار است
 استعدادها باید به موقع کشف گردند

اسرار خوردنی ها

بادرنگ از جمله سبزی های بسیار معمول بوده که نوع آن خیلی نهاد رایج است. بادرنگ تا به سر سردکننده و طراوت بخشی داشته و تقریباً حاوی تمام عناصر است که برای بقای سلامت و بیماری ضرورت است.

بادرنگ به انواع گوناگون بنا تفاوت شکل، اندازه و رنگ وجود دارد. رنگ آن از سبز کم رنگ تا سبز تیره است. بهترین نوع آن بادرنگی است که تازه و سخت بوده و شکل منظم و رنگ سبزه تیره داشته باشد. پوست بادرنگ نعلبختی نیست. نهراتصام نکبات و پهاصن هاداران موجود است. از این رو بادرنگ را نباید پوست کرد.

در علم گیاه شناسی آنرا بنام کوکومیز ساتیوا می نامند. بادرنگ را صوری ها، یونانی ها و روسی های

قدیم می شناختند و در قرن ششم قبل المیلاد در چین پیدا شد. اکنون این سبزی عهد در سراسر جهان کاشته میشود و از آن استفاده میکنند.

ارزش های :

از نگاه تغذیه، بادرنگ حاوی نسبتاً مقدار نهاد منرال هاست. تحمیل این صوره سبزی مانند نشان میدهد که در صد گرام آن (۱۶۳) فیصد رطوبت، (۰.۴) فیصد پروتئین، (۰.۱) فیصد کربوهیدرات، (۰.۲) فیصد کربوهیدرات موجود است. مقدار منرال ها و پهاصن های آن حاوی (۱۰) ملی گرام فیصد، فسفور (۲۰) ملی گرام فیصد، تهاصن (۰.۳) ملی گرام فیصد، تهاصن (۰.۲) ملی گرام فیصد، تهاصن (۰.۲) ملی گرام فیصد میباشد. ارزش آن از نگاه

کالوری (۱۳) است. علاوه بادرنگ منبع با ارزش پتاسیم، سدیم، منگنیم، سلنیوم، منگنیم، کلورین و آهن است.

خواص طبی :

بادرنگ حاوی مقدار (۰.۵) (۶۴) فیصد منرال های القلی ساز و (۳۰.۹) فیصد منرال های اسید ساز میباشد. از اینجاست که خاصیت معالجه و درمانی این صوره رادرنک کرد. بادرنگ در حفظ القلیت خون خفید است. علاوه بادرنگ از بهترین مواد ادراور آور طبیعی بوده که دفع و جبهان ادراور را بهبود می بخشد.

نکته :

بادرنگ دارای مستقل ضد قضاویت است. کسانی که به قضاویت دچار اند میتوانند با خوردن روزی دو عدد بادرنگ از فوائد آن مستفید شوند.

اختلالات معده ای :

صا ر ه بادرنگ در معالجه هلیکوباکتری و زخمهای معده و

باد رنگ

مترجم انجنیر حلیم

سبزی مفید برای صحت و زیبایی

انتفاخ خفلی هفداست در چشمن مواردی هر دو صامت همدند (۴) تا (۶) اوقص آن تهوز شود از اینکه بادرنگ حاوی (۱۶) فیصد آب بوده مقدار صا ره آن بیشتر است. بادرنگ سوزش معده را خفلی زود بر طرف میکند.

بیماری های ریوی :

صا ره بادرنگ در معالجه هلیکوباکتری و زخمهای معده و

هنگامیکه با شهردلمه مخلوط شود بوی شکستادن و جل ساختن سنگ در مجاری ادراور و تقلیل اسید ادراور هفداست.

بیک کپس صا ره تازه بادرنگ که با آب تازه تازگیل مخلوط شده بمقدار یک یاد اوقص هفک صاعت بعد د بوی خفلی خفلی بوی رفیع تشکی در هنگام حله کولسرا مسوب میگردد. این صا ره مخلوط توانی مایع الکترولیت را که در اسه بیماری کولرا مشتل گردیده، حفظ میکند.

جوش ها و دانه های روی جلد :

صا ره بادرنگ در بر طرف ساختن جوش ها و دانه های روی پوست مؤثر ثابت شده است. به منظور اخذ نتیجه بهتر صا ره های زودک و کاهو را با هفک صا ره بادرنگ ملاه کرد. اضافه کردن مقدار کم صا ره شهردر بعضی موارد قدرت درمانی این ترکیب را بیشتر میسازد.

بادرنگ بظا به ماده حفظ زیبایی

ماسک بادرنگ رنده شده روی صورت، چشمها و گردن برای (۱۵) تا (۲۰) دقیقه قوی خوب برای پوست صورت است. بخاطر استفاده از این ماسک با هفک صاعت دراز نکشد. استفاده منظم بادرنگ از هفدایش جوش ها و چین و چروک و خشکی صورت جلوگیری میکند. صورت را با طراوت و شفاف میسازد.

بادرنگ را میتوان با سبزیجات، حبوبات، صوره جات و صلا د صر ف کرد. معمولاً از بادرنگ بمعنوان صلا د هفکل ترکیب با زودک، لبلبو، باد نجان روی، ملی، کاهو و سبزی های دیگر استفاده میکنند.

اضافه کردن شهردله به این صلا د آثار خوردنی لذیذ ها ارزش فزاین میسازد. همواره باید آنرا خام صر ف کرد نهرا ارزش درمانی آن در اثر پخت از بین میرود.



پونم ...

بقیه از صفحه (۱۲) رسیده باشد در غیر آن شکلات نهادی موجه خواهد گردید. به هوصت تاردواند ن طاسب نمیشود. صداقت و وفاداری جوهر انسان است با چندین مرد در یک زمان دوست بودن مقلانته نیست. من به نظر شما دوستی های افراطی ممکن است؟ ج - چرا نه، دوستی یک زن با یک مرد میتواند ابعاد گسترده تری از سکس داشته باشد. من در فضا شغله رهنهرو میسازم مردی که میماند، چه از آمدن کرد؟ ج - او صا ره دیوانه خواهد شد مخصوصاً اگر از آن مرد خوشم نیاید در چنان حالت خود را به آب پوت همک تا از آنجا فرار نماید و لو بداند شارهها زنده بلعم می کنند. من شما در نگاه انسان خفلی معصوم و پاک جلوه میکنید، آیا

دنوروزیہ...

د (۱۹) مخ پاتی نوبه می آورد نوروز سندی و ایسی داجی : خاوند به بیاد بصرلی کس له وجه پاکند لونگو بوی را خینه د بصرلی به ریخو راشه چی تور تکی رته کیزدی و غورومه خواناتان هم به دغه و ریخ بنگلی او نوبی کالی اغوندی خیل توستک را اخلی تا کلیومیله خایونوتسه ایسی اتیونه کوبی بنی ولی او سلانگی وهی چی دنومور ولوبو اتسل ته دکلی د سبب ز پری له خوابه گوته شوی بگری د پالی به توگه ورکول کیزی به خینوسپورکسی خواتی بیغلی خیلونامزاد شوپو ملگروته هگی ایشوی، نقل، نیسی او توتسه هغوته ورکوبی)) د هزاره سیمه کی برعمومی دود و نوبرسپورکول خانگی دودو ته هم ترسترکوزی به دی باب د هزاره ملیت یوتن و ایسی جسی

د خوان اتل) دراتگه به انتظار به تال کی کینی د هغه دراتگه لار بخاری اوبه گزار کرارحسان زنگوی خوله بد هغه چی به تال کی بی خوب روی او همداسسی وید به پاتی کیزی داهم اسطوره ده چی د بصرلی طلسم بی به جادوی خوب خوبولی کوبی د نوروز خوان را می اوتیزیزی به باغونو او راغونوکی او گلزارونو د بصرلی د گلنوبد ناویونیزی ته خان رسوبی خونوروزی بی بی خوارکی چی کله سترکی برانیزی گوری چی ددی له بی بروایسی خنجه بی یارد نورومه نیز و کسی لویدلی دی دغه حال نه نس زغملائی د لیونوتوب خیره پری را می او خان له تال خنجه اجوی که چیری به اوبوکی لوید ه نوهغه کال مسوزاد برکتونو کال ویا و که چیری بی به وجه کی رلوید ه هغه کال بیاد و جگالی او خواری کال وی د همدغی فولکلوریک کیسی برینستی هیله من بوجی سز کال به اوبوکی لویدلی وی خوش نس کال موز ته برکتونه اوسو کالسی را پالی کری

خورشید بر فراز ...

بقیه از صفحه (۱۹) زمینه تمشیل داشتیم در سال ۲۰۰۰ راه موسسه آر یا نا فلم را در پیش گرفتیم و با آشنا بی مترجم انجنیر لطیف محترم عباس شیان، محترم نوربالی شفق در فلم های چون : سیاسی و جلالی، غلام عشق، دام سرگ مزوره سبز، مرد هار هقول اس، کلام های استوار، فرجام صبور، سر باز، فرار، گناه برنده های مهاجر، مسافر و سفر نقش داشتند و داشته های تلویزیونی ام میارتنند از : فلم هنری کفر، نوای تشلیق زن عروس، دلمره لور، شمع زن، د هک، من و شما پشنامهها و تیاتر تلویزیونی : غم مانی، زهره وید الله، امضا و زیر زن زمین، مرگ المازوف، آدم هساء، عروس، اشتباه عبرت انگیز چند دیگر ...

مند افزود : من از همکارانم صمیمانه توقع میکنم تا صرف نظر از بد در ایسی ها و آوند بیخه بخود داشتن ها چی بهتر که در یک وحدت از کا نیکه دست به دست هم داده، کام بگام در راه رشد و انکشاف هنر هفتم (سینما) قدم نمایند. بخاطریکه میتوان به این نکته باورد اشت و هم بدان تاکید کرد که در کشور ما در همه رده های هنری و درین شمار هنر سینما استعدادهای آفریننده بریافتا بلیت باوروی و شگوفایی فراوان اند، استعداد هاییکه اگر موقصع به کشف آیند، بد رستی رهبری و مستند می گردند، در اندک زمان شگوفه میدهند و هنرمند ما بیه آفرینش های قابل بقا پیسه با آثار جهانی نایل می آید به امید آنکه همه توانایی هاد رخدمت رشد استعداد ها و ظرفیتهای هنری بکار افتند. از حتمی کستقبل شد بد از شما اظهار میاس. ممنون. خدا حافظ. خدا حافظ.

مردها را در خواستند

40 مینرنا

آیا فحاشیهای فیزیکی خصوصاً زنده‌گی زنانه را اصله میزنانه

جهنیکولوژی خاخرشان میسازد که هرگاه یک زن ورزشکار بیش از دو ماه قاعده نشود در زمینه باید اندیشید و بعضاً تعویق قاعده کی راجحاً یک عادت پذیرفته اند ، ولی در تشخیص ساله ، پرا بلعهایسی عرض وجود میکند ، زیرا خانم کریستیانسین بدون اینکه فهمیده شود ، سه ماهه حمل داشت . داکتر معالج مترود بود که شاید عامل عمده در زمینه خسته کی باشد . متوقف شدن قاعده گسی اولین علامه حمل است . ولس کریستیانسین قبلاً نیز عادت دانت که بعضاً قاعده کی این بس تعویق بیافتد .

مینانسیکیستهای گونه کوتی در مورد توقف قاعده کی زنان ورزشکار وجود دارد که یکی از آنها کسی شحم وجود است . شحم بدون - هورمون اندروجن را ، که از غده های ادرنال تراوش میکند ، در نتیجه تغییر کیماوی به نام اروماتایزیشن به ایستروجن ، که هورمون جنس مونث است ، تبدیل میکند . این ترکیب جدید ضمیمه ایستروجن میشود که توسط تخمدان به وجود می آید . (چاقی اضافی در جنس مذکر ، علامه زنانه مانند جمع شدن شحم در اطراف پستانها را با خود دارد .)

برای آنکه سطح ایستروجن را به گونه قناعت بخشی در زنان حفظ کرد ، شحم وجود آنها باید حداقل ۲۰ فیصد وزن بدن شان باشد به صورت نورمال در زنان خانم

بقیه در صفحه (۷۷)

اندروجن بر رشد عضلات تا شیر میگذارد و در نتیجه آن پالای وجود زنان موی بیشتر میرود و عضلاتشان قوی میشود . سابقه های زیبایی اندام ، در حالی که بیشتر سابقه کننده ها از نظر فیزیکی جذاب اند ، این تصور نادرست را از بین برده است . به هر حال بازی با وزنها نوعی از مقاومت رابه عضلات میباشد .

هرگاه این ساله که اجزای تمرینات با وزنها سنگین به بزرگ شدن عضلات می انجامد ، مورد قبول باشد ، استفاده از وزنها ی سبک و تعریف متواتر ، به انفر شدن جسم می انجامد و این میتود است که اگر زنان آن را ترجیح میدهند .

چقدر باید وزن سنگین (یا سبک) باشد ؟ در زمینه کدام قاعده قابل ملاحظه می موجود نیست . ولسی مطالعه ساختمان وجود مردان و زنان بر مبنای گزارشها کی از آن است که به صورت اوسط بزرگترین مقدار وزن در تمرین عضلات سینه برای مردان ۱۶۶ کیلوگرام و برای زنان ۵۰ کیلوگرام میباشد . این گفته چنین معنی میدهد که برداشتن وزن بیشتر از صد پوند آسیبی به زنانه کی زنان نخواهد رسانید .

داده اند . چنین وضع زنان دیگر را متیقن میسازد که بسیاری از آنها ها در مورد حامله کی و خطرات - نریسهای فیزیکی رایی اساس بشمارند ، البته در این نوشته ما خواهیم - کوشید که حقایق را در بین زمینه روشن سازیم .

نیمه دوم قرن بیستم نسبت به سالهای قبل از آن با زنان بیشتر مهربان بوده است . البته این هم نتیجه مبارزه سر سخت زنها برای رسیدن به یک سطح بلند زندگی میباشد . امروز زنانی که دل مردها را میبایند و هم از نظر فیزیکی جوان اند ، رویه تزاید است . از ((راکل و لاش)) گرفته تا ((ریکا)) همه بر نرم سازی وجود تاکید میکنند . بعضیها معتقد اند که تمرینات با وزنها ، بعضاً خصوصاً ت زنانه کی زنان را از بین میرد این پندار مرد شدن را از دیاد سطح اندروجن (نوعی هورمون جنس مذکر) تشکیل میدهد . هورمون

کریستیانسین یک زن پرکار است . در سابقه هایی که انجام میدهد ، همیشه مقام دوم و سوم را حاصل میکند . او به نسبت ولادت سپورت ((دوش)) را مدتی متوقف ساخته بود ، ولی بعداً آنها از سر گرفت . اگر چه او میاند که مادر شدن او را از دست قهرمانان بیرون کرده است ، ولی چنین نشد . او در سابقه هایکی بعد دیگری به پیروزی رسید و تا اکنون هفت ریکارد های پنجهزار متر و ده هزار متر را حفظ کرده است . مثالهای دیگری نیز وجود دارد که بیانگر حالت زنانه است که بعد از حامله کی ولادت نیز لقب قهرمانی رابه خود اختصاص

نیمه آدم نیمه حیوان

اسرار جاودان ابوالهول



چهل و پنج قرن قبل زمانیکه فرعون ((خفرن)) دستور داد که اوزار رکاب گیزه به شکل ابوالهول (سفنکس) (نیمه آدم - نیمه حیوان) جاودان سازد، از همان زمان تا حال این ترکیب عجیب هنر فنانان راه خنود مشغول ساخت و به متابعمای بدون جواب و سرگنج کند مای باقی مانده.

مرد جوانیکه بدون کدام انگیزه مهم کسی را به قتل میرساند به شهرت یوازند یک میشود. پیش از آنکه به شهر برسد در کوه صعب العبور و مرتفع نیکون بسا موجود عجیب و بیرو میشود، شیر بالدار با کله زن، که معای را از جوان میرسد، چیست آن در روی زمین یکی باد و دیگری با سه پا و یکی هم با چهار پا که بنده یک نام یاد میشوند. یگانه موجود است که بر روی زمین، در هوا و آب حرکت میکند، تغییر چهره میدهد. باتمام این یاها وقتیکه حرکت میکند سرش کم است.

موجود عجیب از همه همشهریان تویا، این سوال را می پرسید و بسیاری از ساکنان باید قربانی میشدند - زیرا جواب گفته نمیتوانستند.

ولی مسافر بنام اود پی معمارا حل کرد و در جواب گفت: ((انسانیکه توازن هن خود داری)) در ابتدای زنده می زمانیکه هنوز کودک است و راه رفته نمیتواند به چهار پا راه

میرود. بعداً یاد و باوا از طرف شب به اساس قانون حکمت متصل به پای سیم میشود.

و موجود عجیب و وحشی که شهر نیوارا به خطر مواجه ساخته بود و جواب معایش را بدست آورد - بود و محکم به مرگ میشد از کوه به پایان میافتد.

اود پی مورد نوازش قرار میگردد و یوه یاد شاه یوکاستارا نصیب میشود. بدون آنکه بداند که با مادرش ازدواج میکند و حکمران کند و رمیشود.

یونانیان قدیم هیچ وقت در - پیدا این موجود اسرار آمیز: جنس سره، نیمه زن، نیمه مار ایخید، سنگد و سزه اوتروس و غیره هم عقیده نبودند. همچنان در باره ترکیب زن و شیر عقیده دیگر نیز موجود است: که از طرف رب النوع خیر از حبشه برای محازات شهر تیا فرستاده شده.

موجود عجیب که بر بسیاری از گلدان های یونان باستان تصویر گردیده بابرند. آن اود پی بگمان اغلب در یونان از طرف بحیره مدیترانه آمد. زیرا ابوالهول تقریباً ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد یعنی ۵۰۰ سال قبل از ابوالهول کار تیا، قدمت دارد.

دو حیوان انسان نام بسیار کم با هم شباهت دارند. موجودیکه در کوه نیکون - جاداشت زن است - با تنه از شیر، باقیافه زن و داریا -

لها و ابوالهول مصری بالندارد و به اساس نظر ابوالهول شناس، هانیس و میش نما یا گستر یاد شاه به شکل زمین روی با تقدس خدایی میباشد. در این چهره او جانشین رب النوع آفتاب میباشد که سمبول زمینی آن شیر است. - فرعون خفرن ۲۶۵۰ سال قبل از میلاد دستور میدهد که قله بی از یک بلاک بزرگ سنگی به شکلی ابوالهول تراش گردد. ابوالهول خطوط چهره فرعون را میگیرد و بنا نوار عنقوی شاهی پیوند مییابد.

در حائیکه بدر خفرن، خیسویس دستور داده بود که سنگها را بر روی داخل اهرام که بنام خود شرمسی است، بقراند. حالا حیوان شاهی مرتبه بزرگ شده بر روی زمین دراز کشیده ۲۱۰ متر درازی و ۲۰ متر ارتفاع، در طول سده ها، رنگ های بیابانی یادگار خفرن را پوشانیده. بیوند در آخر قرن نژده بود یک قسمت آن از خاک برآید و از سال ۱۹۲۶ است که ایسن آدم - شیر را به شکل بیمنم که در اول بود - ولی روی ابوالهول زیاد ضرر دیدم زیرا در قرون وسطی توسط یک سلطان با توپ زده شد.

هیچ فرعون دیگر مانند خفرن با این عظمت جاودان ساخته نشده و این مجسمه نیمه آدم نیمه حیوان بر رسد. های مابعد خود زیاد مورد تقلید قرار گرفت. بعداً

نه شیر در مصر قیافه زن را گرفت. بسیاری از همین نوع مجسمه ها به شکل نگهبانان در پیش روی دروازه های اماکن مقدس گذاشته شدند، که اکثر آنها با کله های از قوچ، نهنگ و باز میباشد.

از این نوع موجودات، غمخوار حکمت مند همی در تشریفات نیز از آن استفاده بعمل آمد. در لوکسور راهروی از این نوع موجودات را ساختند که در طرف راه قرار دارند. همچنان در غرناطه از قرن هشتم راهرو از ابوالهول ها (سفنکس) بنا یافته که کله هایشان از قوچ بوده و تا حال پابرجاست.

برای توضیح ایده و شکل ابوالهول هانس ویشین اسناد زیادی را گردآوری نمود، او به هزار هانوس اشکال از این نوع مجسمه ها در کتاب خود بنام (ابوالهول) اشاره نموده و تعداد مصر زیاد تراز ۶۰۰ ابوالهول را تثبیت نمود. که زیادتر آن ۲۶ قرن قدمت دارد. - صد هاسال بعد در سوپوتامیا بوجود می آیند و سر از آن در گریست و یونان.

ابوالهول سمبولی از حکمت و نیاید قدیم است که اول از ساکنین شهر تیا و بعداً از اود پی معمارا رسید تا که در آئینه خود شرمیک معما تبدیل شد. چطور پیدا شد، چی معنی دارد، ترکیب عجیب کله انسان با تنه حیوان؟

ملک جهانی که بزرگ می‌شود

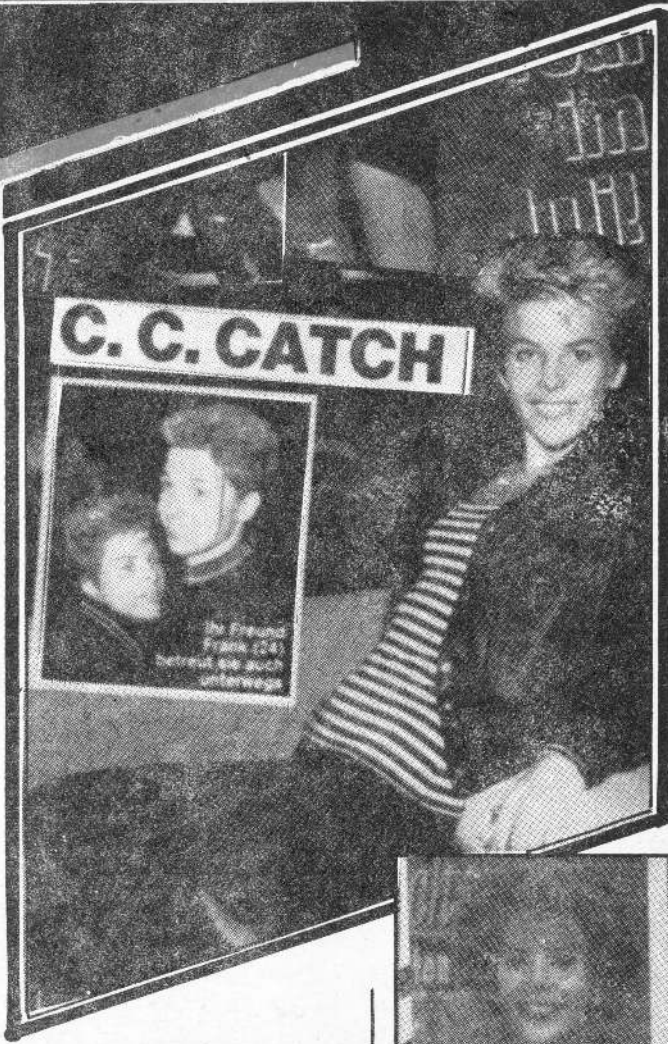
«من می‌دانم قلب خود را قدرتمایم»
آهنگ تازه بی‌ازسری سی تی

می‌کند. کمپوزیتور مورد علاقه اش دیتربولن از بروک یوسران معروف آلمان غرب می‌باشد، زیاد تر و همیشه در سفرهای هنری اشتراک می‌نماید، ریکاد های فوق العاده جالب و زیاد عرصه می‌نماید که به مجرد رسیدن به بازار فروش می‌رسد.

قهه به شهرت رسیدن او هم جالب است، سی سی کیچ قبل از اینکه خود را بچیت یگانه خواننده تثبیت نماید، در گروه هنری زنان بنام ((اسی میل)) ترانه می‌خواند، در روز هاییکه خواندن هایش را در رادیو ثبت می‌نمود، در آنجا همیشه اتفاق می افتاد که از کارهای خلاق دیگر این هنرمند برود یوسران آلمان دیتربولن تعجب می‌نماید، تودرن تلاکنگ یکی از برود یوسران آلمان و تیکه کنسرت آن گروه زنان را از رادیو شنید، سی سی کیچ راه استدیو دعوت نمود، اکنون در تمام جهان از کنسرت‌های او بخاطر علین آواز زیبا و نرمش که شنونده گانش راه هیجان می‌آورد ستایش و استقبال گسترده می‌آید بعضی شعرو کمپوزیکه بنام ((بخاطر

اینکه توجوان هستی)) توسط دیتربولن ترتیب گردید اولین گام موفقیت و سر آغاز شهرت سی سی کیچ بشمار می‌آید با آنهمه تلاش و فعالیت‌های هنری او بلا نهای در آینده دارد، او همیشه در کلمات این هنرمند آمده است ((در زمان ماستاره های معروف و معروفه های تازه ظهور می‌نماید که تصور و بینش آن مشکل است))

در این اواخر موسیقی با سیر صعودی روبرو تکامل است که در این راستا خلاقیت و ابتکار سی سی کیچ در شو های تلویزیونی مقام عالی و برجسته را حایز میگردد، تاننا جیان کسرت‌های سی سی کیچ به ده ها هزار نفر میرسد، سی سی کیچ و گروه هنری اسرینام ((کوله فیوز)) نه تنها مورد استقبال علاتمندان قرار دارند بلکه در جهان نیز هواخواه و شهرت زیادی بدست آورده است.



می‌نمایم

در یک شب مقبول بچیت هنرمند د یسکو تبارز می‌کنند، خواندن زیبایش با هم می‌توانم قلب خود را قدرتمایم)) مردم را هیجانی و آرام آرام به شور می‌آورد، خواندن های زیبایش از اعماق مردم تبارز نمود، بچیت د یسکو زوگن در تمام اروپا شهرت یافتند، ریک نمایش تلو یزیونی که د یسکوی فوق العاده اجرانمود بنام ملکه د یسکوی ای خود شهرت بسزایا کسب نمود، این سی سی کیچ نه تنها در اروپا بلکه در جهان نیز شهرت دارد، نام اصلی وی کسور سولیراست که در سال ۱۹۶۴ در هالند تولد یافته است، در آلمان غرب زنده گی دارد، رنگ دوستد اشتیاش سیاه است و برای لباسهایش رنگهای آبی کمرنگ و زرد را انتخاب



دنیای بزرگ موسیقی همچون بحر خروشان نیست که از امواج پرتلاطم آن انسان این موجود آفرینشگر و مبتکر همه توانمند ی-اش سروده ها و پارچه های رابری- می‌گیرند و آنتی‌نوس های بیکران آنها در نوردیده به سوی شادی های فرج بخش و نشاط آنزاده می‌سپارد.

اینکه باد ست یازدیدن به جهان موسیقی- گل خوشه یی را ازین سرزمین هستی آفرین به شناسایی می‌گیرم و هنرمندی رابه نام من: من کیچ باهمه محبوبیت هایش به شناسمرفسی

لرغونې نوروز او

نوروزي دودونه

د ليمه ليکه



کال له سختيوسره خداي پاماني کوي او نيکمرغيو ته ورژد ي کيزي زمري په ميواو کي نوموړي - د دودونه تراوسه پوري په پوره برتم سره نماخل کيزي او تراوسه لا زمري خلگونه دي هيرکري له اولسي او اتلسي بيړي رايه دي خوادغه دودونه په لزاو پير تويرسره نماخل کيزي شمير - الدين ظريف صديقي په دي باب وايي ((له کابل کي دغه ميلي لومړي د جبه بياد سيا مندي - بابرباغ، د سخ او دنيا لگير داينود لو او زگر د ورخي د ميلو په نامه جوړي شوي او تراوسه پي خيل او پير برتم عمداسي ساتلس دي په عرات کي هم دغه دود په تخت صفر بل مالان خواجه سپاران خواجه صفا ريگ روان په خانکر و ميلواو خو سيو سره نماخل کيزي په مزار شريف کي د گل سرخ ميله جي خلويست ورخي روانه وي په دغه ورخ ملتهد حضرت علي جنده پورته کيزي جي په گابل کي هم د سخ جنده او د مندي توغ په عمدغه ورخ پورته کيزي

د نوي کال د ميلو په باب غلام محي الدين ملگري جي د خلکود فرهنگ د خانگي مسلکي نمري دي وايي : ((د نوروز په شپو ورځو کي په گند هارکي د شالمار بابا ولي، جهل زيني په گرد يزي کي د (روحاني ما - حب)) په کونړ کي د پير بابا او په ننگر هارکي د ولکي بابا ميلو د يادوني ورځي په پښتني سيمو کي نجوني او پيغلي نوي او پنگلي کالي اتوندي تبيل وهي زيارت ياتي به (٦١)

دغه اوسني تاك ووايموه يي په خپل وار انگورشوه باجاله هغه وروسته د سپرغ د دغه لطف په ورځ هرکال دنيا لگيد کينه لسو دود پيل کي اوداي په گوته کړه جي هرکال بايدغه ورځ د خوښيو او خوشحاليو په جوړولو سره پيل شي .
 د ((سيزه بدر)) له نيو شگومونو څخه يوهم د باران اور پيل دي جي هغه به يي دنيا کړغه قال په توگه ياد اووه په ديار - لسمه ورځ جي دنوروز ياي وهم لولول تر مراسم ترسره کيدل نارينه زويه بهلواني کولي ميلونه به يي وهل زړه وينخوا ويند و په خپل وخت به ندرنو هلنگر نو په تودولو او د خيرات او خيانت په برابرولوياندي تياروه بخوانسي نجوني او پيغلي به په دنوروز جو کي به شيلو کي کزيدي په شيلواو سمور کړوند وکي به يي خوښي کولي اود را توکيد ليوشيلو پاني او څانگي به يي دنيا کړغه ښک به نيټ غوټه کولي له لگيد لو او بلو خوا وروڼو څخه به يي په خاښوانو نو اباد اگانو توپونه جون کله به يي جي وايه سره غوټه کول د هغو غوټه به يي د خپلي مينی او پلاني ور عنوان په نامه اېوله دنوروز به د رښل ((سيزه بدر)) کي به دي باندي باور و جي ټوک يي دغه دود نماخي او نه يي ميروي هغه د تيارو زار -

لومړي شپي مراسم يي د سندان تيار يي به نيول کيده اووه ډوله ميوه به لند يده اووه شين د سترخوان به وغوړيده جي بيل به اووه سين باندي واوښت پير سيره برهڼويه يي پاكي او په هم راوړي ياد کال د اوښتون په شپه کي به جي اوه ونيور يي اوله هغو سره سم به د خوښيو جشن او موسيقي پيل شوه دنه روزه ورځ به د بزگرميله هم جوړي دغه ورځ د جمشيد ((يما)) پاچا په عصر پوري اړونده بولسي .
 په دغه باب لرغوني انسانه ده جي وايي : دغه پاچا د ليدني کتنی ورځ درلوده جي دروازه يي د عامواو خاص ورځ پرانيستی وه هوکي پرانستی وه ځکه جي تر شنه آسمان لاندي به ازاده فضا کي دي ليدني کتنی صورت نيو جي دعاسي ميلي بڼه يي نوره کړ يوه د ميلي په خوښيو او تودو کي د هما يا سپرغ مارغه له الوتنی راهيت شواو هغه څه جي يي په مښوکه کي وود باچا په قدمونو کي و اجول او وروڼه يي وغوړول کوم شي جي مارغه راوړي و پوهانو ترخپري لاندي ونيول او د نبات دان يي تشخي کړي باچا حکم وکړ جي دغه دان يي بايد سپين پيري او يوه بزگرميله ځکه کي وکړي د کرلونه ديارلس ورځي وروسته هلته نياگي را توکيد لي ووي -

ترکومه خايه جي زمري د خلکو او زمري د بلرونو ژوند په باب څرک لکيدلي ((نوروز)) اود هغه اړوند مراسم زمري په فرهنگ کي د باطرنی وپ لرغونتيالي ځکه نو دغه مراسم له يوه پښت څخه بل ته اوله بل څخه بل ته ليز ول شوي او تر زمري پوري رارسيدلي دي د بخوانو اريايانو په زمانو کي به جي کال پاي ته رسیده د کال وروستي چارښه به يي په برتم سره نماخله دغه چارښه د سوري چارښي په نامه سره ياد يده او په هغی کي به يي ميلي کولي ځکه جي داد پسرلي د برتم په درشل کي دنوروز د ميلي پيل و په دغه ورځ به يي اورونه جي پات او پيغلي توک و بلول او هغه منگي اوگري يي جي پښي ((مهرگان)) به جشن کي به يي لغلي نه کول په دغو ورځو کي به يي ماتول داله ژمي او ارامی سره د خداي پاماني ښه و په استور وکي راغلي دي جي له سوري چارښي څخه ديارلس ورځي وروسته واپه په فارسي ژبه د ((سيزه بدر)) په نامه ياد يزي زرد شتيانود د دود يار لسو زونو پيل د ((اښاد)) او پاي يي د ((پهشتوار)) په نامه ياد اووه اووه دغو ورځو کي به دنوروز ميلي وي له سوري چارښي څخه وروسته به بيا د کال د

شاید خنده گنید

روزنامه بایین بیاید ، دوم اینکه ممکن است میزان انتشار بایین نیاید ! و در صورت
 ارسالی ژولیا (بهارا کبزراده) از بدخشان .
 شخص پیراهن را زدید به پسر خود داد که بفروشد ، پسر پیراهن را به بازار برد و از او زدیدند . دست خالصی مراجعت نمود ، پدرش گفت پیراهن را چقدر فروختی ؟ گفت به همان قیمت که تو خریدی . بو - دی ارسالی محمد ابراهیم هجران

مدیر یکی از روزنامه های معروف ، نویسنده یکی از سر خواننده ترین ستونهای روزنامه خود را خواست و به او گفت : میدانم خسته شده اید ، برای رفع خستگی حاضریم شما را مرخصی به شما بدهیم . نویسنده سرش را خاراند و گفت : از لطف شما متشکرم ، ولی من این مرخصی را قبول نمی کنم به دو دلیل : اول اینکه ممکن است در نتیجه تعطیل شدن ستونی که من می نویسم میزان انتشار



ای یاری وفا ، تو بوکس کو مه دفاع



اخبار سال

خبرنگار اختصاصی ما ، شافل میزاشا خسار که همیشه مصروف جمع آوری اخبار خالص می باشد ، برای این شماره این اخبار را تهیه دیده است :

* در اثر زرد و خوردی که بین احمد خان و برادرش (فرید خان) در اتاق نشیمن شان صورت گرفت ، تمام نشیمن های اتاق شکسته و قسمت اعظم فرش و ظرفی که موجود بود از بین رفت . در این جریان ، احمد خان دست راستش را از دست داد و فرید خان در ناحیه قلبش زخم شدیدی برداشت . بدرفامیل وقتی که حال روز

فرزندانش را دید ، عاجزانه ایشان را به نماخانه انتقال داد و در نخستین روز به تمام معاشین را که بعد از آن ماه عرق ریزی به دست آورد ، بود مصروف نمود ، بلکه چندین هزار افغانی قرضدار شد .
 خبر می افزاید که برادران زرد و خورد گنند ، بعد از آن که به حال آمدند ، اعتراض کردند که علت مشاغر ، شانرا نمیدانند .

از تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ می شنویم

انا نسر تلویزیون :
 بیننده گان گرامی ، اخبار را شنیدید ، حالات توجیه تا نرا به تمبره به تعقیب آن به تعاشای را بر تاز معذرت داشته و در اخیر فلم هنری عنندی به نام (سو ستوری) پیشکش میگردد .
 * * *
 جرنگ ، جرنگ ، جرنگ
 - بفرمایید ، تلویزیون است .
 - اوه نوکیوال ، اول اعلان کردید که فلم (سلطان قلبها) را نمایش میدید ، حالا چرا فلم لوستوری را انانوردادید ؟
 - امر مقامات بود .
 - کدام مقامات .

تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ که تازه در جوات - فجات (۲۲ گام شریک) به فعالیت آغاز نموده ، اخیراً توسط اپریتران فعال خود گفتوگوهایی را با ای رایت نموده که اینک پیشکش میگردد :

جرنگ ، جرنگ ، جرنگ ۱۰۰
 - بفرمایید ، اداره ، نشرات تلویزیون است .
 - نشرات تلویزیون است ؟
 - بلی ، بفرمایید .
 - بیشتر اعلان شد که امشب فلم هنری ایرانی به نام ((سلطان قلبها)) نشر میشود .
 - بلی درست است .
 - اما از آنجایی که این فلم را دیشب از طریق وید یو کاست در خانه تماشا کرد ، ام و برای فامیل ما تکراری می باشد ، امرو می کنم و آن فلم هنری

(لو ستوری) را ناسر کنید .
 - ببخشید ، آخر آن فلم را بنا بر تقاضای مکرر بیننده گان تلویزیون و ضرورت نشرات پیش آماده ساخته ایم ، اما آن ندار . که آنرا ناسر کنیم .
 خاموش با سر مامورت مستاخ نکن .
 میدانی ، من یکی از مسؤولین بلندرتبه استم ، من (. . .) استم که امرو کم .
 اوه ببخشید صاحب ، صاحب حتماً تغییرش میدهم ، صاحب ببخشید ، صاحب .



تما با هنر نمیشه



از خود شما

سوال
گفت: يك سوال ميكم، اگر جواب دادی مردی.
گفتم: بگو، تا مردانگی ام ثابت گردد.
گفت: آیا میتوانی برای همیشه خشویت را نزدت نگهداری؟
گفتم: نامردم و جواب نمیدهم.

مادر: انسان با کارهای خوب به بهشت و با کارهای زشت به جهنم میرود.
پسر: انسان چه کار کند تا به سینما برود.

ارسالی همایون از بونهعی
ژورنالیم ویان بروی زار به بلخی

((امتحان))

يك سوداگر معروف دریایی از همسرش خواست که تا عشق و علاقه خود را نسبت به او آزمایش عجیبی ثابت کند. مرد به زن گفت: - اگر راست میگویی و حقیقتاً مرا دوست داری برو چشم بسته بر لب بامی ایستاد شو سه مرتبه دور خودت بچرخ بعد به هر طرفی که من میگویم قدم بردار. خانم نه تنها زیر بار این امتحان بزرگ نفرت بلکه آقا را به محکمه کشانید و از وی طلاق گرفت.

((در صنف))

معلم: پنج چیز را نام ببر که صد سال پیش اصلاً وجود خارجی نداشت؟ شاگرد با کمی مکث: سنجی دست، کارکرد، میناکشی، توپسرا، اندرسن و نواد رامز.

مادر زن یا روزنامه

شخصی به دوستش شکایت کرد که خشمم مثل روزنامه است.
- چگونه زن بد حرف میزند؟
- نه هر روز به خانه ما می آید.

راه حل

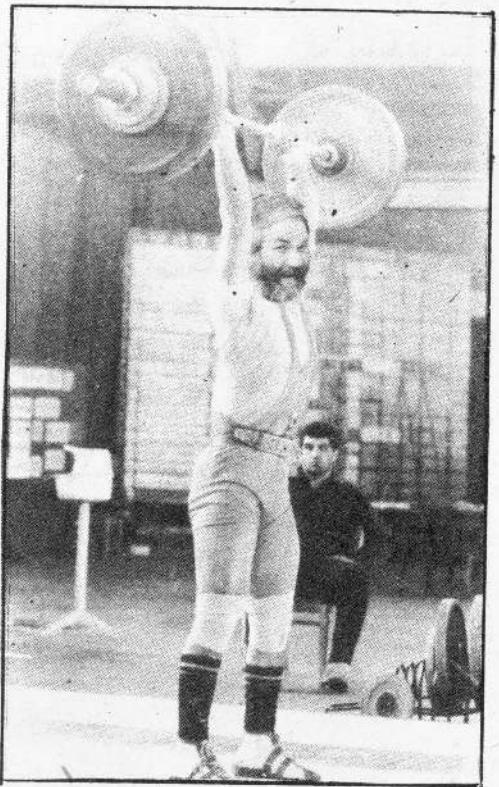
رئیس اداره حسابدار است شرکت تجارتي ربه معاون خود نمود و گفت:
- حالا چطور به رئیس عمومی بگویم که تحویلدار پنج ملیون فرانک موجودی صندوق را برداشته و فرار کرده؟
معاون: میگویم چطور است این ماموریت را به آقای دوران که لکت زبان دارد بگذاریم تا آقا رئیس از جیبان مطلع نشود.

اندرزهای مطابق روز

X بگذار کودکان مکتب را ترک و در مسدود بمانند تا مسؤولین سیل صف منتظران نانوائی قرار گیرند.
X لقب نهرمانی را به دست آرند.
X بگذار تلویزیون شروع گردد و ما را X بگذار انتقادات را مسؤولین پشت خواب ببرند.
X گپ زن که يك جنس به صد نسخ نکنند.
X عرمه گردد تا پارهائی از خواب بیدار X چپ باش تا مسؤولین بخواب روند و شهریان از گرسنه گي بنالند.
X خاموش باش، معازره نای کوبونی نوشته: جاله

د بیوزیک تن از دست پیرایه است کمترین تم به بد از آن که نانسند و کند از آن در پسر ها رئیسند با بی اعتمادی همکاری نمایند خود را به خانه رسانند. خود پس نبود.
خبرس از یاد نه خبرس ان کاین از این خود کشی به جانیه موقع تغییر احب سوسوف لبراز خوش وقت در دانی نموده، از روند انامه این سلسله در ریاست بدنه می باشند.
خبرنگار: میرزا شاخسار

شخصی نزد دوستش شکوه میکرد که: میدانی چقدر همسایه بد دارم دیشب تا ساعت ا شب با مشت به دیوار اتاق میگویند! دوستش پرسید: آنوقت تو خواب بودی. آن شخص گفت: نه، خوب بختانه نخواهید بودم زیرا با اکورد یونم تمرین میکردم.
ارسالی عطیه



معلم صحنه خوب است

نورانی بوموقع

همسایه بد

مینیاتوره‌های طلایی

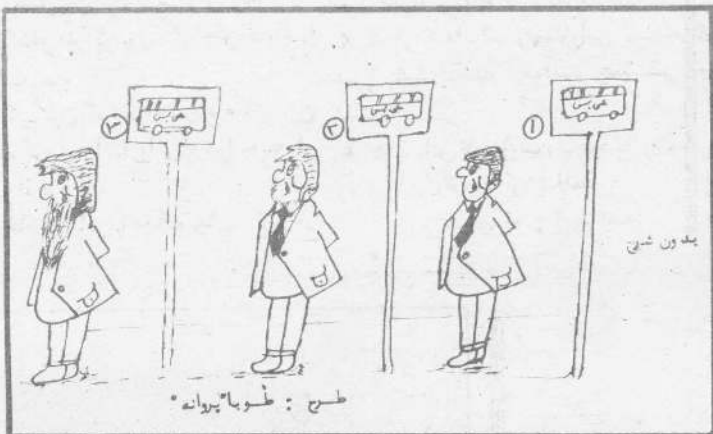
اگر اثریست مولف را بد زدی آنرا بد زدی گویند . اگر از چند مولف را بد زدی این دیگر تحقیق است .
 به هر اندازه ای که فکت ها کم باشد بهمان اندازه اشکال زیبا می باشد .
 چیزی که امروز حقیقت است فرد انسانی تخریب پیش نیابد .
 اگر واقعیت ناخوش آیند را بغیر منتظره باشد بدان کسی باور ندارد .
 بهترین منطق ، منطقی است که بعداً بوجود آید .
 تاریخ برای ما می آموزد که از او چیزی نیاموزیم .
 به هر اندازه که بالای اندیشه خود گارمیستی به همان اندازه متیقن میشوی که بیگانه است .
 از تمدن گذشته ، نواری های آینده به وجود می آید .
 زمانیکه همه چیز گفته شود و عملی گردد ، زیاد گفته شده .
 از اندازه عملی شده .

مادر کلان : عسوی از نامیل که نس تواند از غنید ای بیرون آید .
 خوشو : مشاور با المقطع در پروم های خانگی :
 بیکار : حیوانی که وقت را می خورد عروسی : (عقد) قمار که مردان در آن آزادی خود را دو می کنند و زنان خوشبختی خود را .
 جنگ : دو بیلوماسی بین المللی که مدق خود را از دست میدهند .
 دشمنان : مگوری از دستان که نمیتوانیم خود را از آنه اند فاکس

کارتون



طعم است



نیم کاسه های زیر کاسه

مارک تواین روز جمعه را روزی شو می شمرد .
 یکی از دوستان روزی برای پیش گفت :
 دوست عزیز در جمعه شخصیت های بسیار بد نیامده اند مانند جورج واشنگتن ، تایلین ، شین و کلاد ستون .
 مارک تواین موافقت کرد : ممکن است ولی فراموش نکنیم شخصیتها مردند .

 امیل زولانزد ، اکثری رفت ،
 دکتر پرسید : چه شکایت دارین ؟
 خود را ضعیف احساس میکنم از چند روز است که یک لقمه راهم در دهان نگذاشتم .
 دکتر سر از معاینه برای پیش نسخه نوشت :
 ای تابلیت ها برای داشته ای تان کت میکند .
 امیل زولانزد را با ناراضی شور داد و گفت :
 دکتر صاحب این تابلیت ها ایراد من کت نمیتواند من داشته ام .
 ولی چیزی ندانم که بخورم .

مدیریت باشد کسی دیگر را ندیدند .
 محمد سرور خیرنکار که به خاطر تکیه صاحب ، نسبت به دیگران رجعت نیادتوری را مقبول شده بود به آشخرف گفت :
 چند روز پیش مدیر صاحب - برای مامکتور روان کرد که بیاید با ما صاحب کهد ، ولی حال خودشان تشریف ندارند ، آیا شما حاضرند کجارتی اند ؟
 معاون شعبه گلشن را ماف کرده گفت :
 وله راسته بگویم ، به هم نیامم که مدیر صاحب کجارتی ، مگم دیروز در امری امضا صحه علیا داد کدهه سینما قلم نهند شده ، شاید نمونه رفت باشن .
 محمد سرور که گوی خشکی

بی غم باش لالا

سفر اراخان مدیر تیلیت و ترو صغ فاجیکه ساختن طلی مکتوب -
 رسمی از خبرنگاران را دیو و تلویزیون دعوت به عمل آورد تا ساعت ۱۰ هتل از ظهر روز دوشنبه به شعبه اش آمده با او جوار امر مربوط مدیر پیش صاحبه نظیرند .
 روز موجود فرارسید ، مسئولین تلویزیون با هزار جار و سفال ، موتو ، کمره ، ایت و همکاران شنیکر و فی را آماده ساخته آنجا رفتند .
 همین که داخل شعبه شدند به جزارتشخص که پهلوی مدیر شسته و معلوم میشد که باید معاون

شده پوئوسید :
 ای پسر به شعبه خات آمد ؟
 معاون جواب داد :
 ایزه خوب میخام که تنی ، به خاطر که مدیر معادلت نداره وقتی که بر آمدن پسر بیایسن .
 تمام خبرنگاران و همکاران تختهکی در حالی که سخت آورده شده بودند دهناره به ظرف اداره تلویزیون حرکت کردند .
 در نیمه راه شهر حسن فلمبردار بیکاره همه را مخاطب قرار داده گفت :
 اوسیه ها ، اینها حومه خوب سرگردان کردن ، مام کارز میکم که تازنده استر یادشان نره ، اوهم ای که برشان میکم که روزیگنیه آینده آماده باشن ماسی ایم ، باز

متولدین ماه اسد :

خوش شانس شما در اینست که در راه بنامت آوردن مواد بخته سیلو از خود مقاومت نشان نمیدید. یاد امامت است حین بالاندن به سرسری بیس جراحی بردارید که بعد از رفتن نزد دایر این تشویر رسمی خواه شد.

متولدین ماه سنبله :

شما هم کم حوصله بی استید به مجرد تماس کردن بایک تینگ یا کراچی روی سرک باد ستغرو - شان برخاسته میگید ولی بایک محتاط باشید که انعام بر - گری کم از شما نیستند احساس استناد بدی تان را تقویت کنید.

متولدین ماه میزان :

تشویشی که از ناحیه بلند رفتن تکت ملی بر در شما ایجاد گردیده است انقدر جدی نیست در میزان هم نگران ایکی د واقعا تان را صاحب میزند ندیده رستوران کمتر سرزید زیرا مقابل مگر حساسیت دارید.

متولدین ماه عقرب :

همیشه از روند استید تا در هر جا از جمله موتری بی موقف خوبی داشته باشید. از همین رو با دید جالبی به لگن موتسری جمله ورمیشید اما متوجه باشید که جیلک تان را حین رسیدن به هدف کم نکنید.

متولدین ماه قوس :

ادم با اراده استید وقتی بخواید کاری را انجام دهید بدون توجه به سنگینی آن، آن



فالی که طنز نویس دیده است

متولدین ماه حوزا :

ارزوا اینکه به خار به دست آوردن کین لیت به سر میروانید به جزازته و بالادین چندین هفته به تمرین رسید به مشکلات زنده تی تان انامه از این افزوده نمیشود به زودی بوجی اردی به غدومی اندازید.

متولدین ماه سرطان :

شما هم خون خرق استید بوی و گنده گیای کارسری در شما اثری نمیکند. ببول صفای را در مواقع معین میگردانید بجز واسطه ها واسطه های قوی پیدا خواهند کرد.

متولدین ماه حمل :

امید و ارزو هم وقتیت کوشش از سر تان به اسمانه ای هفتم پرواز میکند. در هفته که پیشرو دارید روزی این خوشی را در تان تیل سیری مینمایید در باره تخم مرغ کمتر فکر کنید.

متولدین ماه ثور :

همیشه با ما مورین متاز به بر خورد صمیمانه دارید خوبست به خاطر رفتن تان وقت ترا - خواب برخیزید تا با اطفال تان کمتر سرنا بنوازند کوشش کنید بی د بار در هفته به دفتر سرزید.

را انعام میدید مثلا شما قادر استید به اسر وقت از نانوای نزدین خانه تان نان بدست بیاورید اما متوجه باشید که نفع شما درسی واسطه گسی شماست.

متولدین ماه جدی :

ناراحتی های که از ناحیه بلند رفتن مواد اولیه طسرف صورت دارد بی فایده است در اینده نه چندان دور شیز - خانه تان را قطنی روغنی رنگین خواهد ساخت براد بومک بشنود زیرا مقابل سایل تکراری حساسیت شده بد دارید.

متولدین ماه دلو :

فکر مرغ بلورا از خیال تان دور سازید. کتوبه بازار بروید بی نشی ملی بر شمارا متاثر میسازد ولی باید بدانید که این موضوع د پیغامی شده است شما هم مانند مسولین در زمین - معافیت حاصل نمایید.

متولدین ماه حوت :

اگر شما امور دولت استید، اطفال تان در نانوای صروف اند و شانس کامیابی در مکتب کم دارند، وظیفه شماست که به معلم آنان واسطه پیدا نمایید که در جمله مشروطان ختم سال، کامیاب گردند، حتما بخت اطفال تان بیدار میشود، تا راحت نباشید اطفال تان را تشویق نمایید که بوظیفه خود در نانوای بگیرانده ادامه دهند. از لیا سعادت

روزی که رسیدیم همه در حالی که لبخند بر لب داشتند قبول کردند. همین که به دفتر رسیدند بشیر حسن نظیر در گوش تلفون رایسر داشته به شعبه سرفرازخان تلفون کشیده گفت:

معاون صاحب محترم، از کس تمیه صاحبیه است تمامه مهم اثر، بری مدیر صاحب سرفراز خان و امیر شعبات شان بگهین (لینا یاد داشت کهن) که مارونیک شنبه آینده ساعت (۱۱) می آیم، مارو بر سرفرازخان و آمرهلس باید رهبر موسسه هم دعوت شود. چند جریده دیواری به تشریف و تاریخچه فصل فابریک نوشته شده جانر باشد، بخش های مختلف

تعمیر باید به صورت نمونه در این شود و تولیدات فابریک هم به قسم نمونه به نمایر گذاشته شود تا از آن چند شات بنهیم، و در روزی که ما می آیم، تمام کارگران و کارمندان مدیریت تا تراجیم گید تا با آنها هم صحبت نماییم و در ضمن برای تان جاش (۱۲) نفر خبرنگار و پرسونل تحمینی تمینا تهیه کنید.

برای سرفرازخان بگهید کارهای را که گفتیم حتما باید انجام دهند. ماه صورت حتمی می آیم. معارف گفت: به چشم و حتما برشان مهم. روز موعود فرارسید اما هیچکس برای صاحبیه به شعبه سرفراز خان نرفت.





دوهامدينه

د راديو-مجلي پسرل
پسې داستان

سرپرست رئيس

نطاق: د راديو جوړيد ي پرله
پسې داستان د پروگرام اوريد-
ونکو لوستونکو سلام!
تاسې په تيره گڼه کې ولو -
ستل چې د بېتا تومپنولو د رڼا -
ست رييس د مقاماتو د لزم د پيد -
ياد ناغې ي له کبله برطرف شو .
بي له دې چې بل رييس وټاکل
شي او ياد رڼا ست د کوم مرستيال
د سرپرستي مکتوب راشي . د رڼا
ست د چوکي د نيولوبه خاطر د
اداري اوفسي مرستيال ترمنځ
رقابت او کش وکړمنځ ته راغی . په
لومړي ورځ له سهاره ترغرمسي
پوري اداري مرستيال په چوکي
پوري نښتي و . خو کله چې د -
پنځو دقيقو له پاره له چوکي پورته
کيزي او د باندې وي . نو فسي
مرستيال د رڼا ست په چوکي پښه
ياتي (۱۰) مخ ته



نانوای

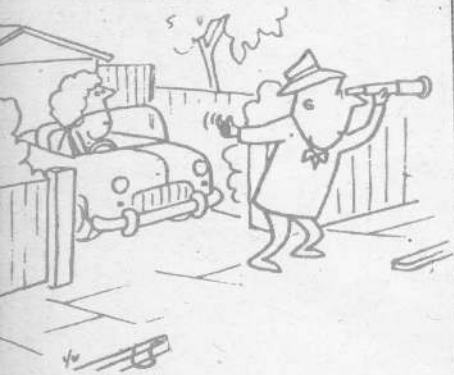
دغه مهم اوحياتي لغت په
معاصرو قاموسونو کې د اډول تو -
ضیح او تشریح شوي دي :
(نان)) د ډوډي او -
(واي)) د واخ مانا لري .
يانې کله چې خوک د پښار په
نانوایانو کې په پنځو ډوډيو پسې
(واخ)) چيغې ووهي او هغه
هم په لاس ورته ورنه شي .
.....
غور خوره . غوري وايه . خوبه
غور وښه تير وښه ا



علمي تخييلنه

هغه خوک چې دغه ليکه لولي غرموسې د نښونې په دوران
کې د نايټروجن دوراني حالت د بيلوژي په کتاب کې ترسترگو
شوي دي ، خود لته د نايټروجن پرمخې د يوې بلې ډيرې مهمې
اوحياتي مادې د دوران په باب غږيزو . دغه مهمه اوحياتي
ماده د سر کونوله باسه هغه خاوري او ډوډي دي چې هره ورځ
په زمونږ ښاريان په دوراني ډول دخولي اوزي له لاري سزواو
کولمونه ننه باسي . اودالري ترهغې روانه ده چې خود ښار
په واټونو کې دخټواو ډوډو دغه حال وي .
له دې خبرې سره داخبره يې لا براتواره په ثبوت رسپيزي
چې حاده څه ډول له يو حالت څخه په بل حالت بدليزي او خپلې
بقا ته دوام ورکوي .
راغی چې په دې باب په خپله دغه دوران حالت ته
ورنښوئو:

نردی لیدونتی هیله او د سنځی وریوری



دیوډاگانو غونښتلیک

د راپیو، تلویزیون، وریوریا،
مجلو او جریډ و محترم موسولینو!
غوره وړخ وینواو او وړی سیه
تلویزیون او راک یوکی د ماشومانو
او حیواناتو له پاره ځانګړي څېړنوي
څېړنوي او هم په مجلوماتو کس
دغه ډول ګلښی ترسترګو کړی.
خود یو ډاګانو څېړنه تراوسه نشه
چالیدلی، نه یی اوریدلی او نه
یی هم لوستلی ده. ایا یو ډاګان
غوز ونه نه لري، زړه ونه نه لري،
اوستری نه لري یی خوب یی
د دې ډول څېړنو هم نه څوړی.
د ایه موسور او بریدلی وی چی:
زاره به خواړه، مرګ یی د یی-
سار، خواړه د امانانه لري چی
سړی به مړه ګیډه لیتی یا اوکوره
وڅوړی، بلکی روحی څوړونه چی
د خولی په ځای د سترګو او غوزونو
له لاری کولمونه ننوخی هم اړتیا
ده. هیله کړی چی د دنیسی
اړتیا به پام کی نیولوسوه (د بو-
ډاګانو نړی) ایه نوم څېړنه به
څېړلو څېړنوکی وړتیا ته کړی.
ستاسی اجزا توت غوز اوستری
به لاریو.

بریالی اوسی

کاکا سفندرد یو ډاګانو د تولسی
سرسرست

وکل شو!

د یو ډاګانو دغه غونښته به ځای
ده اوله عمدی نیسی وروسته به
د بدجاره هنی هنیوال د یو ډاګانو
د نړی په نیم یوه توکری به هنی
کی وړتیا ته کړی.

ګندنه

زه مجنون د ګندنی م، ګندنه زما لیلاد ه
به لاسونه راغی ملګرو، کبرجنه یی وفاد ه
اوس یی مینه بازاری ده، له پتی تللی د ګان ته
به مفلس مین شرمیزی، ښکه ما ځنی اجداد ه
د مهران مودی اوز د ی شوی، د وصال په طمعه طمعه
زړه زما ورسس وړان د ی، د ایں غم یی پرواده
زه د یواښت په هیله، تیرم میاشتی ګندنه
داله څمکی نه عوانه، پورته شوی به هوا ده
لاهم وړخ به وړخ چکیزی، یو ځیران رانیتنه شوه
د نړخونو په سیالی کی، ګله ګله له (پامپا) ده
به مړه ګیډه، عینکله، ماونه څوړه، به مینه
د اچی ورکه ده له مانه، نوله ما ورکه د نیا ده
که یی نړخ راکښته نه شی، د څوړاک عیله یی به کړه
ای مفلسه حیبت ته کوره، ګله څوړاک ګی یا شتیا
بخوانی مینی اوسنه شته، زړه د ی څېړنه یاری کړه
اول نړخ کوره بازاری، ګندنه یی مینی ته سودا ده
غسی نه چی لیونی شی، به کونډه بازارونو
څه به لاس درله درنه شی، د ابله تما شاد ه
نورته افریاد ونه کړی، زړه کړه صبر ګندنه
ای مفلس ګندنه څوړه، د ازما درته وینا ده



میزز له میزسره څه څپیلوی لری؟

میزخوتول بیژنی چی د دفتر
په کوچ کی به څلور ښو ارام
ولار وی او په رسمی وخت کسی
میززایان ورباندی څپیل سرز دی
اویده کیزی.
راعی وګورچی میززاده ته
واپی: میززاده دوه برخو
(میر-زا) څخه جوړ شوی دی
چی دوه لاسونه، دوه ښی،
دوه سترگی او دوه غوزونه لری.
اوس که (میز)، (میر) او
(زا) د وار په سره یوځای کړو
نوبه به سترګو ویلاي شو چی:
میززاهغه (میر) دی چی له
(میز) څخه زیږیدلی دی.
(څېړکی)



په لاسونو دانه باړه پد مینه

په کلايت څه کار مینه؟

دیوډاگانو نړی

یوه ډاګانو څوړان به کوره ده
پوړی ګلسی ته باعت وړ او
پوړی یی څوړه
دوی د وار په خوله شخوند
راهه اوس سترګو اوسکی توپلی
یوس چی دغی عجبی بیسی ته
هت په پاتی واکه یو ډاګانه و-
پوستل
- کاکا خانه (ولی زاری)
- بچه بوخته نه کوه... نه پامه
خوله کی غاښونه نه شته اوسه
پوړی شخوند نه شم وهلاي.
خودغه څوړان چی غاښونه لری
توله پوړی یی راځنی رځوړه
څوړان چی خوله یی له پوړی
په ګه وه، په پک ستونی بسری
اودانګل:

د روغ وای وروزه! زه چی غا-
ښونه لرم، نوبه پوړی شخوند
وهم لږ دم یی، خودغه یو ډاګان-
ښونه نه لری او پوړی ژوند یی
ژوند یی تیوی.

یوشن میززاده لار څو څپیل یو ډا
پلارته لیک ورباندی ولیکی، میززا
دغه وویل:
میززا- ښه وروزه! پلارته دی په
لیک کی څه ولیکم.
سړی- سلام... ګرانه پلار...
میززا- ولی چیغی وهی؟
سړی- ددی لپاره چی یو ډا-
پلار یی په غوزونو کړی دی او
ورڅېړه نه اوری.



علی مشتری سفر پر ماجرای رابه دنبال عشق خود از سرگذشتانند

مجموعه شعر

خواننده گان عزیزان در شماره های قلمی مجله باغ رشک سفر
علی مشتری را دنبال عشقش در هیاللا به غدا خوانند اینک بشر
بهاری این صبه را برانید

شب فصل بهار و ماهتاب است
نغم باغ رشک مشک تاب است
شگوفه دامن افشاده به گلشن
زخون لاله شاخ گل خضاب است
بدیده تان ((ماه دور بسا لا))
ز خجلت ماه تابان در حجاب است
نغم آهسته تبرنگ رزگوش
که ((ممتاز جهان)) من بخواب است
درین فصل بهار ای گلشن نساز
زه جرت مشتری اندر عذاب است
مجله کابل هم در یکی از شماره های خود
بیوگرافی مدهو بالا را بطور مکمل تحت عنوان هللی
مشتری و مدهو بالا بدست نشر سیرده که چند
صفحه از آن مجله بصرف و وزیر را گرفته است
چریده انیس هم زیر عنوان ((علی مشتری رایشنا -
سید)) یک صفحه از روزنامه را به بیوگرافی بنده
و عشق عصری قرن بیست و موضوع مدهو بالا تشریح
یحات مفصل داده و هم چنین موضوع روز را اطلا
جمعی افغانستان بود و اکثر روزنامه ها و جراید
درین باره مضامین و اشعاری بدست نشر
صی سیرده که چون مدت و زمان زیادی از آن

تاریخ نگشته اکثر آنها فراموش گردیده اند
همچنین مجله ننداره که یک مجله هنری
فلسی و ادبی بود در وقت و زمان خود شهرت خوبی
داشته، صاحب و راپور تازی مفصل و نظریات خویش
را بدست نشر سیرده و عکس هائیکه مدهو بالا در آن
امضا کرده و بطور یادگار برایم اهدا نموده بسود
و هم چنین عکس های از من در مجله ننداره به
چاپ رسیده

و این است راپور تازیکه در شماره دوم سال دوم
مجله ننداره که مدبرمسئول آن محترم شفیع رهگذر
بودند - نشر گردیده، یک قسمت آن بحضور
خواننده گان گرامی سپارون، دیلا، تقدیم میشود

((یک راپور تاز و دلچسپ خواندنی
گفتگوی با علی مشتری))

((عشق)) امید ((و آرزو)) سه کله خوش
آهنگه سه لفظ خیال انگیز و شاهرا نه و بالا خسره
سه معمای مشکل و پیچیده هستند که بدور مرکز
من می چرخند و دل این مایه زندگی و این اوست
زندگی بهر رنگی که خواسته اوست این هر سه را

بسیار خود می رقصد و آدمی را بدنبال آنچه نغم
عشق و آرزو در وی بوجود آورده است گاهی در
صحاری خشک و ریگ بیابان رگه با پای برهنه
روی خار مغیلان می میدان وطن میدان میدواند
و اهتایی باین ندارد که کف پای آدمی را در دی
وشت پای او را گردی نصب نموده است
آنچه راهبان اخبار و ناقلان آثار و خوش
چینان خرمن سخن از دوران کهن بدل نسبت
داده اند که اگر غلط نیست عجب ضرور است
زیرا گاهی دل را خون شده گان مظلم ناچسار
خوانده و هزاران نوع نوحه دیگر برای اوسر و دهاند

در حالیکه همین دل بیچاره عاجز و ناچار ایشان را با خاک و خون کشیده و بعد هم برایش نوحه گری که بوشق نفرین کرده آرزو را محال خوانده و امید را فریبنده میدانند به تعقعه خندیده است. همین دل مظلوم دوست باکتر لوگه ما علی مشتری را دو - سال تمام از یارو دیار برید و برید و جای او را در محافل ادبی و هنری و محفل انس دوستان خالص ماند، داستان اینکه وی در راه یاروغیت چها کشید، برای خود بی کتابی است.

ولی اینکه در سرزمین بیرونیان نمکین و سستی، جهادید و چهارگز برای خوانندگان مجله دوستداران مشتری، موضوع معتنا به و غنیمت سی است که با استفاده از یک صحبت دو ساعته با ارجحی اجالی بخوانندگان نامه خود از آن ترتیب و تقدیم میکنم تا با کمال تعجب بیکار دیگر در یابند که - مشتری هم در حالیکه مثل همه ما و شما باز چه دل بوده، باز هم برای دل خود بسیار میسوزد و هر لحظه آهی کشیده، میگوید ((بیچاره دلکم)) با خوش خلقی ((همیشگی مرا پذیرفت و بعد از تعارفات معمول، مانده نباشی اضافه کرد: گمان میکنم در اینجا هم مثل بعضی بیک مشت سوالات تو امثال تو بپسند جواب داد، روی خصوصیتی که داشتیم، خندیدیم و گفتم.

س: جزاین چاره نداری وقتی که حاضر شدی تمام جراید فلی بیگانه را از نظریات و اظهارات عاشقانه و هنری خود بزرگی ناگسری برای نماینده مجله فلی کشور خود هم حرف بزنی. عده زیادی خواننده گان ما ترا می شناسند و جدا - نستن ماجرای مسافرت عشقی و هنری تو عسلا - کنند اند.

ج: حاضرم به سوالات تو جواب بدهم مشروط بر اینکه زیاد وارد خصوصیات نشوی و من برای سکوت اجباری احساس نکم. س: به دیده این قسمت را رعایت میکنم اما تا آن حدی که حس کنجکاری یک خبرنگار بتواند اجازه دهد.

ج: بسیار خوب فرمایید، من حاضرم که به سوالات شما جواب گویم. س: اولتراز صحبت صحبت کن تا جاییکه من میدانم منظور از مسافرت توبه بعضی در مرحله نخست معالجه چشم بود، آیا بهتر شد؟ ج: خدا را سپاس گزارم یک مدت مختصر تحت تدابری بودم که به زودترین فرصت تکلیف رفع گردید.

دیدن روی عزیزان چشم روشن میکند. دارویی بنیابی یعقوب را یوسف کشد. س: پس چرا توقفان در بعضی مدت دروسال طول کشید؟

ج: خودت میدانم که من به عوامل هنری علاقه زیاد دارم، از روزیکه پای من بروی ستیو بهار شده بیش از آنکه یک شاگرد اهل صالح بسرای طیب باشم، دو دسته دامن هنر و سوانح هنر - مندان را چسبیده ام، ازین جهت خیف دانستم از شهری مانند بعضی که مرکز هنر و هنرمندان کشور بزرگ هند و تقریباً هالیوود شرقی است، بدون فیض

بردن و انداختن معلومات هنری برگردم، طبعاً این کرد شها و کسب معلومات هنری مدت زمان طولانی را ایجاب میکرد و من هم بی مضایقه حاضر شدم، این مدت را فدای اندوخته هایی هنری کنم. س: خوب، البته این مطالعات منحصر به ملاقات با ستاره زیبای آسمان سینمای هند بود و هر لحظه بی که بایکی ازین آفات مفسل و هوش رنده بدیده بازماندی یک انسا یکلوییدی نوبی از تو بوجود آمد؟

ج: یقیناً این وجهه احساساتی و شاعرانه مطالعات من است، معذراً هر یکی ازین ستاره ها در هر لحظه زیبایی و دلربایی، عالم بخش هستند و دارای یک استعداد سرشار در پیشه خود هستند.

س: به نظر تو هنرمندترین ستاره های هند کدام عا بوده و آسامی شان چیست؟

ج: به نظرم را جگپور، یلراج سمانی، کمنور ساهو، دلپ کمار، اشوک کمار، بروتی راج و جانی و اگر از جنس خشن، نرگس، مدهو بالا، نس، وی - جنتی مالا، نلقی جیونت، گیتالی، کاضی کوشل نو باری، از جنس لطیف، سربر آورده گمان جهان سینمای هند بشمار میروند، البته این یک قضاوت هنری و شخصی خود من است و من هیچ گونه وجهه قطعیت و احتیاط به آن قایل نیستم.

س: نگاه شما از نقطه نظر زیبایی روی کدام

ج: شاید تاجیزی درین نباشد مردم از آن چیز هائی سازند، محبت و علاقه من به مدهو بالا یک - بقه چندین ساله دارد و تماشای فلم های محفل نازنین، ((خانم آتای ۵۰)) در تشدید و تحکیم این محبت سعم زیادی داشته و بعد هم همین عشق و علاقه به او محرک احساسات شاعرانه من شد و توانی در حدود ((ده هزار)) بیت در وصف مدهو بالا از طبع من بوجود آمد، گرچه علت اساسی مسافرت به هند طوریکه در بالا گفته آمد یک مسافرت هنری و ورزشی بود، معذراً آرزوی باز دید ازین محبوب و معشوق رویا ها و تخیلات نیز درین مرحله سعم زیادی داشت.

س: بعضی از جراید چاپ بعضی مثلاً اداکار آرزو و غیره ضمن راپورتاژ هاییکه از تو طبع کرده اند حرفهای نیز در مورد ملاقات تو با مدهو بالا و مطا لاله خان بد را و بچاپ سپرده اند، چاک از اینکس مدهو بالا به ازدواج با توبی میل نبوده، ولی پدرش دو صد هزار کله در هندی جمعیت مصرف عروس برای بستن زبان مردم از تولید انوا هائی اساس مطالبه کرده است، آیا این مطالب حقیقت دارد؟

ج: بی شک دیده ام مدهو بالا از نزدیک یک تضایی قلبی من بوده و بعد مدتی انتظار روکشش توانستم اوراد رفتارش که یکی از زیباترین مهارت حوالی بعضی است، ملاقات کم درین ملاقات از هر دری سخن راندم و طبعاً از دل بستگی و علاقه پی که بوی داشتم نیز سخن بمیان آمد، مدهو بخلاف

مدهو بالا وینوس شرق است

آنچه در فلم ما ملاحظه میکنیم یک د ختر خلق و محو است، بنابراین وقتی سخن بدینجا کشید، گونه هایش از شرم گل انداخت و در حالیکه نمیتوانست بمسوی من نگاه کند، گفت، برین موضوع بهتر است با یسد صحبت کنید، شاید راه حل درستی پیش پای تان بگذارد، ملاقات با مطا و الله خان نیز در استان دورو درازی دارد ولی مختصراً همان است که جریده آرزو و بگجراید هند نوشته اند.

س: و طبعاً تو این پول را نتوانستی تعمیم کنی زیرا سرمایه بی که با خود برده بودی یکی هنر و دیگری یک دل شوریده و پرورد بوده که ایسن دو نمیتوانست خان را اقناع کند و نه خان نمیتوانست بدان وسیله زبان دراز مردم را کوتاه کند.

ج: این قسمت را به اجازه تو مسکوت میکنم و امیدوارم طالب هیچ گونه توضیح بیشتر از آنچه میدانسی نباشی.

این قسمتی از صحابه بود که در مجله نشنداره به طبع رسیده بود و کلکسیون مجله مذکور هم در کتابخانه عامه کابل موجود است، علاقه مندان میتوانند بقیه در صفحه (۱۱)

یک از ستاره های هنری مخصوصاً توقف میکند؟ البته ذوق و سلیقه خوانندگان را باید در نظر بگیریم.

ج: سوال ضد و نقیض و عجیبی میکنی، اول میگوئی نگاه خودت و بعد سفارش میکنی ذوق خوانندگان تو باید مد نظر من باشد، اگر این جنبه را رعایت کنم تا گریز سختی برخلاف آنچه دلم خواهد گفت، گفتم ام زیرا دل من و نگاه من فقط یک ستاره زیبای طنازود لریا در آسمان سینمای هندی شناسد و من بیند که آنهم ((مدهو بالا)) وینوس شرق است، غیر از او هر کس هر کس را میخواهد برای خودش زیبا بگیرد ولی نه آنرا قبول میکنم و نه میتوانم تأیید نمایم.

س: پس چیز هاییکه مردم راجع به تو علاقه مفرط به مدهو بالا میکنند، زیاد بی اساس نیست؟

ج: مثلاً چه چیزها؟ س: مثلاً میگویند علت اصلی مسافرت توبه هند دیدار نزدیک ازین ستاره آشوبگر هندی بوده و در چشم و کسب معلومات هنری که هم اکنون از آن صحبت میکردی، حرف مفت و بهانه بی بیش نیست؟

لی غم باش لالا

مدیر صاحب ، سزای قسوت
 ((ا)) گرم
 هفته گذشته ماره سرگردان
 ساختن ، ما آمدیم شما نمودین ،
 خیالی دیدین که چلو قصد خوده
 گرفتیم که یک هفته شماره به خاطر
 صاحب صرف ساختیم ، آخر
 هم دیروز نامدیم .
 سرفرازخان که این حرف ها را
 شنیده ، خنده ، تمسخر آمیزی
 کرده گفت :
 بی غم باش لالا ، ما دیروز هم
 نبودیم .

بقیه از صفحه ۱۲۷
 شوهر من فلمدارک در من
 حال به حد بدبختی نگاران -
 تلخهون ایفای وظیفه میکرد ، یک
 روز بعد گویی را برداشته سزای
 سرفرازخان که همان روز در شب
 بود تلهفون کرده گفت :

بقیه از صفحه (۷)

مصیبت اعتیاد

ج : همین شخړ صاحب به
 وابستگی مواد مخدر و رانمیتوان به زور
 و فشار تد اوی کرد با وجود اینکه
 تمام تسهیلات آرمایی موجود د
 باشد ، رضا و رغبت صاحب به
 تد اوی شرط اول تد اوی است .
 برای تد اوی معتادین باید برنامه
 های وسیع تبلیغاتی نیز در رنر
 گرفته شود ، نمایش فلم ها و نمایشنامه
 های تواند موثر باشد . برعکس
 فلم های تشویق کننده یک
 جایا مواد مخدره از طریق تاجران
 مواد مخدره خود اعتیاد را بیشتر

می سازد ، در برنامه تد اوی باید
 خانواده ها و استادان مکاتب
 و همروسه زیرط سم بگیرند
 یعنی منظور این است که اولاً
 برنامه و قایون داشته باشم
 نه معالجوی . بسیاری از صاحبین
 می توانند داخل پسترس شوند
 اغلباً دیده شده که انهمالاز
 طریق همیره های سابقه به مواد
 مخدره کشانیده شده اند .
 ج : طوریکه قبلاً گفتم تد اوی
 اجباری این انفراد مفید نیست
 معلوم کردن معتادین هم چنانچه

لیزاروی

بقیه از صفحه (۲۱)



نمایشنامه ((ایدم نیست))
 بعضی نمایشنامه های تلویزیون
 و رادیویی نشانه های داشته ام
 - لیزارجان کونکه به آرزوی تان
 نایل آمده اید و هنر پیشه سینما
 شده اید ، فلم جدیدتان کدام
 است ؟
 - فلم جدید اینکه من در آن
 نقش برارنده ام ، ((سفر))
 نام دارد به کارگردانی سعید
 ورکزی وهم اولین بار است که
 رضایت کارگردان را جلب
 کرده ام چون نقش یا کرکتریکه من

آنرا اجرا میکنم نهایت خوش
 آمده بود و از سوزنی شرح و کسار
 دقیق کارگردان و اعضای یونت
 فلمبرداری ماسپ شد که من
 بهتر و خوشتر در قالب کرکتر سیرده
 شده فرار میکنم .
 - قرار اطلاع شما شاگرد ممتاز
 مکتب خود نیز هستید آیا به هنر -
 پیشه مگی تان ادامه خواهید
 داد یا چطور ؟

- یاد رایت و هوشیاری با سح
 داد :
 - از هنر ، هنر زنده مگی کردن
 را موخرم ، نه تنها به درسهایم
 میروم بلکه در منزل با مساد
 نیز کمک مینمایم و زمانیکه تسهیلات
 خود را بی پایان رسانیدم ، آرزو
 دارم ، در آسمان سینمای افغانی
 ستاره باشم ، آگاه و پردرخش ش .
 - ما شما این بیروزی را قبلاً
 تیریک میگویم .

به شعر جان میبخشد

بقیه از صفحه

- پلی شما درست میگوید من در حدود ۲ هزار پارچه
 موسیقی را دایرکت کرده ام .
 - وجه تعداد اشعار را دیکله کرده اید ؟
 - شاید در حدود دوصد پارچه بوده باشد .
 - پس در بخش دایرکت باید تسهیلات همه جانبه داشته
 باشد میشود از تسهیلات تان بیروم ؟
 - نسبت مشکلاتی که داشتیم نتوانستم بیشتر از ۱۲ صنف
 تحصیل کنم اما در بخش دایرکت از طریق تلویزیون دایران یک
 کورس ۱ ماهه را تمقیب کرده ام .
 - در بخش دایرکت نیز میامرد کدام یک مؤفق تراست ؟
 - سه نفر من مؤفق تراست .
 - چرا ؟
 - زیرا که زن میتواند بخصوص در حوضه رنگ لباس و آرایش
 دقیق تر باشد .
 - میخواستم بیروم دایرکت آهنگهای استاد هوشیاری
 و سیمیا ترانه ، کار کدام دایرکتراست زیرا لباس و آرایش خواننده
 با فضای که خواننده در آن قرار دارد هم آهنگی تلم دارند ؟
 - کار من است .
 - پس به این صورت بیشترین ضرورت شما در تلویزیون است ؟
 - فعلاً در خانه .
 - چرا ؟
 - مشکلات دارم .
 - در نظای مؤفق تراستید و یا در دیکله اشعار ؟
 - فکر میکنم شعر را خوبتر میخوانم .
 - گاهی بخارج از کشور سفر داشته اید ؟
 - بل در فرستبول و ادوگاه ماسکو سفر کرده ام و یکبار هم سفر
 شخصی به کشور هند داشتیم که در ضمن پاکستان راهم دیدم .
 - فعلاً کدام پروگرام را پیش می برید ؟
 - پروگرام زن و جامعه را .
 - و در اوایل که به تلویزیون آمدید کدام وظایف را پیش
 می بردید ؟
 - از سال ۱۳۶۰ برای ۱ سال مدیر عمومی موسیقی تلویزیون
 بودم .

آیاتصادم زمین با ستاره

بقیه از صفحه (۲۹)

امکان مشاهده اثر و نشان این
 حادثه تیل از وقوع نبشند اجرات
 دفاعی در برابر آن اتخاذ میگردد ؟
 یکی از شاگردان پروفیسور (پول -
 ساندرف) از وی چنین سوال
 کرد : چگونه میتوان زمین را از
 تصادم و آرهانید در صورت تریکه
 هشت ماه به تاین وقوع این
 تصادم نمانده باشد ؟ آیا میشود
 راکت های دوگلوله ای را غرض
 انفجار ستاره به خارج فضایی
 میراث سیمون بکار برد ؟
 بعداً ساندرف اظهار داشت :

دفع گردید که در نتیجه چهره عالم
 تغییر یافت ، زمین لوزه ها ، انفجار
 در که های بزرگ و تواننا به وقوع
 پیوست ، طبقات غبار سنگ های
 ضخیم یوز هوا را احاطه کرده و
 مدتی چند در همانجا باقی ماند و
 حبابی در برابر اشعه آنتاب
 گردید . درین میان به اثر توقف
 ترکیب نور هزاران هزار موجود
 زنده با مرگ مواجه گشتند .

برخی از دانشمندان معتقد اند که
 خطر تصادم زمین با یکی از ستاره
 های کاملاً حقیقی به شمار
 می آید . ۱۰۰۰۰ لیکن میتوان آنرا کاملاً
 ضایل نیز کرد . طبق اقتصاد
 (شویسکی) ستاره ای که فوت
 انفجار معادل هیرمز را دارا باشد
 امکان تصادمش در خلال صد هزار
 سال یکبار مت و راست . اما ستاره ای که
 متادل تو انفجارش فقط یک مگان
 باشد امکان دارد بعد از هری سال
 داخل یوز جوی زمین گردد .

انفجارات هولناک
 در سال ۱۹۰۸ برفراز جنگلات
 دور دست سالیها جسم طعمی با
 طاقت انفجار هایدروجنی دوازده
 مگاتن عبور کرد این حادثه سبب
 تولید امواج زلزله در منطقه
 تانکوسکا شوروی گردید ، اشجار -
 قطع و به سانه ، پنجاه میل دور
 انداخته شدند ، غبار و تند بساد
 ها مناطق وسیع دنیا را فرا گرفت .
 از همان وقت تا امروز از فلما در ساره
 سیم این انفجار و شش ناحیه
 تانکوسکا سوال میشود آیا جسم
 مذکور رأس متلاش شده ، مذکور
 (یکی از سیاره ها) یا ستاره مخبره
 ایست ؟ گویی از دانشمندان با
 این سوال مواجه اند ایاد ضرورت

انتظار هرود اروپاییان سفینه
 ای راه ستاره (هستنا) که حوالی
 صدمیلیون میل از فاصله دارد -
 ارسال نماید . اینگونه ستاره ها
 به جای بدل خواهد شد که
 انسانها بتوانند در آن باشاجت
 قدم گذارند و مشاهده بیرونی
 اتمان در زمته . نسوم خواهیم
 بود .

ساختمان ها سریر آسمان

بقیه از صفحه (۵۱)

به مناسبت بازهای المپان توکو
 امارشاد . چنمین زلزله را از سر
 گذشتاند . در سال ۱۹۶۷ این
 یکبار به سکونتال یافت . دهن
 شهر اتن تلخهون ایستانکون -
 بالارحاع ۵۴۰۷
 متر امارشاد . این اتن تلخهون
 جمعه ۵۵ هزارتن وزن دارد .
 در ارتفاع ۳۲۵ متر این اتن
 رستوائت واقع است که چن مخود
 این رستوائت منظره بسیار زیبایی
 به شهر مسکو نصیب مارجم -

گفته شد کاری ساده نیست اداره ماصرف درحالاتی میتوانست آنان راحت تدای بگیرد که از جانب خانواده های شان یا بطور داوطلبانه از جانب خودشان مراجعه صورت گیرد .
س: آنانیکه بعد از تدای معتامی شوند آیا باز هم چانس صحت یابی را دارند ؟
ج : آنانکه دوباره بعد از تدای به مواد مخدره روسی آورند کسانی اند که باز نخست به زور تحت تدای قرار گرفته اند.

و طبعا مصاب شدن شان بسیار دیگر خطرناکتر است زیرا برای ترک اعتیاد تصمیم و اراده قوی و علاقمندی شخصی باید وجود داشته باشد .
س: معتامین چی نوع برابلم هاراد رجامعه به میان میاورند ؟
ج : برابلم های ناشسی از معتامین وسیع است .
از نظر جسمی خطرات جدی بیماری های کشنده را بوجود می آورد مثلا بیماری های ریویم و خطرناک جگر که از استعمال

مکرم مشروبات الکولی بید می شود .
خطر سرطان نزد کسانیکه عادت به دود کردن دارند . بوی دهن چنین افراد سبب از پتدیگران می شود . زرق داخل رور سدی مواد مخدره زمینه انتقال و انتقال مرض خطرناک اید سر برابلم می آورد .
حادثات ترافیکی ناشی از همین موارد می باشد .
از نظر روانی نیز مشکلات بوجود می آورد .
از نظر اقتصادی چنین انبساط کارایی کمتر داشته و باید شانرا راصرف مواد مخدره می نمایند

طبعا خانواده ایشان دچار تنگدستی می گردد آنها بیشتر اوقات خوشتر با دوستان همردیف خود گذراننده اطفال شان از مهر محبت شان محروم می گردد .
گاهی اطفال شان نیز مصاب به این موادمی گردد .
تناسبات خانواده کی آنها نامطلوب گردیده سبب ایجاد جنگجویان هابالاخره به طلاق و جدایی منجر می گردد .
انسانها ثروت جامعه اند طبعا انسانعامتاد ازین ثروت کاسته می شود .
رجای

زنده کی برای آنها محدود میگردد بهخفا بخاطر بده ست کورده ن پول غرض خرید اری مواد مخدره آنها مرگب جرم و جنایات مختلف می شوند .
حتی تا سرحد قتل و زندی های بزرگ میهنی اینک برابلم ناشی از اعتیاد طیف وسیع دارد که برای درمان آن مبارزه بزرگ بکاراست چی ضم مادران و اطفال مسکمه جوانان و سرانجام مصیبت یک جامعه ناشی از اعتیاد به مواد مخدره می باشد .

نقطه مرگ

بقیه از صفحه (۲۶)
کوبایی چنانکه سوطون عمر را کوبند یاد میشود و شامل ۱۲ نیمی است که از نباتات و حیوانات بدست آمده و هیچ عنصر منومی کیمیاوی در آن وجود ندارد .
هبارتند از: عصاره جمجمه سنگ پشت خاور دور ، عصاره شاع کرگدن ، خسته های نباتات Armenacae Juulperus-Rioids
لیومی چینی ، خسته قیسی و شنبه های که در کوروسا نیز پیدا می شوند .
راز روزگاران بچلی سینای بلخی مورد اعتقاد قرار داشته اند .
از نامبرده برتنش بعمل آمده که : آیا ممکن است که عمر را طولانی ساخت ؟
اینگونه پاسخ میدهند : بل ، با قویه سیستم های قبلا ذکر شده ممکن است .
زیرا تضعیف فعالیت آنها باعث بیری میگردد .
طول عمر سورا میتوان تا ۱۲۰ سال و حتی از آن هم بالاتر برد .
بالای اشخاص بین سنین ۶۰-۷۰ که وظایف تمام سیستم های شان تضعیف شده بود ، تجاری انجام دادیم .

با انکفالمیت جنسی آنها از ۵۰-۷۰ میقد کاهش یافته بود توانستیم که آنها را با نرسدای بحال نورمال برگردانیم .
برای اینگونه تدای عموما تطبیق دو یا سه کورس لازم است .
تسمی کورس از ۱۰ تا ۱۰ بار تطبیق میگردد و تطبیق بیچگاری .
ها چند روز را در بر میگیرد در حله اول بیچگاری ها در نقاط فعالی صورت میگردد که بیمار از آنها شکایت دارد .
چیز مهم در تطبیق این سیستم است که نقطه مورد نظر بد نیصد پیدا می شود .
در حالیکه درسوزن زن عادی تقریبا ممکن نیست .
داری تزریق شده خود بخود زیر جلد انتشار یافته و خود را به نقطه مورد هدف میرساند .
کورس اول تطبیق بیچگاری در ظرف ۳ تا ۶ ماه نتیجه میدهد و نتایج کورس های بعدی بهتر و بهتر خواهد شد .
سپس نظریه وضع بیچگاری تطبیق بیچگاری بعد از یک سال یاد و سوال و یا سه سال تطبیق گردد .
بعضی اشخاص در اولین تطبیق بیچگاری صحت یاب میگردد .
تلاش طبیعی کوریا به تزریق در نقاط لان طول عمر محدود نموده در صد پیدا کردن نقطه مرگ نیز استند .
داکترونیک بیامون نقطه مرگ چنین عقیده دارد :
در یک حیوان بزرگ بحری بنام

اوختاپوس یک چشم سوی نیز وجود دارد که از آن هورمون مخصوص بنام هورمون مرگ ترشح می کند .
هرگاه این چشم سوی ازین برده شود آن حیوان برای همیشه زنده خواهد ماند .
فرض کنیم که پسر شدن انسان هم که معلول فرسایش اساج و جگره ها می باشد .
از هورمونی بنام هورمون مرگ سرچشمه گرفته باشد .
هرگاه بتوانیم ترشحات این هورمون را زایل کنیم و یا لاقط کاهش دهیم به جلوگیری یا کاهش بروسه بیری نایل خواهیم شد .
همانطوریکه هر عضو بدن یک نقطه فعال در روی جلد دارد به احتمال قوی هورمون مرگ هم باید نقطه فعالی در روی جلد داشته باشد .
به نظر او این نقطه بالایی خطی موقعیت دارد که بنام خط طول عمر پداسی شود و از گلو شروع شده پس از عبور از سینه و ناف به آلات تناسلی ختم میگردد .
بین ناف و استخوان جنسیخ نقطه طول عمر ، که از قدیم ها تصدیق گردیده ، موقعیت دارد .
مهمترین آنها نقطه چپانگ است .
داکترونیک نقطه جدیدی را هم کشف کرده که ۲ تا ۴ سانتی به طرف پایین ناف موقعیت دارد و بنام خود روی تسمی است در تحقیقات بعدی خود تسمی دارد که نقطه مرگ راه درین منطقه پیدا کند .

بقیه از صفحه (۲۶)
چونان انسان را از نظر اشعه ماورای بنفش حفظ کند .
درجهان حیوانات و نباتات چه اثری خواهد داشت ؟
هنوز حوات راتعا از ضلیم سوی حیوان صورتگرده هرگاه انسان بتواند خود را تا اندازه ای از تشعشع محافظه کند .
کی آنف بر حیوانات و نباتات اثر گذار نخواهد بود .
طوطال ، سطح حاصل دمی حیوانات غیر نفاذ ۲۰ نمد حاصل خیزی بخش نباتات ۳۰ نمد کاهش خواهد یافت .
شد تشعشع ماورای بنفش امکان دارد نفا را بکوته مناطق صنعتی و آلود سازد .
نگر این امر ممکن نیست بهش از ۵۰ سال صورت گیرد و نام در صورتی ثابت ماندن انسان در برابر آن .
طریق معلوم است در سالهای نزدیک به خط نعداری این از خطر نخب اقدامی ضروری در نظر گرفته شده است .
آیا پیش بینی خوش بنامه شابه صل دانگنی شبه نیست که از بعضی مرض جدی او را بپنهان نگهدارد ؟
گفته های من نه تعابیهانته های تجاری طی هبوط نام بلکه بر تطلیح پژوهشهای جهانی آشوار است ،
تجارب و آزمایش های چندین ساله پروگرام انگلیسی مل متسد (UNDP) سازمان متروپولی جهانی میانگرجان تطبیق است .
از ده سال در هر پاییز بالان قطب جنوب شکاف آزیوی پدیدار میگردد ،
طت چیست ؟
در برابر این پرسش هنوز پاسخ قناعت بخش وجود ندارد .
با انهم در زبته این فرضیه ها تمام گردید است :
شکاف آزیوی شاید زا ده جهان کیمیاوی با حیوان دنیا کی با هر دو ی ان باشد که بالان توصیف صورت میگردد .
بعضی هالین موضوع را با اهتزازات رزم حرارتی و همچنان با اعمال شدن خوبید پیوسته میدهند و هیچکس تا کنین به تشیح مناسب آن توفیق نیافته است .

بقیه از صفحه (۲۶)
پژوهشها و آزمایش های بیشتری در کار است .
تحقیقات بشرک شوی ، آلمان ، دموکراتیک ، بلغاریا ، منگولیا ، کوبا ، هند و ایالات متحده روسی است .
در سال حاضر چه پیمانه مواد تهیه کننده این درجهان تولید میگردد ؟
تعدادی روسی سالانه در حدود یک طین تن (۴۰ نمد آن در ایالات متحده ، ۳۰ نمد آن در ایالات ۱۰ نمد آن در جهان و شوی) تولید میشود .
تلقته تعدادی در شوی ، ایالات متحده و بعضی کور های دیگر مواد الترفاتی آن تولید میگردد .
در کفرانس مونتهال چه مصامی اتخاذ گردید ؟
مصام حق قبل از آن در سال ۱۹۸۵ در هائیا هم اتخاذ گردید .
چنانچه طبق آن تحقیقات سراسری جهانی رویدت گرفته شود در پروتکل آن ۵۰ کور اضافه کننده تمدد سپردند که تولید مواد تهیه کننده این واقع نماید .
تا چه وقت هکدام پیمانه از تولید مواد ضربه قطع خواهد شد ؟
در کفرانس مصم گرفته شده که در سال ۱۹۹۳ از تولید نوی روسی ۲۰ نمد و در سال ۱۹۹۵ به اندازه ۵۰ نمد کاسته شود .
آیا کاهش های در نظر گرفته شده کافی است و چرا تا ختم شده جاری منتظر کاهش بیشتر اند ؟
هرگاه برنامه وضع شده تطبیق گردید و تولید مواد تهیه کننده این افزایش نیابد پیمانه تهیه شد کشور این مایه نگرانی نخواهد بود .
با کور هلیک پروتکل مونتهال را تا هنوز اضافه کرده اند چه معاطه صورت میگردد ؟
نظریه موافقه مونتهال تکلیفی و وسایل تولید نوی روسی در اختیار آنها گذاشته نخواهد شد .
البته متخلین با مسازات جدی اقتصادی سرزنی خواهند شد .

رستورانت میشود .
اخین حرف تخنیک به شهر توتوتو کانادا اطلاق میشود .
۱۹۷۵ زسال دین شهر برج بزرگ تلوهون با ۵۰۴ متر ارتفاع خود انبزرگترین ساختمان جهان از نوع خود میباشد .
در ارتفاع ۳۴۷ متری این برج رستورانتی ک دارای ۴۷۶ چوکی سورا می معانات بوده و واقع است .
معانات این رستورانت توسط لفت ک در کار

برج واقع است و اطرافش را شیشه عسله کرده انتقال داده میشود معانات میتواند از لفت به منظره نما که به شهر توتوتو خواهد شد لذت ببرد .
شاید برایتان غریب قابل قبول باشد اگر بگویم که درجهان تا حال دهبار از سرحد ۶۰۰ متری ارتفاع تجاوز شده .
این دو ساختمان - مرغع چارت انپایه های تلوهون بوده که یکی در اراکت شدالی در

ایالات متحده امیکاکه ۸۸۸ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجوی دشر و روسای پولند است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه اخین را گذاشته و ولی منتظر بلند بود که ازین حد ارتفاع چه گاهی به اسمان هانزیک هاید شد .
به همین الان پیروز هانزیک است که در صورت آسار ان ارتفاع هزاره متری در نظر گرفته شده است .

ایالات متحده امیکاکه ۸۸۸ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجوی دشر و روسای پولند است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه اخین را گذاشته و ولی منتظر بلند بود که ازین حد ارتفاع چه گاهی به اسمان هانزیک هاید شد .
به همین الان پیروز هانزیک است که در صورت آسار ان ارتفاع هزاره متری در نظر گرفته شده است .

ایالات متحده امیکاکه ۸۸۸ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجوی دشر و روسای پولند است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه اخین را گذاشته و ولی منتظر بلند بود که ازین حد ارتفاع چه گاهی به اسمان هانزیک هاید شد .
به همین الان پیروز هانزیک است که در صورت آسار ان ارتفاع هزاره متری در نظر گرفته شده است .



جواد عبر چهره جوان موسیقی در بالسخ

اولین بند بربق

مرجوری جویت بل نخستین امریکایی بود که در سال ۱۹۱۱- به کابل آمده و اجازه اقامت یافته بود (در ۱۸۸۰ پارک ملی بدریار امیردوست محمد خان رسید و بود.)

انجنیر بل توسط امیرحبيب - الله خان برای تاسیس دستگاه برق آبی در جبل السراج استخدام گردید. هر چند برای یکسال - آند بود اما هشت سال زادنسر گرفت تا کارش تکمیل گردد.

کارها توسط فیل انجام میگرفت کارهایی از قبیل انتقال سنگهای بزرگ و اجسام سنگین فن و غیره چیزها.

سامان لوازم همه به پشت اشتر حمل میگردد. البته این سامان آلات از مالک خارج چون هندوستان و غیره همه بواسطه اشتر و فیل حمل میشد. بد در سال ۱۹۲۵ از میان رفت. یادداشت های او زیر عنوان:

انجنیر امریکایی در افغانستان در سال ۱۹۴۸ از طرف یونیورسیتی منیسوتا منتشر گردید. این کتاب که شامل ۳۳۵ صفحه است مشتمل بر نکات دلچسپ در باره وضع مردم افغانستان در آن روزگار است.

مخاضل خوشی میخوانم و هیچوقت هم مانع دروسم در یوهنخی نیباشند. میخوامم در آینده هم در تعلیمی رشته بی که تعجب مینمایم به حیث آواز خوان باقی مانم و زیاد میکوشم نرفروش نباشم.

وی در مورد سوال دیگر گفت: در مورد انتخاب شعره، کمبوز و تلفظ کلمات خودم سعی بنده گم ام ربه خن میدهم و از اهمل ادب کک میگیرم همیشه دیوان غزلیات شمس تبریز را میخوانم و میالم به اینکه حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی به دیار ما تعلق دارد.

می پرسم آیا آهنگهایت از عشق رنگ می خورد؟ میگوید: تا حال عاشق نشده ام، اما زیاد میکوشم آهنگهای رنگی داشته باشم تا طرف قبول واقع گردد. به امید موفقیت های زیاد و رقابت های سالم جواد عمر در ساحه درس و هنر وای خدا حافظی مینمایم.

زلمی

از خود بکنم که خوشبختانه طرف تایید فرار گرفت. و از آن روز به بعد به تقلید از جوانان آوازخوان گاهی شرقی و گاهی هم به سبک غربی میخوانم، اما زیاد میخوامم غزل خوان باشم زیرا دوستانم به این عقیده هستند که غزل را خوب تر میخوانم از همین سبب است که به صدای فرهاد دریا بعد از احمد ظاهر علاقه مندم.

جواد در مورد سوالی گفت: در شهر مازندران دیگر از هنر - مندان آوازخوان هنرنمایی دارند که به همه شان احترام دادم و میخوامم رقابت سالم باهم داشته باشیم. خودم گروه هنری تشکیل دادم که در -

در شهر مازندران هنرمند بر آوازه بی محاضرات خوشی شهریان دیار مولا علی را رنگین، سرمی سازد که صدای خوب، گم و گبرایش شنونده. گانی دارد، او جواد عمر نام دارد و محصل یوهنخی ادبیات یوهنتون بلخ میباشد.

خواستیم با وی صحبت کوتاهی داشته باشیم، میگوید از مدت پنج سال به اینطرف نظره علاقه خاصی که داشتم به موسیقی رو آوردم، آواز هنر - مندان خوب را شنیدم و روزی جرات نمودم عقب ارمونیه بشنیم و صدای بی

مردمها نخوانند

بقیه از صفحه (۶۴)
مقدار شرح بیسن
۲۲ تا ۳۰ نیمی وجود
شان در تغییر است.
در آنهایی که به دوش
عادت کرده اند، شحم
بدن شان تا ۷۰ درصد
پایین آمده میتواند،
درین صورت از آنجا
که مقدار استروژین کم
است، بنا به درجه
پایین تر شحم

سطح رحم میتواند که زمان کوتاه
قاعده کی را توضیح کند.
چنانچه دم عبارت از این است
بودن سطح هورمون
LH (Luteinizing
Hormone) است. این
هورمون که از غده های مغز
تراش میشود، سطح آن در زنانی
که به ورزش دروس اشتغال دارند،
پایین است، بلند رفتن بیکاره کی
این هورمون به خاطر خارج کردن
تخمه از تخمدان در نیمه دوره -
قاعده کی ضروریست. خارج کردن
تخمه از تخمدان به گونه عادی
علت به وجود آمدن گریه از جنین
در محل تخمه خارج شده از تخم
دان است که هورمون دیگری را به
نام پروجسترون میازد. کوتاه
اینکه مقدار کم هورمون LH
معنی آن را میدهد که تخمه در-
تخمدان به وجود نمی آید، بنا

در تخمدان پروجسترون وجود
ندارد که در نتیجه زمان قاعده کی
تعمیق می افتد.
پریش میمون دالوی در اینجا
وجود می آید که آیا به تعویق
افتیدن قاعده کی خطری دارد و
یا خیر؟ ما هم میدانیم، دیده
شده است که استروژین برای
محافظت استخوانها در زمان
غروریست، پایین آمدن ها کاهش
استروژین بعد از توقف قاعده کی
به نرم شدن استخوانهای انجامد،
مطالعه آنهایی که به دوش -
اشتغال دارند، نشان میدهد که
محتوات منزالی ستون فقرات شان
کتر از آنهایی است که به دوش
اشتغال ندارند.
مادر مورد خاصی قبل از صحت
گردیم که شجاعت وی بعد از مادر
شدن تهنه اثبات رسیده است.
روانشناسان و دوکتوران تلاش

کرده اند تا این پدیده را توضیح
کنند، در زمینه چندین نظریه
وجود دارد، نخست اینکه یک
زن که تحمل شدیدترین درد -
یعنی درد هنگام ولادت، را -
دارد، میتواند در اثنای آن
تصمیم بآلین خود فشار را تحمل
کند، زیرا با آلی خود اطمینان
تحمل درد را دارد، دوم اینکه
زنی در اثنای اجزای تعیین شاید
کمتر خود را ناگهانه محکم
گیرد تا به زنانه کی اش آسیمی
نرسد، ولی بعد از مادر شدن
میتواند سخت تر تربیت گردد، -
نیز از آنجمله امتحان زنانه کی خود
را گذشتانده است، سوم اینکه،
تغییرات هورمونی در اثنای حاملگی
امکان دارد که اندازه حرکت
پایا را در اثنای دوش تحقیر کند.
بالاخره چنین مطرح گردیده که
هورمون پرولکتین که بعد از ولادت

تولید می شود در فعالیت میکند،
تا تغییرات موثر روانی را با اثرات
مقاومت دارد که تاثیر آن مد -
نیادی دوام میکند.
به اصطلاح نوروردن میجادار
زمان حامله کی خضرانات است،
ولی در آنهایی که متواتر به دوش
عادت دارند، تندرست اند و تکلیف
هایی مانند فشار خون را ندارند،
خطری به دنبال آن نیست، در
ایالات متحده آمریکا بسیاری زنان
تا روز ولادت به دوش ادامه
میدهند.
کدام تعیینها را باید از زنان
انجام بدهند؟
در پاسخ باید گفت که هر
نوع تعیینهایی که خواسته باشند
پایه گردی، دوش، بوگاها
ورزشهای دیگر، ولی مهم این
است که از آن لذت ببرند و بهسر
مقد شوند.

جهان بعد از قاجار ...

بنیة ازمنه (۷)

ارکانهم خای زنده را از شمع ماورای بنفر مغز - نگه دارد در اثر
پرتاب، تومار آتشی ناشی از انفجار تخمیر خواهد شد.
شمع ماورای بنفر که زمانی محروم و انگیزه زندگی روز زمیسن
گردیده میتواند بعمان بمانند موجبات نسبتی آنرا نیز فراهم کند. این
شمع خرمه کوبنده بی را خاصیت پرورد ایثاروار خواهد ساخت.
چنانچه اکثر ارکانهم خای یک حجره وی را که حلقه صده بی را در
زنجیر غذایی موجودات بنفر - تشکیل میدهد ازین خواهد برد، و
بدین ترتیب زنده محتوی بودی سایر حلقه های زنجیر را صادر خواهد
ساخت، نه تنها در این نباتات ازین خواهد وقت بلکه شمع ماورای
بنفر مالیکول های را که مشخصات ژنتیک مربوط به آنست
تخریب خواهند نمود. در قسمت سلولها تکمیل پوست یا پیرهای شان
در برابر شمع سیر گردد ولی قادر نخواهند بود چنان شانوار -
امان نگه دارند جهان بسوزی ناپیدایی خواهد رفت.
میلیونها پرند گان و جانوران نابینا در چشمی آم و دانه سر
گردان خواهند بود و انسان قادر نخواهد شد با آنها کمک کند زیرا خوش
نیز در وقت شباهی قرار خواهد داشت، نیکولو بوچکوف، دانشمند
ژنتیک آکادمی علوم خلی استاد شوروی واقفید. بر آنست که در چشمیسن
شرایطی معلقه نخواهد بود تکرر نس بشری را از نگاه ژنتیک ها ادامه
پروسه تکامل انتظار داشته باشیم، ایندهش شمع مواد را دیسو
اکتف تحولات نهادی را در تمام مالیکولارگانهم خای بازمانده، نباتات
و حیوانات بشمول انسان بوجود خواهد آورد، چراشم کاملا بی ضرر
خضرات مرکب از راتوجه انسانها خواهد ساخت.
مازه بران، کمکت تغییر بازمانده شرفیت تکرر را بعلت اینکه شمار
آنها به سزای تهن سطح پایین کاهش خواهد یافت، از دست
بدهند، نه تنها اختلاف ژنتیک به حداقل خود کاهش خواهد یافت بلکه
جلوگیری از جنت گمی با همی غیر ممکن خواهد بود در نتیجه خطر -
تغییرات نهایی ظاهر خواهد گشت و بهای ما بهتار ارشی که بشر در
طول دوره، تکامل خوش بدوش کیده است عوامل جدیدی که یقینا
نیل بشری راه سوی نیستی خواهد گماند، امانه خواهد شد.

فرزین موزیک

انواع مختلف کسهای
موسیقی افغانی، هندی و غربی را
به علاقمندان موسیقی پیشکش مینماید
آدرس: مارکیٹ جمہوریہ

خوله د ن ه د مخه فنی مرستیال
به جوکی کیده ا جولی وه . اداری
مرستیال جی د نه جوکی بی د
خان منلی حق باله به خیل
بخوانی د نترکی بی دریاست
بول صلاحیتونه به خان بسوری
وتل . له بی خوا اداری او
فنی مامورین هم له د وید و پرو
تخه کم نه وو . حکه جی د یوتن
به ریبر کید لو سره د نولو به
جوکی او بستونکی تغییراته .
که «برشه فنی مرستیال ریبر
شوی وای نو د فنی خانکی د -
بخوجا کولانو د تیره کولو عیسی
مد برد فنی مرستیال جوکی او
بست ترلاسه تابه او د هغه
مرستیال ته به خبله د عیسی
مد بریت جوکی وریاتی وه . حس
به دی پول ترورستی مامور
جوکی د نه حق خیل حقدارته
رسیده .
د عیسی وخت و جی د لور مقال
له خواد سرپرست ریبر مکتوب
د ارشیف مد بریت ته را رسیده .
مکتوب مخکی له دی جی به خبله
د ارشیف مد بری و گوری د هغه
مامور باکت حرسیری کی یه او د
مکتوب متن بی لوستی و کلمه



موکیش

از دنیای مود...

(بقیه از صفحه ۵۰)

شهرت را با خود همراه ندارد. هر (ثبت امان) (رگبی گانکر) آسمان سینما را می‌تواند ببورد.

در سینمای هند، مودل های فراوانی مرخص وجود کردولی به عدم توفیق خود واقف دیدند. اما در این مجبوره ((سنگیتا جلالی)) نام پر درخشش و استیلا کاشده ایست که از دو سال بر سکون موقعت ششم مهر قلمرو سینمای هند حکمفرمای می‌کند.

او از مدت‌ها به این سوتقاضای فلما سازان راست‌درد می‌کرد برای اینکه علاقه بی چندان برای بازی در فیلم ها در خود احساس نمی‌کرد و از جانب دیگر نمی‌خواست از زینت اصلی اش که سخت به آن علاقه مند بودتجاشی کند. چه او از اتصال به این طرف یگانه مودلی بود در عرصه نمایش لباس‌های که مودم او را ((چراغ)) - خطاب می‌کردند و در این دایره از شهرت فراوان بر - خورده بود. ولی سرانجام به نام سینماگران افتاد. در جهان فلمبرداری فلم ((قاتل)) که تمهین یک رقص رابا ((انیمه پنچولی)) منمود، در گرو صحت شد و در برابر یک سوال گفت:

((به پیشنهادات و تقاضاهای سینماگران ظهور در پرده سینما کوچکین علاقه مندی احساس - نمی‌کردم برای اینکه در قبال کارم به عنوان ((مودل)) شهرت، مصیبت و ثروت فراوان حاصل بود از اینسرو مودلی نبود که مرابه سینما متقابل بمادولی حالاً دیگر شده که شده)).

((سنگیتا)) نهایت پاکیزه، نظیف، خوش لباس و خوش ترکیب است که در برابر هر سوال با کساد و - دهی و تواضع لب به سخن می‌گشایدولی هر گاه در مسایل شخصی او سوال دویزنده، آن وقت مثل کرم ابلهش که خودش را در تارهای باهک تنیده اش سخن می‌کند، او هم خودش را در لابلای حرف ها، کلمات می‌پیچاند.

هنگامیکه ((جی، بی، دت)) یکی از کارگردانان مشهور، پیشنهاد بازی را در فلم ((هتیار)) به عوض ((دمیل کادیا)) به وی نمود، او از توسن فروری بکبر فرود آمد و این نقش را بیدهن پذیرفت در حالیکه تا قبل از آن هر نوع پیشنهاد را قاطعانه رد می‌کرد. انگیزه این پذیرش را ((سنگیتا)) این طور توجیه می‌کند:

((نزد من)) (دت صا حب)) یک کارگردان توانا و آگاه است از اینرو پیشنهاد او را احترام گذاردم ولی تصور نمی‌کردم که بعد از این پذیرش، در موقعیتی قرار می‌گیرم که حساب تراراد های بازی در فلم ها برایش شکل شود و کار و بار فلم‌هازی در قلم‌ها هم شکل تر از آن.

در حال حاضر ۲۴ ساعت در شفت های منتظیف صرف استم برای بازی در فلم‌هاییکه تراراد آنرا قیلا بدون سنجش اضافه کرده ام. شما باور کنید در این اواخر در عرصه فلسفی که قرار داد میشود، دهی آن با نگر اول من انتخاب میشود تنها با ((سنی دت)) و ((متن چکورتی)) هشت فلم در دست تهیه دارم.

بقیه در صفحه مقابل

بقیه از صفحه (۲۱)

سرانجام آهنگ در کوشش نخستین، بدون آنکه ضرورت به باز خوانی بیافتد، ثبت شد و در فضا میلودی ((راگ درباری)) (دل جلتاهی توجلی دی) پیچید. عمه موکیش را با سیگل عوض گرفتند و ((انیل بیسواس)) به موکیش توصیه کرد تا زمانی که قسا در به کسب هویت مستقلانه در آواز خوانی شود از سیگل بجزدی کند. این آهنگ موکیش را به اوج شعسرت رسانید.

تمرینات اساسی زیر نظر ((جگه نات)) به آواز موکیش نریش ضروری را برای سرودن میلودی های ریتما تیک داد. اکثر آهنگ‌های راکه در آن زمان خوانند بشهرت رسیدند، ولی آواز ((بی))، موکیش از عبق گلپوش اداه می‌کرد، بطوریکه قسمت های حزن آلود آهنگ مطول شده غم ازان می‌تراود. ادای آوازهای طولانی یک بدیده نسبی است، ولی در مقامیسه با سایر آواز خوانان، موکیش توانایی محدود در کشیدن چنین آوازها را داشت. در بسیاری حالات حین ادای آوازهای طولانی صدا را بیشتر از طریق بینی اداه می‌کرد، لکن اینها را کمپوزر ها به اغراض مینگریستند و راضی بودند که موکیش را نسبت به عکس دیگری دارند.

((شیروراجانی سلوا)) نقش اساسی را در شهرت رسانیدن موکیش بازی کرد. شهرت او بین سالهای (۱۹۴۸-۱۹۵۱) زمانیکه نزد یک به یکصدوسی آهنگ را در ظرف چهار سال سرود برقی آسایود. بعد از لحاظ تعداد آهنگ‌های موکیش به رکورد مواجه شدند، چنانچه در ظرف هفت سال مابعد یعنی تا (۱۹۵۸) وی پنجاه و پنج آهنگ سرود که خوانند نهایی فلم‌های ((اه))، ((سری ۴۳)) و ((ده هوماتی)) از شهرت نوی العاده برخوردار شدند. فلم ((معضوفه)) شاید یکی از بدلا - یل این رکورد باشد، زیرا برود یوسر فلم با موکیش به توافق رسیده بود که تا پنجایش گذاشتن فلم ((معضوفه)) او نیایست آهنگ تازه برای فلم دیگری میسرود. فلم ((معضوفه)) که در (۱۹۵۳) به نمایش گذاشته شد، زمان طولانی را در برگزنت تا تکمیل شود. با استفاده از همین فرصت رفیع - و طلعت سبقت جستند، در سه سال (۱۹۵۰ - ۱۹۵۴) رفیع دو صد و شصت آهنگ و طلعت بیشتر از یکصد و شصت آهنگ خوانند. دلیل دیگر در این رکورد شاید ترجیح کمپوزر های مورد علاقه - موکیش مانند ((روشن))، ((انیل بیسواس)) - ((شکر - جکشن))، ((راتی)) و ((نوشاد))

به دیگر آواز خوانان بوده باشد. دلیل هر چه بوده موکیش از پس این اجماعات باشایستی بنا آهنگ‌های فلم ((یهودی)) در (۱۹۵۸) بد ر شد. باز یگر قلم ((یهودی)) دلپ کمار که همیشه در - فلم‌ها آواز های طلعت و رفیع را با سنگ می‌کرد اصرا روی وزید که قبل از اجرای آن از شنونده ها نظر خواسته شوند. شنونده ها عمه با اتفاق هم به موکیش ارج گذاشتند.

وقتی ((بعالت رام)) و ((رام چندرا)) موکیش وارد کردند وی خم به ابرو نیاورد. به موکیش هیچ چیز بیشتر از یک آهنگ خوب که منظم مانند - نظم عقربه های ساعت سر و اهش می آمدند، ارزش نداشت.

با گذشت زمان کهنه کاران جهان موسیقی هند یکی پس دیگری یاد شدند. وقتی موکیش آهنگ ((الوداع الوداع)) را در (۱۹۶۵) سرود در واقع وداع اشک الودیا ((انیل بیسواس)) و - ((موتی لال)) بود که برای آخرین بار کار مشترک شانرا انجام دادند.

با انکشاف وسایل تخنیک در سینما، موسیقی در فلم هانیز مد رتیزه شد و آرکسترهای کلان با آلات جدید موسیقی بکار گرفته شد ولی موکیش مثل همیشه بدون تغییر همانطور ساده و بی تکلف باقی ماند. آهنگ‌های زیاد با موسیقی دایرکتوران چون ((لکشی کانت - بیاری لال))، ((سلم چودری))، - ((کلیانجی - اندجی)) و دیگران خوانند که برخی از این آهنگ‌ها با لطف خوشی که دارند ماندگار شدند. زیاد ترین آهنگ‌های رابا ((کلیانجی - اندجی)) در فرستی خوانند که آنها در آریسه بهترین غایشان فرار داشتند.

یک دهه پس از مرگ موکیش به این واقعیت متوجه می شویم که این تعداد آهنگ‌های موکیش نیست که اسطوره او را جاویدانه نگه داشته است بلکه این صمیمیت وی آلیشی آهنگ‌های او که آنگه باغ اند دلیل جاوید انگی آنهاست.

وقتی معجزه موکیش را به آریاس می‌گیریم قابل اعمیت است بخاطر بیابورم که مانند آهنگ‌های سینگ وینک ملک یکصداد زیاد آهنگ‌های حزن آلود موکیش مستقلانه بدون ذکر نام کمپوزر ها و با قلم هایبیکه این آهنگها برای شان سروده شده اند، در آن‌ها شنونده ها باقی مانده اند و آنها را محفوظ می سازد، و این به نوبه خود سیاس و - امتنان به خواننده بی است که آوازی قدرت تدهی خاطرات شاعرانه روز گاری را دارند که نرآن سروده شده اند.

آشیان بزرگ ترمیت‌ها



بزرگترین آشیان ممکن
ترمیت‌های استرالیاراداشمندی
بنام ستین بیوان در جنگل‌زاری
که در ۱۷۰ کیلومتری داریسین
موقعیت دارد کشف نمود.
ارتفاع این ساختمان بزرگ
به ۶،۷۰ متر و قطر محیط آن به
۷۳۳ متر می‌رسد. این آشیان
آشیان عظیم دانشمندان این
ساختمان‌ها را چنین مسمی
نموده‌اند (چهار میلیون ترمیت
زاد خود جاداده است. آنها
شبه مورچه‌گان در یک نظام خوب

ما زمان یافته، حیات بسرمیرند
حتی در مناطق، شهرهای نیز
از این ترمیت‌ها وجود دارند.
دیوارهای ساختمان‌های بعضی
از این انواع به حدی محکم ساخته
شده که تخریب شان تنها بوسیله
ابزار خیلی قوی میسر است و پس
این حشرات همه چیز را می‌خورند
و این کارسالیانه ملیونها خساره
وارد می‌نمایند.



از دنیای مود... بقیه از منحه مقابل

در خصوص اینکه در بیست‌فلمی که ((امتا بهر))
فعلات روز آن کارمیکده، در یکی از آنها، نام ((سنکیتا))
خوانده نمیشود، دو مطلب قابل توجه است:
نخست اینکه هنرپیشه‌ها از تازه‌کار به قدری
صروف‌اند که هر یک از آنها از بیست‌فلمی در قسمت
قرارداد دارند که مابه‌انصراف فلان‌سازان از آنها
میشود.

دو دیگر اینکه ((سنکیتا)) انقدر جوان و شگفته است
که همبازی شدن آنها ((امتا بهر بچن)) هیچگونه
ظرافت هنری را ایجاد نمیتواند.

مگر در هر صورت نظر بر این دو، در پرده‌فلم
انقدر هابمید از امکان نیست. ((سنکیتا)) در این
مود میبکشد:

((آرزو دارم به عنوان یک بازیگر خوب مقیمیشی
برای خود کماش کم هر این طرز تلقی که، میگوشد
(مودها)) هنرمندان خوش‌آزاد در نمی‌آیند و
خط بطلان بگم تا دیگر گفته نشود که ((مودها))
مود اند و جسم‌های غیر متحرک. رمانند.
اگرچه در فلم ((هتهار)) ظاهر شدم ولی فلم
اولی من ((قاتل)) است که بی‌صبرانه منتظر مگر العمل
مردم در برابر هنرمندان ام میباشم.

داستان این فلم پر از فواض و چیدگی‌های بیست
که از لحاظ اصطلاح سینمایی میتوان اثر آن گفته از
(سنسین) خوانند))

به عقیده ((سنکیتا)) بین هنرپیشه‌گی و مودل
بودن چندان تفاوت قابل ملاحظه وجود ندارد.
او میگوید: ((بین این دو حرفه، یک تفاوت کوچک
موجود است و آن اینکه در نمایش لباس‌ها یک محصول
به معنی فیزیکی قرار میگیرد در حالی که در سینما
تخیلات یک نموده، خلاقیت کارگردان، مهارت
کامه بین به صورت یک مجموعه توسط هنرپیشه
موضه میشود.

اگرچه در فلم‌های هندی رهمرفته نقش حساس
برای یک هنرپیشه، به ندرت محسوس میشود ولی
تلاش خواهم کرد تا چنین نقش‌هایی را در بایم ((
(سنکیتا)) فعلا حدود پانزده فلم در اختیار
دارد که آنها را طی یکماه اول سال محسوس قد نموده
است.

اگرچه در این‌واخره داستان مشقی ((سنکیتا)) با
(آزایمان) روی نماند ولی او موضوع را اینگونه
جلوه میدهد:

((در زنده‌گی من فعلا هیچ مردی سایه
ندارد. اگر کسی نایبانه به من مشق می‌ورزد
مرا دوست میدارد باید تا زمانی انتظار بماند که
به آرزوهایم که در قبال بازی در سینما دارم موقانه
نایل آیم)).

ویا سالهای مینوز به طهمسور می‌رسد.

ولی همچنان انجماد زنده‌گی
جنسی نیز اسباب بدیده کلیتومان
(عقد و گزنگی روانی) را فراهم
می‌آورد.

منتها مرد هانیز میتواند
از نقطه نظر زندگی جنسی منجمد
باشند، پس چرا آنها دست
به سرفت نمی‌زنند؟

روانشناس هامبورگی بنام
زیله ویبر در پاسخ می‌گوید:
زنها بیشتر ناخوشی بوده و کمبود
عاطفی و جنسی رایج و عیاحت
درک احساس می‌نمایند، در
حالی که مرد هاندت عاقل‌امو -
خته‌اند که چگونه عواطف خود
غله حاصل نموده و مانع بروز
ان گردند. مرد هایشتر بیماری
های جنسی مبتلا میگردد ((
نباید از نتراند اخت‌که
زیودن یعنی دزدی رعایت -
خاطرمی بخشد. در جریان
دزدی انرژی تشنج روانی از او
شده کسیده‌گی و گزنگی انباشته
شده از میان برداشته می‌شود.
و بالاخره انگیزه رعب و وحشه
که از بازیگری ترس‌میان می‌آید
با احساسات لذت‌آور جنسی
میتواند ارتباط داشته باشد.

دو مین نفر معترف به سرقت چیز شده‌اند.

رعیت بیشتر در دزدی -
اجناس از قبیل، عطریات، لوازم
آرایشی، زیورات، ریکاردهای
موسیقی، فرآورده‌های چرمی
والیه سود ریز که بی‌بزه مسود
بمستد خان‌ها قرار دارند، دیده
می‌شود.

رواقعا خانها، با وجود
اینکه در مقایسه با مرد هاکتشر
مرکب جرم میشوند، به اصطلاح
در بالا رفتن دزدی مقام اول را
احراز مینمایند.

در اطری منتشره وزارت عدل
ریاست نورد اینوست فالن المان
عرب چنین آمده است: ((در
دزدی مغازه‌ها زنان و مردان
نسبت ۱- را بخود اختیار نموده
که عدد بزرگتر مربوط زنان است))
علت آن چیست؟

روانکوی از دوسلدورف بنام
داکتر هانس یواخیم شوین،
هرمون‌های زنان را مقصر شناخته
و می‌نویسد: ((عقد و گزنگی
های روانی در رابطه‌علسی
با اختلالات غده‌ای قرار دارند
که در مراحل نوجوانی (۱۲ -
۱۶ سالگی)، قلعه‌گی، حمل

بازی با ترس

هر دو مین شخص بازی با ترس
را انجام داده است. از تحقیقی
که در شهر هامبورگ المان
فدرال صورت گرفته، روشن
میگردد که چرا تعداد کثیری از
زنها در مغازه‌ها به دزدی می
پردازند. ((نورا برمن چیزه‌گی
یافت و خطر را در جیب پنهان
کردم))، اهتراف ویژه و تهیه‌یک
زنی است که در فروشگاه‌های
دزدی میرد از.

زیودن اجناس گسترش
نییابد و طوریکه تازه‌ترین آمار
نشان میدهد (۲۵۰۰۰۰ -
مرتبه در سال، باشندگان
المان فدرال دست به سرقت
اجناس مغازه‌ها می‌زنند و این
تعداد فقط انعامی را در برمی
گیرد که ابتدا بدستگیر شده‌اند.
طوری که تجارت برچون
فروشی وانمود کرده، تعداد
واقعی انعامه‌الی بیست برابر
بیشتر از عدد فوق الذکر است.
از برسن همه‌گانی‌ای که در
شهر هامبورگ بعمل آمده، هر

بدنیست اگر بدانید

بیشترین ورزشکاران هنگری در تیم های خارجی عضویت دارند، همین اکنون ۱۸۰ ورزشکار هنگری در کلوب های مختلف ورزشی چهار قاره جهان ورزش می نمایند، که بیشترین آنان را فنبالیستها بعد از هند بالران، والیبالران، بیسکیت، یانگ بازان، وواترپولو تشکیل می دهد، و ۷۰ فیصد از عایدات ورزشکاران به کلب های مربوطشان در هنگری انتقال داده میشود.

XXX

الینیت معروف ایتالسوی نخستین انسانیت که ۱۴ قلمه کوه یورست را فتح نموده است، او در نظر دارد قله ۸۵۰۱ متری یورست را تا قسمت جنوبی تسخیر نماید، تا حال هیچکس قادر به چنین کارنگردیده است. ورزشکار ۴۳ ساله به خبرنگاران اعلان نموده که در سال جاری در کوهنوردی یکرنیز او را همراهی خواهد نمود.

XXX

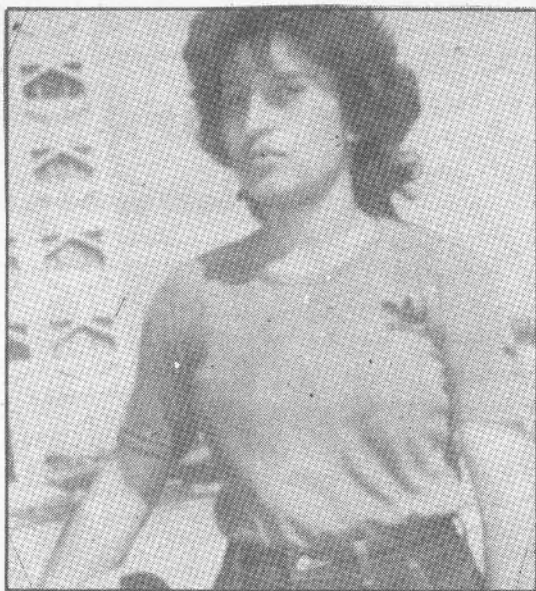
فدراسیون بین المللی باسکتبال بزرگترین مؤسسه ورزشی جهان است که ۱۷۲ کشور عضویت آن را دارد و در آینده قریب تیم های باسکتبال بعضی کشورهای دیگر چون تانکسو، موناکو، ایسلند و بعضی کشورهای دیگر نیز جدیداً عضویت خویش را در کمیونیکس فدرترکیزی اعلام نمیدارند.

فدراسیون وسیع و بزرگ است که در سال ۱۹۱۱ ابداع انداختن مسابقات بسکتبال از مدین سالگرد خویش تجلیل بعمل می آورد.

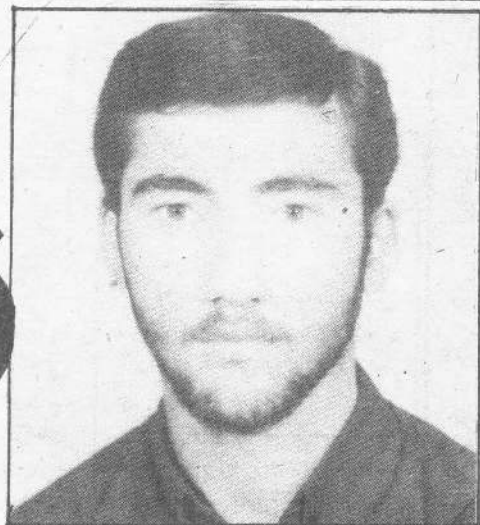
زمینه والیبالر

* زمینه ورزشکار مکتب نمبر ۱۴ مکرویان :

تمرینات ورزشی ما پیش از وقت درسی میباشد و باعث عقبمانی دروس مانی شود، در فستیوال جوانان و تورنمنت های بهاری و خزانسی مکتب ولیسه های دختران جای اول را کسب نمود، ام مشکلات عمدتاً مانع بودن میدان و لوازم سپورتی میباشد، معلمان ما نسبت به سپورت اهمیت خوب ندارند با ما برخورد نادرست می کنند که شاگردان تغیل و بازیگوش هستیم، غرض بهبود وضع ورزش به مشکلات ما رسیده، کمی صورت بگیرد، و در زمینه تهیه لباس و عسریه ورزشکاران را کم نمایند.



ورزشی



قوی ترین

مصاحبه از منیره

ناصر هوتکی ورزش

در ۱۱۳ آن سیک بومسه و در ۱۴ کشور سیک هیانگ رایج است. در تیم کواندو به عکس سایر ورزشهای رزمی مانند کاراته و کانگو ۸۰ فیصد حرکات روی باها استوار است و هر ضربه یا قدرت معادل پنج ضربه دست را تولید میکند.

در کشور ما شمار زیادی از جوانان به این بازی روی آورده و کلب های ورزشی آن را ایجاد نمودند. استاد تریگرکپ ((تی کواندو)) سه ((محتدم عبدالناصر هوتکی)) است.

خواستم تاباوی بیرامسون کارش صحبتی انجام دهم، موصوف چنان شخصیت گیرایی دارد که

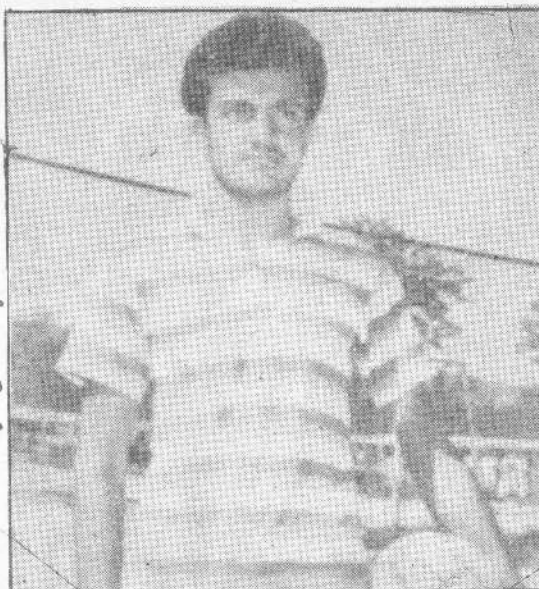
ورزشتی کواندو در جهان به عنوان کامل ترین و قوی ترین سبک دفاع از خود شناخته شده است. این بازی برای نخستین بار در کشور کوریا جنوبی بوجود آمد که کاملاً مجزا از کانگویی چین و کاراته جاپان است و فعلاً به عنوان یک ورزش عصری و بین المللی در شراسرد نیابنداشته میشود. تی کواندو از سه کلمه کوریا یعنی (تی) ضربه زدن و جهیدن با یا (کوان) به معنی دفاع کردن و (دو) به معنی روش مشکل است. این بازی دارای دو سبک شناخته شده است. تی کواندو و هیانگ و تی کواندو و بومسه میباشد و از جمله ۱۱۷ کشوری که این ورزش در آنها معمول است

از چشمانش مهر و حوصله میبارد، وی با قدرت و لوا پسی به حرکات پسران تمرین کننده مینگرد، او باور مند فردایی درخشان شماست. از جابجایی می خیزد تا حرکت نادرست یکی از پسران را اصلاح کند، یک بای خود را بلند مینماید و دست خود را به عقب برده به اندازه دو متر بلند

همایونج باسکتبالر

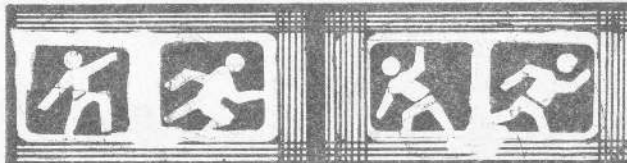
* در میان چهره های ورزشی جوان مکتب شهریکی هم همایون باسکتبالرلیسه انقلاب است ، وی سرنیم مکتب خود است اوصاف یک ورزشکارخوب راچنین بیان نموده است :
 ورزشکار باید جدیت ، تکلیک خوب و بازی ماهرانه داشته باشد .

وی در مورد موفقیت های خود گفت : اشتراک در همه مسابقات دارم و در سال ۱۳۶۲ ، تیم مکتب ما در ناحیه مقام اول را حایز شد . راجع به مشکلات شان در زمینه ورزش مورد علاقه اش - میگوید : لباس مناسب ورزش ، توپ کرکچ ، - عصریه ، اینها همه نیازهایی است که شاگردان برای پیشبرد امور ورزشی بدان ضرورت دارند .



درخشانترین چهره های ورزشی آمریکای لاتین در سال ۱۹۸۸

به اساس نظر پرسی سالیانه آژانس خبری پرسنالاتینا ، هاوسر سوتوما کیویا ، برجسته ترین ورزشکارخیزبلند امریکای لاتین در سال ۱۹۸۸ بوده که جایزه این آژانس برای بهترین ورزشکار مرد امریکای لاتین را برده و - همچنان سیلویاپول کوستاریکایی در راب بازی جایزه مجله پرینسا را درین عرصه بدست آورد .
 در جمله ده ورزشکارخیلی هاسا معروف یکی هم دیگوارماند و ما - رادونا ، ازکشورارجنتاین در فوتبال ، دیگری اتانید پلیناکیرت ، ازکیوبا ، در دوش ۴۰۰ تا ۸۰۰ متر هستند .
 و اما در سابقه پرند هاسا ، طوطی ارجنتاین در نمایشی در نزدیکی شهرینکاک بیشتر از همه قطاران خود نظر تماشاگران را جلب کرد ، این پرند بزرگ از جمله چند پرند ه تربیت یافته در تایلند بود که با مهارت های هیجان آورو حیرت انگیز خود تماشاگران را به شورشغافل در آورد .



سبک فاع

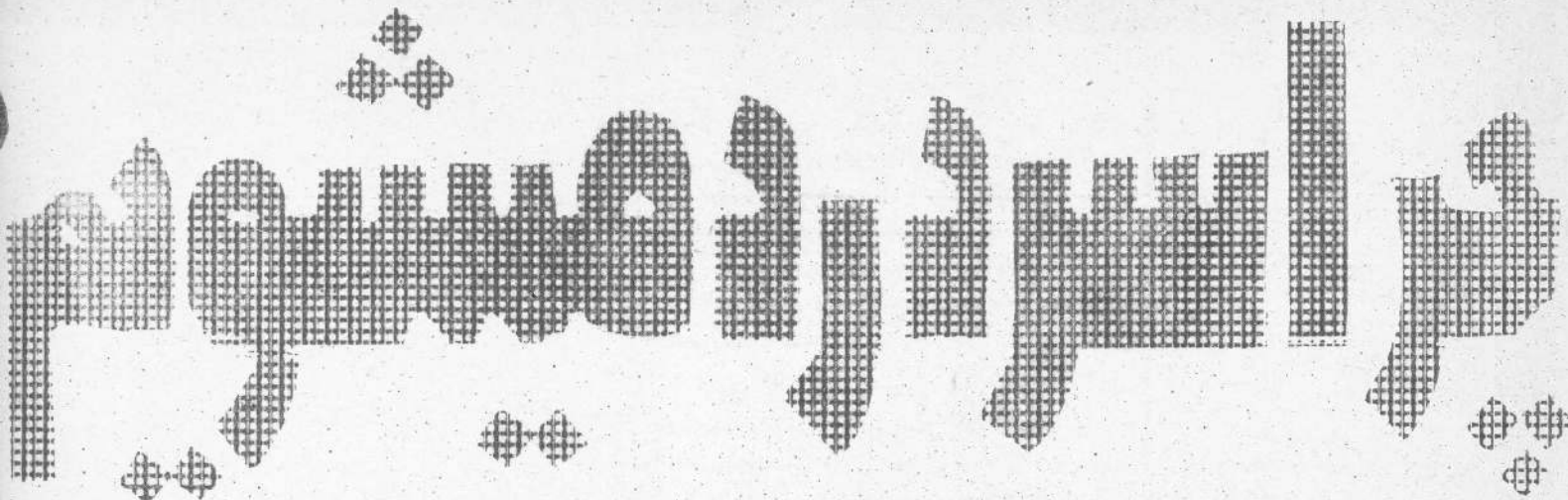
بازگشتم وکلیپ ((تی کواند وپوسه)) را ایجاد نمودم . از جمله شاگردانم هفت تن کمربند سبز ، بیست و سه تن زرد و بیست و سه تن سفید گرفته اند ، من میخواهم هرآنچه را که در مدت پنج سال تمرین آموخته ام به آنها منتقل سازم برای شاگردانم برعلاوه تی کواند و طریق استفاده از سلاح های سرد مانند نان جیکو ، زنجیر ، چوب د راز ، شمشیر ، سامورایی ، پرتاب چاقو و پرتاب میخ را نیز می آموزانم ، فعلا به جزگارد رگلب که ام مصروفیت دیگری ندارم ، چون امتحان کانکور پوهنتون را گذرانیده ام ، امیدوارم سال آینده به پوهنخی طب گابل تحصیل کنم .
 در آخر به امید موفقیت های هرچه بیشترش باوی خدا حافظی میکنم .

معلومات دهد ، اود زمینیه اینگونه آگاهی میدهد :
 ((برای اولین بار در صنف نهم مکتب به ورزش بوکس روی آوردم و مدت دو سال تحت نظردرم این ورزش را آموختم و سپس نظر معلایه قه بی که به ورزش های زینیه داشتم به تی کواند روی آوردم و در سال ۱۳۶۲ نظریه عواملی به کنسورایران رفتم و در آنجا تحت نظر ((فدراسیون ورزشی ایران)) موفق به اخذ کمربند سیاه شدم و در ضمن مربیگری کلاس رانی نیز تعقیب کردم ، در آنجا با رهسا در مسابقات اشتراک ورزیدم چهار بار به کسب مقام اول نایل آمدم که غمه اسناد آن نزد من موجود است ، در سال ۱۳۶۶ به وطن

چهره جوان تکواندو

میود ، پسرانی که همه مجذوب حرکت او شده اند ، به دورش جمع میشوند و وی به تشریح حرکت خود میبرد از .
 بعد از اینکه تمرین آنها ختم میشود به وی که جوان بلند قامت و موهلبی است نزدیک میشوند و صحبتی بعمل می آوریم و میخواهم تا پیرامون آغاز کاروسایر مصروفیت های شریه من





دیدن بعضی تصاویر، استفاده

از عینک‌ها و کلاه‌ها

بعضی تصاویر سردی

ترجمه ستانک

چه چیزی موجب حمله میگردد؟ سردی یا گرمی زیاد، کار بیش از حد یا خواب ناکافی، میگردن میتواند بعد از ماندن زیاد در بوسه اطاق دلتنگ کننده یا مبلوازدودیه وجود آید، نقش صده رادر زمینه حالت روسی بیمار بازی میکند. شکل اصلی حمله چگونه است؟ خون از هر دو سمت از طریق شریان های قوی سیات (شاهرگ ها)، چه داخلی و چه خارجی به سر میرسد، حتی جریان ثابت خون در شاهرگ میسر میشود دفعاً از طریق سیستم - شریان های داخلی و خارجی باز-توزیع شود، در مرحله نخست، افزایش سیخ شریان خون در شاهرگ داخلی بوقوع می پیوندد که با این کار آنه عمل رساندن خون به بخش های دیگر دماغ بهبود حاصل میکند. این کار بعد چشم و شنوایی را خیلی تیزتر میسازد و فعالیت میسر بدن را بیرون میسازد. همزمان به آن، جریان خون در مجاری متسع شده شریان سیات خارجی (شاه-)

یکی از معمولترین علل سردی دردی صرف الکل است، شریک الکلی نشان مخاطی بدن را میسوزاند و در جریان عبور از مری آنرا تیز سوختن میدهد و به داخل معده میبرد و از آنجا به جریان خون داخل شده و در سر تا سر وضعت انتشار مییابد. تمام اعصاب و مجاری به سم خوش بعضی کمتر و برخی بیشتر از آن را میگیرند. حساسترین اعصاب در مقابل الکل حجرات حس و مجاری مغزی است و گنگه میشود که معوم شده اند. این حجرات و مجاری خیلی زیاد دچار اختلال شده و جریان خون مغزی به هم خوشرا از دست میدهد و برخی از این مجاری تا اندازه بی منقبض گردیده و بعضی دیگر اتساع پیدا میکنند. همینکه تا شیر الکل از من رفت زمانیکه وضعت بسختی اثرات انرا خنثی میسازد، مجاری برای یک مدت طولانی در حالت غیرمادی باقی میماند ولی دقیقاً باید توجه کرد که بازم همین مجرا هست که دوران مایع فقراتی مخ و فشار روی زوهای مغزی و همچنان بالای خود راتا من میکند. در چنین یک حالتی چه چیزی را میتوان انتظار داشت؟ بهترین چیزی را که باید انتظار داشت سردی یا احساس سنگینی در سراسر است.

رگ خارجی) متاسفانه بطور آتی گذر می شود، صورت بیمار به سرخی میگرداند این نشانه یک حمله محسوب میگردد و در واقعیت امر نخستین مرحله میگردن است. مرحله دوم بیماری باعث پائین توزیع سیخ دیگر جریان خون میگردد و در این حالت صورت بیمار رنگ باخه بنظر میرسد، زیرا انجاری سیستم شاهرگ خارجی تنگتر میشود و در این حال، مجاری مربوط شاهرگ داخلی بطور آتی منقبض شده که دقیقاً موجب سردی میگردد. حادثترین انقباض در مجاری زو-های دماغی به مشاهده میرسد و بالای گیرنده های دردمسائل میکند. سردی غیرقابل تحمل میگردد، این تغییرات در مجراها

همچنان فشار داخل جسمه بی را بالا میبرد و در نتیجه برای بیمار - بعضی پالانویه اسهالات دست میدهد که به تمهید آن حمله - صلا به پایان میرسد و این حالت است که مایع اضافی دیگر از بدن خارج شده است، کاهش دوشار سلول اتفاق می افتد و اسهال لسی - ناحیهی زو-های دماغی از من میروند. اینست آنچه بدن بخوش کک میکند ولی بدبختانه صوف - وقتی این کک میسر میگردد که تهبانی حمله رنج نهادهی را متحمل شده

در مرحله دوم دواهایی که موجب تنگ شدن مجراها میگردد - اسامه میتواند حمله را برطرف سازد ولی بهتر است از وقوع حمله جلوگیری بعمل آورد بهترین راه برای این کار غسل پاها با آب گرم است - هم چنان بهتر است دستان را در آب خیلی گرم غوطه وریخت - پلاسترو مرهم خردل میتواند تا شهرشاهی داشته باشد - تجهیز مقدار کم ادویه های انبساط دهنده مجاری - (صناین پ پ ، پایا وین و غیره) برای یک مدت طولانی میتواند در راه مقابله با نخستین حمله تنگن با تنگتر ساختن مجراها مفید و سودمند تمام شود .

ولی طبعاً جلوگیری از میگرن همچنان شامل رژیم درست منظم - خواب ، استراحت و تغذیه و تفسیر اجزای تمرینات جسمی و حتی - پرورش و تربیت مجراها میگردد .

تصاویر، مثال ها ، منک ها و کلاه های شب پوش

از سالهای خیلی قبل یعنی زمانیکه هنوز مصل بودم داستانی را که از طرف یکی از استادان مادر - باره داکتران معروف شوروی و - قدرت قابل ملاحظه شخصشان قصه کرده بود بخاطر دارم - این قصه در باره داکتر معالج و معروف پروفیسور ماتوی مودوروف است - یک روز زمستانی در اوایل قرن نوزدهم از جمله تاجرانیک در کپلین سکو کار بهار مغازه داری را پیشه کرده بودند ، مغازه داری نزد مودوروف مراجعه و از سردردی های شدید شکایت میکند ، بعد از معاینه پروفیسور از بیمار میپرسد ، ((از کدام مدخل به مغازه ات میروی ؟)) بیمار میگردد ، ((از مدخل سپاسکیا)) داکتر به بیمار توصیه میکند ، ((از - امروز به بعد باید از طبقه مدخل بورووتسکیا داخل کپلین شوی)) با این کار سردردی بیمار برطرف میشود ، بعدها از پروفیسور ملت را می پرسند زیرا سردردی ها با اظهار نظر یا سلمه با شهرت داکتر که - تدایون نمیشد ، توضیح داکتر -

مودوروف خیلی ساده بود ، در آن روزها بهر آنی مدخل سپاسکیا - مثال حضرت مهیم را اوخت - بودند ، این تاجر با مودوروف مدخل - بمجودیکه پیشش به مثال می - افتاد ، کلاهش را بر می داشت و بدین ترتیب سوش خنک میخورد ، بهر آنی مدخل بورووتسکیا چنین مثال می - وجود نداشت .

چنین بنظر میرسد که عمدتاً سردردی های تاجرانیک از بیماری ضلالت کوچک و نازک واقع در حشره های موجوده است ، هرگاه تمام اینها آنا منقبض شوند ، طبیعتاً میگویند ، می ایستند یا بلند میشوند - در وقایع بیماری های التهابی و - خنک خورده گی ها این ضلالت دچار درد شدید میگردد و چنان تصور میشود که تمام سردرد میکند - باری این یک بیماری خیلی معمولی بود ، بخصوص در موسم های سرما در اخیر شب بخاری ها و همراه با آن اطاق ها خیلی سرد میگرددند - کلاه شبانه محض جنبه نشن رادر بر نداشت بلکه آنرا همچنان بعلم کاملاً دقیق طبی توصیه میکردند - این روش معالجوی آزمایش شده - زمان میتواند حتی امروزه با نورمال نگهداشتن دوران خون در فسیح سردردی ها سودمند و موثر واقع شود - این کلاه شبانه بایست سبک و بقدر کافی بزرگ باشد ، در ضرورت علبه نفس در پوست سر - متوقف خواهد شد و موجب گرمای - بیش از حد خواهد گردید ، در - صورت امکان ، این کلاه را از نشم نرم یا فانیل باید ساخت - این یک چاره ساده ولی نهایتاً موثر - وضع سردردی است .

ولی گاهیگاهی اینگونه پیشدینی - ها واقعا پر ایلم های زیادی را بیمار می آورد - بخصوص اگر تنگ باشد و سر را در ضیق نگهدارد و آنرا چون جالی تنگ احاطه کند یا در موسم مناسب آن پیشده نشود - محکم بمتن کالهای تنگ که حرکات کردن را - محدود ساخته و بهر مجراها فشار را در

می گذختی اگر این فشار کمتر هم باشد میتواند موجب سردردی گردد - نتیجه آن درد ، احساس سنگینی در سر ، گدیی در تنگ و کاهش واکنش - هاست - در نهایتاً کفرا نسی ها انواع مایلند کالرها یا تنگایی های شانسرا - سمت نمایند ، با این کار فوراً احکام آرامش و بهبود میکنند .

اتفاقات ، سردردی هائیش از استعمال منک ها نیز میباشد ، یعنی تجهیز نادرست منک یا نرم ها که میتواند با لای بینی یا شقیقه ها فشار وارد کند - در اثر آن با لای - شریان های صدغی (شقیقه) فشار وارد میشود .

نمک و تتیاکو

بازی رشد موسم کرما بسیار زی را که در حدود ۲۵ سال عمر داشت به شفاخانه آوردند - معایناتی که انجام شد نشان داد که آب بدنش سرد و یا صایع شده است - داکتران معالج فوراً به تدایون - لازمه پرداختند و همچنان سعی - ورنه نداشتند تا او را به نوشیدن میسر سازند - برای حفظ فعالیت منظم قلب او سعی فراوان بخرج داده شد - ظرف یک ساعت وضع دمائی اش بهبود یافت و سردردی اش برطرف شد - ولی بیمار ضعیف و ناتوان باقی ماند - چه اتفاق افتاد ؟ بهر صورت ، بیمار تنگها مرده بود .

جرم اینهنه ناراحتی بدوش - ماهی خشک کرده بود ، در هوای خیلی گرم ، مرد جوان دلش بسرای خوردن چیزی نمکی تنید ، بدون - اینکه واقعا فکر کند ، بصورت تدریجی در حدود یک کیلوگرام ماهی خشک کرده را خورده بود ، سرد احساس سنگینی میکرد ولی فوراً - توانایی اش را از دست داد ، فشاری را روی شقیقه هایش احساس کرد و در وقت بد رفتنش پیداشد و سوش را نیز بشدت درد گرفت ، بقیه اش را نمیتوانست بخاطر بیارود - صرف مقدار نهاد نمک در هوای

گرم زمانیکه اطراح مرق خیلی نهاد است موجب بهبود سوج آب در بدن تراکم خون ، کاهش در مایع فقراتی مع و در نتیجه باعث پلین ابتدائی در فشار داخل قحفی میگردد - ضمناً نتیجه مشابه از کاهش آنسی - صرف آب نیز موجود می آید - انسان بایست مقدار مایعاتی را که میگیرد صرف در حدود معین قابل قبول کاهش بدهد .

اعتیاد به سگرت یکی از صده تنه فوالمیست که موجب سردردی میگردد ، با گذشت زمان بقایای - تتیاکو به نه های صید و نسی آکسیجن در واقعیت امر کاهش می - یابد ، این عمل با لای مجاری سر تا شهر ناگاری دارد طبیعتاً دهک جالین مجراها در حالت تنج و در جای دیگر در حالت اتساع قرار می - داشته باشد ، بدین ترتیب در نتیجه سردردی های دوامدار دامن گیر شخص میگردد .

انادرموروتیک مایلند سگرت را ترک بکند ، نباید هنگامیکه به کدام بیماری خاد یا مزمن صاب - هستند این عمل را انجام دهند زیرا ترک آبی سگرت به عدم توان مؤثری سیستم وایی منجر شده و حالت شخص را بدتر میسازد - درین صورت باید یاداگر مشورت کرد .

عامل دیگر

عوامل صبی در ایجاد سردردی هائش خاصی را بعهده دارد ، هر - گونه جارو جنجال خانواده گی وضع فوق العاده وحاد درجهان کارو - فعالیت روزمره حقی یک مناقشه اغتشی میتواند اضطراب روسی و بارها - سنگین روانی را که موجب ایجاد وقایع مختلف ضعف اعصاب میگردد و بنسب اختلال صبی وایی معروف است ، بهر آرد ، افرادی دارای کرکتر های قوی میتوانند احساسات شانرا فروشانند و آنرا نزد خود نگهدارند ولی نمیتوانند اختلال عصبی وایی را که یکی از علل صده سردردی های معمول بدون ((دلیل)) است بر طرف سازند .

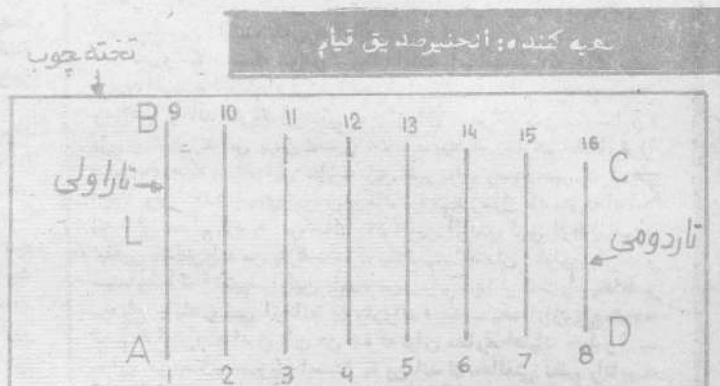
درسهای موسیقی برای همه

نیلا نوروز

بقیه از صفحه ۲۴

میخوانم و نه آهنگ کنی پری را
من فقط از سبک بزاد رو پیروی میکنم
- با همه آواز خوانانی که خواسته
باشند من امتحان میدهم استند
آواز خوانانی که صبح شوق آواز -
خوانی به سرشان میزنند و شب به
روی برده تلویزیون میبرایند باور
کنید از طرف فامیل ها و خویشاوند
شان باران یو تلفون می آید که
آواز او را بشنوند و یاد رو گرام
کاروان خله با او مصاحبه نمود
- پس شما هر ساعت و هر لحظه
در آتش حسادت سوخته آید
- نه من نسبت به کسی حسادت
ندارم ولی بر وی واقفیت نباید
پرد کشید
- آیا شما در رشته موسیقی تحصیل
هم کرده اید؟
- بله و دو سال در لیسه موزیک
در رشته موسیقی تحصیل کردم
ما یک گروه هنری داریم
- به کدام آلات موسیقی دسترس
دارید؟
- به ارگن، اکوردیون، کیبورد،
تبله، جاز بند، دهل و هارمونیوم
- شما قیلا به این مطلب اشاره
نمودید که امتحان آواز خوانانی
دادید و موفق شدید یکی ها از شما
امتحان گرفتند؟
- در امتحان ما استاد محترم
استاد هاشم موسی قاسمی معلم
- نی خلاصه که ۴-۵ تن از استادان
وزیریه حضور داشتند

جرا همین استادان وزیریه
نعلا در آرزوی آهنگها می
میگیرند؟
- حالا این همه سهولیت به
دوستان استادان جوان گذاشته
شده است
- بالاخره با آنچه که گفتید وضع
موسیقی کشور ما چگونه است؟
- وضع موسیقی ما خیلی خوب
است، ما چارنج نفر نوازنده
خوب داریم و پس ولی موسیقی ما
اصلا موسیقی نیست، در موسیقی
غریب باید دست های هنری وجود
داشته باشد که ندارد، صرف
موسیقی شرقی و فلک لوریا موقفاست
- گاهی آواز خوانان ما از طریق
راد یو بخصوص تلویزیون آهنگهای
هنری هم میخوانند نظر تان چیست؟
- در جواب شما به غیر از آنکه بخندم
دیگر چه میتوانم
- بالاخره تصمیم آخری تان چیست؟
- بالاخره اگر اجازه ثبت آهنگ در
راد یو تلویزیون برام داده نشود
هنرم را کنار میگذارم ریک بیشه
دیگر اختیار میکنم
- کدام پیشه؟
- آرایشگری است، مانند هویدا
صاحب خورا که فروش بازمیکم
- آنقدر سرمایه دارید؟
- قرض میکنم
- نظرتان است در عایمیکم موفق
شوید یا در این یاد ران



و بعداً در نقطه (B) میخ
متحرک را محکم نمود و انحصار
های تاری را به دو میخ B و A
بسته و توسط میخ متحرک کش
نمود طبعاً با تماس صدای
وجود آمد مرتبه دوم عین تجربه
نوق را در نقطه C و D نمود
یعنی نقطه D میخ ثابت نقطه C
میخ متحرک بود ولی موضوع مهم
اینکه این بار فاصله DC
طول تار AB بود بعد از کش
نمودن تار توسط میخ متحرک C
شاهده نمود که صدای تار CD و
AB با هم مساوی ولی تفاوت
صدای تار CD و چند صدای
تار AB بود که این موضوع
را شما در هارمونیوم های دوسره
خود دیده میتوانید وقتی یکی از
پرده های هارمونیوم را فشار
مید دهید بطرف راست و گاهی به
چپ چپ پرده هشت نیز پایین
میشود که عین تیوری فوق است
در قرن ۱۷ در ایتالیا بوجود آمد
قراردیل:
دو، ری، می، فا، سول، لا، سی، دو

نوت: در سیستم هندسی
پرده ۸-۱۶ نامگذاری ندارد
بدین ترتیب فاصله ا تا هفت را
بنام سبتک یا هفتی یاد میکنند
چنانچه در سیستم غربی کلمه
Octave یا هشتی دارد
تازه ترین الفبای موسیقی در غرب
در قرن ۱۷ در ایتالیا بوجود آمد
قراردیل:
دو، ری، می، فا، سول، لا، سی، دو
و یاد راز و رموز است به حروف
انگلیسی مانند:
C-D-E-F-G-A-B
بقیه از صفحه ۲۴

مذہب است قراردادیل:
۱- براتما تون اولی
۲- دیوتیا در دومی
۳- ترتیا در سومی
۴- چتوریا در چهارم
۵- پنجاما در پنجم
۶- سیتا در ششم
۷- سیتاما در هفتم

ولی در غربت برای اولین بار
نیتانورث ریاضی دان یونان
به استفاده از هفت صدای فوق
که در شرق مروج بود و به انگلی
ریاضی و صوت اله موسیقی را به
وجود آورد که هفت صدای هفت
سرفوق به آن تطبیق میگردد و
یا گفته میتوانم اله مذکور اولین
بیانوی ساده ابتدایی بود صرف
دارای پرده های سفید بقایه
بیانوی امروزی ناگفته نماند که
بیانوی اله موسیقی تازد ا راست
و بعداً آرایه زبان یونانی
نام گذاری کرد
موصوف تجربه خود را آغاز
کرد با استفاده از اینکه اهتزاز
یا فریکوئنسی از روی دفعات
فی ثانیه اندازه گیری می شود
مثلاً هر قدر دفعات اهتزاز
آواز در فی ثانیه زیاد باشد
همان اندازه سطح سوه اولی
(زیر) می باشد و همچنین به
استفاده از قانون دیل:
۱- تار تجربی از یک جنس مشخص
باشد
۲- پارکری باشد
۳- در کش زیاد قرار گرفته باشد
۴- نامبرده برای اجرای عطیه خود
تخته چوبی را انتخاب کرد و میخ
ثابتی را به آن کوفت که نقطه
مذکور را (A) نام گذاری می
کنیم

شکوه دلیر! نیرومند که نه باید
هیچگاه فراموش شود و موسیقی های
بیگانه جای آنرا بگیرد
ولی فراگیری نوشتن به سیستم
غربی یا تقسیم و دسته بندی راگها
و تال های سیستم هندی نباید
با موسیقی ما بیگانه تعبیر شود بلکه
سواد موسیقی است برای هر هنر
مند فراگیری آن لازم و ضرور است
همانطوریکه برای فراگیری
هر زبان دانستن الفبای آن در
قدم اول ضروریست به همین ترتیب
در موسیقی هم دانستن الفبای آن
گامی است در فراگیری آن
قدیمی ترین الفبای موسیقی
در چین برای اولین بار الفبای
موسیقی به زبان سانگرت در
هند به وجود آمد و این الفبا
در چوکات هفت سر یا هفت
لغت یا هفت صدای که از تکامل
سرود های مذهبی به وجود
آمد بود نامگذاری یا ریخت
گردید
الفبای مذکور که به الفبای
طبیعت انتخاب و به موسیقی
داد شد هر یک معانی مخصوص
دارد:
۱- شاجده به معنی صدای طبل
و صد وقت مستی
۲- رشابد: سرود یکی برنده
بنام چنگا
۳- گنداره: مانند صدای بز
۴- مدایاه: مانند صدای مرغ
ماهی خیز
۵- پنجامه: آواز ناخست
۶- دیواته: فرقه بقه در موسم
پارانیسی
۷- نشاده: تم آواز نیل
همچنان یک نوع نامگذاری
دیگری که منشأ آن سرود های

در تعریف موسیقی

قبلاً مجله سپارون سلسله
درسهای موسیقی را آغاز نمود بود
که بنا بر مشکلاتی آنرا در نیال
نتوانستیم در سال جاری محترم
انجنیر صدیق قیام که در این زمینه
دسترس دارند و عده همکاری
را داده اند ما سر از این شماره
درسهای موسیقی را در نیال
خواهیم نمود
در میان علاقمندان هنر
موسیقی غرض فراگیری اساسات
آن تقاضا به سطوح مختلف وجود
دارد یعنی یک عده شایسته
ضرورت دارند تا از الفبای موسیقی
آشنایی با مروج ترین آلات
سیفی (هارمونیوم، تبله) به
شکل تدوین شروع کردند و عده
دیگری شاید در جنبی به
شناخت راگها، هارتال و اطلاعات
در باره کلاسیک، نزل، تهروری،
ترانه و غیره و عده هم شایسته
به نوشتن و تفاوت های موسیقی
شرق و غرب و بالاتر داشته باشند
که همه به یک بار مشکل است
بدین ترتیب نظریه تقاضای اداره
محترم مجله سپارون مستند به
نامهای که به آن اداره رسید
ناگرم از الفبای موسیقی شروع
کم و به تدریج امیدوارم که در وق
همه تا حد امکان معلومات آرایه
نما، تقاضا میکنم تا در وقتند آن
محترم کمک نموده یا نظریات
پیشنها را در سوالات خود بفرستید

عکاسی جهان نما

سندیوی عکاسی جهان نما

عکاسی محاسن خوش شمارا غیور
رنگه و سبزه سفید می پذیرد
در شهر مزار شریف مستقیم
شفاخانه ملکی شمار روزه تبریک
تلفون ۰۲۳۱۴

زند و اولاد از بدو چه میسر می آید

و در یکی از این شبهای منحوس - چرکین و لعنتی بود که مالک آب - تلخی را برایم داد تا سیرکتش - قیلا - میدیدم که شیشه ها از شر آب به خلقم رفته - این معامله گران انسان تهنی میشدند اما آنشب در - برکه غرق شده و زنده نمی آید - کی میتوانست مراد را کند ؟ دست و پا زان و بیخود خندیدند و گریستم - کی میتوانست مراد را کند ؟ دست و پا میتوانست گشودند - ام ربه من باز هد ؟ کی میتوانست آنچه را که ازین رود شده بود ، باز د هد ؟ کی میتوانست برایم روزهای کودکی ام - مادرم - عفت د اتم را بیاورساند ؟ هیچکس - هیچ چیز هیچگاه - روزها و شبها میگذاشت و من دانسته بودم که وسیله مساعد در آمدن پولی صاحب است - کم کسی از مهربانی هایشان بهره میگرفت - یک روز مرا نزد خیاطی بردند و فرمایند لباس برایم دادند - لباسیکه - شایسته یک روسی باشد - شایسته بی یک زن هرجایی - لباسی که زیاد تر مورد توجه مردان و لالو و میا ش باشد ، و خیاط د اندست که - من کن باید باشم قبل از اینکه لباس را بدوزد با مالکم معامله خریدن را - سرراه کردن مرا به خانه اش کشاند ، خانه میکه دست کسی از خانه - قبل ام ندانست و علاوه برین عده ، دیگری ، زنان روسی و بی خانسه نیز را اینجا مصروف خدمت و پرداخت جنسی مردان (مشتری) در این مارکتی انسان فروشی بودند

فکرتی اتفاقا هنوز آفته باد و دست مگرت و مخدرات و الکل بود ، اینها محافل نمنا دستاره جمعی بودند ، همه محرم بودند ، در این خانه من به مثابه زن نوجوان به تمرین رقص انتخاب شدم و مدتی کسی گذشت و شریک شریک یا هام در سالون ها - اتفاقا و خوشی هاییکه جمعی از مردان عیاش - قمار باز و وحشی جمع بودند ، طنین انداخت روزها و شبهای دیگری نیز چنین گذشت با این تفاوت که همراهِ بارقص ها گاهی میخواستند برهنه برقص وسیله ایمن حراب را در من با شراب و جرس تقویه میکردند و بدی نگذشت که یکروز از این روزهای تجمیع همه ما همراه با (خانه والای) مانعم به نجای و فحشاء پشت میله های زندان رفتم - زندان این باشگاه آزادی ام - زنان محبوس را اینجا طوری به من نگاه میکردند که میشویدم - شاید با خود میگفتند این دخترک احمق بد بخت تر از ما است ، چنانیکه یک زن جوان وحشی با چشمهای همیشه از حدقه بدآمده اش میگفت : (سرماره از پشت خار) ، تعاروتها یک زن در زندان به همه داستان گذشتند ام علاقه گرفت و زنیکه به اتهام معامله گری روسی ها محکوم به حبس شده بود مدتی را که در توقیف بودم یاد نظر داشت بی کسی ام به من زیاد کنکها کرد بجه بعد از زندانی شدنم دیگر حتی از معامله گران خبری نبود که احوال را بگیرند بگر محبوبین (با یواز) ها داشتند و اما من جز هر لحظه مسردن دوساره (با یواز) نداشتم ، زنیکه از اقمیت زنده می آید ام آگاه شده بود بیکروز آزاد نشد ولی همواره خبر را میگرفت و بعد از یکماه منم بیکروز مقامات زندان برایم اطلاع دادند (توصیفی راستی و مطابق قانون) نباید توقیف بمانی و در همین روزها آزاد خواهی شد و من که در اینجا یکسال و شش ماه (کبیرها) سپری کرده بودم ، خبر آزادی ام ربه همان خانم - مهربان هر مسلم که در زندان آشنا شده بودم بازگفت و او آدرس منزلش را داده بگفت بعد از آزادی با او زنده می خواهم کرد - به مجرد ورودم در منزلش که جایگاه نمنا بود ، دریافت که تقدیر چنین بوده که من نباید در واز نجای باشم ، آخر غیر از چنین جاهایی کجا میتوانست بناگاهم باشد ؟ کی میتوانست فرابه خانه اش فریاز چنین اشخاص معامله گر حد هد ؟ هیچ جا و هیچکس - چرا نتوانستم خود - کشی کنم ؟ زیرا نتوانشرا نداشتم - زیرا میدانستم که از فعالیت معامله گران برای روسی ساختن دختر دیگری جام را باید بر میگردد معلومگویی میکنم

اما اینبار بعد از مدتی که در این خانه زنده می میکنم ، صاحب خانه (همان زن) به خاطر جلوگیری از بندی شدن من و خودش سرا به عقد نکاح بصرن که مردی بود از قماش مردان ذلیل و ست فقرت - در آورد و در پیش این نکاح ، من یکی از اعضای فعال گروه عیاشی این خانه شدم ، و این وقتیکه که این خانم برایم محوطه نویسیه خاطر عرضه حسن جوانم به مردان وحشی صفت که در برابر پشت پولی شیی وساعتی را کارم سرمیکردند و من به تنهایی ناگزیر بودم ، پرداخت آنها را طوری بکم که در لندن میخواست ، وقتیکه باید بداند آن اشخاص مرضی های جنسی در وجودم از این فعالیت ! ابا میوزم محکوم به اجرای همه امور خانه میشوم - خانه بیکه همیشه مهمانان بیگانه و مشتریان وحشی با آن سروگردا شتند ، شوهر که اصلا در اندراب زاده شده بود و بعد بی از اعضای فامیلش آنجا زنده می میکردند ، مرابانجا انتقال میدهد و دوباره ازین فحاشی میخواهد و اما حال دیگر مسرفی

بدش جنسی دانگم شده بود که باید ابا میوزم و کارهاییکه باید در آنجا انجام میدادم ، بالاتر از توانم بود - باید زیاد تر زنج می کسیدم و روسان ناگهان دین صفت ترا خودم را میکشیدم - روزها از درد و سوز سوز بالاتر از زنجی نباید میداشتم - ناگزیر و بیکار بودم ست به دروغ میزدم ، یعنی فرار میکنم - با تقبل دهه های شوری و بی عشق راه کابنیل را پیش میگیرم ، در کابل هر شبی را باید نزد معاند آزادی گاه در منزلی - گاه در سرای - گاه در کانی سرمیرساندم ، برضی ام شدت پیدا میکند من مرده بودم و از روی بد فون شدنم رانینا همه احساس مسر رسیده میباشتم و چندی بعد دوباره راه خانه ماد روشهر را پیش میگیرم ، اما بعد از اینکه تضرع برای معاف ساختنم از روسی گری میکنم و برضی ام رادلیل من آوم از توجه و مهربانی های بهترین بی بهره می شوم

این اجتماع بود که وادانم به فحشا کرده بود - اجتماعیکه تنها از کثافتنهای آن بهره داشتم ، هرگز کسی ازین دعوت به پافتنستن نکرد ، هرکسی به دست نظیر سلام دانگم بخاطر فروش جانم و بد بگری به خاطر برداختنهای جنسی اش - و من در رانینو از نیازهای منستن - این بزرگترین اشتباه اطلاع بوده ام

د بوی نگذشت که شوهر دوباره از زندان آمد همراه چنگ بود - لیس دادند به اتهام اصلی ام (فحشا) بلکه به اتهام سزقت پول و جواهرها زخانه اش و لیا را محکوم به جارسال حبس کردن و دوساره زخم محدود زندانی برین تحصیل شد - محیطیکه هنوزم انتظارها را دارم ، محیطیکه در آنجا بی تفاوت ترین خبر برایم رسید ، خبر مرگ شوهر ام بود و من بعد از سوری نمودن میخانه توقیف ، در منزل مادرش به ادا زنده می گری محکوم گردیدم و کمال بعد از این آزادی کسی از طریق تلیفون عشقش را به من بازگفت - کسیکه نمیشناختمش - اولین بار در سینما و ده گذاشتم - اولین بار یک مرد برایم از عشق گفت و او بخاطر ازدواج با یک روسی از خانه پدرش رانده شد - بعد از ازدواج متوجه شدم که او توان دادن نان من چه که توان مصارف احتیاج خود را - ندارد او معتاد هیروین است ، بدون اندک مخالفتی نظرم را تایید کرد که برقص پول بیاورم ، بد تیرا در اینجا و آنجا در این محفل وان - محفل رقصیدم و اما نمیدانستم که باید برای رقصیدن نیز اجازه نامه داشته باشم - به کشته کتور رفتم بعد از شرایط لانم برایم کارت دادند - که تا حال به اعتبار همان کارت در حلقه مردان مست و سی خود چرخ میخورم - پول میگیرم و براسم ظلم را که هنوز کدک بکماله است ، بنام میدهم و به تکه های میچوم ، چرخ میخورم پول میگیرم و شوهر معتادم را مرفوع میسازم

من حالا (کل بی بی) نیستم - او در دوازده سالگی مرد ، من (سهیلا) شده ام ، (سهیلا) بیکه شرم سرخروی (سهیلا) هاست سهیلا بیکه شرم هر دخترترین است

شبهات برقص روزها میخوابم - بدرکود کم از هر اس جلیب نظامی و عسکری در خانه رامین رانگاه میکرد تا بندی شد ، او بیخود تر از من است من بر یاد رفته ام و از فرقی در بر یاد ی اعتقاد است

بگذر حالا دیگر که در غریبترین یک زن - بی حجاب زنده می اش را چنین قصه کند که ، دیگر زاده از این برای رسوایی چیزی باقی نمانده من در پیشری بزرگ شدم و پیشروی عادت شده ، پس از چه باید شویم ؟ چرا باید هراسید ؟ تعمان نگاه نکرده ام ، احتیاج و انسانهای سنگدل و معامله گرش برین ظلم کرده و نگاه کرده اند ، اما حال دیگر شاید بد زنده باشد و از قصه ام آنقدر رنج ببرد تا ببرد ، کاش چنین باغور میبود

مردانیکه در دستم خوابیده اند ، از قصه ام سوخی خواهران نویسنخ همسران شان کنند کاش چنین نیرو پیدا شتند (معامله گران از قصه ام دست به کیسه هاییشان بزنند و دیگر از معامله انسان آنها برکنند کاش چنین تقوی میداشتند

و من از قصه خنده کم - آنقدر خنده کم تا بهیوم ود دوباره زنده شوم و تقدیر بوم یا که اش باشد کاش چنین خوشبخت میبودم

من سواد ندانم اما زبان سواد زنده می ام است - زنده می این بزرگترین اشتباهیست که مجازاتش را با خود دارد و از گردن شزبان من در دهانم پادستد بگری در بر گهای کاغذ ترسم می شود

من نه گم نه اسلام - نه زنده و نه مرده - تعمان بی انسانیت که سیم است برین است و منم در بزرگ شرافت و خوشبختی است از من کوچیده ، شاید خدا چنین خواسته که این بد و خوشبختی و شرافت را به انانی از زانی بدارد که توان م فون شدن در زین و جها و آشوب بی عشق راند ازند و باز روسی ها که این توان رادانم - بر ما تا اوقت این آشوب روایند داشته شده که چون فریاد از ستاری زمین تا بیکران نایوبد شوم ، زنده می طومار آماز شدن است و بیگر طومار زنده می و من آغاز شده ، انجام شدم ، مانند آن قناری که زبانش (زنده می اش) را - گرفته اند و انیش را بیخود مپا فریاد و گور خود را میقتصر حرم میکند



آیاتاسی و خیل میرمن یاستی

دغه
ازمایش ساعت تیری
ده، مگره بحان بوری
بی هم بایسد و تری
حتما تاسی ته خیل
د کجکاوی حسن اجازه نه
درکوی، ترخومو خیل بحان
نه و نی ازمایش کپی چی
ترکوم اندازی بسوری د
کورنی له بحیرکو میرمنوخچه
شمیرل کیزی

۱- فرض کوچه تاسی به کورکی
خو ضروری شیان نه لری، او د
بازارخچه یوازی یوشی رانیولا
شی، کم یوشی به تاسی اول-
واخلی.

الف - یخچال ۳۰ نمری
ب - تلویزیون ۵ ۵۰ ۵۰
ت - د کالیود مینه معلوما شین
۲۰ نمری

ث - بالابوش ۱۰ نمری
۲- آیاتاسی همیشه خیلند کالیو
الماری تنظیموی.

هو ۲۰ نمری
نه ۱۰ ۵۰
۳- آیا هر هفته خیل کور همیشه
به هغه معینه ورخ جاروکوی.
هو ۲۰ نمری
نه ۵ ۵۰
۴- آیا مخری له دی چی میلانه
موکورت راشی، کولای شی تمول
خوراکی مواد به اشترخان کس
تیار کپی.

هو ۸ نمری
نه ۲۰ ۵۰
۵- آیا کم وخت داسی تصادف
واقع کیزی چی خیلو، میلنو ته
سوی بوپوی، مخ ته کیزی دی.
هو ۱۰ نمری
نه ۱۵ ۵۰
باتو به ۹۳ ۵۰

کلیسیونهایم راه دوست دارم

ساخته و برایم امکان داده اند که
مناسبات گسترده با رادیوهای -
خارجی بخاطر گشتن پسته هایم
داشته باشم.

زمری علاوه بر کلیسیون پسته،
دو صد و بیست نوع سکه های تازه
از افسانه از سی کشور جهانرا که متجاوز
از چهارصد سکه میشود نیز دست
آورده، دسکه های این کلیسیون
نوجوان سیمای تانخ سرزمین هاو
طل درازنه، تانخ چه درسیکه
خط وجود داشته وچه قبل از آن
برجسته است.

زمری سهار از این سکه ها
از بیست و پنج کشور جهان یکصد و بیست
نوع بانک نوت را نیز در البومها نگه
داری میکند.

اوارزو دارد تا با کلیه کلیسیونان کور
تماس، تبادل و تعمیم تجارت
داشته باشد چه تازه از دو سال به
اینسوراه برادرش ابراهیم سهار
زاد بخش کلیسیونسازی ادامه
داده و بارهنمایی و شوق مستقیمش
به حفظ و تنظیم این کلیسیونها دست
یافته.

کلیسیونر مابین سال آموزش را -
پهوسه اول نمره، مومو و صفی بوده
از ذوق و سلیقه، عالی برخوردار
است.

کلیسیونهایم هر کدام تصویر
و قسه بیست از تانخی و دورانی وطنی
هأمر ابا هغه سرزمین ها و ممالک ایننا

منعنه، کلیسیون سازی
در کورما پدیده بیست نو، معدود
از کلیسیونران کت، گوگرد، عطریات
شبیخ، سگرت، پسته، سکه و
بانک نوت و ۰۰۰ را سرانجام
زمری سهار نوجوانی که متعلم
صدف پنج لسه، انقلاب است یکی
از این کلیسیونرها میباشد، وی پسر-
پست هوشمند و دقیق، او اکنون با-
کمال علاقه مندی سه هزار پسته
مهر خورده، اضافه از ۴۰۰ کور-
جهان را با سلیقه، لازم حفظ مینماید
بسته عابری که با نظم خاص در البوم
ها تنظیم شده اند، سببهای -
اند از عرصه ها و حیوانات گوناگونی
جوامع مختلف بشری.

زمری سهار که از شوق و
حمایه، فامیل، بخصوص برادرش -
ابراهیم سهار برخوردار است، در
حفظ و نگهداشت کلیسیونهایش
سخت دقت دارد و میگوید:
(کلیسیونهایم را مانند کتابهای
درسی ام دوست دارم، این پسته
هأمر ابا هغه سرزمین ها و ممالک ایننا

سه هزار
تکت پستی
در یک
کلیسیون

اختراع پاپیروس

و دلتای نیل در آن هنگام فراوان یافت می‌شد، مصریان مخز این گیاه را بصورت نوار می ساختند و نوارها را دولا و سه لای بصورت چلیپایی روی یکدیگر می‌گذاشتند و پس از سر کردن آنها را با فشار بیکیه‌گیری چسباندند و سپس آنرا صیقل میدادند و آنرا به صورت کاغذ نوشتن استقا د میکردند.

ناگفته نباید گذاشت که کاغذ های راکه امروز استعمال میکنند، بسیار بعد تر از پاپیروس اختراع شده اند.

درجه اهمیت قرارداد داشتند اما آثار طولانی ادبی نیازمند نوعی کاغذ بود.

مصریان باستان مساله نیاز به کاغذ را با اختراع پاپیروس حل کردند، پاپیروس ماده نوشتن مناسبی بود که از مغز علفی بنام بردی Bardy بدست می آید و دریا تلاقها

حظنویسی انگاهی ارزش اجتماعی خود را بتمامی اشکار ساخت که انسان توانست ماده بی را اختراع کند که به فراوانی و ارزانی در دسترس باشد. واضح است که تا زمانی که خط نویسی منحصر در آن بود که خطوط را روی سنگ حک کنند، استعمال آن محدود و به اموری می‌شد که در نهایت



میزند و باعث آسیب دایمی یا شروع تشکیل سرطان میشود. یکعده از سلول های که از این طریق مورد حمله قرار میگیرند شجریه بیماری کشنده لوکم می شود که سالها بعد ظاهر میگردد، همانگونه که سالها پس از انفجار اتمی در هیروشیما، موارد آن پیدا شد.

که علت آن احتمالا از اثر اختلال عمومی میتابولیس سلولی سبب تعداد بیش از حد ریشه چه ها یا رادیکالهای است که در کارواکنش های انرژی وقفه ایجاد میکند، مقدار کمترین اشعه که البته باز هم خطرناک است (میکانیزم سنتز اسید نوکلئیک) پروتئین لطمه

نشر بیش از حد اشعه اتمی که فی المثل بر اثر تصادف در حمل و نقل (پیل) هسته ای تراوش میکند، یا بر اثر تماس مستقیم با بمب ها و یا از سقوط آنها ناشی میگردد، و اکنش های شدیدی در همه سلول های آسیب دیده ایجاد مینماید

تأثیر اشعه اتمی بر موجودات زنده

کیند
س از شهر مزار شریف:
س خانم نام که بسیار کم خلی، بد برخورد و بدگذاره است زندگی راتلج نموده معما گویند چکار کنیم که زندگی را به خوبی آرامی بگذرانم!
ج: برادر عزیز! خانم نام بگیرد تا خانم اون نام سرعفس بیاید.

چرت عروسی خود میباید که به چرت بوره هم نمیشود.
راسیه احمدی از کلوله بشته متعلم سنه ۱:
س: گفته بعضی دوستانم سواد چندانی هم ندانم قساره ام بدگو نیست، آواز را چه عرض کنم، میخواهم نظامی شوم چکنم؟
ج: همی، واسعه پیدا.

حالا که پرسیدید... حومه خواندن دروس خود را - هم ندانم!
ج: کلان ۱۹۸۱ را بید کنید.
خانجان از صوفی مویل:
س: محشر ستار نواز خوب مامجرود است اگر نیست پس چرا خوب من نوازم؟
ج: محشر نامزد است و در

بقیه از صفحه (۴۵)
است و حالا کامران مدت بسیار و چار دختر دارد، خودش میگوید تعداد بچه ها و دخترها باید مساوی باشد ورنه برایم شوم است مرسیه از بوختون لایل:
س: چه کنم که علاقه به مطالعه پیدا کنم، حالانکه حتی

است. اینها انواع منسوجاتی را از لباس شبانه گرفته تا خیمه مخملی هندی که با برگه های طلایی تزیین یافته در بر میگیرد. فرانسیسکا گالووی آمرییکایی - صنعت اظهار میدارد: ((در پنج سال گذشته بازار منسوجات رونق گرفته است. تازه ترین منسوجات در لجنی لباس قرن بیستم است که در حال حاضر موزم ها خیلی زیاد مایل به خریداری آن اند.))
موزم استرالیایی بخاطر پیراهن ساده، دراز و چین دار ابریشمی و جاکت بخلی که کار طراحی ونیس آقایی ماریانو فورتونی بود مبلغ (۷۰۰۰) یوند پرداخت.
انتونی سپینک بانگامی اخترا آمیزه گذشته ها اظهار میدارد: ((برای بیش از سیصد سال جنسیت و کیفیت اساس فعالیت ما را تشکیل داده است. آنچه که موجب خوشی من میگردد اینست که مستند رد و معیار مانست به گذشته بالا رفته است.))

مرگاه بهترین

بقیه از صفحه (۳۹)
در منزل فوقانی اند ریولیترا ند باید الهایی سروکار دارد که از فتوحات معروفی از قبیل ترافالگر و واترلو و مبارزاتی که سالها قبل به باد فراموشی سپرده شده است از قبیل جنگ جین (۱۸۴۲) - اوی سینا (۱۸۶۷) جمووکشمیر (۱۸۹۵) سودان عهد خدیف (۱۸۹۶) نمایندگی میکند بروی اکترمد الهایی برتانیوی نام گیرنده مدال، رتبه و رشته خدمت او موجود است. برای علاقمندان جمع آوری کننده مدال تاریخچه برنده مدال وکامروایی های او بخاطر کسب مدال دلچسپ است.
یکی از دلچسپی های تازه سپینک تک باب -

قو طاسیه فروشی
علی گلرین
متصل کلینیک مرکز

ادیان عمده هند

۲- ریشه و اصل تلم ریج ها در تناف آرزو نهفته است
 ۳- هشت راه برای زدودن ریج و درد وجود دارد به این شرح ایمان درست، اراده درست، گفتار درست، کردار درست معیشت درست، آگاهی درست، اندیشه درست، خلصه و حال درست.

این آیین در سیلون و بنما به شکل ساده ترینام ((هینیا نه)) باقی ماند، در کوریا و جاپان به نام ((مهایانه)) و در تبت به بنام ((لاما)) وجود دارد.

در هند و چین مذهب جدیدی به نام آیین کائود ایا بود یسم جدید رواج دارد که مقدسات سایر ادیان را نیز مقدس می شمارند.

۲- جین

یکی از ادیان است که در قرن ششم قبل از میلاد، همزمان با ظهور دین بودیسم رواج یافت. اصول اخلاقی این آیین مبنی برین استوار است که به هیچگونه جاندار، هیچگونه بدی و آزاری نباید روا داشت.

آیین جینیسم از پیروان خود، زهد و خود فراموشی طلب میکند و برای روز ارزش فوق العاده قایل است، بر اساس این آیین هرکس برای رستگاری باید سه گوهر معرفت، ایمان و تقوا را رعایت خود فرار دهد.

شبه جزیره بزرگ هند سرزمین فرهنگ، عبادت و مذاهب مختلف است به قولی دین سرزمین در حدود سه صد کیش و آیین وجود دارد. اما عمده ترین ادیان سرزمین هند عبارتند از:

۱- برهمنی

دین اکثریت هندی هاست، این دین منحصر به ریشه هندی دارد، شاید آغاز این دین هشتصد سال قبل از میلاد باشد، بزرگان و کاهنان برهمنی - برعین نامیده میشوند، کیش تلیت از برهمنی شروع شده (ویشنو - برهما - شیوا) است، به همین دلیل خدای خود را به صورت انسان دارای سه سر انتخاب کرده اند، رسالت این دین با برهما (رشن) است، که از زنده گی آن اندکی آگاهی وجود دارد.

۲- بودایی

آیینی است که پیروان آن تابع بودا هستند، این دین ابتدا شبیه به برهمنی بود ولی ظاهر پر دازی کمتری داشت. اصل اساس این دین عبارت از اینست که حیات ریج است و هوس زاید و ترک نفس تنها وسیله رهایی ازین ریج میباشد، کمال مطلوب دین بودایی عبارتست از وصول به ((نیروانا)) و یاخنا.

اصول عمده بودیسم عبارتند:

۱- جهان سراسر ریج و عذاب است.

بقیه از صفحه (۸۵)

درسهای موسیقی

ولی در هند قبل از قرن نهم الفبای موسیقی ذیل مروج بود: کهرج، رکهب، گندار، مد هم، پنجم، دهیوت، نکاد یا نشاد که با وجود آمدن موسیقی غربی - بندانی، نوع موسیقی کلاسیک تا امروز الفبای اختصاری بوجود آمد که آواز خوانان کلاسیک معمولاً در آثاری خوانند نوع اختصاری آنرا سرگم میکنند مانند: ساسری، گه، مه، به، ده، منی، سا، نوت؛ وقتی خواننده در آثاری آواز خوانی نام از الفبای فوق میگیرد آنرا ((سرگم)) میگویند همچنان یک نوع الفبای موسیقی در ایران هم موجود است مانند: برده، اورده، میانین، زینمایا، نمایان، رونمایان، محسوس، هنگام. این بود خلاصه از ظهور الفبای های موسیقی که زیاد تر امروز در دنیا مروج است و جمعا این هفت سر را به نام سرهای طبیعی یا Natural tone و در سانسگرت به نام بلاول یاد می شود.

کارته نو تعمیر سینمای اقبال

قطاسیه فروشی ارزان

دیوارهای (۵۰۰) ساله

و مقبول سما نمودند.

بقیه از صفحه (۲۷)

واقعاً که ارمن ها، گورجی ها، بلغاری ها، - پولیتدی ها، سنگ کاران بهار خوی بودند اما با آنهم برای بار اول جهت اعمار این دیوار استادان روم قدیم دعوت گردیدند. دیوارهای کرملین به محافظه گاه معمولی - گنجینه معنوی جهانی، مبدل گردید. در کرملین سکواتار هنر و باستانی استادان بزرگ هنر حفظ گردیده است. کرملین سکو - همین انسامیل روس - در شکل معنی و مفهوم معمول وحدت بدون اعمال به زور و تشدد شدن بیشتر مردم روسیه و دیگر مردمان روز زمین گردید. دیدن کرملین توجه جمعیت گهبر مساحیان، نقاشان، شعرا، و اشخاص دارای حرفه های مختلف را بخود جلب نموده و برای ایشان لذت بخش میباشد. حتی در قرن شانزدهم خارجی های که از سکو دیدن نموده بودند کرملین را یک قصر بزرگ

دیوارهای کرملین بیشتر از دو کیلومتر طول داشته که با در نظر داشت شکل اراضی منطقه به روی خط منکسر طوری که از هر برج میتوان تمام نقاط دیگر را مشاهده کرد، اعمار گردید. تمام برج های بیست گانه کرملین سیمای مهندسی اصلی خود و نام خود را دارد. دیوارهای برج های کرملین از خشت های خوب تکمیر شده سنگ ساخته شده که هر کدام آن تقریباً هشت کیلومتر وزن دارد. معموره چلیپا مانند از مصالح ریگ و آهک دیوار ها را عملاً محفوظ نگاه داشت گرچه آنها نیز بخش های مشکل سار بوی تمام قلعه را: حملات، حریق ها، فیرهار توپخانه، انفجارات، و تبق ها را متحمل گردیده اما با حملات رهاروی هیچگاه متصرف نگردیده بودند. این دیوار نیمه ای از هزار ساله ایستاده و بعد از صدمت های مختلف هر مرتبه محتاطانه پوشش ها و خشت های آن تجدید ساختمان گردیدند.

سیر درد

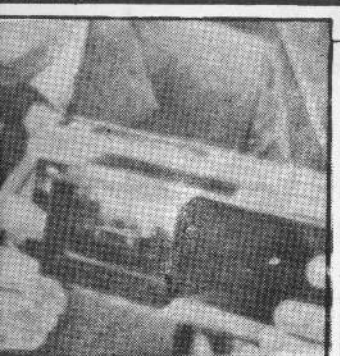
بقیه از صفحه (۸۲)

در هم پیورده، آنچه های
سکن که پالان میراها شکر خوردن
دانه و احساس درد را تخفیف
مهد و در طبیعت آسانی آنطوری که
هست باقی میماند یعنی نمیتوانیم
کرکتر و احساسات خود را تغییر دهیم
رضی که موجب بیماری میگردد پس
استغناء مواردی که چگونه در
شرایط کلی ما آن برخورد صورت می
گیرد همیشه تغییر یافته نمیتواند
برخی اشخاص حتی میباید خیلی سا
بهر رانیم میمانند و اینرا خیلی جدی
تلقی میکنند • بعد از گذشت لفظه ای
این بیمار خواهد گفت: (پساله را -
کاملاً درک کردم ولی نتوانستم چیزی

احساسات را بگیرد) ولی در واقعیت
امر چنین کاری را نمیتوانست -
ساختار خوش وضع زنی او چنین
است
سردردی ها بسیار بسیار
ها از فصل بهاری های معده، جگر
کلیه ها و روده ها همراه است -
انفیه سردردی هاست که در تولید
تاریخات های متین قنرات بخصوص
قنرات ناحیه رقیق، رما تسم
بیماری های گوناگون تلقی نیز میز
مکند • در واقعیت امر، تمام -
بیماری ها سردردی را با خود دارند
و از همین جهت است که دانستن
طل آن لقب هر مهم تلقی میگردد و نه
باید که ط آن راه درست تدای
راندن با هم
در اغلب حالات، ظهور سردرد
دردی برای بیمار آشناست -
معاون یک قاعده، بیمار رقیق -
های کلی خوش را برای مبارزه با
سردردی دارد • این روش های
تداوی صرف شکل طبیعتند
بلکه اشکال خوب فلکوری -
وجود دارد • بیمار شکست برای
لخته کتاه قسمت خارج، جوف

اف (بالای بینی) را با انگشتانی
محکم بگیرد (برای یک دقیقه در
فضای آزاد) بیمار با این کار احساس
بهبودی خواهد کرد • این عمل را
میتوان تکرار کرد • یا اینکه سر را
می توان بایک تکه نازک مک
بست • این تکه را تا ابروان و -
کوشاکش گنجد و پوست پیشانی
کش بکشاید • این کار با بسیاری
بیماری های سردردی های ناشی
اینهمه آمدن فشارخون دارند که
نهاد میکند
در سردردی میتوان با فشار پا
ها در آب گرم بپوش کرد • هر چند
از آب خیلی گرم نباید استفاده کرد
در صورت آن تهیه مگس آنچه که
طلوب است بدست خواهد آمد •
از پلاسترهای خردل میتوان در
پشت گردن و بین تخته های شانه
یا روی قفساق ها استفاده کرد
ولی این پلاسترها را نباید بکاره
روی تمام این قسمت ها گذاشت
ساز خودی قسمت های -
متنفر سردردی میتواند مفید ثابت

شود • چین فشار متوسط بر روی -
قنات دردناک سر می تر بوده است
استفاده از مرهم ها مانند مرهم
پلنگ تشان روی پیشانی و شقیقه
ها میتواند خیلی مؤثر باشد • گاه
گاهی با بپوشیدن بعضی سطحات و
مطلوب ها یا بخار آمونیاک سردردی
بطرف میشود •
هرگاه در حالیکه روی جاده
راه میرود چه سردردی دچار
شده که شکست ناشی از نوشیدن
روی پیشانی باشد • شال یا کلاه
تا نرا تا ابروان تا پایین میباید
گردد • این کار جذاب معلوم نخواهد
شد ولی خیلی بهتر از آنست که به
سردردی ناشی از شنگ خوردن کی
مثلاً شکر که میتواند شکست
دوامداری را برای آن بیاورد •
باید چارشدن به سردردی
ها معمولاً میدانیم که چگونه
با آن برخورد کنیم • ولی اگر
سردردی برای بار نخست باشد
باید وام پیدا کند و وضع بدتر شود
پس در آن صورت باید فوراً با
داکتر مشورت کرد •



پرده شفاف تلویزیون

الکترونیک شوروی آخذ و
تلویزیونی کوچک را بپارد •
تعمیری که از کریستل مایع ساخته شده و فقط دارای ابعاد
۲۰ × ۱۰ × ۶ سانتی مقرر

مجله تلویزیونی

بقیه از صفحه (۷۷)

نوه مورد سوال قرار دم • هر
چند که طرح های در زمینه
بهبود آن همین اکنون هم در
سردام •
س - ایاصمیم افراد اید که مجله
تلویزیونی به یک مجله فزونی
و خانوادگی بدل شود تا همه
مجله هوشمندتر •
ج - هرگز! نهراتلویزیون برنام
های فراوانی برای خانواده ها
دارد • برنامه زن و خانواده
کودک و اطفال • جوانان
نمایشهای تلویزیونی • برنامه
های فزونی و شغلی، فلم،
سپال و •••••
س - چه بچهار باشکالی در -
راه ساخت برنامه، ثان وجود
دارد و ایا طرح و تهیه برنامه
چقدر به اراخ روان و آراش
زندگی ثان صدمه میزند •
ج - تهیه برنامه بی چون مجله
تلویزیونی هر چند که در گام
نست و سهل ساده به
نظر میرسد، اما، حقیقت این
است که دشواری های فراوانی
دارد • این دشواری ها اگر از
یک رنگر امور تهیه برنامه را
در بر میگردد که مربوط
تهیه کنندگان برنامه میشود،
از سوی هم، محدودیت ها و
امکانات اندکی هست که روال
بهبود برنامه را صدمه میزند
از کم بودن وقت محدودیت کانس
بودن امکانات و عدم منابع •
تصویری ضربه که بگذرد، گاهی
زنجیر دست و پاگیر پالیسی و توجه ها
سیاسی، اقتصادیه • کار را برای
ما محدود میسازد که بهتر است از

سدید

بقیه از صفحه (۳۱)

مرحوم (سدید) طی دوره
کارش بی نهایت اعتماد فلم درهلوی
سناریو نویسی برای هنرمندان
و دست اندرکاران سینمای کشور
لکچر های نیز تهیه می نمود •
مرحوم سدید قبل از مرگ
اش شش سناریو آماده کرده که
دو سناریو یان را عباس (شیان) و
کارگردان ورزیده سینمای ماکسیم
وینام های (ستاره گان نمسی
میزند) و هیرت فلمی تحت
ساختار است و یک سناریوی دیگر
ان تحت نام (تلاش) بوسیله
موسسه هنری قیس فلم درجریان
فلمبرداری قرار دارد •
داکتر غلام محمد سدید
در شان سه شنبه مورخ ۲۹ حمل ۱۷
ساعت ۲-۷ دقیقه در حالیکه

دوساعت بعدی ان ماشاهد
نمایشی صحبت وی بهرامون
صدمین سالروز تولد ی نایفه
سینما - چارلی چاپلین از وری
نشرات تلویزیون جمع شوری
افغانستان بودیم به عمر ۴۳ سالگی
وفات یافت •
آخرین کارهای او به سان
اشکهای که در رخساره شمار
می بندد و خشک ویه گونه
لبندنی ناتمام به تمام شدن
زندگی او ناتمام ماند • ترجمه
نما بشنامه تیاتری او بنام
(بدن شکست را خورد کنند)
برنده جایزه اتحادیه هنرمندان
گردید، این آخرین یاد اش
بود که هنر برای او اهدا کرد •
و چی غم انگیز است این برای
کسیکه با هنر زیست و در راه هنر
و جلاش آن تلاش ورزیده و سر
انجام حباب اکسا پس رستر

حسرتی از نفس انتاد •
اعظم جوهر هنرمند شناخته
شده را که یو تلویزیون و سینمای
ما در رابطه به شخصیت فرهنگی
مرحوم سدید گفت: (مرحوم
داکتر غلام محمد سدید گذشتگان
خواهرزاده من بود دوست
بسیار صمیمی من نیز
بود • مرگ ناگهانی او برای
من نیز سخت رنج آورده شد •
داکتر سدید انسان خوش
برخورد، خوش قلب، متمدن
با دانش متواضع و صمیمی بود
صحت ها و معلومات های علمی
وی در بخش های مختلف برای
حفاظت ان هنر فرهنگی ناب
استفاده بود • من شخصاً
در بخش سناریو نویسی از مشوره
های سودمند وی بهره میگیرم،
مرحومی دارای دو فرزند، یک
دختر و یک پسر بود دلپسنگی

نظم معده

بقیه از صفحه (۹۱)

یک نوع بکتریا را در معده اتویسی شده و بعداً
در ۱۹۴۰ Fred Berg این بکتریا را در
انسان معده مرض گسترگستگویی شده، دریافت
نمود، در ۱۹۲۹ در استرالیا G. R. Warren
در شفاخان Rogalpearl این میکروب را در ریه
شیمی معده تشریح نمود و کلچر نمود و بالاخره
تدقیق بیشتر یک ترکیب
Tindazole + Amoxicillin را محو میکند
گردان این واقعیت دیگر تداری گستریت عا
وزخ معده، نه فقط به اساس تنزیل اسید معده
که ممکن در اکثرها "مریضان قیلا" کم باشد، میشود
بلکه با محور و نابودی عاجل این ارگانیسم از معده
و تعقیب مریضان، تداور گردند و ناگفته نماند

مریضانیکه با محور و نابودی مکل این میکروب و تدای
مکل جواب نمیدهند، ممکن علت مریضی شان چیزی
دیگر غیر از زخم معده باشد، ممکن فقط حجای
حاجز و ابز و فسزیت رستند رم ایتیبالی باول و غیره
باشد و ناگفته نماند که بعضاً "مریضان ناقل میکروب
بیلورن صواب سیمی نفع و گاز هلو توسر و بدی
بوی دهن، توسع پلن بعد از غذا - عارق زدن
مندا ام بوده که با تدای میکروب تمام امراض از بین
میرود • در اخیر باید اضافه شود • گرچه اسید
معده در تولید قرحات رول دارد ولی تنزیل تخریب
مقاومت میکرو را بعهده درانتعاش توسط بکتریا
بیلوری برای تاثیر فکوریته و بقت اساسی قرحات
گستریت ۱۸ میزمن میباشند (دکتور روح اللعویان)

یک نوع بکتریا را در معده اتویسی شده و بعداً
در ۱۹۴۰ Fred Berg این بکتریا را در
انسان معده مرض گسترگستگویی شده، دریافت
نمود، در ۱۹۲۹ در استرالیا G. R. Warren
در شفاخان Rogalpearl این میکروب را در ریه
شیمی معده تشریح نمود و کلچر نمود و بالاخره
تدقیق بیشتر یک ترکیب
Tindazole + Amoxicillin را محو میکند
گردان این واقعیت دیگر تداری گستریت عا
وزخ معده، نه فقط به اساس تنزیل اسید معده
که ممکن در اکثرها "مریضان قیلا" کم باشد، میشود
بلکه با محور و نابودی عاجل این ارگانیسم از معده
و تعقیب مریضان، تداور گردند و ناگفته نماند

تصویر بردار...

بقیه از صفحه (۳۱)

کرده و دست نشتر سبدم، از آن به بخلصورت تدریج تصویر برداری را آموختم و پس از آن برای تهیه زاینترها به ولایات کسور عزیز و همچنان در مورد به کسور های اتحاد شوروی هندوستان ویتنام، کمپوچیا، چکوسلوواکیا نیز پارک سفرهای داشته از هر یک کدام را برایتان تنظیم و آماده کشور کرده است.

در اجرای اموزار که می توان تصویربرداری استفاده کرده - اینست -

- از میزبند تصویر برداری - تلویزیون و امکانات لنز و کمپوزر تلویزیون و هم از تبادل نظرسنج و جابجایی دیگوان استفاده اعلطسی بعمل آورده ام.
- با امکانات محدود کسره تلویزیون، آیا تلم های نیز فلنجر - داری کرده اید ؟
- بله کارهای در میزبند دارم و توتیب امروصولین محترم اموزهنر و فرهنگیه زمینه اموزش بهتر بود - سترنگد اشتن و سبیل و جهر سوز تکنیکی برای کاربرد میزبند و تصویربرداری با ها و خانه بد و نشی فرهنگیان شان مساعدت نموده تا با نیروی هر چه تمامتر در اجرای اموز این بیشتر و بهتر بردارم.

که نوشته ام در پند ح زبانی، هنر آکت و تمثیل و هو - بالایوم چنین اشعار شعری میباشد. امید دارم قناعتتان را حاصل نموده باشم.

من - برای من جالب من میباشد ابراد رکبتی سوز تا و در زنده گی شما در افغانستان همین انگیزه برای شعر گویی چون نه اشک که در وصف آن شعر گویید که همه اشعار تاثیر در وصف شخصیت های هوایا سروده اید.

«اولاً اینکه عشق به اشعار خودیادم نیست و این نگارنده است و کارهای دول هم از قدری راه راه مغز انسان خارج است چنانچه حرکات مغز و نور و در دوران خون قلب خارج از اراده و انداره انسان است و نتیجه سلطان مغز سوزمین دل و جسمه زده منطبق و استدلالات گوی میکند و حضرت سلطان کبریا عشق امیران مطلق العینان و کلورودل و روح انسان میگرد و مویانند خورشید در فشان همه چیزهای دیگر را از زمین برده تا یکی های گوشه های بدل را در زمین ساخته و تقویت کینه و جدا و بیخ و بن و سرت تا با از زمین قلب تحلیه میکند.

«ثانیاً اینکه بزای ضرورت اشعار خود بیک منبع العلام ضرورت داشته همیشه فکر میگردم چیزی را که کرده ام و میگردی بی در خود احساس میگردم مانند یک آتش فشان منجمد یا شده در حالت قبیل از لفظه انفجار خود را احساس میگردم و این منبع العلام باید حتماً زنده انباشته و چون از یک طرف هنوز زخم جملات در لغت انسان صورت نگرفته بود و مشکل میشد منبع العلام بر وجود اید حتی نامکین نبود و از جانب دیگر چون به مبرهله زیاد داشت و هم مانند جوانهای دیگر بعضاً علم های هندوی و اروپایی را می دیدیم - که در نتیجه مبرهله بالا براد زلم حاصل شدیم منبع العلام خود را پیدا کردیم و بقصد استان را بخودشان میله اینه.

نماینده درین شعر در گزین ریاضی کدل خود به ملک دیگر میفرستیم یک چشم ندیدیم که از آن چشم کسوست این شعر چه شعریست که میخوانند از بقیه از صفحه (۷۵)

مچون قرن

بقیه از صفحه (۷۳)

بقیه این ترانه را در مجله مطالعه نمایند و نگاهته نمایند تمام جزایه روزنامه هائیکه گفته آمد بازنگرند خود در موجود است و یاد رکتاب خانه نامه کابل در صورت لزوم آزادیده می توانید.

یک عمر می توان سخن از زلفا یار گفت در زیند آن میاغر که مضمون نموده است و اما راجع به نشرات مطبوعات هند طوری که قبلاً هم بعضی رسانیده شد، آنرا ترجمه کرده و در یکی از شماره های آینده میبایست منتشر خواهد شد البته در صورت موافقه اداره سب و روز و خوانندگان گرامی اس:

مختر علی مشرتی ایابرسیده می توانم که شمار برای بدادار هندی تان اشعاری سروده اید یا خیر، انشا الله خود خفه نس شوید ؟

عربی صاحبه اصطلاح شطرنجی در لغت هندی نام شعر سروده ام یک و دو صد و در وصفی بکلمه هزارها یعنی ده هزار شعر سروده ام که در جوان شعر بند کور بنام ریخوس شرقی یا قد هوایا میباشد و اشعار مشرق زیاد هم درین باره نوشته ام که در مجلات انجمنی و زیاد تر آن در جزایه و مجلات اردوی هندوستان به نشر رسیده که خدمتتان تقدیم است در بیسوان اشعار مذکور را به مدعو بالا تقدیم نموده ام اگر نمونه ازین اشعار را بجهورتان تقدیم نماید، بقصد آنرا نشر نخواهید کرد زود رصاحه گذشته میباشد شعر را شما خواستید و من گفتم نوشتیم، ما سنا سبب آنرا نشر نکرده ایم که دلیل آنرا میدانم شاید بسه ترم و تراکم مضمون و شعر در چار میباشد البته تمام اشعاری که در سیاه وین به نشر میرسد بسیار عالی و استادانه هست که شعر ناقص من محتوا و ناچیز و اولان ندانستید که در جمله وین تان نشر شود و اکنون که ازین سؤال کرده اید در چه مورد شعر سروده اید که لازم بود یک نمونه آنرا برای تان عرض نمایم اما بدلیل غرق از اظهار آن صرف نظر نویسم البته اشعاری

میباشد جدیداً اختراع نموده اند - قطر این سرده تلویزیونی ده سانتی متر است - این وسیله بر اساس عینی سوسر - کسین استوارس باشد که سلاید رنگه است - منتفا درین جانر عوض سه قشر مواد عکاسی رنگه سبز - آبی و سبزی که انعا در ترکیب شعین جهر رنگ را میسازند (سه قشر کربن پستل مایع را که سه شفافیت خود را در اثر تفاوت پوتنسیال برقی تغییر میدهند) نگار برده اند.

بوده جدید تلویزیونی درین امر پاینده های معمولی تلویزیونی متعابز متعابز دکه برده جدید با مغز فوق العاده که برق کار کرده و همچنین تصویر تلویزیونی را به گونه سلاید در مقابل رویشی بیسوان مشاهده نکردم در این جا از روشنی عادی روز نیز اعتقاد شده من توانم اینچنین اخذ ه های تلویزیون هنوز در هینچ عالی تولید نمی شود.

ولانندی زیاد از حد میباشند بد اینته ولی سخن در شصت میباشد. باز در اینتریک چیز را در میان تمام که همیشه در زمان طولانی در تلام بود وین هموار میگردید تا بر سطح انرا خاصوس سازد البته چه رنگین و چه در زیند دانستد از اهرار که به کسی نگفت در دست زدن آنرا با همدستی واحد نظری کار کردن روزید و سنیما تلم کرده بود خوشحال به نظیر میروید ولی با تاتر که میگرد به سرافض اند در اثر شکسته قلبی چشم از جهان بست و بار در صوبه خود نشانده بجای دکتور غلام محمد طه بد برای همیشه در قلب ما و در جمیع ما خالی است و یاد ها و خاطره هایش در ذهن ما ماندگار روحش شاد بیاید موسی را در پیش

بیشتر و در نتیجه چسنگی بیشتر به چسند با وجود اینکه باید اعتراف کرد که او یکی از جرمهای بود رخش سینما هند و یکی از یاد فرهنگ ترین مردم ترین، خوش برخورد ترین افراد فرهنگی است در جهان نمایش امروزی او به همان بیمانه که در روی برد سینما (اید) جنبه مینماید به همان بیمانه در خارج از حد بوده سینما (خوب) شناخته میشود با وجود پیشبرد نقش های کثیف در باره دست دانستن او در کثافت کاری های رسوایی بخش خرفی زده نشده است فلمازان جرات آنرا ندانند که با این ابراه ابدان میسایلی یکشند که مردم در باره آن حرف صد نفی برزند بعین نسبت در روز و بیرون صنعت فلم سازی از محویت تراوان سر - خورن اراست.

گرمی یابد که به عرض حلت توجه نشانگر به بریم جویره نیز نقش سبازد - چنانچه علم های (ایلی) و (سینا) بر همین منوال بنایافته است تا حال برود بیوسران نتوانسته اند کسی را بد انباشند که جایگزین بریم جویره بنامزدند آنها یک میگردند درین روزگار بریم جویره بیشتر تحریفی خورد و ادعای نمایند که استعمال در نمایشی او را به جلال است بد اند که اگر شور و شوق او نباشند گذشته رویه انرا بیست ولسی رویه کاهش هم نیست بعین سبب با وجود شلوغ بودن بازار - فلمازان از غیر بیخه گان، از نیاز با ویک زده هم کاهش نیافته است برود بیوسره بر عکس تلاش میوزند که در روزهای خود او را نیز نشان نمایند زیرا انعامی اند که فروین نغوازیس از هر فلم بالاتر رفته میروند حتی یک سینما روحانی ندیده میتوانند او، مانند امیتا به چن با تاقیه هر فلم جدید

بریم جویره

بیمارمون فلم کالا بقا را یک تیم اشکارا بریم جویره را چنین ستود (در وقتنگه اقلیم در ای فلم که بریم جویره در آن حدیث اکتور در وقت نفس داشته باشه، خیرت برانگیز است زیرا حضور او در فلم چنان اثر انگنده است که اکتور دیگر ترا و امید آرد تا سوبه غیر نمایی در جها اجرای نقش خود را بالا ببرد) خوش کار بریم جویره در آنست که نمیخواهد مغزین تقلیدی ویک نواخت حلوسه کند او در هر فلمی چیز دیگری احساسی در قالب کرکتر سرده شده چنان حال میگرد که او را زنده میسازد و نشانگر او امید آرد که آن صحنه را میزهی اروا نمیتابد آن این موسوس حقیقت دارد - اگر برود بیوسر یک جفت ستاره (عتر میسگان) تازه، استخراج میکند خود را -

مرد خشن

بقیه از صفحه (۳۱)

(جان واین) سه بار از ده واج نموده و نمره آن هفت نژند و (۱۷) نواحه میباشند و در سن (۵۰) سالگی به موزن سرطان دچار شده مدتی تب ابری گردیده و کسار امروزمی را در هنر فلسفی ازین اژده ستند اولی بتاریخ ۱۱ جون ۱۹۷۱ در شفاخانه بیوروستی لانجلس اعانه مرض سرطان گردید و چشم از جهان بست.

سازمانت کودکان

چه مالک خوبی!

بود و نبود دخترکی بود ،
فرخنده نام ، فرخنده خروسی
داشت و خروسی هر صبح زود از
خواب بیدار شد و دیدگون
بانگ می کشید :

— کیکرکی ! صبح بخیر صاحب !
بس از آن سویی فرخنده دیده ،
از کف دستش هاله هاله بارانبار
خوشی چید و آرام بروی دراز
چوکی که جلو خانه شان قرار
داشت ، کارش می نشست .

خروس برهائی رنگارنگی داشت
و طوری جلایش میکرد که گویا همه
بارون جرب شده باشند ، روزی
از روزها فرخنده نزد زن همسایه
ماکیانی را دید و از ماکیان و
بسیار خوشش آمد ، به زن همسایه
گفت :

— ماکیان تابه من بده و من
در بدل خروس را بشما میدم !
باشنیدن این حرفها خروس
تاجش را به پایین آویختند
و سرش را به زیر انگه چه
این خود مالکش بود که میخواست
ویرابه کس دیگری بدهد ، زن
همسایه با فرخنده این تعویض
را قبول و ماکیان را در بدل خروس
به فرخنده داد ، فرخنده
به زودی با ماکیان دوست شد ،
ماکیان با پرهای سفید خود
احساس گریه و آرامش نمود ،
همه روزه یک بیضه تخم میگذشت
— گنگ ، گنگ مالک عزیز ، از زومندم
تخم ، را با اشتها و مزه زیاد صرف
کنید .

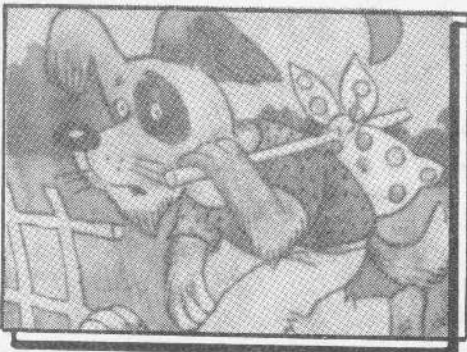
فرخنده تخم را نوش جان میکرد ،
همواره ماکیان را در آغوش گرفته
و بروی برهائی زیبایش بصهریانی
دست می کشید .

یکی از روزها زن همسایه
رو بروی شان همراه پایک مرغابی
به دیدن فرخنده آمد ، فرخنده
وقتی چشمش به مرغابی افتید ، از
مرغابی خوشش آمد و از زن —
همسایه خواهرش کرد :

— مرغابی تان را به من بدهید
و من در بدل ماکیان خود را به
شما خواهم داد !

ماکیان از شنیدن این حرفها
نمکین شده و از تاه ترشد پند
بالعایش جانب زمین آویخته
گردید ، با تأسف ، چاره بی جز

ترجمه : م ، رهتاب



تسلم شدن به سرنوشت ندا —
شت ، چه این مالکش بود که
من خواست وی را به کس دیگری
بدهد .

دری نگذشته بود که فرخنده
با مرغابی دوست همیشی شد ،
یا هم یکجا به دریای رفتند و در —
آنجا مرغابی در کنار فرخنده شنا
میکرد .

— گنگ ، گنگ ، مالک عزیزم
آنقدر رها دور شنایم ، زیاد را
در آنجا زرف است (با این صدا
دخترک دوباره به ساحل دریا
بر میگشت و مرغابی از بی او می آمد
یکی از روزها همسایه بی باک
کوچک و دوست داشتنی خود به
خانه فرخنده ، شان به معناسی
آمد ، فرخنده هنوز سگ را به
قد رکابی از چشم نگذشتند ، بود
که گفت :

— سگ تان را به من بدهید و در
بدل من مرغابی خود را به شما
خواهم داد !

وقتی مرغابی گفتا فرخنده را —
شنید ، بالعایش خود را از روی قهر
به هم زده و از منقارش آواز —
اند و هگینی لرزان ، لرزان بلند
می کشد ، همه بی فایده بود و
چاره نبود ، همسایه مرغابی را زیر
بغل گرفته و با خود برد .

فرخنده بروی سگ مقبول دست
کشید و گفت :

— خروس داشتم که با ماکیانیش
تبدیل کردم ، ماکیانی داشتم و آن
را در مقابل مرغابی به کس دادم
و حالا مرغابی را داده و سگ
قشنگی بدست آوردم ، همینکه
این سخنها به گوش سگ رسید ،
دم خود را جمع نموده و به زیر
دراز چوکی خانه فرخنده خود را
پنهان کرد ، در تاریکی شب
هنگامی که فرخنده در خواب
شیرین بود ، دروازه را آهسته
باز نمود ، و بیا یک خیز به بیرون
خانه جست و یابه فرار نهاد ، در
راه این سگ دوست داشتنی
زیر زبان زوزه میگرد :

— با همچو مالکی نمی خواهم
یک جا زنده گنم ، وقتی
دخترک بیدار شد خود را تک و
تنها یافت .

آیاتناسی د . . .

- ۱- آیاتناسی د یوځای نه
- ۲- آیاتناسی د یوځای نه
- ۳- آیاتناسی د یوځای نه
- ۴- آیاتناسی د یوځای نه
- ۵- آیاتناسی د یوځای نه
- ۶- آیاتناسی د یوځای نه
- ۷- آیاتناسی د یوځای نه
- ۸- آیاتناسی د یوځای نه
- ۹- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۰- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۱- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۲- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۳- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۴- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۵- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۶- آیاتناسی د یوځای نه

په لاس راوړل شوي نمرې جمع کيږي .
د آزمايش نتيجه :
تر ۱۵۰ نمرې پورې :
که غواړي چې د کورنۍ د خپل کور د ميرمنوله جملې څخه وشميرل شي بايد پخپلو کارونو کې نور هم د پيچيدگۍ د نظر وکړي ، تر ټولو د مخکې بايد د دې چې د وخت په موند - اقتصادي وړاندي ، او په ښه صورت سره خپل کار ته سازمان ورکړي .
د ۱۵۶-۱۹۰ نمرې پورې :
تاسې کارکه ياستې ، هر نړۍ - ستاسو په کور کې خپل مشخص تعادي لري ، که چېرې تاسې کوم وخت څه شي بايد ولټوي د لادي کبله چې تاسې تر اوسه پورې د کورنۍ ضرورت پاتې په ښه توگه ندې زده کړي .
د ۱۹۰ نمرې څخه پورته :
ستاسو په کور کې د استقيا خيالي دي ، هميشه يوڅه شي مينځې ، يا کوي او يا جاروکوي ، اما اعتبار ولري چې د کارونه لاندې هم په لږ قدرت او په کم وخت کې تر اوسه تر سره کولای شي ، لادي کبله لږ لږ سوې تر څو وخت وخت لري ، اما بايد هيله کړي چې په دې دن کورنۍ مشکلاتو څخه نور مصر و - فيتونه لکه تياتر ، سينما ، کتابونه او ملگري هم شته دي .



خانواده سوگواراست

فایده . . .

بقیه از صفحه ۳۰
بعد از نسخ نامردی همیشه نامیل ماز طرف اعدا تعهد میدهند ، در پس که صاحب منصب اند همیشه آنها در وظیفه میبودند نامیل ما مورد تعهد قرار میگرفت بولی من هرگز به سران چیزی نمیگفتم موضع را بنهان میکردم تا مباد امنین آنها بر خورد صورت گیرد ، بالاخره بتاریخ ۱۱ حوت سال ۶۶ روز سه شنبه ساعت ۲ آن حادثه المناک رخ داد ، آتش جاوید بسر بخانه آمده بود ، صبح چندین بار صدایش کردم گفتم مگر رگد از خوابم ، نمیدانم چرا خوابم بوره میشود ، وقتی در زده شد ما رینا د ختم رفت تا ببینند کیست همراه با باز شدن دروازه صدای دو غیر مری و فریاد د ختم شنیده شد ، بجای آمد و اړخا از خواب برخاست بطرف برون دوید . د ختم سر انیتا که بیشتر از برادر خود ش ربه قاتل زسانیده بود ، مورد اصابت مری قرار گرفت و لسی برادر خونش را سپهر خواهر ساخت که یک مری در جان خواهر او ۸ مری در جان برادر جای گرفت ، وقتی من به نزدیکی رسیدم خواهر و برادر هر دو د رگوش هم بودند برادر با وجود آنکه سوراخ سوراخ شده بود میکوشید خواهر را از افتادن مانع شود ، ولی بعد هر دو بزین

افتادند ، من بانی لی و سولج عقب قاتل میدویدم او بطرف سرب میدوید وقتی به سرب عمومی رسیدیم ، زیر سینه اقبال همراه با او شارسدوی او را احاطه کردیم ، چون در دستش سلاح بود کسی جرئت نمیکرد نزدیکش شود ، گفتم او را بگیرند تفنگچه مریسی ندارد و بایند شده در غیران من تا اینجا زنده نمرسیدم درین اثنا دو مظن حوزو رسیدند و او را گرفتند ، او را دوباره به محل حادثه آوردند به جن خود اقرار کرد همه جاها را نشان داد ، گفتم بازم می آیم همه را میکشیم و دختر را میبریم .
پس راه شفاخانه بردیم ولی او مرده بود ، طب عدلی ۸ مری را در وجود او نشان داد .
ولی من همان لحظه بخون فرزندم سوگفت یاد کردم او که پس را ظالمانه کشت من او توسط قانون میکشم .
دو دخت زخمی شدند یکی در کرده و دیگری در رطن .
درین یکسال چقدر دویدم روزها بالب و در هس خشک بایین ویلا تا دویدم یکسال مدت کمی نیست .
در طول این مدت بارها از طرف قاتل نعمت الله هغه ما تعهد میدادیم . بارها گفتند شما که خون ربا خون می شویید ما همه تا ترا نابود میکنم .
ولی هرگز از تعهد آنها نترسیده ام زیرا در صورتی که نعمت الله اعدام شود چانس سپم خود را برای نابودی نامیل من از دست میدهد ، اینک نمر مکتوب را بدست دادم که نعمت الله د ولد نور هم بتاریخ ۱۱ ار ۱۲ ار ۱۳ به اعدام محکم شد .
با اعدام او دلم اندکی آرام خواهد گرفت دیگر جسم سوراخ سوراخ شده جاوید که فقط ۱۸ سال داشت مقابل چشم من هزارها بار جان نخواهد داد .

نقش جدید من . . .

بقیه از صفحه ۳۱
من در فلم سفر نقش مصطفی را بازی میکنم که با گروه از جوانان که برای سواد آموزی به قریه دور افتاده میروند و فلم نیز از همین جا آغاز مییابد . و حوادث فلم یکی بی دیگری اتفاق میافتد و - گروه از جوانان به شمول مصطفی با این حوادث درگیر میشوند و - قهرمان متن باد یگر جوانان با شجاعت و پای - مردی با ان دست و پنجه نرم میکند و در مجموع فلم نمایانگر آنست تا آدم ترسو و زبون نبوده و بدون ترس با شجاعت بهتسو میتواند به هدف دلخواه خود برسد .
من از نقش راضی میباشم زیرا اولین بار است که نقش یک جوان تحصیل کرده و روشنفکر را بازی میکنم .
و نقش های من عمدتاً با نقش توری در فلم مسافر و فضل و در فلم مرد هاره قول است فرق دارد .
در این فلم با من سعید اورکزی واسع صدی ، اسد الله آرام - خورشید ، فریده همرا ، انجانا شمس ، موسی رادمنش ، فتح الله بزند ، شاه محمود شارق ، زلمی عبادی همبازی میباشند .
فلمبرد در فلم محترم قادر طاهری بوده و اهنگ از محترم شاد کام میباشند .

دواړې

بڼه ازمنحه (۲۲)

سنت يك تلاشگر اېده ال بود
 بازي هرچيزه مانه شيد اكر -
 خنده دار بود از دل مې -
 خنديد، سهم نگاه ميگردوهي
 ميخنديد و انيس خنده بخود
 مېلزيه د. اين كوشى مراجعات داده
 به تويح تهم پردازم *
 سنت يې مقدمه خطاب به
 ديگران گت: بېنېد اين ادم هر
 كاره است، ولگرد، انا، شام،
 ابيد وار، تنه اچاشق پشه و -
 ماجراجو او ميخواند شما را مقاصد
 سازد كه عالم، مونسين، اشراي
 و بازيگر پولواست و در زين حال از
 بوداشتن تهم سوخته سكرت و -
 شيريني برخاك افتاده ننگ ندارد.
 - خوب من او ريسه خود را
 به پايان ميرسانم ميدانم كه وقت
 و شرايط بر ايم بهمار مناسب بود.
 محبوب مردم سراسر جهان شدم.
 هم دوستم داشتند و هم از من
 نفرت ميگردند.
 بلي زنده گي از ديمه هاشم
 خويشمن و بهتھن رابم ارزاني كرد.

الېه يك كى از ناملمات راهم
 تلاشچيان چارلي بهترهجه
 هاو كارگران بودند، و برخلاف تصور
 همگاني فلمايش تا سال ۱۹۲۰ -
 هنوز مورد عاقله امان و اشرفان
 ترارنگرفته بود، نيز آنها هموز
 خام و هوام پسند بودند. شايد -
 تقاضاي زمان بود كه اناوش رنگ -
 ماهانه داشته باشد. طبقه با
 سواد و تصهيل كرده كى در برتبه
 چارلي عاقله مند شدند و ميانها را
 نتوانستند او را منحرف سازند. از
 ((ولگرد)) ۱۹۱۵ گرفته تا ((كوچه
 درام)) ۱۹۱۷ او دوش ننگ ۱۹۱۸ -
 و ((پسوك)) ۱۹۲۱ او ((زايير)) ۱۹۲۳
 و ((جستويي خلا)) ۱۹۲۵، او -
 ((روشنايي شهر)) ۱۹۳۱ او «صفر
 جديد» ۱۹۳۶ آنچه به نظر مي رسد
 نه دگرگوني بلكه ژرفايي و كامل -
 شدن شخصيت ((ولگرد)) است. حتى
 لباسش كه اتفاقاً بر او بعد از ظهر
 باراني تدارك شده بود كم كم معني
 خاص ميبافت. در اين لباس زنده -
 پوشي از نگاه نجبا، لوكس
 از نظر فقرا، نقش مرسد
 فقير يي همه چيز را بازي ميگرد
 باشجاعت تمام واقفيت تلخ فقيرتھي -

دستی خود را نادیده میگرفت چارلی
 نمونه مردم بی همه چیز و فقیر شد.
 برای تجسم روحیه ((مرد کوچک)) از
 حيله های بصری و تبدیل ناگهانی
 اشيا كه در قلمهاى نخستين به
 كاربرفت استفاده ميگرد. مثلاً در
 ((پسوك)) وقتی چارلي دستكش يي
 انگشتش را بپروم ميگريد تا هم سوخته -
 يي را از قوطي سكرت (قوطي سارھن
 است) بپروم آورد اين حرکت عادي
 را ظهري انجام مدهد كه مانند
 تنفس بسيار ضريف و گرانجا به
 نمر مي رسد. در ((روشنايي شهر))
 چارلي در مهماني مجللي اشياي را
 بي بلعدو از درون شكش صدای
 وصل شنوده ميشود و نيز در كاپاره
 وقتيكه توشه های كاذب با مكرولش
 مخلوط ميگرد. اين دو واقعه هر
 يك عموه براي نكه به جاي خود بسيار
 خنده دار است در ضمن تعاليشگر
 است كه چگونگي چارلي از در و جان
 ميگردد تا هرگز جماعت نشود. تا
 ميلموتوان، دختران، بانوان خوي
 لباس او را در جمع خود ميپذيرند و لي
 چارلي بخوي ميدانست كه كوچك
 مردى هرگز نمیتواند هرگز اين -
 جماعت نشود. سرنوشتش چنين است
 كه هميشه در تاريكي به اهد و انتظا

بسرزد و هميشه با همين درويش نسا -
 اهدى را از خود دور براند.
 شايد در اينكه چايلين در روز -
 گاراني كه مردم به سنن و رسوم
 جامعه گردن نهاده بودند -
 شخصيت ولگرد خود را جلهدهد
 معنائ خاص نرفته باشد. شايد
 چايلين ديگر (صردك كوچك) به
 نورو وايستادگي اش در برابر اجتماع
 ايمان نداشت و شايد احساس ميگرد
 كه رساندن پياش به جهانمان
 بمان صبح تر و مستقيم تر را ايجاب
 ميكد. وان اناكه به نفس و ملامت
 نرواني چارلي ولگرد ديگر بر او -
 اين منظور كافي نبود. حتى ارسال
 ۱۹۴۰ به بعد بافلم ((ديكتاتور
 بزرگ)) چارلي شخصيت خود را كاتر
 گذاشت. تا ازته دل پياش اهد -
 واپس دهد و دلگرم كننده اش به
 كوتهاى مردمان خود شنوده در
 نيرسا و ظلم و استبداد برساند.
 در فلم بعديش ((سپوورد)) -
 ۱۹۴۷ چارلي ولگرد بلكي ناپديد
 شد. در اين فلم كه شايد -
 هميان اميز تھن فلم باشد، قاطعي
 در دفاع از خود ميگردد كه جنليت او
 انا گناه نيست بلكه قيايسه
 آن وحشتناك است. ((قتل يك
 تن انسان را چنينكار همراز ولي
 قتل چندين مېلمون تن باعث افتخار
 است.))

از وي. تاسي و لوستل جسي
 اداري مرستيال د دغي نيمى
 و رخي صلاحيت به زور. تولسو
 د فترتونه د خيل خان د سر -
 پرست والى رسمى اطلاعاتي رسوله
 اود هماغنى و رخي له غرمي و روسته
 چي فنى مرستيال ترجميكي خان
 و رساوه. نوپولود فترتونه يي د
 خيل كالت متحد المال مكنوبونه
 و ليزل. به دوهمه و رنج سعار
 اداري مرستيال بنغه جسي
 موسي ته راي. حال دا چي
 فنى مرستيال له پيښي ناخبره
 به اووه جسي ټكسي موټر كي له
 نورو ما مورينود مخه خان موسي
 ته رارسوي. خوكله چي خو كيدا ر
 ورته واي چي اداري مرستيال
 ترده دمخه راغلي دي. نونسي
 مرستيال د موسي به عومني
 د روزه كي لكه وچ لرگي به خاي
 وچ كلك با تي كيزي. اوسر به
 وگوروي دغه لويه د جابه كټه
 راخرخي.
 (يونم او ملام موزيك دي به
 خيله لوستونكي و غمز وي)
 راوي: كه فنى مرستيال
 موسي د روازي به خوله كس -
 لرگي غرمي ته تكيه نه واي كړي.
 نوبى له شكه به به خلكه راغور -
 بخيدلى واي. دومره ورسره
 بخت ياري وگړه چي د ما مورينو
 موټر و رارسيدلى. كه نوبه
 د غمي وضعیت د فنى مرستيال

ليدل كومه وږه خبره نه وه هغه
 د اداري مرستيال به دغه موقتي
 برلاسي نا اميده نه شو او نيغ
 خيل دفتر ته لاړ. فنى مرستيال
 د دي له باره چي اداري مرستيال
 يي به راتللو يوه نه شي. خيل
 بوټونه يي د دهلېزه د روزه كي
 وايستل اولكه د چرگانو د غله
 غوندي د گوتوبه خو كو خيل دفتر
 ته لاړ.
 (د فنى مرستيال د ورو ورو -
 قد مونوبه گرونه كي دي محترم
 لوستونكي د قمرگلي دغه مند ره
 چي: ((وړو وړو كيد ه قد مونبه
 اشنا)) له خانه سره زمزمه كړي)
 به دغه وږخ اداري مرستيال
 د وږه د وړند درياست به چوكي
 باندي ناست و چي به اړ مونو
 به هم جانه واي و رخنې اړ ولي.
 د غرمي ډوډي يي هم د خيل كار
 ميزله پاسه وخوړه او په دا لويه
 وږخ كي يي ترماز د يگړه پوري به
 چاي روژه هم ماته نه كړه.
 د فنى مرستيال خانه سامان
 حضرت مير چي يو وږخ دمخه يي
 د كيم غروزي كار له باره له فنسي
 مرستيال څخه اجازه اخستې وه.
 به دغه وږخ كار ته نه و راغلي.
 كله چي اداري مرستيال له دي
 پيښي خبر شو. د اجيرا نوچا -
 ضري يي دفتر ته وروغويسته او به
 خيل قلم يي ((نيم روژه)) نير -
 حاضر كړ. فنى مرستيال به دغه

وږخ د چوكي به نه نيولود و سره
 خپه نه و. لكه د خيل خانه سامان
 غير حاشيد لوچي به قهر كړي.
 دوه د ري حله يي تيلفون ته
 لاس ورتير كړ. خود تيلفون له
 لاري اداري مرستيال به يي ا به
 كړي. خو هر خل به يي به
 شيطان لعنت كي او دغه كمات
 يي بل وخت ته پريښود. هغه
 پوهيد چي اداري مرستيال د
 رياست به چوكي پوري ميغ
 شوې نه دي. او غرو به يووخت
 و رخنې پورته شي. هغه وخت
 چي فنى مرستيال يي فال به
 زړه كي نيولي و د رسمي وخت
 پاي ته رسيدل وو. كله جسي
 رسمي وخت پاي ته ورسيد. نو
 فنى مرستيال د اداري مرستيال
 د غافلكير كولو له باره د نورو ما مو -
 رينو به خير له دفتر ته راويست او
 په لوي لاس درياست د دفتر
 د كړي تر خت تير شو او ه داسي
 حال كي چي اداري مرستيال
 درياست د چوكي له سر نه ورته
 د سترگولاندې كتل له موسي
 ووت.
 اداري مرستيال د رسمي وخت له
 پاي ته رسيد و وروسته پوره يسو
 ساعت لا هماغسي ټينگ به چوكي
 پوري نېستي و. كله چي د خيل
 رقيب به تللو ډاډه شو. نو
 د روزه يي به خيل لاس وركولپ
 كړه او كوڅي يي به حيب كي له

خانه سره و اچوله. خو خبره و
 چي فنى مرستيال بله كوڅي
 لا برون تر لاسه كړي وه او هم يي
 د ديوال له لاري موسي ته د -
 بيرته رانوتلونيت كړي و.
 (دلته دي يوازي درياب يوه
 لنده نغمه د خوتانيوله باره -
 و نزل شي).
 فنى مرستيال د ما نيم ډوډي
 به كوركي وخوړه او د سهار له
 باره يي يوه وچه ډوډي او خبو
 ايشيدلى هكي له خانه سره
 به بكر كي و اچولى. د ما نيم
 به خړه كي د موسي به ديوال
 ورواويست او به بيخه زړه يي د
 رياست د روزه و رخصه كړه او په
 خرخي چوكي شيز اووه خرخه
 هاخوا د يخواتاو راتاو شو. كه څه
 هم د شپي د خوب او ملاستسي
 له باره به دفتر كي يونغ او -
 مناسب كوچ هم بوته و. خوله
 دي ويري چي سهار دي ويسه
 و او چوكي يي اداري مرستيال
 ونه نيسي. نوبه يي به هماغه
 چوكي سبارك ه (دلته دي لوستو -
 نكي داسي فكر كړي چي گوندي
 چرگان بانگونه كوي اوله د غمو
 بانگونه سره بيخاي دي د صحن
 بيلولو يوموزيك هم ورسره وزي
 سهار اداري مرستيال بيا
 د خيل رقيب له ويري به هماغه
 پورتي وخت موسي ته راغلي.
 پاتي به (۷۷) مخ

دواړې

915



مجنون قرن...

قیمه از نسخه (۹۱)

راجع به ملاقات های رسمی و شخصی
تان با ناد هویلا میخوامم بدانم

ملاقات ها که زیاد دست داده اما یک بارتی
و یا ملاقاتی که در منزل مد هویلا تقریباً صورت
رسمی در حضور اکثر هنرمندان فنی و ژورنالیست
های هندی ترتیب شده بود که کمی از آن رحمت
منام - ترتیب بارتی در خانه مد هویلا در -
(بندره) بعضی صورت گرفت که از جمله
هنرمندان در آنجایی، نیویاری، دلیپ گماز
نوروزان بلراج سها نی و چند نفر دیگر هنرمندان آن
معروف و علاقه مندان مد هویلا تشریف داشتند
راستی در سفر در خرافان که دو خواهر بود رسید
و حدیث در رحمان فنی شروع بکار نموده بودند
البته از طرف من درین دورات اشتراک داشتند که
اسمهای شان، شاه گل و ملکل بود - بر علاوه روز -
نامه نگاران تایمز اندیا، سکری، اداکار، آنزو
و چندین ژورنالیست های ران یو هند و کهنکشان
فلم ستار، شمع دهلی، فلم نیوویو، حضور هم
رسانیده بودند - دعوت ساعت چارم شروع شد
همگی حاضر شدند - دو هم شیریه مد هویلا، کیتیز
و چندل هم دروازه از مهمانان پذیرایی میکردند
موجهر شوهر همشیره مد هویلا هم تشریف داشت
که او هم یک هنرمند جهان شناخته شده فلم بود
عکاس موزیک گرفته بودند این دعوت رسمی را مد هویلا
با افتخار من ترتیب داده بود - بعد از صرف عصریه
بسیار عالی و مجلل سخن از هر دو زبان آغاز شد
از کابل و آب و هوای آن و سوره جات تازه و خوشک
افغانستان که مخصوصاً بسته برادام، کشمیر
و انگور و زعفران بزرگ افغانستان در هند شهرت
فوق العاده دارد - آهسته آهسته سخن بجاهای
جسارت و بیاریک کشیده شد - ژورنالیست ها را شما
می شناسید - از خدا می خواهند مومنی برای شان
بیا آید که آدم را سوال بپس کنند سوالا مختلف
یکی میگفت چند رمدت بود که ماد هویلا دوست
میداری بد یگری می برسد - سبب و عوامل این عشق
چینت گری می میگفت چرا مد هویلا برای محبت
انتخاب کرده بی و بد یگری می رسید معنی عشق چیست
و من باید همه این سوالها جواب میگفتم، بعد و ن
آماده گی پیش بینی شده یکی به انگلیسی سوال

میکرد یگری به هندی و من به اردو و چارمی
هم به زبان دری - من در بین خیران و سرگردان
مانده بودم که اولتر یکدم شان جواب بد هم
همچنان مد هویلا را میوال بیج کرده بودند که
آیات هم علی مستزنی را دوست میداری یا اینکه
عشق او کفره است یا یگری میگفت چطور است
با او ازدواج کنی ؟
و من درین گمرو در فرصت آنرا پیدا کردم که
کتاب ((وینویس شوق)) را که برای مد هویلا نوشته
بودم و شام ده هزار بیست میباشند - با تشریفات
مخصوص بحضور تقدیم کنم که این صحنه از طرف
حاضرین با یک زده تهازی زیاد استقبال کردید
چون این کتاب را بقلم من نوشته بودم و هر صفحه
آن میناتور و در بزرگ حد اگانه داشت و چندین قطعه
تصویر مد هویلا را رسم کرده بودم که از جمله یک
رسم مذکور مد هویلا را در لباس انسانی که مخصوص
افغانستان است نشان میداد - بنابراین کتاب
دست بدنت کرده بودم و باره بدست مد هور رسید
که او کتاب را پوشیده بالای میز مقابل خود گذاشته
گفت ((این یک کتاب مقدس است برای من که باید
تقدیس شود - بر علاوه امتیازات معنوی آن - این
کتاب و نویسنده آن شهرت فوق العاده من بخشید
که شعر برای یک ستاره فنی ازین نوع العاده
دارد)) - مد هویلا ضمن بیان خوش اخلاصه
نمود: ((تو من لقب وینویس شوق را دادی که این
لقب نه تنها در مطبوعات هند بلکه در جمله فلسف
دای - جست آمریکا هم من بیوگرافی من منتشر
گردیده و اینک مجله مذکور را برای من هم فرستاده
استند)
من از تو بسیار گدادم که قدر و منزلت مرا
انقدر بلند بردی که به ستارگان آسمان رسانیدی
و این برای من راستن مایه افتخار و مباهات است
خیال کنی که من قدر و قیمت تو را شعرا ترا
نمیدانم و یا خلق ناشناس و ناسیاس هستم))
مد هویلا افزود: ((در یکی از جراید فنی بعضی
خوانندم که ترا مجنون من بیست خطاب کرده -
بودند و من این را نمانید نمیکم اگر به معنی جنون
آن باشد و اگر به معنی وفاداری، فداکاری و عشق
باید اریاشده جزای ؟
زیرا تو شاعر هستی نویسنده بود اکثر هستی
پس توانی مجنون عاقل نامید پس من و رهنمای
عشاق هستی، تو نمونه عن و زاده آهنین و تعمیر
عالی هستی، تو توانستی با تمام مشکلات بدست
و نجه تم گش و ناممکنات را ممکن سازی، هستند
در بعضی هزاران نفر که میخواهند با ستارگان فنی
از نزدیک ملاقات نمایند و این برای شان امکان
پذیر نیست و تو بر علاوه اینکه از افغانستان
تالیا (پیدی) آمدی بعد از کدام حادثه
بود که مرا وادار کردی ترابه نزد خود بیدی - هر
صورت از این همه زحماتی که در راه من کشیده
ای باز همه اشعاری که برای من نوشته ای بیکار دیگر
ساز و دیگران خویش را در حضور همه این هنرمندان
دایرگروه، ژورنالیست ها و مدبران جراید بتو
تقدیم میدادم - امید رام بد پرته گردانم - در اخیر
گفتار و بیانیه مد هویلا در وقت از قسمت آخرین
کتاب را برای من چنین خواندم - یعنی بعد از ده هزار
بیست که سروده بودم - گفتم :

هو کن گریمن جسارت کرده ام
ازم در یک اشاعت کرده ام
نیست نهامشتری مفتون تو
گشته عالم غرق در آسوس تو
مد هویلا فوراً گفت : من غرق در آسوس تو
در اینجامد بر مسوول مجله کهنکشان گفتم :
(زمانیکه فردوسی کتاب مشهور شاهنامه را برای
سلطان محمود غزنوی بفرویش سلطان نوشت
سلطان غزنوی در بدل حریت یکدانه اشرفی برایش
بخشید یعنی در عوض شصت هزار بیت که سروده بود
شصت هزار طلیب اشرفی برای فردوسی داد - و او
درین اثنا طرف مد هویلا نظر انداخته خاموش
ماند - مد هویلا گفت : ((من قدرت برداخت
ده هزار طلا را با هم و این مبلغ را برای داکتر هلی
بفردا)) - من گفتم : ((قبول نمیکم - زیرا فقط یک
شکر تو برای من از ده هزار طلا بیشتر ازین دارد))
گفت : ((من میدانم و تو شکر موازیات ترا زده -
هزار طلا میدانی)) - مد هویلا همیشه مرا با هم
خدا میگرد و من هم او را مد هوی - و گاهی متاخرم
میکردم - محفل تا ساعت یازده شب دوام کرد - مجلس
اشی بود - همه نوع موزم در آن اشتراک داشتند
در وقت بدستن حسین و رقیب - بعد از صحبت
بموسیقی شروع و چند پارچه رقم محلی هندی
و سپس طعام شب - و بعد از آن هم محفل بی پایان رسید
همه معناتان خدا حافظی کردند و رفتند درین
وقت من منتظر بودم که چنگ که بلراج سها نی سرا
از تر بد بیرون کرده بگفت : ((بیا همراه من برویم
زیرا هتل محل رهائین تو از اجازت یاد دور است))
درین وقت مد هویلا مداخله کرده بگفت : ((بهتر
است علی شب همین جا ماند جا دارم)) - و من این را
از خدا میخواستم - و از هم بردا بعد از صرف ناشتبا
در کتابچه با دست خود نوشتم :
خداوندنا چه منزل بود شب جاییک من بودم
هر سورقم بسمل بود شب جاییک من بودم
بوی پیگر نگار سوز قدی لاله رخساری
سرا یا آنت د بود - شب جاییک من بودم
رقیبا گوش بر آواز او درناز من حیمران
سخن گفتن چه مشک بود شب جاییک من بودم
- به هر حال اکنون که ماد هویلا عزیز شما
جهان فانی را وداع گفته کنون عاشق کی استید ؟
من قیلا هم گفته ام که عذف شما از مطرح
نمودن این گونه سوالا بیرونا بودن جنجال
و مشکلات برای من است که میخواهید خصما - سرا
توسط کسی بی آب سازی - هر صورت جواب تان
را میدهم زیرا باشما وعده کرده ام که بسوالا تان
تان جواب گو باشم
پس گفتم :
ما من خداداندولی در شانه من بینم
که از سودای کیسوی کسی دیوانه خواهم شد
در پایان صحابه اگر سوالی دیگری داشته
باشید از شمارایی رحمت تان که با من این صحابه
را انجام دادید اظهار سپاس منبام - با تقدیم
یک راضی علامه اقبال :

در ارتب نامہ ہائے

درین ماه بازم از دوستان خود نامہ های بومحبت بدست آوردیم ، ما از نظریات و انتقادات آنان استفاده می کنیم ، تشکر از همه شما .

یاقین احمدی ، فرید احمدی ، برشنا نظری ، محمدعارف شمانی ، محمدشاه آشنا ، سلیم زادت برچی ، حمایت قیسی ، یلا شیم ، اسما زینت فرشته ، نسیمه میرگل ، خسرو محمد ظاهر عزیز ، محمدصابر رحیمی ، مسعود توخی ، حمیرا تننا ، فتح محمد فتاح ، سجیه آریائینی ، شمع حسن ، زرمینه دانش الهام الدین نعیمی سید فراخرفی ، دیاناویس فریا ویس خیرصافی ، احمد نوید ، احسان الدین ، تمیم صادق سیحیل فرولی ، محمد داود فرولی رحیمه معین

مریم دانش ، نظیفه بیروز مسل ، هوالطیف ، حیدر دانشجو عادلہ انور عزتی ، فلورا اتایی رویا مشعل ، صدیقہ فریبا سریزاده ، همایون ، سید محمود شرفی ، نیلہ فروغ ، رابعیہ ، دیبا اثر ، شرمیلا ازلیسه سوریا ، بریالی شرفی کارمند شوراب زریز حسینا غزال ، رابعیہ ربایسی محمد مصطفی مستور ، مسعود توخی ، لیلما عمراخین ، فرید فرولی ، سونیا اسلمیار ، زهره بول ، فرزانه سیدالی ، شکریدہ نادیه رضایی ، ناجیہ ، ختابہ نور ، احمد شکیب ، عبدالرشید و حیدر الله ، احمد فرید سرباز صاف احمدی ، روشانه ، نظیفه ابراهیمی محمد نذیر شکیب انسر ، روحانه اعلیاری ، خالی مومند ، فرزانه

عطیہ ، رشیدہ ، فرزانه ، شکریدہ ، حنین ظفری ، عبدالوہاب راسخ ، هنگامہ ، رابعیہ راح ، جمیلہ کوهستانی ، فائزہ یادگار محمد آصف مراد ، گل آفا راعب کرام الدین نیاسی ، فوزیہ نوایی عوث اللہ ہمدرد ، سید قاسم سعیدزادہ ، مسرورہ دوریش محمد زیار وزیری ، رابعیہ وفا ، فاطمہ ، رقی اللہ فدایی ، ژولیا ، بهار اکبرزادہ ، فائزہ مارینا عبدالمجید یزدان برست گل علی نعیم ، نصرت اللہ فریدہ نیلاب ، فریدون خرم سید احمد شاه حسینی ، کشکشا عبد الخالی تقی ، بهرام علی خالدہ شعب ، محمد آصف فاطمہ ، فائزہ شهاب زرمینہ فقیر یار ، محمد سالم ، نجیہ امید ، الا اناعرفان ، عادلہ

اختر ، غلام عباس شاکری ، نقیصہ رحیمی ، محمد عارف تنہا ، مومند ، نوربہ میرزاد ، داکتر ملالی شریف محمد ظاهر خورشید ، نیاز محمد حمیدی ، خیال محمد عبیدی ، ماریا ، شکیبا نیلہ انور ، مارینا خوشه چین احمد شکیب کوهستانی سید امید کوهستانی ، نادیه یوسف زری ، غلام داود محمد یار سعیرا اثریفتلی ، محمد داود سید امرالہ ، اصغر یق یار امید ، فیز محمد متین ، لیلیا سعادت خیال محمد حمیدی ، فاطمہ نورزاد ، مارینا انورونی احمد شکیب ، سید اسد اللہ نقشبندی ، محمد داود حساس ، سید موسی عباسی ، احمد سیاہ صبیح سرباز خاندونی و امنیت دولتی سروان

وسید نجیب اللہ عاشق محمد امام حزین محصل سال چهارم پوهنخی فارسی بوختون کاب .

دوستان خوب از کسارت ارسال تان تشکر و توفیق مرید شما را تمنایم .

رضوان ساحلی از مراد شریف ، چهار نامہ تان سر بہ سر رسید ، گپ های تان قبول ، اما باید بداند کہ در میان مطالب سیاسی ہم چیزهای دلچسپ وجود دارد .

عبد الاحد ثابت ، معلم میشود شما ہم آدم بزرگاری هستید لطفاً اگر تون خبرنگاری دارید یا خلیلی حکیمزادہ از ولایت هلمند ، کامیابی بیشتر نصیب تان ، چرانسی ان ما ہم میخواهد سیارون را اول بہ شما بفروسم ، حتماً در نظر دارم کہ بہ ولایات محلہ برسانیم .

مؤد و فیشن یا سرنوشت مین

شمر علی شمس محصل انستیتوت طب علی نامہ بی این مطلب را بہ ما نوشته و صفا تذکر داده اند کہ اگر چاپ نشود همکاری ام را قطع می نمایم .

((بہ سرنوشت مین خویش می اندیش))

چہ زیباست تا جوانان ما کہ آیندہ سازان کشور خویش اند بہ جای آنکہ در انتخاب رنگہای سرخ و سبز لباس های بد روز دقت میشوند بہ چهاران خزان زدہ مین شان ببندیشند زیرا مردم از او شان تقاضای خدمت را دارند و نمی خواهند در نزد دشمنان اشک السود شان قامت آراستہ بہ لباسهای خلاف فرهنگ ملی شان جلوه نمایند اگر صفحہات پسران و دختران مجله سیارون را دقت شویم حرفی ہم از احساس جوانان در برابر اجتماع و مردم شان نخواہیم یافت بلکہ فقط مود ہا را می بیند و رنگہا را برمی گرداند . اگر این صفحہات را از مجله جدا ساختہ و کلکسیون نمایم فکر میکنم کرد آورده های بہترین را ہم می درگوشی رنگہا در جہان مود و فیشن خواهد بود و ذوق های گوناگون جوانان ما با شک های گرسنہ و در انتظار تان سر مشق ہمہ ذوقها محسوب خواهد گشت .

سرسیزی و شوگوانی مین بہ تلائز جوانان متعلق است نہ بہ بیبیرایہ گوناگون آنها . و من فقط بہ سرنوشت مردم و جامعه خویش می اندیشم و از ذوق های کود کانه و نابہ هنگام امتناع میوزیم زیرا این دقت (بہ مود و فیشن) بہ یک پژوهندہ علم و معرفت زیندہ نیست .

(براد عزیز ! درین صفحہات خلاف نظر شما مسائل اجتماعی نیز مطرح شدہ و ہتازہ اینکہ نمیتوان ذوق و زیبایی را از جوانان گرفت حتی در شرایط جنگ چہ انسان نیازهای دارد کہ باید انرا در نظر گرفت)

پایسج های کوتاہ

محمد نعیم ولی عزیز اولی محصل در بلغاریا !

براد عزیز وقتی ازین راه دور نامہ می فرستید لطفاً از بهترین مطبوعات بلغاریا چیزی ارسال

کنید ، نہ از دیوان های کہ فراوانتر است .

احمد جاوید مجید بخشیریی نامہ تان رسید اما چرا اینقدر گلہ و گداری ہنکاری تان را بدین مشورم بہ ما نامہ بنویسید .

از نظریات شما تشکر

دوست گرامی احمد اللہ داغ از تبرکند ، سلام ہا ہا ما ہم بدینا تشکر و نظریات شمارہ مجلہ سباز مود توجہ ما را از گرفتہ تشکر از دوستانی چون شما کہ با صریحت تان ما را یارین میرسانید ، مود شمارہ غار یک تاشتم تان مواردی است کہ وقت آن گذشتہ و اما در بارہ شعر جوانان حرف تان میتواند تأثیر بدین باشد .

چاپ شمارہ اول کارمکن ہم نیست و ہم است ولی از لحاظ زمانی برای چاپ دوبارہ آن فرصت نداریم ، ما کہ نشر نشدن نام آہنگ سازان کھدات را بدین روش و تلویزیون مانیت چیز است مربوط بہ خود آنها اما نشر است و کجا اما نظر اداری مجلہ ما نیست کہ بفرماید ما خبر نمی ہر اواز خوان نام آہنگ ساز تشکر یاد نمود از شما تشکر .

بہ ما در تماس شوید

براد عزیز برشنا در نظریات شمارہ مود در استان بازگور سرگردان در نامہ ارسال تان خواندم . تشکر از توجہ تان اما مود این کہ در استان مذکور از استان دیگری تحت عنوان بازگور در نوشتہ الیور گولسد اسمیت چاپ شمارہ سم سال ۱۳۴۹ مجلہ سخن کابی شدہ برای قابل تا مل است . اگر چنین چیزی واقعیت دارد لطفاً شمارہ متذکرہ مجلہ سخن را بہ دقتیر محلہ بیازید ، از همکاری شما صمیمانہ سپاسگزاریم .

پایسج تان را بخوائید

بعد از عمر سلام خدمت تان باید عرض کنیم کہ جوانان ما چرا در برنامه های مختلف را بدین تلویزیون ہمچنان در مجلات نامہ ما ارسال میکنند . اگر منظور اینست کہ باید این مطلب یا آن مطلب در ایسن یا آن برنامه بہ نشر برسد ، تعیہ کنندہ گان برنامه مطالب آنرا نیز تعیہ میکنند ، چرا جوانان اینقدر نامہ ما ارسال میکنند .

با ارسال کردن یک یا چند نامہ

باید گفتہ و رزند جوانان دیگر کنورما بلا بہ این فکر نیستند کہ باید بہ رادیو تلویزیون نامہ ہا ارسال بکنند ، جوانان کشیر ما خود را از طریق رادیو و تلویزیون بشنوند و در مجلات نام شان بہ چاپ برسد .

تعیہ کنندہ گان برنامه ہا ، برنامه ما را بہ مردم تعیہ میکنند و مردم ما نمیتوانند بدون ارسال کردن نامہ ہا بہ برنامه واقعیت بکنند ، و بشنوند .

این دیگر فقط یک مصرف اضافی است ، ہم وقت خود را تلف میسازند و ہم وقت مسؤولین برنامه ما را .

امید دارم نامہ ما را سرتابا بہ نشر رسانید کہ جوانان ما در این بارہ چہ میگویند .

فوزیہ و صادقہ فارغ التحصیل لیسہ عالی مدرسیم .

خوانندہ گرامی ! ارسال نامہ بہ مجلات و برنامہ های رادیو تلویزیون در ہمہ کشورہا بہ عمل است آنچه کہ درین نامہ ما آورده شدہ در انتقادات و نظریات خوانندہ و شنوندہ ہاست ، ارسال مطلب یک امر حقی است .

مطالب ارسالی شما

نقش ناخنها در تشخیص کرکتر

دانشمندان اخلاق انسانها را ازبانه چشم وموي سرودست بالاخره ازندان واندام ورخی دیگرکردارعمل تشخیص واززیبی نموده اند ویکش از دانشمندان اخلاق اشخاص را از روی ناخن تشخیص نموده .

۱- اشخاصیکه روی ناخن دست های شان نقطه هایی سفید است به جنس لطیف (زن) علاقه مند اند ولی این علاقه مندی زودگذر بوده ازیک زن دلسرد شده وبه زن دیگری علاقه گرفته دل می بندند .

۲- اشخاصی که دارای ناخن کوتاه میباشند ، انسان هایی بزرگ باره ، متحن ورهیزگرگالی میباشند ودر مقابل مفاصل ومضکلا حوصله فراوان دارند .

۳- کسانی که ناخن طویل ونوک تیزطبیعی دارند ، دارای خطوط زیاد ومسایب باشد برای تعلیم وترتیب ومعلمی مساعده ومعلمی برکاروشایسته معرفی گردیده اند .

۴- کسانی که ناخن بیضوی ((گرد)) وصاف وشفاف دارند مردمان برحوصله ، آرام وصلح دوست وصلح هستند .

۵- ناخن دست راست انده که کم رشد وکم باشد معمولا اشخاص شکم پرست وبرسرف هستند وبالاخره همه اروزند ار خود را به شکم صرف کرده . ودر بساط چیزی نمی گذارند .

۶- کسانی که دارای ناخن فرمزی رنگ وروشن هستند مردمان مهربان ، خوب قلب خوش مشرب ، شیرین کلام ودوست داشتنی هستند .

۷- بالاخره انهایی که در موقع ناخن گرفتن ناخن های خون را به یک اندازه معین ((مساوی)) به دقت می چینند انسانهای باعزم سریع وثابت قدم به شمار میروند .

روشنه ((زین)) ازگوزن کابل سنتر

زبان پوستر

چطور از طرز چسباندن - پوستر بر روی بایکت از دورن - فرستنده آگاه شوم ؟

۱- پوستری که راست چسبانیده شده باشد ، مفهومش این است ((فکر سوار لم بیرون است))

۲- چنانچه پوستر قدردی متقابل به سمت راست باشد مقصدش این است ((بمن اطمینان داشته باش))

۳- چنانچه پوستر را افقی ودر بجانب چپ چسبانیده ، مفهومش این است ((دیوانه وار ترامیرستم))

۴- اگر سر پوستر قدردی متقابل به سمت چپ باشد مفهومش این است ((ترا دوست میدارم))

۵- اگر پوستر بطور معکوس ومتقابل بر است چسبانیده ، مفهومش این است ((دیگر ترا دوست ندانم))

ارسانی : حلیه

نگته ها

۱- کم دانستن ویراگفتن مانند پول نداشتن ویزاد خیرج کردن است .

۲- مانند مرد عمل ، عمل کن ومانند مرد فکر بینه پیش .

۳- جدیت وشتکار آدمی را بفضه نزدیک میکند .

۴- از نیکی چارمغز توان دانست که بی مغز است .

۵- خوشبخت ترین مرد کسی است که برای تضایق دیگران ارزش قائل شود واز شادی دیگران انقدر رشاد میشود که گویی ایسن شادی مربوط به خود اوست !

۶- در جمع آوری دوستان وهمچنان در دوری از انسان حمله کن !

فرستنده شریف نورین

مستوره محبت نامری (استعداد تاز ، راد ریخشهای دیگر هنر تجربه کید تنها نامری بینه نیست) بلقیس احمدی از بوهنی علم طبیعی (بیسی از گردید) تان :

رنگی ز صفا نیست درین خانه خدایا
برخیزم از خانه به میخانه گرمزم
سایره شکیب از ولایت جوزجان (بارجه کردن حملات و مصراع وار نوشتن شعر نیست) از شعرا ی متقدم زیاد تر شعر خوانید . (۰) شکلا ازلیسه " آنه " فدوی (خوب است اگر بجای شعر داستان نویسی رایبته کنید . (۰) احمد شاه کامکار از ولایت جوزجان یکی از دو بیته های تان با کمی تصرف :
الله یار جان بگیرم اصل نامست
کبوتری میگردم به با مست
اگر یکبار بگویی یار شیرین
شوم ندقه همونوک زیانت
(نام) و (بام) با (زبان) قافیه نمیشود . حالات فعل بی جهت از حال پاینده تغییر میکند - مصراع سوم نیز زیاد است . (۰)
خالده خرم اقل " مهم :

استعداد خوب شعری دارید ، مگر در استعمال کلمات دقت نموده قوامد سنتی شعرا بیشتر آشنا شهد " بندری از سروده " تان را با کمی دستکاری چاپ کردیم :
خواهراتم بگذرید از مد تو
مد تو ارقش ندارد یک دو جو
تو مکن تقلید از هر بیگانگان
ابروی خود همیزان رایگمان
کی توامد خوب و نهیامکند
بسل تو این کار رسوا همکند

هنزه نوین از نوسوالی بلخمری :
دوستی های که به نام ((تک بیته)) فرستاده بودید رسید در نقل آثار هنری دقت کنید .
سفوکودی به شهر دور دستی
دل نازکتر از جام شکستی
بهارتوک وناکن ((بیوه)) چنان
به هر آیین وهر مذهب که هستی
ترک وفا نادرست است باید ترک چفا باشد .

لیدا نارام ازب . اقتصاد :
((نارام)) راه منظر که مانوشتم بنهسید ، منتظر آفیده های خوب تان هستم .

عبدالرزاق حسن یا مازت ختمک ساختمانی :
برادر عزیزه اوقات بیکارن را کارکند و نه شعری راکه به مجله می فرستید بنهسید از کت ؟ از شما هاکن دیگر ؟

ملالی محبت : نامه ات رسید ، مگر شعر ازکی بود ؟
فرده احمد فاعل : رابعه بلخی : شعر ((در خیال)) شما گامستی های فراوان دارد .
جستن معشوق از طرف شام و در شعری ، ((سنی)) نه خواهد ، همینطور رسم است . در قسمت شعری می توانید از کاتبین ادبی نهسندگان جوان رهنمای شهد فرهاد حاجب ازل " خبیبه :
به املا وانشاتوجه کید بیته اشعرا تان :
دیشب که به خواب تو خیالات پتان بود .
در کلبه " فزده گان اه و خغان بود .

ماریا رحیمی ازلیسه دوستی (خواهر عزیز ، دیوان حافظ را که مامم دارم) . نوبه عطا (تجربه تان را در شعرهای بیوزن توسعه بخشید ، استعداد خوب دارید) . سمیرا نجیب سادات و خاطره های بیوزن بیزاد ازلیسه " مهم (دوستی تان قابل نشمر نیست) . عادل اخترازی از وزارت امور عودت کندگان (شعر انتخابی تان را گرفتیم یک بیت آن :
بی عشق ای طبیعتی نیست در جهان
تا بیره درد کمر نشناسی دوامکن)
سخن مراد مسکین امسرق " غ ولایت مزار شریف (شعرا تان گامستی های دارد با آنهم دوست آنرا نشمر کردیم استعداد تان را با مطالعه بیشتر پرورش - دهید :

کمون از حال زار من میرسید
که فرم دوستان در عالم خود
خراب یزار و حیران نمودی
بت شیرین ادا می از غم خود ()
شکیلا نور از بوهنی علم طبیعی یک بیت از شعر انتخابی تان :
ای قاسد آرزو نامه زد ل از ندراری
از هر تسلی زبانش سخنی ساز
لینا نارام ازلیسه آریانا (خواهر عزیز) ماد راد بیته دربی ژانری به نام طرح ندارم به املا دقت کنید)
اینهمه قبل بنام ازلیسه " مهم (دوست عزیز با شعر ارسالی تان زنده باشید :
ای صبا یا شهنه سالک از فلسفگی
از فراق نان سیلو جان ما بر لب رسید
برود یوار شورا این سخن باید نوشت
تا یکی این زهر تلخ جنگ تحمیلی شید ()
میروس نژاد ازلیسه انصاری (دستوزبان) و زن قافیه و دیگر معاییر شعری را با موزید " رباعی تان لغزشهای فراوان داشت) ، فرید احمد امید از مزار شریف (استعداد خوب دارید بیشتر زحمت بکشید آینه " روشن شمارا استقبال میکند ، دوست از نزل تان :
باز فصل باغ بوستان میرسد
لبیل دل در گلستان می رسد
سبز میگردد چمنزار امید
نوعوس باغ خندان می رسد

شکیلا پوهس از مزار شریف (طبع روان تان را روان تر میخوانیم سه بیت نزل تان با یاد داشت کوچک ما :
باز فصل نوهاران آمده
فصل شوق مند لیان آمده
باز گلگهای فریبا و قشنگ
سوی بوستان و گلستان آمده
من شکیلا خوانم هر دم این سرود
لبیل غیلم نزل خوان آمده

واژه بوستان در مصراع جام ثقیل است اگر ((بوستان)) بسازم این تقیعه رفع میگردد و مصراع پنجم را به خاطر ثقل واژه هر دم این طور سازید خوب است :
((هر زبان خواند شکیلا این سرود)) . آری از طب کابل (شعری در رسا وجود دارد ، فقط بیشتر زحمت بکشید و شعر مطالعه کنید . (۰) بارجه " ک ازلیسه رابعه " بلخی (حرفهای که به آریجان گامستی در مورد شما نیز صدق میکند) . تورن عبد - الصادق ((هارون)) از کینناری بگرامی (دوستی های تان را به برنامه های فولکلوری راد یو فرستید)
شکیلا نجیب ازلیسه آریانا (نامه تان با خشار چشم رسید یک بیت از گردید های تان :
چشم اگر این است ابرو این و ناز و شوه این
الوداع ای صبر و تقوی الوداع ای عقل و دین)

براسمه فال گزینیم

متولدین ماه حمل

موفقیت های شایانی پیش رو دارید ، اما دقت کنید که متکبر و خود خواه نشوید . از صحت تان مواظبت کنید . باد و ستان مهربانتر باشید . دیدار تازه در تنمیر سرنوشت شما نقش خواهد داشت .

متولدین ماه میزان

ملاحت ساختن دیگران برای برائت خود کارشایسته نیست . باید شهامت آنرا داشته باشید که خطاها و اشتباهات خود را ببینید و با پیشانی باز آنرا جبران کنید . کودکان عزیز می همسان خانواده تان میشوند . مجرد ها به ایجاد زنده گی مشترک تاجند روز دیگر آغاز می کنند .

متولدین ماه ثور

عهر شدن و خصمانیت بی مورد عمر شمارانیم می سازد . از مصروفیت و کار بیشتر همیشه لذت می برید و این نکته بی است که متوجه آن نشده اید . قضاوت هرگونه میباید شما همانطور زنده گی نمایید که استید ، ضرورتیست مطابق میل هر یک باشید .

متولدین ماه عقرب

ضعف بزرگ شما ، ضعف اراده تان است که نمیتوانید تصمیم عاقلانه بگیرید . دوری شما از خانواده و وطن کار نادرستی است . اعتماد شما نسبت به خانواده تان به جاست اما آنها بدون شما احساس کمبود مینمایند . مجرد ها دیدارهای خوبی در پیش دارند . دقت کنید انسان را با تمام ابعادش باید بشناسید .

متولدین ماه جوزا

امید هایی که برای خوشی و خوشبختی در خانواده بزرگ شما ایجاد شده به واقعیت می پیوندد . یکی از مسافران شما به زودی نزد شما می آید و دیدار تازه شما با یک عزیزم کرده برای تان بسیار پر لذت خواهد بود . فضای خانواده تان را همواره شما نگه دارید سعی نکنید آنرا وقت و ناوقت از دست کنید .

متولدین ماه قوس

بسیاری از عزیزان انتظار دارند تا شما با آنها مهربانتر باشید . کودکان بزرگ تان بیشتر به محبت نیاز دارد . کسانی که متاهل نیستند به فکر ایجاد خانواده میشوند ولی بهتر از مصارف اضافی صرف نظر نمایند . درس بزرگ زنده گی برای متولدین این ماه تحمل و شکیبایی است .

متولدین ماه سرطان

تصمیم شما برای تحمل دشواریها و مشکلات عاقلانه است . زنده گی باغم های پیش زینماست . دیدار تازه ای که دارید برای شما امید های جدیدی میدهد . بدبینی و کدورت را از خود دور کنید و با امید های بزرگ خانواده تان رانیز جرات بخشید . آرزوهای تان بر آورده میشود و انهم در همین روزها .

متولدین ماه جدی

خیالات بزرگی در سر دارید که با کار و پیگیری جدی میتوانید آنرا به واقعیت تبدیل سازید . هیچگاه با شاگردان تان رویه نادرست نکنید آنها به محبت و آموزش نیاز دارند اگر آنرا درست تربیت نکنید عذاب وجدانی بزرگی شمارا از پت مینماید .

متولدین ماه اسد

انتخاب دوست و یاور زنده گی تان کار معقول است . تشوشت روانی خود را دور سازید . خوبست که دل بسته گی های تان به کار زنده گی افزایش می یابد . بیشتر به فکر آموزش باشید . آنچه را که در رویاها تصویری کنید واقعیت خواهد یافت .

متولدین ماه دلو

یا حق و ناامیدی را از خود دور سازید . تصمیم برای دوست داشتن یک کسی عاقلانه است . یک دوست خوب میتواند یک ثروت هنگفت و عظیم باشد . قدر دوستی را دانستن ، قدر زنده گی را دانستن است .

متولدین ماه سنبله

سفری در پیش دارید که برای تان بر خاطره و جالب است . نامه های دوستان تان را بی پاسخ نماند . همسر تان را از خود دور سازید چون آریگانه پناه خود را در وجود شما می یابند .

متولدین ماه حوت

به صحت تان توجه داشته باشید . ورزش مصروفیت بسیار خوب برای تان خواهد بود . نگذارید کسی از شما بی جهت آزرده شود . دیدار عاشقانه بی در پیش دارید ، امیدوار باشید که بهخت باشماست .

تهدیدهای فضا

نزدیک بود که سیاره بزرگی با کره زمین تصادم نماید

بافتد . سیاره مارا بارچه بارچه ساخته چنان خاک و قیاری تولید میکند که ماها اتوسفیر را خواهد پوشاند و مانع رسیدن شعاع آفتاب خواهد گردید که در نتیجه یخبندان انسانها تلف خواهند شد و نباتات از زمین خواهند رفت . در باره جلوگیری از چنین حادثه منجمین نظر میدهند . یک راکت مجهز با کلاهک هسته ای میتواند چنین سیاره ای در حال تقرب را نشانه گرفته و پیش از آن ل شدن به جو زمین از بین ببرد . اما درین صورت نیز بارچه های سیاره به زمین خواهد ریخت . نظر بهتر آنکه در سال های ۱۹۸۰ آرایه شد میگوید به جای نابودی سیاره خونتر خواهد بود اگر مسیر آنرا توسط مواد منفجره انحراف دهیم .

ترجمه حسن نیر

بت خواهد کرد و یا با حرکت در لهره آفرین و تخریش اعصاب از نزدیکی زمین عبور خواهد نمود . حتی اگر سیاره اف سی ۱۹۸۹ به زمین نخورد سیاره مشابه بالاخره به آن اصابت خواهد کرد . سیاره های با عرض نیم میل در سیستم شمسی در حرکت اند و طور متوسط در هر ۱۰۰۰۰۰ سال داخل اتوسفیر زمین میشوند درین میان سیاره های بزرگتر به عرض پنج یاده میل وجود دارند که در هر ده میلیون سال یکصد میلیون سال به زمین اصابت میکنند که به تمامی سیاره ها خطر بزرگی را متوجه میسازد . همین سیاره ها به عقیده بسیاری دانشمندان ۶۵۰ میلیون سال پیش سبب نابودی حیوانات عظیم الجثه در روی زمین شدند به نظر عده ای از ستاره شناسان اگر این اجرام سماوی به زمین

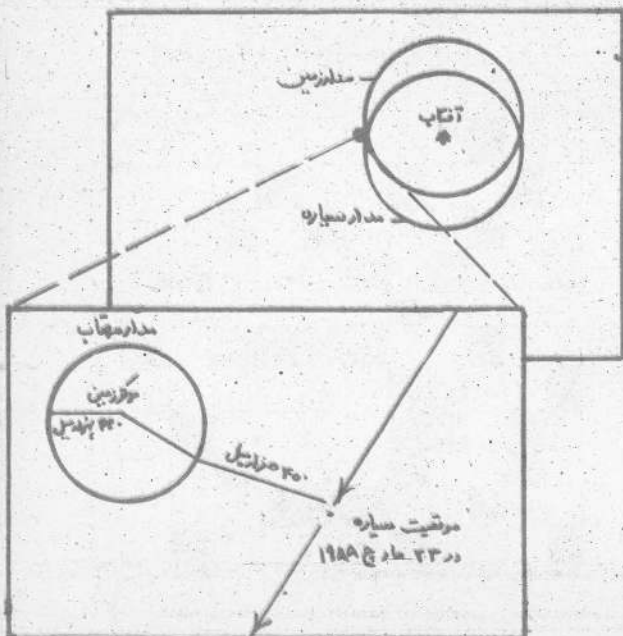
اریزونای شمالی کشف شد و ایسن درست اواسط مارچ بود که سیاره مذکور با مصونیت از زمین دور میشود . اقای هولت عکسهای این سیاره را که توسط یک تلسکوپ ۱۸ اینچ در رصدخانه بالامور در جنوب کالیفورنیای تهیه شده بود مطالعه کرد . گفته میشود عرض این سیاره شاید صد یاده بود باشد و اگر به همین پیمانه کوچک هم بوده باشد در صورتیکه با سرعت ۵۰۰۰۰ میل فی ساعت به زمین اصابت میکرد . حفره ای به بزرگی یک میل که چندین صد فوت عمق میداشت ایجاد میتوانست یعنی گودالی به همان وسعت که در حدود ۴۰۰۰۰ سال پیش در اریزونای شمالی توسط یک سیاره ایکه به زمین افتید بود به وجود آمده است . اما چنین حادثه ای اگر امروز اتفاق افتد کافی است که مرکز عمده برجستگیت رانا بود کند . ستاره شناسان میگویند اف سی ۱۹۸۹ بر خواهد گشت . مانند زمین که به دور آفتاب گردش میکند منتها به عوض ۳۶۵ روز ۳۸۰ روز را در مدار سیاره دریاه اپریل دوباره از نزدیکی زمین بگذرد غالباً در یک فاصله مصون تر قرار خواهد داشت . اما منجم بریان ماریسن از رصدخانه هاروارد سمت سونیان که بر مبنای تخمینات هولت محاسبات خود را آرایه داشته میگوید در صورتیکه محاسبات ما دقیق باشد این سیاره میتواند با زهم خطری به وجود آورد یا اینکه به زمین اصابت

شبه بیست و سوم مارچ (۳ حمل) کجا بودید . خارج از منزل . همراه بادستان یا مشغول تماشا برای برنامه های تلویزیون . به هر حال شما نمی دانستید که در همان لحظات در چند قدمی شما یک فاجعه قرار داشتید . شما ازین خطر آگاه نبودید . اما یک سیاره بزرگ به چنان فاصله نزدیکی از زمین به سرعت عبور کرد که در ۵۲ سال گذشته سابقه نداشته است .

اگر این صخره عظیم به زمین اصابت میکرد فاجعه ای مانند انفجار هزاران بم هایدروجن می آفرید و ملیونها انسان رانا بود میکرد و در صورتیکه این سنگ آسمانی به بحر می افتاد امواجی به بلندی صد مایتر ایجاد میکرد .

پیش ازینکه شمار زیاد به هراس بپفتید لازم است بفهمید که نزدیکترین فاصله این سیاره از زمین در حدود ۴۵۰۰۰۰ میل بود یعنی در حدود دو چند فاصله زمین با مهابت با انهم در شرایط و محاسبات کیهانی امکان اصابت این صخره زیاد بعید نبود . از سال ۱۹۲۲ به اینسو هیچ سیاره به این پیمانه با زمین نزدیک نبوده است . در آن سال یک سیاره کوچک به قطر تقریباً نیم میل از عین فاصله از نزدیکی زمین عبور کرد .

این سیاره جدید که مطابق سیستم نمره گذاری رسمی اتحادیه بین المللی نجومی اف سی ۱۹۸۹ نامیده میشود . نخست توسط پروفسور هنری هولت از یوهنتون



سپید بازی

سفید بازی را شروع می کند
و در سه (۳) حرکت مهره سیاه را
مات می کند .

سفید بازی را شروع می کند
و در دو (۲) حرکت سیاه رامات
می کند .

جدول ضرب المثلها

عمودی :

- ۱- نقر - لباس خر
- ۲- معکوس ان قوت است - جور برانگنده - بوی نیست
- ۳- غم نداری انرا بخس - قوغی کمر - دزدی بی پای - معکوس ان اواز خر
- ۴- ان بود برکتش نی - ی خ س
- ۵- ... حول بالله - نوشید نیست - بدون ان غذا لذتی ندارد
- ۶- مزین به در کس به انگشت که نزنده ... معکوس ان شکایت

- ۷- پروا (اصطلاحی)
- ۸- تکه ناکاره (اصطلاحی) نفس اصطلاحی - کاری کن که نی ان بسوزد نی کباب
- ۹- یکی اواز صاف و رسا دارد و دیگری ... دارد - زیر بوریا
- ۱۰- جنگ ... سر ... عدد شروع جدول
- ۱۱- بایش رابسته کن همسایه ات را زد نگیر - استم - همان خوک و همان ...

پرسش ها

انقی :

- مادرومی گویند :
- ۷- مار از ان بدش بدم غارش سبزی می کند . زورش به ان نمی رسد پیالانش می زند
 - ۸- زمستان زفت روسیاهی به ان مانده
 - ۹- شق (اصطلاحی) - هرجا انست دریای لنگ است - خشک بی سر
 - ۱۰- معکوس ان روشنی (پینتو) - شراب - نخستین عدد
 - ۱۱- قطی ارمعروف است - وقتی ازت اند تروان با هم می سوزد

- ۱- نام همین جدول ان را خدا کریم است
- ۲- می گویند ... بد برادر ندارد - ... مردان دیر پخته می شود
- ۳- تاك - برای ادم تبیل می گویند که ... تخی است - شل بی پای
- ۴- بوج های بلند - پدر پدر کلان
- ۵- دنیا را آب بگیرد اورا تانید بایش است - بالق لق سگ مردار نمی شود
- ۶- کوزه شراب - عربها

چقدر پول دارند

سه دختر قرار گذاشتند که سینما بروند هر کس باید می گفت که چند انگانی با خود دارد . شکیبا گفت : من انقدر بیسه دارم که اگر با پول ماریا، $\frac{1}{3}$ پول شعلانی جمع شود . ماریا گفت : من انقدر پول دارم که اگر با پول شعلانی، $\frac{1}{3}$ پول شکیبا نیز جمع شود . شعلانی گفت : من ده انگانی دارم ولی با این ده انگانی $\frac{1}{3}$ پول ماریا را نیز جمع کنید . حال شما گویید هر کدام انها چه اندازه پول با خود دارند

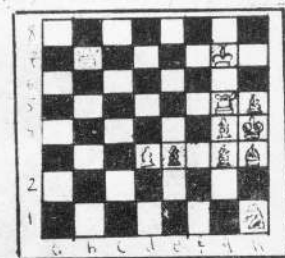
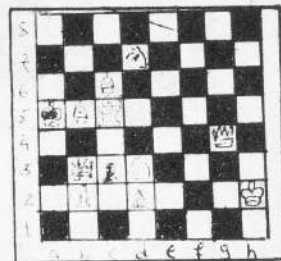
مخاسبه کنید

می گویند که عمر اسپ رابه اساس دند انها پیش تعیین میکنند ولی بیایید ما و تمام رینجا قابلیت ریاضی خود را یکار بینه ازیم . ان اسپ چند سان عمر دارد در حالیکه $\frac{1}{2}$ (یک بر دو) است

جدول ضرب المثلها

	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱											
۲											
۳											
۴											
۵											
۶											
۷											
۸											
۹											
۱۰											
۱۱											

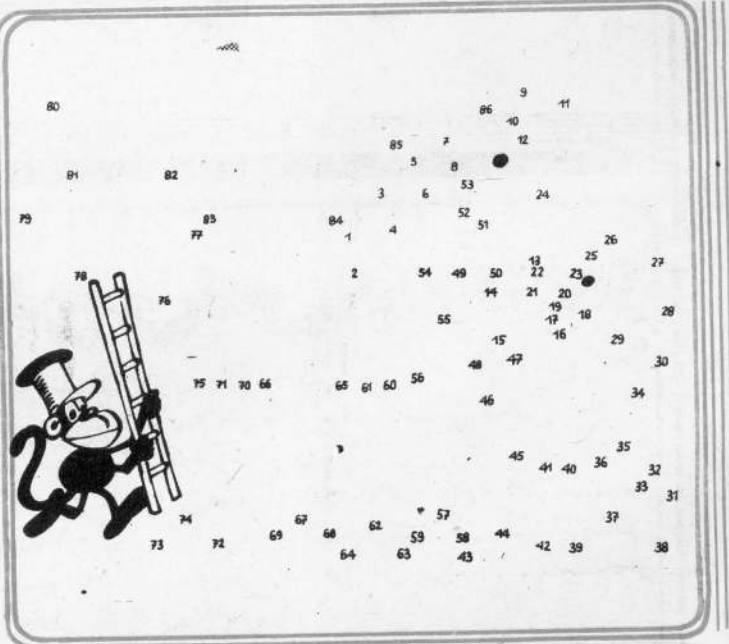
سرگرمی‌ها



پیش ادبی

حل کنید جایز بگید

برای اطفال



اگر میخواهید بدانید که برای زینه چه صورت است عدد را به ترتیب با هم وصل نمایید

درین شماره مجله ما پرسش های ادبی را مطرح می سازیم؛ دستداران مجله بخصوص علاقمندان عرصه ادبیات فرصت دارند تا یکی دو ماه درین مورد مطالعه نموده و سپس پاسخ های ما را ارسال بدارند. البته ما جایزه های عالی برای آنها در نظر داریم. میتوانید پاسخ هارابه زبان های دری و پشتو ارسال نمایید.

۱- مولانا جلال الدین بلخی کی بود و چند اثر ادبی از او جامانده است.

۲- سنایی چگونه شاعری بود و چند دیوان شعر دارد.

۳- کتاب فیه مافیه یک ارزیابی و نتیجه گیری کلی در یکی دو صفحه تهیه نمایید.

۴- فهرست نویسندگان معاصر افغانی را با نام آثار چاپ شده آنها آماده بسازید.

۵- شهادت نامه آثار یکتا از نویسندگان معاصر افغانی یک تحلیل و نقد صرف به حیث خواننده تهیه نموده بمانفرستید.

۶- آیا شهادت نامه نویسندگان قبایل آزاد معلومات داریند؟ لطفاً درین باره بمانویسید.

۷- آثار رحمن بابا و خوشحال خان خټک کدام هاست؟

۸- دوره های ادبیات را در افغانستان چگونه مطالعه نموده اید؟ درن خود را ازین دوره ها بنویسید.

۹- چه وقت وضع ادبی در کشور ما درخشندگی بیشتری داشت؟

صحنه گان

دینی الله عمرخیلی، فریده امید بلقیس احمدی، مریم دانستن، امیلا لطیف وردک، جاوید احمد زکی، محمد وکیل نایب، مسعوده توخی، احمد نوید وردک نورجان ضیایی عادله انورعزتی، شمیم حسن حمید، انیس نایل انزهرا تفتح محمد فتاح، سلم دانستن لیلما کاروز، خواجه ابراهیم نادره سیما، فرزبان جویان سیدعزت الله مجید، سوما فران فاطمه شریف، نادیه، معروفه درویش، سیدعزت الله مجید، گل علی فقیه فدایی، محمد فریدون خن، گل علی فهیم، سید احمد شاه حسینی، نصرت الله صحت، سید امرالله ناچه شکره انور، محمد عمرعزیز عبدالوهاب راسخ، وحید الله ابراهیمی، وحید الله حبیبی، رانیه رحمانی، محمد مصطفی شرمیلا شریفی، فاطمه یادگار سونیا اسمعیار، مرخیمه محمودزاده احمد شکیب کوهستانی، صادق احمدی.

به اساس فرقه محمد وکیل نایب و فریده امید، مستحق جایزه شناخته شدند.

قابل توجه هوپطان!

فرقه کئی جایزه بوت های فروشگاه بزرگ افغان به تاریخ ۱۸ سرطان صورت می پذیرد.

ادرس اعلان شرکت ترانزیتی صفحه عقب را چنین تصحیح نماید:

ادرس: شعرنو مقابل پارک سړک نمبر (۷) مارکیت جاده عقب زین ننداری
نمبر تېلفون (۳۰۲۶۲)

شرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی هرات



**باشرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی
هرات در تماس شوید و مشکلات
تان را به سهولت حل سازید**

آدرس: شهر نو مقابله پارک نمبر ہفت مارکیٹ

هوس تیس HOSTESS

یک نام آشنا برای خانواده ها .
صابون ، شامپو ، جلائی موی و مواد ظرفشویی هوس
برای هروقت برای هرکس برای هر جا .
این اجناس را طور عمده از جاوید لعد ، کوچی مارکیٹ
نعلینده کی ان در کوچی مارکیٹ دکان موہن لعل و ہمد کانہائی
شہر ولایات بدست اورید . همچنان این شرکت صابون ضد بخار
(DM4) را تازه وارد نموده است .

نیازمند ان عجلہ نمایند :
تلفونہما (۲۰۰۰۱ - ۲۲۶۲۹)

وحید اللہ پلاستیک

وحید اللہ پلاستیک ہر نوع اسناد و کارت های شمارا توسط
ماشین بوش می کند . همچنان قرطاسیہ مورد ضرورت د و ایسر
و طلاب معارف را بہ قیمت نازل تقدیم میدارد .

آدرس: میر پور میڈیشن مقابلہ تانکہ تیس

فروشگاه ارزان

آدرس: شمس‌نو مقابل زینب نداری



ارزینام تازه ترین
اجناس مورد
نیازتان استقاده
نمایید ارزان و به
مفادیتما

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی مجلات و سایر جراید کشور را به سترس شما قرار میدهد همچنان هر نوع قرطاسیه مورد ضرورت دوايروطلاب معارف را به قیمت نازل تقدیم میدارد.
قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی توسط ماشین بصری اسناد و کارت دست داشته شمارا بونس میکند.

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی چوک میرو سیر میدان نماینده کسب در چوک جاده میوه متصدت جسر افغان

صنایع ملی را تقویه نمایید

فروشگاه

بزرگ افغانان

بزرگترین مارکیت فروش بوتها ساخت وطن

۱۰ هزار افغانی جایزه

فقط با خرید یک جوره بوت

و بار هم

۵۰ هزار ۲۰ هزار ۱۰ هزار

افغانی جایزه نقدی

صرف با خرید یک جوره بوت

بوتهای ساخت وطن با بوتهای خارجی رقابت میکنند
بخرید و امتحان کنید

مشتریان محترم بله های خرید را نگهداری کنید و
در روز قرعه کشی که بعداً اعلان میگردد آنرا با خود داشته باشید



بزرگترین فروشگاه همیشه در خدمت شماست
فدای خوب قیمت مناسب

کتابخانه دیجیتال

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**